

## فصلنامه گنجینه اسناد

سال سی و سوم، دفتر اول، بهار ۱۴۰۲

شماره پیاپی ۱۲۹

شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸



فصلنامه تحقیقات تاریخی طبق آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره  
و مطالعات آرشیوی ۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.

صاحب‌امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد  
مدیرمسئول: دکتر غلامرضا عزیزی [greazizi@gmail.com](mailto:greazizi@gmail.com)

سردبیر: دکتر سعید رضائی شریف‌آبادی [srezaei@alzahra.ac.ir](mailto:srezaei@alzahra.ac.ir)

### هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف‌آبادی، استاد دانشگاه الزهراء / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، استاد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
پژوهشکده اسناد

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات‌بیدگلی [m.sadat@yahoo.com](mailto:m.sadat@yahoo.com)

مترجم: دکتر ساناز باغستانی

ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

صفحه‌آرا: مرتضی میرزائی

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات‌بیدگلی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه هفتم.

صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۸۱۶۲۵۵۵۴

وبگاه: [ganjineh.nlai.ir](http://ganjineh.nlai.ir)

پیام‌نگار: [ganjinehasnad@gmail.com](mailto:ganjinehasnad@gmail.com)

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۳۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.

[www.ISC.gov.ir](http://www.ISC.gov.ir) | [www.sid.ir](http://www.sid.ir) | [www.ricest.ac.ir](http://www.ricest.ac.ir) | [www.researchgate.net](http://www.researchgate.net) | [Scholar.google.com](http://Scholar.google.com)



## فهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۲۳، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۲

شماره پیاپی ۱۲۹

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

### تحقیقات تاریخی

اتباع عثمانی ولایت مکرری و تقابل شه‌بندر خانه عثمانی و کارگزاری امور خارجه ایران در ساوج بلاغ مکرری در

۶-۳۱(۲۶)

دوره قاجار (از اواسط قرن سیزدهم هجری تا پایان دوره قاجار) / حسین رسولی، کامران ثنایی

۳۲-۵۵(۲۶)

بررسی تاریخ تکوین جنگل تخت جمشید از ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۰ / مهدی طاهری

۵۶-۷۶(۲۱)

تأملی در پیوند منصب «توآچی» و «جارچی» / یزدان فرخی

نقش بریتانیا در سرنوشت سیاسی ظل‌السلطان پس از خروجش از ایران (۱۳۲۶-۱۳۳۴ق) براساس اسناد

۷۸-۱۱۵(۳۸)

وزارت امور خارجه بریتانیا / سیدمسعود سیدبنکدار، معصومه پژوهش‌نیا

### مطالعات آرشیوی

بررسی وضعیت فعلی تنظیم و توصیف اسناد و عرضه خدمات آرشیوی در آرشیو ملی ایران / رضا

۱۱۶-۱۳۲(۱۷)

شهرابی فراهانی، فهیمه باب‌الحوادثی، نجلا حریری، فاطمه نوشین‌فرد

میزان مطابقت عناصر توصیف اسناد در آرشیوهای اسناد تاریخی ایران با استاندارد ملی توصیف

۱۳۴-۱۷۴(۴۱)

آرشیوی / رضا فراستی، محمد خندان، محمدرضا وصفی

۱۷۶-۱۸۰(۵)

نمایه سال ۱۴۰۱ فصلنامه گنجینه اسناد، سیدمحمود سادات‌بیدگلی

## ترباط بببببب مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

## ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

## ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
- کمام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- مُمّما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.
- ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مُمّمم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

## کوتنوشت‌ها



**Ottoman Citizens of Mukri Province and the Conflict  
Between Shahbandar Khaneh (Consulate) and the Foreign  
Affairs Agency of Savojbolagh Mukri in the Qajar Period  
(from the Middle of the Thirteenth Century  
AH to the End of the Qajar period)**

Hossein Rasoli<sup>1</sup> | Kamran sanaei<sup>2</sup>

**Abstract:**

**Purpose:** The purpose is to depict the place of Mukri province and its importance in Iran and the Ottoman Empire relations and investigate Ottoman consulate and the Foreign Ministry of Savojbolagh performance regarding citizenship and Ottoman citizens living in Mukryan.

**Method and Research Design:** Archival records were studied and analyzed using historical method in a descriptive and analytical way.

**Findings and Conclusions:** The political, military and economic importance of Mukri province (south of West Azerbaijan province) and the dispute between Iran and the Ottoman Empire over the ownership of some areas caused political conflict in the region during the Qajar period. The findings reveals that the problems related to the Ottoman citizens living in this province and also the efforts of the Ottoman government to change the citizenship of the people in that area were mostly due to border disputes and the Ottomans' attempt to annex part of the province to the Ottomans.

**Keywords:** Mukryan, Savojbolagh, Shahbandar Khaneh (Consulate), The Foreign Affairs Agency, Ottoman, Citizenship.

**Citation:** Rasouli, H., & Sanaei, K. (2023). Ottoman Citizens of Mukri Province and the Conflict Between Shahbandar Khaneh (Consulate) and the Foreign Affairs Agency of Savojbolagh Mukri in the Qajar Period (from the End of the Thirteenth Century AH to the End of the Qajar period). *Ganjine-ye Asnad*, 33(1), 6-31 | doi: 10.30484/ganj.2023.3048

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD in History of Iran in the Islamic period, University of Tabriz, Tabriz, Iran, (corresponding author) hosseinrasouli57@yahoo.com

2. MA in History of Iran in the Islamic period, Urmia University of Urmia, Iran kamransanaei@yahoo.com

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«129»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3048

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.1, Spring 2023 | pp: 6 - 31 (26) | Received: 8, Feb. 2022 | Accepted: 13, Apr. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

# اتباع عثمانی ولایت مکرری و تقابل شه‌بندرخانه عثمانی و کارگزاری امور خارجه ایران در ساوج‌بلاغ مکرری در دوره قاجار (از اواسط قرن سیزدهم هجری تا پایان دوره قاجار)

حسین رسولی<sup>۱</sup> | کامران ثنایی<sup>۲</sup>

چکیده:

**هدف:** تبیین جایگاه و اهمیت ولایت مکرری در روابط دو کشور ایران و عثمانی و بررسی عملکرد شه‌بندرخانه عثمانی و کارگزاری وزارت خارجه شهر ساوج‌بلاغ در زمینه تابعیت و اتباع عثمانی ساکن مکرران.

**روش / رویکرد پژوهش:** پژوهش حاضر به روش تاریخی با تکیه بر اسناد و مدارک آرشیوی و با رویکرد تحلیلی و توصیفی انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** اهمیت سیاسی، نظامی و اقتصادی ولایت مکرری (جنوب استان آذربایجان غربی) و اختلاف دو کشور ایران و عثمانی بر سر مالکیت برخی از مناطق آن باعث شد تا آن منطقه در دوره قاجار، عرصه تقابل سیاست‌های آن دو دولت باشد. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که مشکلات مرتبط با اتباع عثمانی ساکن این ولایت و هم‌چنین تلاش‌های دولت عثمانی برای تغییر تابعیت اهالی این منطقه بیشتر به دلیل منازعات مرزی و تلاش عثمانی‌ها برای الحاق قسمتی از خاک این ولایت به عثمانی بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** مکرران (مکرری)؛ ساوج‌بلاغ (ساوجبلاغ)؛ شه‌بندرخانه؛ کارگزاری وزارت خارجه ایران؛ عثمانی؛ تابعیت.

**استناد:** رسولی، حسین، ثنایی، کامران. (۱۴۰۲). اتباع عثمانی ولایت مکرری و تقابل شه‌بندرخانه عثمانی و کارگزاری امور خارجه ایران در ساوج‌بلاغ مکرری در دوره قاجار (از اواسط قرن سیزدهم هجری تا پایان دوره قاجار). *گنجینه اسناد*، ۳۳(۱)، ۶-۳۱ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۴۸

۱. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، (نویسنده مسئول)  
hosseinrasouli57@yahoo.com  
۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران  
kamransanaee@yahoo.com



گنجینه اسناد

۱۲۹

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳.۳۰۴۸

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۲ | صص: ۶-۳۱ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۴

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

سابقهٔ منازعات میان ایران و عثمانی به اوایل تشکیل دولت صفوی برمی‌گردد. از آن زمان به بعد عوامل بسیاری از جمله اختلافات ارضی، تضادهای ایدئولوژیک، بدرفتاری با اتباع دولت مقابل، مداخلات کشورهای بیگانه و... زمینهٔ بروز اختلاف و تنش در روابط دو کشور را فراهم می‌کرد. با تأسیس سلسلهٔ قاجار تغییرات چندانی در روند مناسبات ایران و عثمانی روی نداد. در آن دوران عامل اصلی اختلافات دو کشور اختلافات ارضی و مشخص‌نبودن مرزها بود. سکونت کردها در دو سوی مرز باعث شده بود تا جایگاه کردها در روابط دو کشور اهمیتی ویژه داشته باشد. در این بین ولایت مکرری یا مکریان به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش که در مرز دو کشور واقع شده بود و هم‌چنین سکونت عشایری که به دو طرف مرز رفت‌وآمد داشتند، همواره محل نزاع ایران و عثمانی بود. در این پژوهش تلاش شده‌است تا ضمن تبیین جایگاه و اهمیت ولایت مکرری برای دو کشور ایران و عثمانی، به چرایی و چگونگی تأسیس شه‌بندرخانهٔ عثمانی و کارگزاری وزارت خارجهٔ ایران در شهر ساوج‌بلاغ پرداخته شود و سپس عملکرد آن دو اداره در زمینهٔ اتباع و تابعیت بررسی شود.

**پیشینهٔ پژوهش:** هرچند در دهه‌های اخیر برخی از آثار از جمله «جنگ و دیپلماسی بر سر تقسیم کردستان» از صالح امین‌پور و «کوردستان و کیشهی سنوری عوسمانی، فارسی» از عبدالله نه‌جاتی و... به جایگاه کردها در روابط ایران و عثمانی پرداخته‌اند، ولی در آن آثار اشارهٔ چندانی به اتباع عثمانی ساکن ولایت مکرری و جایگاه این ولایت کردنشین در مناسبات دو کشور نشده‌است. در برخی از پژوهش‌ها از جمله در مقالهٔ «بررسی مسئلهٔ تغییر تابعیت اتباع ایران و عثمانی و واکنش دولت ایران به آن...» (دهقان‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵) هم تلاش شده‌است تا موضوع اتباع و تأثیر آن در روابط دو کشور بررسی شود؛ ولی با توجه به اینکه تعداد اتباع ایرانی ساکن عثمانی به مراتب بیشتر از اتباع عثمانی ساکن ایران بوده‌است در این آثار بیشتر به مسائل و مشکلات اتباع ایرانی ساکن عثمانی پرداخته شده و از مسائل مرتبط با اتباع عثمانی ساکن ایران غفلت شده‌است. لازم به ذکر است که عباس زارعی مهرورز در مقاله‌ای با عنوان «کارگزاری امور خارجه در کردستان در آغاز سدهٔ بیستم میلادی / چهاردهم قمری» تلاش کرده‌است تا عملکرد کارگزاری کردستان در زمینهٔ مسائلی چون تابعیت و رابطهٔ آن اداره با شه‌بندری عثمانی را بررسی کند؛ ولی در آن مقاله تنها به بررسی عملکرد کارگزاری سنندج اکتفا شده‌است و هیچ‌گونه مطلب خاصی مرتبط با اتباع عثمانی ساکن ولایت مکرری و کارگزاری و شه‌بندری ساوج‌بلاغ بیان نشده‌است. به همین دلایل موضوع پژوهش حاضر تازگی دارد و در آن تلاش شده‌است





تا با بررسی تحلیلی اسنادی که تاکنون کمتر مورد توجه و استفاده محققان قرار گرفته‌اند قسمت کوچکی از خلأ پژوهش در زمینه تاریخ مناطقی نظیر کردستان مکرری پر شود. منبع اصلی مقاله حاضر نیز اسناد باقی مانده از آن دوران موجود در اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ) و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) است که نقشی پررنگ در روشن ساختن تاریخ این منطقه دارند.

## ۲. موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی ولایت مکرری

ولایت مکرری به مرکزیت شهر ساوجبلاغ (مهاباد کنونی<sup>۱</sup>) یکی از ولایات کردنشین ایران واقع در جنوب دریایچه ارومیه بوده‌است. این ولایت را اواخر دوره آق‌قویونلوها (اواخر قرن نهم هجری) میرسیف‌الدین رئیس ایل مکرری تشکیل داد. این ولایت تا پایان دوره قاجار یکی از ولایات آذربایجان باقی ماند. سیف‌الدین مکرری ناحیه دریاس در جنوب دریایچه ارومیه را تصرف کرد و بقایای ایلات ترکمن را بیرون راند؛ سپس نواحی دولباریک (ملکان)، اختاچی (بوکان)، ایل تمور (ناحیه مابین سردشت و مهاباد) و سلدوز (نقده) را به دست آورد (بدلیسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۸). از آن دوران به بعد ناحیه جنوب دریایچه ارومیه به «ولایت مکرری» و «مکریان» یعنی محل اسکان ایل مکرری معروف شد. این ولایت در سده اول شکل‌گیری میرنشین بود و از رئیس آن به عنوان «میر» یاد می‌شد. ولایت مکرری در دوره‌های مختلف تحت تأثیر عواملی چون ضعف یا قدرت سران مکرری و هم‌چنین حکومت مرکزی ایران، سیاست ایل مکرری در اختلافات و جنگ‌های ایران و عثمانی و اتحاد و همکاری با یکی از طرفین و هم‌چنین روابطشان با ایلات همسایه دچار قبض و بسط سرزمین می‌شد و قسمت‌هایی به آن الحاق یا از آن جدا می‌شد. در دوره قاجار نواحی ساوجبلاغ، سردشت، بوکان، لاهیجان مکرری<sup>۲</sup> (پیران‌شهر)، اشنویه، سلدوز (نقده) و قسمت‌هایی از میان‌دوآب و سقز جزو این ولایت محسوب می‌شدند.

میرصارم پسر سیف‌الدین در اوایل قرن دهم هجری قلمرو ولایت مکرری را تا تکاب (ساروقورغان) گسترش داد و در مراغه با قزلباشان صفوی همسایه شد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۸۳). جانشینان او تا سال ۱۰۱۹ق/۱۶۱۰م بر مراغه حکمرانی کردند. در سال مذکور حملات شاه‌عباس اول به ولایت مکرری سبب شد تا مکرری‌ها به کلی از مراغه و دشت‌های جنوب دریایچه ارومیه بیرون رانده شوند؛ سپس ایل افشار به ناحیه اطراف دریایچه ارومیه مهاجرت کرد و بیشتر زمین‌های منطقه از ارومیه تا تکاب را در اختیار گرفت (ادیب‌الشعرا، ۱۳۴۶، صص ۴۸-۵۳). این عوامل سبب شد تا مناطق مراغه، گاودول، لیلان، صائین‌قلعه، تکاب، ترغه، سلدوز، میان‌دوآب و اختاچی از دست امرای مکرری خارج شود

۱. در دوره رضاشاه پهلوی و به دنبال تغییر اسامی غیرایرانی به ایرانی، نام شهر ساوجبلاغ مکرری به مهاباد تغییر یافت (سال ۱۳۱۴ ش).  
۲. لاهیجان مکرری: قبل از دوره پهلوی به منطقه پیران‌شهر فعلی «لاهیجان مکرری» می‌گفتند که در گویش محلی به آن «لاجان» گفته می‌شود. لاهیجان شامل نواحی وزنه، مرگان، نعلین منگور، کهنه‌لاهیجان (لاهیجان پیران) و لاهیجان نو (لاهیجان مامش) بود.



و تنها سرزمین‌های کوهستانی سردشت و ساوج‌بلاغ تحت اداره آنان بماند. روابط حسنه بوداق‌سلطان (حک، ۱۰۳۸ق-۱۱۰۱ق/۱۰۰۷ش-۱۰۶۸ش) با بیگلربیگی افشار در ارومیه و هم‌چنین حاکم آذربایجان در تبریز، سبب شد تا ایل مکرری به قسمتی از زمین‌های خود در اطراف دریاس، میان‌دوآب و سلدوز بازگردد. بوداق‌سلطان روستای ساوج‌بلاغ را مرکز حکمرانی خود قرار داد و آن را به شهری آباد و دانش‌پرور تبدیل کرد. از آن زمان تا پایان دوره قاجار این شهر به‌عنوان مرکز سیاسی و فرهنگی ولایت مکرری دارای اهمیت بود و حاکمان بعدی ولایت مکرری همواره در این شهر اقامت داشتند و از آن‌جا دیگر نواحی ولایت را اداره می‌کردند. با روی‌کارآمدن دولت پهلوی، ولایت مکرری ضمیمه استان آذربایجان شد و آنچه اکنون به‌صورت رسمی از ولایت مکرری باقی مانده‌است، دهستان‌های مکرریان شرقی، مکرریان غربی و مکرریان شمالی است که جزو دهستان‌های شهرستان مهاباد و میان‌دوآب هستند.

### ۳. اهمیت ولایت مکرری برای دولت‌های ایران و عثمانی

ولایت مکرری از جهات مختلفی برای دولت‌های ایران و عثمانی اهمیت داشت و تجارت و اقتصاد یکی از آن جهات بود. «ولایت کردستان مکرری از حیث ثروت و برکت یکی از خزاین روزافزون مملکت ایران» بود «که ریشه تجارت‌خانه‌های عمده داخلی و خارجه از آن‌جا آب می‌خورد. اقسام مال‌التجاره‌های حیوانی و نباتی و معدنی و صناعی که از این ولایت زرخیز برمی‌خاست، از قبیل حبوبات و حیوانات و توتون و مازو و گزانگبین و فرش و سجاده و غیره تا به اقصی بلاد عالم حمل می‌شد و در مقابل طلای خالص یا سایر امتعه تجارتنی داخل این خاک می‌گردید» (ساکما، ۲۹۶/۱۲۲۷۹، سند ۲ و ۳).

شهر ساوج‌بلاغ مرکز آن ولایت در نقطه تقاطع راه‌های تجاری شمال غرب کشور قرار داشت و از آن شهر راه‌هایی به سلیمانیه، موصل، تبریز، ارومیه و همدان امتداد داشت. در دوران ناصرالدین‌شاه با آرام‌ترشدن اوضاع آذربایجان و برقراری امنیت نسبی در آن منطقه، رفته‌رفته اهمیت تجاری شهر ساوج‌بلاغ نیز فزونی یافت؛ به‌گونه‌ای که عده‌ای از تجار ایرانی و عثمانی از شهرهایی چون همدان، نراق، اردبیل، تبریز، ارومیه، موصل، رواندوز، سلیمانیه، کرکوک و... در ساوج‌بلاغ اقامت داشتند (استادوخ، ۸۱-۲-۲۷-۱۳۱۳ق؛ ساکما، ۲۹۵/۷۶۹۵، سند ۲۱۰). اشتراکات زبانی و مذهبی کردهای ساکن قلمرو ایران و عثمانی باعث ازدیاد رفت‌وآمد و سکونت آن‌ها در مناطق کردنشین دو دولت شده بود؛ به‌همین دلیل در میان شهرهای ایران، ساوج‌بلاغ از نظر اسکان اتباع عثمانی از اهمیتی به‌سزا برخوردار شده بود.

۱. حک: حکومت کرد



وجود مناطق متنازع‌فیه در ولایت مکرری مسئله دیگری بود که به اهمیت آن منطقه برای دو کشور ایران و عثمانی افزوده بود. مذاکرات دو کشور برای تعیین دقیق مرزها - که از دوران محمدشاه قاجار آغاز شده بود - در زمان ناصرالدین شاه ادامه یافت. در همین راستا در طول سال‌های ۱۲۶۵-۱۲۷۱ق/۱۸۴۷-۱۸۵۵م نمایندگان چهار دولت ایران، عثمانی، روسیه و انگلیس از تمام نقاط مرزی دو کشور بازدید کردند. نمایندگان دو کشور روسیه و انگلیس ضمن گفت‌وگو با عشایر ساکن مرز و پرسیدن تابعیت آن‌ها، با بررسی دلایل و مستندات نمایندگان ایران و عثمانی نقاط دقیق مرزی را تعیین می‌کردند. از آنجاکه اقرار ساکنان نواحی مرزی به تابعیت یکی از دو کشور ایران یا عثمانی نقشی به‌سزا در تعیین خطوط مرزی داشت، مأموران دو کشور تلاش داشتند تا به هر شیوه ممکن عشایر ساکن مرزها را به تابعیت کشور خود درآورند و حتی در صورت لزوم از زور استفاده کنند. سفیر عثمانی در سال ۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م در نامه‌ای به وزارت خارجه ایران ضمن اشاره به اینکه «گماشتگان دولت ایران» ملاصالح کلکولی، وکیل شه‌بندر دولت عثمانی و هم‌چنین اتباع عثمانی ساکن «ساوج‌بلاغ و اشنی (اشنویه)» را «با عیال و اطفال آن‌ها در سر کوچه و بازار بسته‌اند» [و] به ضرب چوب نوشته از آن‌ها گرفته و می‌گیرند که ما تبعه دول خارجی نیستیم»، به این اقدام اعتراض کرده بود (استادوخ، ۱۲-۱۶-۶-۱۲۶۶ق). در سال ۱۲۶۸ق/۱۸۵۲م کمیسیون تحدید حدود از مرزهای ولایت مکرری بازدید کرد، از آنجاکه، در آن زمان نماینده دولت عثمانی بر بخشی از ولایت مکرری شامل سردشت، لاهیجان و اشنویه ادعای ارضی داشت، مناطق مذکور به صورت متنازع‌فیه باقی ماند و طبق نشست کمیسیون، تا مشخص شدن وضعیت این مناطق هیچ کدام از دو دولت حق نداشت تا از نیروی نظامی در این مناطق استفاده کند؛ مگر اینکه از دولت مقابل اجازه بگیرد (استادوخ، ۲۰-۱۷-۱۶-۱۳۲۳ق).

موضوع دیگری که اهمیت ساوج‌بلاغ را در نظر دولت عثمانی بیشتر کرد، قیام شیخ عبیدالله نه‌ری و حمزه‌آقای منگور در سال ۱۲۹۷ق/۱۸۸۰م بود. بر اثر این قیام قسمت اعظم ولایت مکرری ویران شد و شماری از ایلات ساکن آنجا از جمله ایل پیران و طایفه زودی از ایل منگور به علت نقش فعال در آن قیام، به مدت ۱۶ سال آواره شدند و ناصرالدین شاه زمین‌های این دو ایل را به ایل مامش و دیگر طوایف دولت‌خواه ایل منگور واگذار کرد (استادوخ، ۱۶-۷-۲۶-۱۳۱۳ق؛ ساکما، ۲۹۶/۲۱۲۶۷، سند ۱ و ۲). دولت ایران درخواست سران ایل پیران و طایفه زودی ایل منگور برای بازگشت به سکونتگاه‌های قبلی‌شان را نپذیرفت و این موضوع سبب شد تا این دو گروه از سال ۱۳۰۱ق/۱۸۸۴م به بعد هر ساله در موقع برداشت محصول به زمین‌های سابق خود برگردند و ضمن درگیری با ایلات رقیب، محصولات آن منطقه را آتش بزنند. مقابله با این حملات هزینه‌های هنگفتی را برای دولت



قاجار در پی داشت. از طرف دیگر رؤسای ایلات مذکور دولت عثمانی را تحریک کردند تا برای به دست آوردن مناطق متنازع‌فیه که شامل سکونتگاه‌های قبلی آن دو گروه نیز می‌شد، تلاش کند (ساکما، ۲۹۶/۲۱۵۷۴، سند ۴). دولت عثمانی نیز از تمایل ایل پیران و طایفه زودی ایل منگور به پذیرش تابعیت عثمانی استقبال کرد و در سال ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م زمان را برای از سرگیری مسئله تعیین حدود مناسب تشخیص داد و به دولت ایران اعلام کرد که هرچه زودتر در کمیسیون جدید برای تعیین حدود در نواحی وزنه، مرگان و لاهیجان، شرکت کند. حملات ایل پیران و طایفه زودی ایل منگور از یک طرف و سوءاستفاده دولت عثمانی از آواره شدن آن دو گروه به خاک عثمانی برای مالکیت بر مناطق متنازع‌فیه باعث شد تا مظفرالدین شاه در اولین سال سلطنت خویش با بازگشت ایل پیران و طایفه زودی ایل منگور موافقت کند تا گذشته از خلاصی یافتن از حملات این دو گروه، ادعای مالکیت دولت عثمانی بر مناطق موردنزاع هم سلب شود. در آن دوران شه‌بندری ساوج‌بلاغ نقشی فعال در این حوادث داشت.

#### ۴. تأسیس شه‌بندرخانه عثمانی در ساوج‌بلاغ

اقامت و رفت‌وآمد زیاد اتباع دو کشور ایران و عثمانی به قلمرو یکدیگر باعث شده بود تا آن دو کشور در عهدنامه‌های فی‌مابین به موضوع اتباع و تابعیت توجهی ویژه داشته باشند. در همین راستا دو دولت در عهدنامه ارزنة‌الروم دوم موافقت کردند تا برای فراهم کردن اسباب آسایش اتباع یکدیگر علاوه بر سفیر مقیم در دربار، در شهرهای مختلف هم کنسول داشته باشند (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی...، ج ۱، ۱۳۶۹، ص ۴۸۱). پس از این عهدنامه دو کشور تلاش کردند تا در شهرهایی که تعداد زیادی از اتباعشان سکونت داشت کنسول‌گری دایر کنند.

همچنان‌که اشاره شد، سکونت و رفت‌وآمد تعداد زیادی از اتباع عثمانی به شهر ساوج‌بلاغ و همچنین مناقشات مرزی ایران و عثمانی بر سر نواحی لاهیجان و مرگان و وزنه در مکریان باعث شد تا شهر ساوج‌بلاغ مرکز آن ولایت نه تنها از نظر تجاری بلکه از نظر سیاسی نیز مورد توجه خاص دولت عثمانی قرار گیرد. به همین دلیل دولت عثمانی در حوالی سال ۱۳۰۷ق/۱۸۹۰م رسماً کنسول‌گری یا شه‌بندرخانه خود را در ساوج‌بلاغ گشود تا بهتر به منافع این دولت و امورات اتباعش رسیدگی کند. تا قبل از آن سفیر عثمانی برای رسیدگی به امور اتباع عثمانی ساکن ساوج‌بلاغ نماینده‌ای را به عنوان وکیل خود در آن شهر تعیین کرده بود. اولین شخصی که این سمت را در ساوج‌بلاغ داشت و ما از آن آگاهیم، فردی به نام ملاصالح کلکولی بوده‌است که در سال ۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م از



او به‌عنوان «وکیل شه‌بندر دولت عثمانی» یاد شده‌است (استادوخ، ۱۲-۱۶-۶-۱۲۶۶). در فاصله سال‌های ۱۲۹۶-۱۳۰۱ق / ۱۸۷۹-۱۸۸۴م به فرد دیگری به‌نام عبدالاحد افندی در این سمت اشاره شده‌است (ساکما، ۲۹۵/۸۰۹۳، سند ۴۸۹؛ ساکما، ۲۹۵/۷۳۸۱، سند ۳۶۶). نماینده عثمانی در ساوج‌بلاغ که در ابتدا از او به‌عنوان «وکیل شه‌بندر» یاد می‌شد، با گشوده‌شدن شه‌بندر خانۀ، عنوان «شه‌بندر» گرفت. شه‌بندر گزارش‌های خود را از طریق تلگراف یا نامه به نماینده عثمانی در تبریز می‌داد و او هم گزارش‌های خود را به سفیر کبیر عثمانی در تهران می‌داد. در آن دوره به کنسول عثمانی «شه‌بندر»، به سفیر «باش‌شه‌بندر» و به سفارت خانۀ «شه‌بندر خانۀ» می‌گفتند (استادوخ، ۱۴۲ و ۱۰۹-۱۳-۲۶-۱۳۱۳ق).

ایزابلا بیشابپ سخانم جهانگرد اروپایی که در اوایل سال ۱۳۰۸ق/۱۸۹۰م از ساوج‌بلاغ دیدن کرده‌است- در بخشی از یادداشت‌هایش درباره ساوج‌بلاغ و شه‌بندر خانۀ آن شهر می‌نویسد: «ساوج‌بلاغ که مرکز شمالی کردستان ایران و محل سکونت حاکم [این منطقه] نیز هست، مرکز مهم بازرگانی خز می‌باشد که معاملات گسترده‌ای با روسیه دارد و گفته می‌شود که شرکتی فرانسوی گلیم‌هایی را به ارزش سالانه چندین هزار فرانک [از این منطقه] می‌خرد. هم‌چنین تجارتی بزرگ با قبایل کرد کوه‌های مجاور و چادر نشینان ترک ساکن دشت‌ها دارد و تجارت قابل ملاحظه‌ای در مازوج<sup>۱</sup> نیز در این منطقه وجود دارد. جمعیتی نزدیک به پنج هزار تن در این شهر زندگی می‌کنند. اکثریت جمعیت را کردها تشکیل می‌دهند؛ اما جمعیت ترک آن قدر زیاد شده [است] که دولت عثمانی اخیراً کنسول‌گری نسبتاً مهمی [را] که دارای قلعه [ای] نیز هست در آن‌جا ساخته و کنسولی را نیز برای آن منصوب کرده [است] تا از حقوق اتباع آن دولت حمایت کند» (Bishop, 1891, p207).

در قراردادهای منعقدۀ بین دو کشور، طرفین توافق کرده بودند تا حقوق اتباع یکدیگر را به رسمیت بشناسند. براین اساس اگر یکی از اتباع دو کشور در خاک کشور مقابل جرمی مرتکب می‌شد، لازم بود در ابتدا خطای آن فرد را به اطلاع سفارت ایران یا شه‌بندری عثمانی برسانند و سپس با حضور سفیر یا شه‌بندر یا نماینده آنان فرد خطاکار را دستگیر و محاکمه کنند. در صورتی که روند دادگاهی کردن اتباع خطاکار برخلاف این روال طی می‌شد، آن محاکمه باطل می‌شد (استادوخ، ۱-۶۹-۲-۱۷-۱۳۲۵ق). در ولایت مکرری، شه‌بندر حافظ منافع دولت عثمانی و اتباع آن کشور بود. شمار اتباع عثمانی مقیم ایران بدون احتساب زنان و کودکان حدود دو هزار نفر بود که ده درصد آنان در ساوج‌بلاغ به سر می‌بردند. این در حالی است که شمار اتباع ایرانی مقیم عثمانی ده‌ها برابر این رقم و در حدود صد هزار نفر بود (استادوخ، ۲-۶۹-۲-۱۷-۱۳۲۵ق). در مدت دایر بودن شه‌بندر خانۀ عثمانی در ساوج‌بلاغ، برخی از شه‌بندره‌های این دولت عبارت بودند از:

۱. مازوج: مازو



محمد شمس‌الدین در سال ۱۳۱۶ق/۱۸۹۸م؛ ممدوح بیگ در سال ۱۳۱۷ق/۱۸۹۹م؛ احمدرضابیگ در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م؛ نائل بیگ در سال ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م؛ تحسین بیگ در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م (ساکما، ۲۹۵/۷۶۸۱، سند ۳۶۶؛ استادوخ: ۱۲-۱۶-۶-۱۲۶۶ق؛ ۲۲۱-۱-۸-۱۳۱۷ق). پس از پایان جنگ جهانی اول و تشکیل دولت ترکیه به جای عثمانی، ساوج‌بلاغ به دلیل ویرانی‌های ناشی از جنگ دیگر آن اهمیت سابق را نداشت. در این دوره به جای شه‌بندر ترکیه، «کفیل شه‌بندر» در ساوج‌بلاغ حضور داشت. کفیل یا وکیل شه‌بندر در سال ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م شخصی به نام حاجی حسن بود (ساکما، ۲۹۰/۷۹۷۲، سند ۶).

## ۵. تأسیس کارگزاری وزارت امور خارجه ایران در ساوج‌بلاغ

وزارت خارجه ایران در اواخر قرن سیزدهم، امور اقلیت‌های دینی و اتباع خارجی را توسط کارگزاری کل آذربایجان در تبریز اداره می‌کرد؛ ولی پس از تأسیس شه‌بندرخانه عثمانی در ساوج‌بلاغ، این وزارت‌خانه نیز اداره‌ای را بانام کارگزاری در ساوج‌بلاغ باز کرد و نماینده‌ای را به‌عنوان کارگزار مسئول این کار کرد. اولین کارگزار ولایت مکرری که از آن اطلاع داریم، شخصی به نام «علی اکبرخان سرتیپ» بود که در سال ۱۳۰۸ق/۱۸۹۱م این سمت را در ساوج‌بلاغ برعهده داشت (استادوخ، ۴۶-۱۶-۲۱-۱۳۰۸ق). در دوره او اتباع عثمانی به دادن وجه تذکره عادت نداشتند. وجه تذکره پولی بود که اتباع خارجی با پرداخت آن به کارگزاری، حق ورود به ایران را پیدا می‌کردند. سرانجام در سال ۱۳۱۲ق/۱۸۹۵م، علی اکبرخان به دلیل موفق نبودن در اخذ وجه تذکره عزل شد و فردی به نام میرزامحمدخان کارگزار ولایت مکرری شد. میرزامحمدخان فردی باتجربه بود و قبلاً سمت کارگزار ولایت اردبیل را برعهده داشته بود. اهمیت ساوج‌بلاغ و افزایش مشکلات اتباع خارجی سبب شد تا وزیر خارجه وقت ایران، این کارگزار باسابقه را به کارگزاری ساوج‌بلاغ مأمور کند. میرزامحمدخان پس از رسیدن به ساوج‌بلاغ درصدد برآمد تا اوضاع کارگزاری ولایت مکرری را روبه‌راه کند و در وهله اول خواست تا وجه تذکره را از اتباع عثمانی بگیرد؛ ولی به این امر موفق نشد و ازسوی اتباع عثمانی به او بی‌احترامی شد. به همین سبب در شوال ۱۳۱۲ق/ آوریل ۱۸۹۵م استشهادنامه‌ای را توسط اهالی تنظیم کرد و به وزارت خارجه ارسال داشت تا راه چاره‌ای برای این مشکل بیابند (استادوخ، ۲۵-۲-۲۷-۱۳۱۳ق).

در اوایل سال ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م، میرزامحمدخان از کارگزاری ولایت مکرری برکنار شد و میرزااحمدخان جانشین او شد. از میرزااحمدخان گزارش‌ها و اسناد فراوانی بر جای مانده است که اهمیت تاریخی زیادی دارند. پس از او در حدود سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۷م، شخصی به نام عیسی خان احتشام‌دیوان کارگزار ولایت شد. گویا عیسی خان در سمت خود بسیار بد



عمل می کرد و با گرفتن رشوه «سند تابعیت و یا تصدیق تابعیت به دست این و آن» می داد و به شماری از اتباع اخراج شده نیز اجازه داد تا بازگردند (استادوخ، ۱۳-۱-۸-۱۳۱۷ق). مظفرالملک حاکم وقت ولایت مکرری گزارشی درباره خلافتکاری های عیسی خان و پسرش و هم چنین شرارت های اتباع خارجی ساوج بلاغ و سؤالاتی در زمینه نحوه برخورد با آنها به وزیر خارجه وقت (میرزماحسن خان مشیرالدوله) نوشت (استادوخ، ۳/۱ و ۳ و ۲-۱۶-۹-۱۳۱۷ق). عیسی خان در جمادی الاول ۱۳۱۷ق/ سپتامبر ۱۸۹۹م درگذشت و میرزماحمدخان برای بار دوم به کارگزاری ولایت مکرری رسید. این بار مأموریت میرزماحمدخان مدتی زیاد و تا سال ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م که به دلیل کهولت سن بازنشسته شد و به تبریز بازگشت طول کشید. او مهم ترین کارگزار ولایت مکرری بود و با رؤسای عشایر ولایت روابط نزدیکی داشت و صداقت و کاردانی اش سبب شده بود تا سران قاجار در تبریز و تهران همواره به عنوان شخصی معتمد به او اطمینان داشته باشند و نظر او را در حل مسائل منطقه یا عزل و نصب حاکمان ولایت مکرری به کار بندند. گزارش های دقیقی که او از اوضاع ولایت ارائه داده است، سهمی به سزا در روشن کردن تاریخ ولایت مکرری دارند.

پس از آن شخصی با لقب «مؤیدحضور» کارگزار ولایت شد و در سال ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م، میرزااحمدخان برای بار دوم به کارگزاری ولایت مکرری رسید. با آغاز جنگ جهانی اول مأموران حکومتی از ساوج بلاغ بیرون رفتند؛ سپس در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، بصیرالملک و در سال بعد مصباح الملک کارگزار ولایت مکرری شدند. هم چنین در سال ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م، از کارگزاری شخصی به نام نصراله بهنام ملقب به مبین السلطنه آگاه هستیم. این فرد تا زمان حمله سمکو به ساوج بلاغ (۱۳۰۰ش/ ۱۹۲۱م) کارگزار ولایت مکرری بود. پس از آن شعبات کارگزاری های ارومیه و ساوج بلاغ مکرری در هم ادغام شدند. مبین السلطنه نیز به ارومیه انتقال یافت و تا انقراض دولت قاجار مسئولیت «کارگزاری ارومیه و ساوج بلاغ مکرری» را در آنجا برعهده داشت. در این دوره اشخاصی به نمایندگی از مبین السلطنه وظایف کارگزاری را در ساوج بلاغ انجام می دادند. چنان که در سال ۱۳۰۱ش شخصی با لقب «دبیرالوزاره» که قبلاً منشی کارگزاری ساوج بلاغ بود و در سال ۱۳۰۳ش فردی با لقب «امین تذکره» در این سمت خدمت می کردند. آخرین کارگزاری که از آن اطلاع داریم شخصی به نام «ابوالفتح معظم» بود که در سال ۱۳۰۵ش در کارگزاری ساوج بلاغ خدمت می کرد (استادوخ: ۲۳-۲۴-۲۲-۱۳۳۰ق؛ ۳۵۳-۳۸-۶۶-۱۳۳۲ق؛ ۶۰-۷-۴۳-۱۳۳۸ق؛ ساکما، ۲۹۰/۷۹۷۲، سند ۶؛ درکتانیان و محبوبی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۲). سرانجام در ۱۵ تیر ۱۳۰۶ شمسی به دستور رضاشاه پهلوی ادارات کارگزاری منحل شد و وظایفشان به حکام ولایات سپرده شد (محبوبی و آریانفر، ۱۳۹۷، ص ۱۸۵).



## ۶. موضوع تابعیت و مناقشات بین شه‌بندرخانه و کارگزاری ساوج‌بلاغ

دادن تذکره و اعطای تابعیت عثمانی به ساکنان ایرانی مناطق کردنشین یکی از مسائل مهم مورد‌مناقشه میان کارگزاری ایران و شه‌بندری عثمانی در شهر ساوج‌بلاغ بود. برخی از ساکنان مکریان به‌دلایل مختلفی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد خواستار گرفتن تذکره عثمانی بودند. از آن‌جاکه در آن زمان مردم ایران هنوز مدرک شناسایی معتبری نداشتند، اثبات ایرانی‌بودن آن‌ها برای کارگزاری وزارت خارجه کار چندان آسانی نبود و باتوجه‌به اینکه افراد پس از گرفتن تابعیت عثمانی از حقوق اتباع خارجی برخوردار می‌شدند و «به استظهار تغییر تبعیت، بنای تمرد و مفسده» می‌گذاشتند و «وکیل شه‌بندر نیز از آن‌ها حمایت» می‌کرد (ساکما، ۲۹۵/۷۸۷۶، سند ۱۴۱)، کارگزار وزارت خارجه و هم‌چنین سایر مأموران دولتی ایران در برخورد با آن‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شدند. در برخی از گزارش‌های کارگزار ساوج‌بلاغ به اشتیاق اهالی برای گرفتن تابعیت عثمانی و هم‌چنین مشکلات و پیامدهای این امر اشاره شده‌است (استادوخ، ۲-۸۴-۲۷-۱۳۱۳ق). هم‌چنین ملا احمد مدرس امام‌جمعه ساوج‌بلاغ در سال ۱۳۱۳ق/۱۸۹۶م، با اشاره به اخذ تابعیت توسط برخی از خانواده‌های سرشناس ساوج‌بلاغ و به‌ویژه طایفه قاضی‌های آن شهر و تبعیت اهالی از آن‌ها خطر این امر را گوشزد کرده و تأکید کرده‌است که «اگر به‌زودی سدّ این باب نشود، دور نیست که خلل و وهن کلی در انتظام امور این مُلک حاصل و وارد آید» (استادوخ، ۲-۳۹-۲-۲۷-۱۳۱۳ق).

البته گرفتن تابعیت برای تمامی افراد به‌آسانی مقدور نبود و باتوجه‌به منافعی که این امر برای افراد داشت، در برخی از موارد آن‌ها حاضر بودند به شه‌بندری عثمانی و کارگزاری ساوج‌بلاغ رشوه بدهند. مظفرالملک حاکم ولایت مکرری در نامه‌ای به وزیر امور خارجه در سال ۱۳۱۷ق/۱۸۹۹م، ضمن اشاره به مشکلاتی که گرفتن تابعیت عثمانی توسط اهالی ساوج‌بلاغ، به‌وجود آورده‌است بر نقش مأموران طمّاع کارگزاری در اعطا و تأیید تابعیت تأکید کرده و نوشته‌است: «تمام معایب ساوج‌بلاغ از تبعه‌بازی‌ست که اغلب را مأمورین بی‌غیرتِ طمّاع نمک‌به‌حرام باعث شده‌اند. کارگزار سابق در حیات خود هرچه توانسته [بود] اسباب خرابی شده بود. پس از مُردن خودش پسر خیرنیده‌ او از هر نفری سه تومان گرفته و به مُهر کارگزارخانه سند [تأیید] تبعیت [عثمانی این افراد را] داده» است (استادوخ، ۳ و ۱-۱۶-۹-۱۳۱۷ق). عوامل زیادی در اخذ تابعیت عثمانی توسط اهالی مکریان تأثیرگذار بودند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:





## ۶.۱. تلاش مأموران دولت عثمانی برای تشویق اهالی به اخذ تابعیت عثمانی

هرچند براساس قوانین، نمایندگی‌های دولت‌های بیگانه بدون اجازه دولت ایران حق نداشتند به ایرانیان تابعیت اهدا کنند، ولی آن‌ها به این قوانین چندان توجهی نداشتند. عثمانی‌ها از اشتراکات مذهبی خود با اهالی مکرریان برای افزایش نفوذ در آن منطقه استفاده می‌کردند (ساکما، ۲۹۵/۷۸۷۶، سند ۱۴۱) و تلاش می‌کردند با دادن تذکره به اهالی و به‌ویژه عشایر ساکن مناطق متنازع‌فیه، آن مناطق را تصرف کنند. دولت عثمانی هم‌چنین برای تسهیل اعطای تابعیت به افراد در سال ۱۲۸۵ق/۱۸۶۷م، قانونی را به‌تصویب رساند که در آن مقرر شده بود که هر کس یکی از والدینش تبعه عثمانی باشد، خودش نیز تبعه عثمانی به‌شمار می‌آید؛ هم‌چنین هر کس پنج سال به‌طور پیوسته در خاک عثمانی توقف می‌کرد، می‌توانست تابعیت عثمانی بگیرد و درخواستش بلافاصله پذیرفته می‌شد (گزیاء اسناد سیاسی ایران و عثمانی...، ج ۳، ۱۳۷۰، ص ۲۴۶).

تلاش‌های انور افندی و محمود افندی و کلای شه‌بندری عثمانی در ساوج‌بلاغ درزمینه تشویق اهالی آن منطقه به دریافت تابعیت عثمانی نمایان بود. ملااحمد مدرس امام‌جمعه ساوج‌بلاغ در نامه‌ای به حکومت آذربایجان به اقدامات مخفیانه آن دو نفر در این زمینه اشاره کرده‌است (استادوخ، ۲-۳۹-۲۷-۱۳۱۳ق). هم‌چنین در سندی دیگر به تلاش عثمانی‌ها برای دادن تابعیت عثمانی به اهالی ساوج‌بلاغ اشاره شده و آمده‌است: «عثمانی‌ها در جلب مردم به تبعیت خود خیلی زبردست‌اند و در اجرای این مقصود ساکت و آرام نیستند. گاهی بعضی از مردم مفسده‌طلب ساوج‌بلاغ را که کامشان به حلاوت و وطن‌پرستی آشنا نشده‌است]، القا می‌نمایند که به موصل و ملحقات او رفته، در آنجا تحصیل تذکره و یا حمیدیه نمایند و به ولایت موصل هم توصیه می‌دهند که دخالت آن‌ها را بپذیرید. به‌همین دستورالعمل، تذکره گرفته مراجعت می‌نمایند و بعضی را نیز خود مأمور در آنجا تذکره می‌دهد» (ساکما، ۲۹۵/۷۸۷۶، سند ۱۴۱). در همین سند به «هنگامه‌طلب[ی] و مفسده‌جویی» میرزاشریف وکیل شه‌بندر عثمانی در ساوج‌بلاغ اشاره و از حاکم آن شهر خواسته شده‌است تا «در مکاتبه و مذاکرات با او ملتفت» باشد (ساکما، ۲۹۵/۷۸۷۶، سند ۱۴۱).

## ۶.۲. فرار از پرداخت مالیات

شانه‌خالی کردن از پرداخت مالیات یکی از عوامل مهم در اخذ تابعیت عثمانی بود. کارگزار وزارت خارجه ساوج‌بلاغ در یکی از نامه‌های خود ضمن اشاره به اینکه «مدتی است سی‌چهل نفر ساکن اشنویه» خود را تبعه عثمانی قلمداد کرده‌اند، بر این نکته تأکید کرده‌است که: «اغلب سکنه آنجا به ادعای تبعیت خارجه از دادن مالیات استنکاف دارند و این امر



اسباب نکت عمل مالیاتی شده است». هم‌چنین در نامه‌ای دیگر چنین آمده است: «حاج اسماعیل و قادر از معارف تجار ساوج بلاغی که تبعه و رعیت دولت علیه و مالیات‌بده بوده [اند] و از بدو تولدشان پدربرپدر در ساوج بلاغ ساکن هستند «شه‌بندری تازه محض حالت جوانی تذکره اشتباهی به آن‌ها داده است». کارگزار ساوج بلاغ برای اخذ مالیات از حاج اسماعیل چند سرباز را به در حجره او فرستاد، شه‌بندر عثمانی پس از شنیدن این خبر به‌همراه ۶۰ نفر از اتباع عثمانی به حجره حاج اسماعیل آمد و پس از درگیری با سربازان ایرانی، یکی از سربازان را کتک زد و زخمی کرد. کارگزار در گزارش خود ضمن اشاره به این حادثه و توهین عمدۀ شه‌بندر به کارگزاری و ممانعت او از گرفتن مالیات، اقدام فوری در این زمینه و گفت‌وگوی جدی با شه‌بندر و رفع غائله را خواستار شد (استادوخ، ۱۱۰ و ۱۰۹ و ۱۰۸ و ۱۰۷-۱۳-۲۶-۱۳۱۳ق). هم‌چنین در موردی دیگر تلاش مأموران ایرانی برای گرفتن مالیات از ساکنان سردشت باعث شد تا اهالی آن شهر - که در آن زمان جزو مناطق متنازع‌فیه محسوب می‌شد- به شه‌بندرخانه عثمانی در ساوج بلاغ شکایت ببرند. سرانجام کنسول عثمانی از طریق وزیر امور خارجه ایران و میرزا جوادخان کارگزار سردشت این عمل را متوقف کرد (استادوخ، ۲-۳۴-۴۳-۱۳۳۱ق).

### ۶.۳. ظلم و اجحافات مأموران دولتی

سوءرفتار حاکمان و مأموران دولتی و اجحافات آن‌ها در حق اتباعشان، در تغییر تابعیت اهالی مکریان و گرایش آن‌ها به عثمانی‌ها نقشی مهم داشت. در سال ۱۲۹۷ شاه‌زاده لطف‌علی میرزا حاکم ولایت مکرری بود. این فرد به چپاول مردم و باج‌گیری از آنان پرداخت و با فشار و آزار و اذیت، مردم را از خود بیزار کرد. مظفرالدین میرزا از اعمال لطف‌علی میرزا آگاه بود و در حقیقت او را به حکمرانی ساوج بلاغ گمارده بود تا بیشترین باج و سرانه را از مردم بگیرد. لطف‌علی میرزا پس از آمدن به ساوج بلاغ بلافاصله برخی از افراد سرشناس منطقه از جمله فیض‌الله بیگ، عبدالله بیگ مکرری و هم‌چنین محمدامین آقا فرزند قادر آقای ده‌بکری را زندانی کرد و در مجموع آن‌ها را حدود چهار هزار تومان جریمه کرد. به‌زودی ظلم و تعدی او زبانزد عام و خاص شد (همه‌باقی، ۲۰۰۰، ص ۱۲۱). این حاکم در ادامه زورگویی‌هایش به بهانه‌ای حمزه‌آقای منگور را به ساوج بلاغ فراخواند و در سرای حکومت قصد داشت دستگیرش کند؛ ولی حمزه‌آقا در مقام مدافعه برآمد و پس از کشته‌شدن چند نفر از دو طرف موفق شد فرار کند و پس از آن یاغی شد. شیخ عبیدالله که در نهری مشغول فراهم‌ساختن زمینه قیام بود، با آگاه‌شدن از یاغی شدن حمزه‌آقا، با او ارتباط برقرار کرد و قیام شیخ عبیدالله که ابتدا قرار بود در کردستان عثمانی برپا شود، متوجه ایران شد. همچنان‌که اشاره شد



تبعات این قیام تا سال‌ها ادامه داشت و در گرویدن برخی از عشایر ساکن ولایت مکرری به عثمانی‌ها نقش داشت. هم‌چنین بدرفتاری شاه‌زاده امام‌قلی میرزا -نوه فتح‌علی‌شاه که در اوایل سال ۱۳۱۳ ق ۱۸۹۶ م به حکمرانی ولایت مکرری رسید- با عشایر و خانواده‌های سرشناس ساوج‌بلاغ باعث پناه‌بردن آن‌ها به شه‌بندری و تلاش برای دریافت تذکرۀ عثمانی شده بود. سیاست او در ایجاد «دوتیرگی» و اختلاف میان طوایف و عشایر ساکن مکرران نتایجی زیانبار به‌همراه داشت. امام‌قلی میرزا در یکی از گزارش‌هایش به تبریز می‌نویسد: «به هزار افسون، خانه‌زاد مغایرت و کدورت میان این طوایف می‌اندازد که به‌رغم یکدیگر و از ترس یکدیگر خدمت نمایند» (ساکما، ۲۹۵/۷۸۷۶، سند ۱۸۶). میرزا احمدخان، کارگزار ساوج‌بلاغ، در نامه‌ای به دربار قاجار به عواقب و پیامدهای سیاست اختلاف‌افکنی در میان عشایر اشاره کرده و این امر را یکی از دلایل گرایش برخی از عشایر به عثمانی ذکر کرده‌است (استادوخ، ۱۱۶ و ۱۱۵-۵-۲۹-۱۳۱۴ ق). یکی از سران عشایر مکرری در گزارشی مفصل، به بی‌عدالتی و ظلم و ستم امام‌قلی میرزا اشاره کرده و نوشته‌است: «الآن جمع اهل مکرری از وضع و شریف از دست ظلم و تطاول شاه‌زاده حاکم، مُتَأَذی<sup>۱</sup> و در مقام دادخواهی هستند» (استادوخ، ۱۳۴-۵-۲۹-۱۳۱۴ ق). هم‌چنین اهالی مکرریان از سعیدالملک مراغه‌ای -که پس از امام‌قلی میرزا به حکمرانی ولایت مکرری رسید- با عنوان «مرد متعدی شریر ظالم بی‌باک ناپاک» یاد کرده‌اند (استادوخ، ۱۱-۱۶-۹-۱۳۱۷ ق). رفتار حاکم بعدی مکرریان، شاه‌زاده اکبر میرزا، نیز همانند اسلاف خود بود. تلاش مأموران حکومتی در دوران حکومت او برای دستگیری فردی به‌نام «عبدالرحمن» که به خانۀ یکی از اتباع عثمانی پناه برده بود به جنگ و جدال انجامید و به قتل صاحب‌خانه و یکی دیگر از اتباع عثمانی منجر شد. این موضوع باعث اعتراض اهالی ساوج‌بلاغ و بیرون‌راندن اکبر میرزا از این شهر شد. علاوه‌براین عده‌ای از اهالی ساوج‌بلاغ و در رأس آن‌ها میرزا فتاح قاضی، احمدآقای ده‌بُکری و بایزیدآقای منگور با تحصن در شه‌بندر خانۀ عثمانی انتخاب حاکمی بومی برای ولایت مکرری را خواستار شدند. آن‌ها تهدید کردند که در غیر این صورت به تبعیت دولت عثمانی درمی‌آیند. گفت‌وگوهای دولت با متحصنان و نیز اقدامات محمدآقای مامش برضد آنان سبب شد تا آن‌ها از تحصن دست بردارند و از شه‌بندر خانۀ عثمانی بیرون آیند (فاضلی، ۱۳۹۸، صص ۱۰۸ و ۱۰۹).

#### ۶.۴. فرار خلاف‌کاران از مجازات

از آن‌جاکه اخذ تابعیت عثمانی باعث می‌شد افراد به‌نحوی در برابر مجازات حکومت ایران مصونیت پیدا کنند و از سخت‌گیری‌های دولت ایران در امان باشند، برخی از اشرار و خلاف‌کاران برای فرار از دست قانون و مأموران حکومتی تلاش می‌کردند تا تابعیت

۱. مُتَأَذی (mote(a) azzi): آزرده؛ آذیت دیده.



عثمانی را کسب کنند. کارگزاری ساوج بلاغ در یکی از گزارش‌های خود بر این موضوع تأکید می‌کند که «کسانی که تبعیت [عثمانی] اختیار می‌کنند محض شرارت و هرزگی و بردن مال مردم و اغتشاش ولایت است» (استادوخ، ۳/۱ و ۳ و ۲-۱۶-۹-۱۳۱۷ق). در یکی دیگر از گزارش‌های کارگزاری، به فردی یهودی اشاره شده است که با وجود آنکه یهودی‌های ساوج بلاغ بر ایرانی بودن او شهادت داده بودند، ولی به دلیل آنکه در دهات اطراف بوکان قتل کرده بود «از بیم سیاست حکام خودش را به دولت عثمانی منسوب کرده بود» (استادوخ، ۱۴-۲-۲۷-۱۳۱۳).

هم‌چنین در برخی از موارد مقروض بودن فرد و فرار از ادای دین هم باعث می‌شد تا افراد تابعیت عثمانی را بگیرند. در یکی از موارد فردی به نام «قادر ولد حاجی» پس از ورشکست شدن، به خاک عثمانی فرار کرده بود و پس از چند سال مراجعه کرده بود و قول داده بود تا در طی چند قسط پول طلبکاران را پس دهد؛ ولی فرد مذکور پس از مدتی پشیمان شد و ادعای تبعیت به دولت عثمانی کرد و خود و عیالش در شه‌بندری ساوج بلاغ مستخدم شدند و با وجود مطالبه‌گری و شکایت کارگزاری از این فرد، شه‌بندرخانه «به عذرهای غیرموجه» از او حمایت می‌کرد (استادوخ، ۴۰-۱-۸-۱۳۱۷ق).

## ۷. ماجرای دختر ارمنی و اخراج اتباع عثمانی از ساوج بلاغ

در اوایل سال ۱۳۰۸ق/۱۸۹۱م، ماجرای در ساوج بلاغ به وقوع پیوست که به دخالت سفیران انگلیس و عثمانی منجر شد و گرفتاری‌هایی را برای ایران به وجود آورد. پس از ازدواج کتی -دختر یکی از تاجران انگلیسی- با جوانی کرد به نام «عزیزبیگ» و ادعای مادر ارمنی آن دختر مبنی بر ازدواج و تغییر دین اجباری دخترش، سفارت انگلستان از دولت ایران خواست برای بررسی موضوع، کتی را به همراه شوهرش به مأموران انگلستان تحویل دهند. به همین دلیل آن دو برای فرار از دست مأموران انگلیسی به شه‌بندرخانه ساوج بلاغ پناه بردند و در آنجا تحصن کردند. در این میان بیش از صد نفر از اهالی و اتباع عثمانی مقیم ساوج بلاغ برای کمک و هم‌چنین ممانعت از تحویل آن‌ها دور شه‌بندرخانه را گرفتند و در آنجا نگهبانی می‌دادند. برای رفع این مشکل کمیونی متشکل از نمایندگان سه دولت انگلیس، عثمانی و ایران روانه ساوج بلاغ شد. سرانجام این کمیون با استفاده از تهدید و نیروی نظامی توانست آن دختر را از دست مردم رها کند. پس از اظهارات کتی مبنی بر اینکه با رضای خود و بدون هیچ اجباری مسلمان شده و با عزیزبیگ ازدواج کرده است، او را به شوهرش عزیزبیگ تحویل دادند و موضوع خاتمه یافت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، صص ۷۵۸-۷۶۳).



وقوع این حادثه باعث شد تا توجه دولت ایران به اتباع عثمانی و مشکلاتی که در ولایت مکرری به وجود می‌آوردند بیشتر شود. در زدوخوردهای مربوط به این قضیه، مأموران حکومت عدۀ زیادی از اغتشاش‌گران را بازداشت کردند؛ ولی چون شه‌بندری اعلام کرد که آن افراد تبعۀ عثمانی هستند، مجبور شدند آن‌ها را آزاد کنند. دولت ایران که برسر این موضوع نه‌چندان مهم متحمل دردهای زیادی شده بود درصدد برآمد تا اتباع متمرده عثمانی را از ایران بیرون کند؛ به‌همین منظور وزیر خارجه ایران از سفیر عثمانی خواست تا نماینده‌ای را به ساوج‌بلاغ اعزام کند تا اتباع قانون‌شکن آن کشور مشخص شوند و از ایران اخراج شوند. برای انجام این امر، عبدالله‌پاشا قائم‌مقام اربیل در سال ۱۳۰۹ق/۱۸۹۲م، به ساوج‌بلاغ آمد و پس از تحقیق کافی درباره قضیۀ دختر ارمنی و اتباع سرکش عثمانی، فهرستی ۹۸ نفره را بدون احتساب زنان و کودکان تنظیم کرد و حکومت ساوج‌بلاغ آنان را از ایران بیرون راند. قائم‌مقام اربیل سپس شمار اتباع عثمانی باقی‌مانده در ساوج‌بلاغ را ۵۲ خانوادۀ اعلام کرد (استادوخ، ۸۴ و ۸۱-۲-۲۷-۱۳۱۳ق). باوجوداین در سال‌های بعد اتباع اخراجی کم‌کم بازمی‌گشتند؛ چنان‌که تا سال ۱۳۱۷ق/۱۸۹۹م، حدود هفتاد نفر از اخراجی‌ها به ساوج‌بلاغ برگشته بودند (استادوخ، ۲۲-۱-۸-۱۳۱۷ق). بازگشت این افراد و هم‌چنین افزوده‌شدن بر تعداد افرادی که در سال‌های بعد موفق شده بودند تذکرۀ عثمانی اخذ کنند، باعث شده بود تا روزبه‌روز بر تعداد اتباع عثمانی ساکن ساوج‌بلاغ اضافه شود و به‌تبع آن بر مشکلات و مسائل مرتبط با آن‌ها نیز افزوده شود. در سال ۱۳۱۹ق/۱۹۰۱م میرزاحمدخان کارگزار ساوج‌بلاغ برای رفع این مشکل و جلوگیری از اهالی در گرفتن تذکرۀ عثمانی تصمیم گرفت تا با ملاک قراردادن فهرست تهیه‌شده توسط قائم‌مقام اربیل در سال ۱۳۰۹ق/۱۸۹۲م، فهرستی را از اتباع عثمانی ساوج‌بلاغ تهیه کند. این امر سبب بروز ناآرامی‌هایی شد و کسانی که تذکرۀ عثمانی داشتند و نامشان در فهرست نبود، بنای ناسازگاری را گذاشتند. میرزاحمدخان در یکی از گزارش‌های خود به حملۀ چند تن از اتباع عثمانی به کارگزاری و زخمی‌شدن چند تن از کارکنان آن‌جا اشاره می‌کند و از حمایت شه‌بندری از اتباع سرکش عثمانی گلایه می‌کند و رسیدگی به این امر را خواستار می‌شود (استادوخ، ۵۷ و ۱۱-۷-۱۳-۱۳۲۰ق). گزارش‌های متعدد کارگزاری ساوج‌بلاغ راجع به اخذ تذکرۀ عثمانی توسط برخی از اهالی ساوج‌بلاغ و ناآرامی‌های ایجادشده توسط اتباع عثمانی در آن شهر سرانجام به دخالت وزیر خارجه ایران و گفت‌وگوی او با سفیر کبیر عثمانی منجر شد. سفیر کبیر عثمانی استناد به فهرست سال ۱۳۰۹ق/۱۸۹۲م برای قبول یا رد تابعیت افراد را قبول نداشت و معتقد بود که هر کس که تذکرۀ عثمانی داشته باشد، از نظر آنان تبعۀ آن دولت است. پس از گفت‌وگوهای بسیار سرانجام قرار بر این شد



که افرادی که تذکره مشکوک دارند مشخص شوند و هویتشان را هیئت مشترک ایران و عثمانی بررسی کند تا اگر تبعه ایران باشند، تذکره‌شان باطل شود (استادوخ، ۶۶-۷-۱۳-۱۳۲۰ق). این امر از تذکره‌دادن شه‌بندری به اهالی ساوج‌بلاغ جلوگیری کرد و در حل مشکلات در سال‌های بعدی اهمیتی شایان داشت.

## ۸. ورود روس‌ها به ولایت مکرری و رقابت آن‌ها با عثمانی‌ها

در سال‌های منتهی به جنگ جهانی اول نفوذ روس‌های در ولایت مکرری - که براساس معاهده ۱۹۰۷ بخشی از حوزه نفوذ روس‌ها شناخته می‌شد - افزایش چشمگیر یافت و روس‌ها در سال ۱۳۳۰ق در ساوج‌بلاغ کنسول‌گری باز کردند. عثمانی‌ها که در طول سال‌های ۱۳۲۳ق تا ۱۳۳۰ق برخی از مناطق مکرریان را اشغال کرده بودند، با هدف جلب حمایت عموم مردم و جلوگیری از ظلم‌وستم زمین‌داران و ممانعت از چپاول مردم توسط مالکان، برخی از قوانین ملکی را به نفع عامه مردم اجرا کردند. این امر از یک‌سو نارضایتی برخی از زمین‌داران و رؤسای عشایر ساکن مکرریان را از عثمانی‌ها و از سوی دیگر گرایش بسیاری از کشاورزان به عثمانی‌ها را در پی داشت. دودستگی ایجادشده در مخالفت با عثمانی‌ها و حمایت از عثمانی‌ها، پس از حضور روس‌ها در مکرریان به خوبی نمایان شد. از یک‌طرف عموم ساکنان ساوج‌بلاغ و روستاهای اطراف آن با تحریک عثمانی‌ها، در روز دوشنبه ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۲۹ق (۱۷ دسامبر ۱۹۱۱م) در مخالفت با حضور روس‌ها بازارها را تعطیل کردند و با پرچم عثمانی به سوی شه‌بندرخانه عثمانی سرازیر شدند و سپس طوماری را در دفاع از عثمانی تهیه کردند و تأکید کردند که هر کس طومار مذکور را امضاء نکند کافر است (استادوخ، ۲-۲۴-۲۲-۱۳۳۰ق). در همان حال گروهی از مالکان و سران عشایر مخالف عثمانی، هنگام ورود الکساندر ایاس، اولین و آخرین کنسول روس در ساوج‌بلاغ، مراسم استقبالی باشکوه ترتیب دادند. شخص ایاس نیز از این مراسم باشکوه متعجب شده بود؛ ولی بعدها پی برد که این استقبال از طرف بزرگان منطقه بیشتر برای عصبانی کردن ترک‌ها و به‌ویژه خشمگین کردن احمدرضاییگ شه‌بندر ترک ساکن ساوج‌بلاغ سازمان‌دهی شده بوده است (چالینکو، ۲۰۰۷، [www.ruwange.blogspot.com](http://www.ruwange.blogspot.com)).

الکساندر ایاس در دوران حضورش در ساوج‌بلاغ با محمدحسین خان سردار مکرری، آساکور ارمنی - رئیس بانک روسی ساوج‌بلاغ - کازاموف تاجرباشی روس در ساوج‌بلاغ و هم‌چنین یکی از تاجران تبریزی به نام حاجی نقی که در پناه حمایت روس‌ها تجارت انحصاری توتون مکرریان را به‌دست آورده بود، رابطه‌ای نزدیک برقرار کرد (ناهد، ۱۳۶۲، صص ۴۶-۴۷). همچنان‌که از گزارش رئیس گمرک ساوج‌بلاغ در رجب ۱۳۳۱



پیدا است، هم‌زمان با افزایش نفوذ روس‌ها در مکرران ظلم و ستم آن‌ها در حق اهالی نیز بیشتر شده است؛ به همین دلیل «بعضی از آقایان مکرری محض ترس، خودشان را بسته اتباع روس» می‌کرده‌اند. در این گزارش هم‌چنین آمده است که «هرکسی بستگی نکند، خیلی اذیت می‌دهند. چند نفر اتباع روسی که مختصر ادعا داشتند، آمده هرچه دلشان خواست بدون محاکمه و اثبات از آقایان مکرری گرفته رفتند. حالیه مردم خیلی ملاحظه از اتباع روس دارند» (استادوخ، ۲۵-۱۳/۱-۲۴-۱۳۳۱ق).

## ۹. آخرین کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی و تثبیت مرزهای دو کشور

با خروج عثمانی‌ها از ایران در سال ۱۳۳۰ق، نشست کمیسیون مشترک تعیین مرزهای ایران و عثمانی در همان سال در استانبول با حضور نمایندگان ایران و عثمانی و روسیه و انگلیس برگزار شد. نماینده روسیه مینورسکی و نماینده دولت انگلیس ویلسن بود. در تابستان ۱۳۳۱ق الکساندر ایاس به‌دستور وزارت خارجه روسیه سفری را به ناحیه مرزی ولایت مکرری به طول حدود دویست کیلومتر از اشنویه تا بانه ترتیب داد و گزارش سفرش را به کمیسیون مرزی در استانبول روانه کرد. این گزارش به همراه گزارش‌های کمیسیون سال ۱۲۶۸ق مبنای تعیین نقاط مرزی دو دولت قرار گرفت. در سال‌های ۱۳۳۰ق و ۱۳۳۱ق دولت عثمانی در جنگ با اقوام بالکان درگیر بود و می‌خواست مرزهای شرقی‌اش آرام باشد؛ بنابراین پس از پایان نشست‌های کمیسیون در استانبول، کار علامت‌گذاری نقاط مرزی از محرم ۱۳۳۲ق از خلیج فارس شروع شد. اعضای کمیسیون در تابستان ۱۳۳۲ق به ولایت مکرری رسیدند. در هشتم شعبان این سال کار نشانه‌گذاری نقاط مرزی بانه به پایان رسید و اعضای کمیسیون به سوی سردشت حرکت کردند (استادوخ، ۴۱۷-۱-۳۳۲-۳۸-۱ق). کنسول روس برای محافظت از اعضای کمیسیون، در ماه رجب «دو نفر صاحب‌منصب روس و دو نفر مترجم و سی نفر قزاق» را به قصبه سردشت فرستاد (استادوخ، ۳۵-۱۷-۳۶-۱۳۳۲ق). مشاجره‌ای بی‌ارزش بر سر علوفه بین دو قزاق و گروهی از مردم محلی سبب درگیری‌ای شد که طی آن دو نفر از اهالی سردشت کشته شدند (Hubbard, 1917, p229). در اثر این حادثه دولت ایران در ماه شعبان حدود صد سرباز را به سردشت روانه کرد. این کمیسیون پس از سردشت مرزهای لاهیجان، اشنویه، ارومیه و سایر نقاط مرزی آذربایجان را نیز مشخص کرد. در مدت حضور اعضای کمیسیون در ولایت مکرری الکساندر ایاس و نیروهای روسی و ایرانی آنان را تأمین می‌کردند. در اشنویه ایاس خبر شروع جنگ جهانی اول را به اعضای کمیسیون داد و در ذی‌قعدة این سال در ماکو کار کمیسیون خاتمه یافت و مرزهای کنونی مورد قبول طرفین واقع شد. این



کمیسیون به مناقشات مرزی چندصدساله ایران و عثمانی پایان داد و مبنای تعیین مرزهای غربی ایران با دو کشور ترکیه و عراق در سال‌های بعد شد.

## ۱۰. جنگ جهانی اول و رقابت و درگیری‌های روس و عثمانی در مکریان

در طول جنگ جهانی اول به علت تقابل روس و عثمانی و فقدان اقتدار حکومت مرکزی ایران در ساوج بلاغ و ناامنی ناشی از این امر کسب تابعیت عثمانی ماهیتی جدید به خود گرفت. از آنجاکه عساکر عثمانی در چندین جبهه به جنگ با روسیه و انگلیسی‌ها مشغول بودند، تلاش برای جمع‌آوری نیرو و از میان برداشتن ایران برای عثمانی‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بود. به همین دلیل آن‌ها با توسل به اشتراکات مذهبی شروع کردند به تبلیغات گسترده و فتوای اعلام جهاد را صادر کردند. واکنش اهالی مکریان به این امر متفاوت بود. بیشتر سران عشایر، علما و شیوخ مکریان از این فتوا استقبال کردند؛ ولی عده‌ای معدود از افراد از جمله محمدحسین خان سردار مکری حاکم، منصور الممالک زرزا و شیخ باباسعید برزنجی از حمایت از عثمانی‌ها خودداری کردند؛ به همین دلیل عثمانی‌ها پس از ورود به این ولایت هر سه مخالف مذکور را به قتل رساندند. در مقابل سران عشایری همچون بایزید آقای منگور، قرنی آقای مامش و علی آقای امیراسعد ده‌بُکری که با نیروهای تحت امر خویش به نیروهای عثمانی پیوسته بودند، از سوی دولت عثمانی لقب «پاشایی» گرفتند (استادوخ، ۱۷۹-۶۳-۶۶-۱۳۳۳ق). سردسته طرفداران عثمانی در ساوج بلاغ میرزا فتاح قاضی بود. میرزا فتاح پس از آن‌که عثمانی‌ها میان دو آب را تصرف کردند حاکم این شهر شد. او عاقبت در سال ۱۳۳۴ در هنگام دفاع از ساوج بلاغ، به دست روس‌ها کشته شد و در حیاط مسجد شاه‌درویش به خاک سپرده شد (فتاح قاضی، ۱۳۷۸، صص ۶۴-۶۶).

در ساوج بلاغ، شه‌بندر عثمانی (تحسین بیگ) صدور تذکره برای مردم را شروع کرده بود و هرکسی به آسانی می‌توانست تبعه عثمانی شود (استادوخ، ۹-۲۶-۶۶-۱۳۳۲ق). در آن زمان قدرت دولت مرکزی ایران در مناطق مرزی به شدت کاهش یافته بود و دولت ایران در مقابل تجاوز نیروهای روس و عثمانی به خاک ایران و ظلم و ستم‌های آن‌ها نمی‌توانست کار چندانی انجام دهد.

## ۱۱. نتیجه

در دوران قاجار اختلافات موجود بین ایران و عثمانی ادامه یافت. در آن دوران علاوه بر اختلافات ارضی و مرزی، رفت و آمد و سکونت اتباع دو کشور در خاک یکدیگر و تبعات آن‌هم باعث تنش در روابط دو کشور می‌شد. موقعیت جغرافیایی، وجود مناطق متنازع‌فیه در ولایت مکری، سکونت ایلات و عشایر در مناطق مرزی آن منطقه و تلاش دو کشور





برای جلب رضایت آن‌ها و درآوردن آن‌ها به تابعیت کشور خود و هم‌چنین قرارگرفتن شهر ساوج‌بلاغ مرکز آن ولایت در نقطه تقاطع راه‌های تجاری شمال غرب کشور باعث شده بود تا ولایت مکرری جایگاهی مهم در مناسبات ایران و عثمانی در دوره قاجار داشته باشد. به‌همین دلیل دولت عثمانی در اوایل قرن چهاردهم هجری شه‌بندرخانه را در شهر ساوج‌بلاغ گشود. بلافاصله پس‌از آن وزارت خارجه ایران نیز برای کنترل بیشتر اوضاع در آن منطقه مرزی، اداره کارگزاری را در ساوج‌بلاغ مستقر کرد. پس‌از آن مسائل مرتبط با اتباع عثمانی ساکن مکرریان و تلاش‌های دولت عثمانی برای دادن تابعیت به اهالی آن منطقه با هدف الحاق آنجا به کشورش، به یکی از عرصه‌های مهم مناقشه کارگزاری ایران و شه‌بندری عثمانی تبدیل شد. بررسی اسناد نشانگر آن است که استقبال برخی از اهالی مکرریان از گرفتن تذکره و تابعیت عثمانی معلول عواملی چون فرار از پرداخت مالیات، فرار از مجازات پس‌از انجام کارهای خلاف قانون و مهم‌تر از همه فرار از ظلم‌وستم مأموران دولتی در حق اهالی بود. دراین میان مأموران ایرانی نیز تمام تلاش خود را برای متوقف کردن روند تغییر تابعیت اهالی مکرریان به‌کار بردند. درطول جنگ جهانی اول تلاش عثمانی‌ها برای تغییر تابعیت اهالی مکرریان و هم‌چنین تشویق آن‌ها برای شرکت در نبرد برضد روس‌ها افزایش یافت. تبدیل شدن ولایت مکرری به میدان رقابت و جنگ نیروهای روس و عثمانی‌ها و قتل عام اهالی توسط نیروهای مذکور باعث شد تا شهر ساوج‌بلاغ پس‌از جنگ جهانی اول دیگر آن اهمیت سابق را نداشته باشد.

### منابع

#### اسناد

#### اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه (استادوخ):

- سال ۱۲۶۶ق، کارتن ۶، پوشه ۱۶، شماره ۱۲؛  
سال ۱۳۰۸ق، کارتن ۲۱، پوشه ۱۶، شماره ۴۶؛  
سال ۱۳۱۳ق، کارتن ۲۶، پوشه ۷، شماره ۱۶؛  
سال ۱۳۱۳ق، کارتن ۲۶، پوشه ۱۳، شماره ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۲؛  
سال ۱۳۱۳ق، کارتن ۲۷، پوشه ۲، شماره ۱۴، ۲۵، ۳۹، ۸۱، ۸۴؛  
سال ۱۳۱۴ق، کارتن ۲۹، پوشه ۵، شماره ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۳۴؛  
سال ۱۳۱۷ق، کارتن ۸، پوشه ۱، شماره ۱۳، ۲۲، ۴۰، ۲۲۱؛  
سال ۱۳۱۷ق، کارتن ۹، پوشه ۱۶، شماره ۱، ۲، ۳، ۳/۱، ۱۱؛  
سال ۱۳۲۰ق، کارتن ۱۳، پوشه ۷، شماره ۱۱، ۵۷، ۶۶؛



سال ۱۳۳۳ق، کارتن ۱۶، پوشه ۱۷، شماره ۲۰؛  
سال ۱۳۲۵ق، کارتن ۱۷، پوشه ۲، شماره، ۶۹/۱، ۶۹/۲؛  
سال ۱۳۳۰ق، کارتن ۲۲، پوشه ۲۴، شماره ۲، ۲۳؛  
سال ۱۳۳۱ق، کارتن ۲۴، پوشه ۱۳/۱، شماره ۲۵؛  
سال ۱۳۳۱ق، کارتن ۴۳، پوشه ۳۴، شماره ۲؛  
سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۳۶، پوشه ۱۷، شماره ۳۵؛  
سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۳۸، پوشه ۱، شماره ۴۱۷؛  
سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۶۶، پوشه ۲۶، شماره ۹؛  
سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۶۶، پوشه ۳۸، شماره ۳۵۳؛  
سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۶۶، پوشه ۶۶، شماره ۹۶؛  
سال ۱۳۳۳ق، کارتن ۶۶، پوشه ۴۳، شماره ۱۷۹؛  
سال ۱۳۳۸ق، کارتن ۴۳، پوشه ۷، شماره ۶۰.

#### سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۹۰/۷۹۷۲/۶؛ ۲۹۵/۷۶۸۱/۳۶۶؛ ۲۹۵/۷۶۹۵/۲۱۰؛ ۱۸۶ و ۲۹۵/۷۸۷۶/۱۴۱؛ ۲۹۵/۸۰۹۳/۴۸۹؛ ۳ و  
۲۹۶/۱۲۲۷۹/۲؛ ۲ و ۲۹۶/۲۱۲۶۷/۱؛ ۲۹۶/۲۱۵۷۴/۴.

#### اسنادمنتشرشده

گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی. (ج ۱). (۱۳۶۹). (محمدحسن کاووسی عراقی، کوشش گر). تهران: اداره  
انتشار اسناد وزارت امور خارجه.  
گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی. (ج ۳). (۱۳۷۰). (محمدحسن کاووسی عراقی، کوشش گر). تهران: اداره  
انتشار اسناد وزارت امور خارجه.

#### کتاب فارسی

ادیب الشعراء، میرزا رشید. (۱۳۴۶). تاریخ افشار. (محمود رامیان و پرویز شهریاری افشار، کوشش گران). تبریز:  
چاپ خانه شفق.  
اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۸۹). روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه. (ج ۷). (ایرج افشار،  
مقدمه نویس و فهرست نویس). تهران: امیرکبیر.  
بدلیسی، شرف خان. (۱۳۷۷). شرف نامه (تاریخ مفصل کردستان). (ج ۱). (ولادیمیر ولیامینوف، مصحح).  
تهران: اساطیر.



خواندمیر، غیاث الدین بن ہمام الدین. (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر*. (ج ۴). تهران: خیام.  
درکتانیان، غلامرضا؛ محبوبی، محمد. (۱۳۹۵). *روزشمار تاریخ معاصر ایران، جلد ششم: سال  
۱۳۰۵ خورشیدی*. تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.  
فاضلی، میرزاابراهیم. (۱۳۹۸). *تاریخ مامش*. (کامران ثنائی، مقدمه نویس و تصحیح گر). سقز: گوتار.  
فتاح قاضی، خلیل. (۱۳۷۸). *تاریخچه خانواده قاضی در ولایت موکری*. تبریز: بی نا.  
محبوبی، محمد؛ آریان فر، حمیدرضا. (۱۳۹۷). *روزشمار تاریخ معاصر ایران، جلد هفتم: سال ۱۳۰۶ خورشیدی*.  
تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.  
ناہید، عبدالله. (۱۳۶۲). *خاطرات من*. (احمد قاضی، کوشش گر). بی جا: نفیسی فر.

### کتاب کردی

حمه باقی، محمده. (۲۰۰۰). *شورش شیخ عوبه ویدولای نهری (۱۸۸۰) لہ ب ہ لگ نامہ ہی  
قاجاریہ دا*. ههولتیر: چاپخانه هی وهزارهتی پهروه رده.  
ترجمه کتاب کردی به فارسی: حمه باقی، محمد. (۲۰۰۰). *شورش شیخ عبیدالله نهری (۱۸۸۰م) در اسناد  
قاجاریہ*. اربیل: چاپخانه وزارت معارف.

### مقاله

دهقان نژاد، مرتضی؛ معینی، مینا؛ فائده شرفی، بهناز. (۱۳۹۵). «بررسی مسئله تغییر تابعیت اتباع ایران و عثمانی  
و واکنش دولت ایران نسبت به آن در فاصله سال های ۱۹۰۰-۱۹۲۲م/۱۳۱۷-۱۳۱۴ق از خلال منابع  
و اسناد ایرانی». فصل نامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان.  
زارعی مهرورز، عباس. (۱۳۹۶). «کارگزاری امور خارجه در کردستان در آغاز سده بیستم میلادی/چهاردهم  
قمری». فصل نامه پژوهش های تاریخی، دوره جدید، سال دهم، شماره چهارم، زمستان.

### منابع اینترنتی به زبان کردی

چالینکو، جان. (۲۰۰۷). *وئنه کانی گه مہی دوایی؛ ئی ئیران ب ہ چاوی دوورین ئکی رووسی ہوہ ۱۹۰۱-  
۱۹۱۴*. وهرگتیر: حهسہن قازی. ئه و نوسراوه له چہند بهشدا له سالی ۲۰۰۷ له سائیتی روانگه  
دابہزیوہ:

ترجمه کردی به فارسی منبع اینترنتی: چالینکو، ژان. (۲۰۰۷). *تصاویر پایان بازی: ایران از نگاه دوورین  
روسی ۱۹۰۱-۱۹۱۴*. (حسن قاضی، مترجم). این مقاله در چندین بخش در سال ۲۰۰۷ در سایت  
Rwanga منتشر شده است:

[https://ruwange.blogspot.com/2007/03/blog-post\\_7063.html](https://ruwange.blogspot.com/2007/03/blog-post_7063.html)



### منابع انگلیسی

- Bishop, Isabella. (1891). *Journeys in Persia and Kurdistan, including a summer in the upper karun region and a visit to the Nestorian rayahs*. New York: Putnam's sons.
- Hubbard, Gilbert Ernest. (1917). *From the Gulf to Ararat, An Expedition through Mesopotamia and Kurdistan*. by secretary of delimitation commission with illustrations. New York: E. P, Button & Company.

### English Translation of References

#### Documents

- Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xāreje (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):
- Year 1266 AH / 1849 AD, Box 6, Folder 16, no. 12;
- Year 1308 AH / 1890 AD, Box 21, Folder 16, no. 46;
- Year 1313 AH / 1895 AD, Box 26, Folder 7, no. 16;
- Year 1313 AH / 1895 AD, Box 26, Folder 13, no. 107, 108, 109, 110, & 142;
- Year 1313 AH / 1895 AD, Box 27, Folder 2, no. 14, 25, 39, 81, & 84;
- Year 1314 AH / 1896 AD, Box 29, Folder 5, no. 115, 116, & 134;
- Year 1317 AH / 1899 AD, Box 8, Folder 1, no. 13, 22, 40, & 221;
- Year 1317 AH / 1899 AD, Box 9, Folder 16, no. 1, 2, 3, 3/3, & 11;
- Year 1320 AH / 1902 AD, Box 13, Folder 7, no. 11, 57, & 66;
- Year 1323 AH / 1905 AD, Box 16, Folder 17, no. 20;
- Year 1325 AH / 1907 AD, Box 17, Folder 2, no. 69/1, & 69/2;
- Year 1330 AH / 1911 AD, Box 22, Folder 24, no. 2, & 23;
- Year 1331 AH / 1912 AD, Box 24, Folder 13/1, no. 25;
- Year 1331 AH / 1912 AD, Box 43, Folder 34, no. 2;
- Year 1332 AH / 1913 AD, Box 36, Folder 17, no. 35;
- Year 1332 AH / 1913 AD, Box 38, Folder 1, no. 417;
- Year 1332 AH / 1913 AD, Box 66, Folder 38, no. 353;
- Year 1332 AH / 1913 AD, Box 66, Folder 66, no. 96;



Year 1333 AH / 1914 AD, Box 66, Folder 43, no. 179;

Year 1338 AH / 1919 AD, Box 43, Folder 7, no. 60. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

290/7972/6; 295/7681/366; 295/7695/210; 295/7876/141 & 186; 295/8093/489;  
296/12279/2 & 3; 296/21267/1 & 2; 296/21574/4. [Persian]

#### Unpublished documents

*“Gozide-ye Asnād-e Siyāsi-ye Irān va Osmāni”* (Selected political documents of Iran and Ottoman Empire) (vol. 1). (1369/1990). Edited by Mohammad Hasan Kavousi Araghi. Tehran: Edāre-ye Enteshār-e Asnād-e Vezārat-e Omur-e Xāreje (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs). [Persian]

*“Gozide-ye Asnād-e Siyāsi-ye Irān va Osmāni”* (Selected political documents of Iran and Ottoman Empire) (vol. 3). (1370/1991). Edited by Mohammad Hasan Kavousi Araghi. Tehran: Edāre-ye Enteshār-e Asnād-e Vezārat-e Omur-e Xāreje (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs). [Persian]

#### Books

Adib Al-Shoara, Mirza Rashid. (1346/1967). *“Tārix-e Afšār”* (Afshar History). Edited by Mahmoud Ramian & Parviz Shahriar Afshar. Tabriz: Čāpxāne-ye Šafaq. [Persian]

Bedlisi, Sharaf Khan. (1377/1998). *“Šarafnāmeḥ (Tārix-e mofassal-e Kordestān)”* (Scheref - Nameh ou Histoire des Kourdes) [Scheref - Nameh or History of the Kurds] (vol. 1). Edited by Vladimir Veliaminov. Tehran: Asātir. [Persian]

Bishop, Isabella. (1891). *Journeys in Persia and Kurdistan, including a summer in the upper Karun region and a visit to the Nestorian Rayahs*. New York: Putnams sons.

Darkatanian, Gholamreza; & Mahboubi, Mohammad. (1395/2016). *“Ruzšomār-e tārix-e mo’āser-e Irān, jeld-e šesom, sāl-e 1305 xoršidi”* (Journal of contemporary history of Iran). Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt va Pažuheš-hā-ye Siyāsi



- (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- E'temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1371/1992). *“Ruznāme-ye xāterāt-e E'temād-os-Saltaneh”* (Journal of memories of E'temad Al-Saltaneh) (7<sup>th</sup> ed.). Introduction & Cataloging by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Fattah Ghazi, Khalil. (1378/1999). *“Tārixçe-ye xānevāde-ye Qāzi dar Velāyat-e Mukri”* (The history of Ghazi family in Mukri province). Tabriz: n. p. [Persian]
- Fazeli, Mirza Ebrahim. (1398/2019). *“Tārix-e Māmeš”* (Mamesh history). Edited & cataloged by Kamran Sanaee. Saqqez: Gutār. [Persian]
- Hemebaghi, Mohammad. (2000). *“Šureši Šeix ‘Obeydollāy Nahri (1880 AD) le belgenāme-ye Qājāri dā”* (Rebellion of Sheikh Obaidullah Nahri (1880 AD) in Qajar documents). Arbil: Čāpxāne-ye Vazārati Parvarda (The printing house of the Ministry of Education). [Kurdish]
- Hubbard, Gilbert Ernest. (1917). *From the Gulf to Ararat, an expedition through Mesopotamia and Kurdistan*. By secretary of delimitation commission with illustrations. New York: E. P. Button & Company.
- Khvandamir, Qias Al-Din Ibn Homam Al-Din. (1380/2001). *“Tārix-e habib-os-siyar” (Habib al-siyar) (vol. 4). Tehran: Xayyām. [Persian]*
- Mahboubi, Mohammad; & Arianfar, Hamidreza. (1397/2018). *“Ruzšomār-e tārix-e mo'āser-e Irān, jeld-e haftom, sāl-e 1306 xoršid”* (Journal of contemporary history of Iran). Tehran: Mo'assese-ye Motālē'āt va Pažuheš-hā-ye Siyāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Nahid, Abdollah. (1362/1983). *“Xāterāt-e man”* (My memories). Edited by Ahmad Ghazi. [n. p.]: Nafisifar. [Persian]

## Articles

- Dehghannejad, Morteza; Moeeni, Mina; & Ghaed Sharafi, Behnaz. (1395/2016). “Barresi-ye mas'ale-ye taqyir-e tābē'eyat-e atbā'-e Irān va Osmāni va vākoneš-e dowlat-e Irān nesbat be ān dar fāsele-ye sāl-hā-ye 1900 – 1922 AD / 1314 – 1317 AH az xelāl-e manābe' va asnād-e Irāni” (Nationality change of Iranian and Ottoman citizens and reaction of Iranian government to it (during 1900 – 1922 AD



/ 1317-1341AH) considering Iranian documents and resources). *Fasl-nāme-ye Tahqiqāt-e Tārix-e Ejtemā'ee* (Social History Studies), 6(1), Spring & Summer. [Persian]

#### Online sources

Tchalenko, John. (2007). "Venakāni gamay dovāyi; Irān be čāvi durbinekey Rusiyavah 1901 -1914" (Images from the endgame: Persia through a Russian lens 1901 – 1914). Translated by Hasan Ghazi. This article was published in several parts in 2007 on the Rwanage site: [https://ruwange.blogspot.com/2007/03/blog-post\\_7063.html](https://ruwange.blogspot.com/2007/03/blog-post_7063.html). [Kurdish]



# The History of Persepolis Man-made Jungle (1959-1961)

Mahdi Taheri<sup>1</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract:

**Purpose:** The purpose is to investigate the history of Persepolis Man-made Jungle, that was built to serve the 2,500-year celebration of the Persian Empire (Imperial Celebrations).

**Method and Research Design:** Archival records of the National Archives of Iran and Harvard University Oral History Project were studied and analyzed using historical method.

**Findings and Conclusion:** Persepolis Jungle is a rare man-made jungle developed in Iran and one of the most extensive interventions in the Persepolis Historical Site. Mehdi Pirasteh, the governor of Fars was the mastermind and primary organizer. The Society of National Heritage disagreed with the plan and was against it since the intervention would have damaged the remnants of palaces and eliminated the potential for further archaeological excavations. However, the governor convinced the Shah, obtained royal confirmation, and implemented his plan. Despite the disputes about ownership, sapling and water supply, and budget, utilizing local technologies such as qanat, and local individuals' participation in transferring their land free of charge decreased the costs.

**Keywords:** Persepolis Jungle, Imperial Celebrations, Mehdi Pirasteh, Society of National Heritage.

**Citation:** Taheri, M. (2023). The History of Persepolis Humanmade Jungle (1959-1961). *Ganjine-ye Asnad*, 33(1), 32-55 | doi: 10.30484/ganj.2023.3049

1. PhD Student, Department of Architecture, Monash University, Melbourne, Australia  
mm.taheri@monash.edu  
Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«129»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3049

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.1, Spring 2023 | pp: 32 - 55 (26) | Received: 2, Feb. 2022 | Accepted: 13, Apr. 2022

Historical research





# بررسی تاریخ تکوین جنگل تخت جمشید از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰

مهدی طاهری<sup>۱</sup>



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

## چکیده:

این جستار تاریخ تکوین جنگل تخت جمشید از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ را بررسی می‌کند. این جنگل به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایجاد شد و در نهایت بستر شهر چادری (دهکده سران) شد.

**هدف:** استخراج و تحلیل وجوه متعدد تکوین و مدیریت جنگل تخت جمشید به عنوان نخستین پیش‌درآمد عمرانی برگزاری جشن‌های شاهنشاهی.

**روش/ رویکرد پژوهش:** این پژوهش تاریخی است و بر روش اسنادی مبتنی است و منابع درجه اول آن از آرشیو ملی ایران (تهران و شیراز) و نیز مصاحبه‌های تاریخ شفاهی هاروارد استخراج شده‌اند.

**یافته‌ها و نتیجه گیری:** جنگل تخت جمشید از معدود جنگل‌های دست کاشت ایران و از بزرگ‌ترین مداخله‌های کالبدی در حریم تخت جمشید است. بانی و واسطه اصلی ایجاد آن مهدی پیراسته استاندار وقت فارس بود. چون جنگل در حریم درجه یک محوطه تخت جمشید کاشته می‌شد، بخش مهمی از تاریخ منطقه را مدفون و کاوش ناپذیر می‌کرد؛ بنابراین انجمن آثار علمی به مخالفت برخاست؛ ولی پیش از آنکه انجمن آثار ملی موفق شود این طرح را لغو کند، پیراسته به توصیه مهندسی که نقشه جنگل را کشیده بود نظر شاه را جلب کرد و اعتراض‌های کارشناسان را بی‌ثمر کرد. در مقابل مشکلاتی نظیر تهیه نهال، تأمین آب، تصرف زمین و مالکیت که دامن‌گیر طرح جنگل تخت جمشید شدند، مشارکت بعضی مالکان در واگذاری زمین رایگان، و استفاده از فناوری‌های بومی نظیر فئات، موجب صرفه‌جویی بسیاری در هزینه‌ها شد.

**کلیدواژه‌ها:** جنگل تخت جمشید؛ جشن‌های شاهنشاهی؛ سید مهدی پیراسته؛ انجمن آثار ملی.

**استناد:** طاهری، محمد مهدی. (۱۴۰۲). بررسی تاریخ تکوین جنگل تخت جمشید از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰.

گنجینه اسناد، ۳۳(۱)، ۳۲-۵۵ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۰۴۹

## گنجینه اسناد

۱۲۹

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳,۳۰۴۹

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۲ | صص: ۳۲-۵۵ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۴

تحقیقات تاریخی



۱. دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشگاه  
مونش، ملبورن، استرالیا  
mm.taheri@monash.edu

## ۱. مقدمه

در مهرماه ۱۳۵۰ ش، طی دوره پادشاهی محمدرضا پهلوی ایران میزبان مجموعه‌ای از جشن‌ها و برنامه‌ها بود تا بخشی از تاریخ شاهنشاهی ایران -از کوروش هخامنشی به بعد- را پاس بدارد. عنوان رسمی برنامه‌ها «جشن‌های دوهزاروپانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران به دست کوروش بزرگ» بود که از ۲۰ تا ۲۴ مهرماه ۱۳۵۰ برگزار شد. آغازگر جشن‌ها سخنرانی شاه در مقبره منسوب به کوروش بزرگ بود. یک روز بعد، در ۲۱ مهرماه، دانشوران ایران‌شناس در دانشگاه پهلوی (شیراز) آخرین دستاوردهای پژوهشی خود درباره تاریخ ایران را عرضه کردند. سپس در ۲۲ مهرماه، سران حدوداً شصت کشور جهان به تخت جمشید رفتند تا ابتدا در «شهر چادری» (دهکده سران) پذیرایی شوند و سپس در بامداد روز بعد در محوطه تخت جمشید نظاره‌گر «نور و صدای تخت جمشید» باشند. سران کشورها بعد از ظهر ۲۳ مهرماه شاهد «رژه تاریخ» بودند و غروب آن ضیافت شام دیگری در شهر چادری برپا شد. سپس شاه و سران کشورها به تهران رفتند تا برج شهید آریامهر (آزادی) و استادیوم آریامهر (آزادی) را افتتاح کنند و به این ترتیب سلسله جشن‌ها به پایان رسید. برنامه‌ریزی و ساخت فضاها و امکانات لازم برای آن هفته پررخداد مهرماه ۱۳۵۰ از سال ۱۳۳۷ آغاز شده بود؛ ولی برگزاری جشن‌ها بارها و بارها به دلایلی متنوع از جمله مشکلات مالی دربار و دولت به تعویق افتاده بود؛ ولی برگزاری جشن‌ها هرچه بیشتر به عقب می‌افتاد، تفصیل و شکوهش بیشتر می‌شد (پورآرین و دل‌آشوب، ۱۳۹۱؛ Steele, 2021). در میان طرح‌ها و برنامه‌های متعدد جشن‌های شاهنشاهی، یکی از طرح‌هایی که از همان ابتدا ایجاد شد، طرح سامان‌دهی محوطه پیرامون تخت جمشید و فضای سبز آن بود.

این پژوهش به تاریخ برنامه‌ریزی و ایجاد فضای سبز اطراف شهر چادری معطوف است که در سندهای تاریخی «جنگل تخت جمشید» خوانده شده است. روش پژوهش حاضر تاریخی است و منابع درجه اول آن از آرشیو ملی ایران (تهران و شیراز) و مصاحبه‌های برنامه‌ریزان جشن‌ها -عموماً از طرح تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد- استخراج شده‌اند. تاریخ جنگل تخت جمشید تاکنون بررسی نشده است و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی مسئول ساخت آن ناشناخته مانده‌اند. حتی اندک آثاری که به مطالعه ابعاد مختلف جشن‌های شاهنشاهی پرداخته‌اند هم به شکل‌گیری جنگل آن توجهی نکرده‌اند و نهایتاً خیمه‌گاه سران را از منظر سیاسی و دیپلماتیک بررسی کرده‌اند. هم‌چنین سندهای استفاده شده در این پژوهش تاکنون مد نظر پژوهشگران تاریخ نبوده‌اند. اهمیت پژوهش حاضر، از جایگاه ویژه جنگل تخت جمشید و وقایع مربوط به ایجاد آن نشئت می‌گیرد. این جنگل از معدود جنگل‌های دست‌کاشت ایران و از بزرگ‌ترین مداخله‌های بیست و پنج قرن



اخیر در حریم درجه یک محوطه تخت جمشید به شمار می‌رود. شکل‌گیری آن به واسطه افرادی اثرگذار در دربار پهلوی محقق شد که تدقیق در روابط و نقش آن‌ها، فضای کلی جامعه سیاسی ایران آن دوران را نشان می‌دهد. نامه‌نگاری‌ها در زمینه جلوگیری از مداخله کالبدی در این اثر تاریخی، اثرگذاری نهادها و شخصیت‌های دولتی در این امر و پیروزی آن‌ها بر متولیان میراث فرهنگی را نشان می‌دهد.

این پژوهش تلاش می‌کند که به سه سؤال مشخص پاسخ دهد:

۱. جنگل تخت جمشید چرا و چگونه شکل گرفت؟

۲. چالش‌ها و راهکارهای مؤثر در سیر تکوین آن چه بودند؟

۳. کدام نهادها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی در اجرا و تحقق آن نقش داشتند؟

نام متعارف جنگل تخت جمشید در اسناد تاریخی «جنگل مصنوعی تخت جمشید» است که بر دست‌کاشت بودن آن دلالت دارد. این جنگل ضلع غربی محوطه تاریخی تختگاه تخت جمشید را دربر می‌گیرد و نزدیک‌ترین درخت‌های آن در فاصله حدوداً ۱۱۰ متری صفت تخت جمشید قرار گرفته‌اند. البته فاصله درخت‌ها تا آثار باستانی کاوش شده در ضلع جنوبی تختگاه -برزن جنوبی<sup>۱</sup>- در حدود ۲۰ تا ۳۰ متر است. مساحت جنگل، در بیشینه حالت ممکن و با احتساب درخت‌کاری‌های اطراف هتل داریوش (آپادانا) در حدود شصت هکتار است. اندک آثار درجه دوم موجود درباره شهر چادری نیز محوطه کلی آن را در همین حدود تخمین می‌زنند (Grigore, 2005; Zonis, 1991, p68). محدوده کلی ساخت‌وسازها و مداخله‌هایی که در اسناد تاریخی تحت‌عنوان جنگل مصنوعی تخت جمشید آمده‌اند شامل خیابانی به عرض ۴۸ متر تقریباً چسبیده به تختگاه تخت جمشید، میدانی به شعاع حدوداً ۱۵ متر در ۴۵۰ متری پلکان ورودی، میدانی به شعاع ۱۵۰ متر در چهار کیلومتری تختگاه، و چندده‌هزار درخت کاج و سرو و زبان‌گنجشک در ضلع غربی تختگاه و نیز دو سمت راه ایجادشده بین دو میدان می‌شد. میدان کوچک‌تر نزدیک به تختگاه در آن زمان ساخته نشد و افزوده‌ای از دوره‌های بعدی است. در وضع کنونی، محدوده حدوداً ۱۳ هکتاری شمال چادر پذیرایی در دهکده سران، ضلع غربی چادرهای اقامتی و هتل داریوش، تراکم‌ترین بخش جنگل است. تراکم درخت‌های گوشه‌های ستاره پنج‌پر چادرهای اقامتی نیز قابل توجه است. تراکم کمتر دو گوشه جنوب شرقی و شمال شرقی به همان دهه ۵۰ برمی‌گردد. تصویر هوایی زیر معاصر است؛ ولی موقعیت جنگل را نسبت به تختگاه و موقعیت میدان بزرگ نشان می‌دهد.

۱. برزن جنوبی اصطلاحی است که علی‌اکبر تجویدی برای بقایای ساختمان‌های متعدد واقع در ضلع جنوبی تختگاه تخت جمشید به کار برده است (فصل‌نامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد، س ۶، ش ۱۹، ص ۲).





### تصویر ۱

محدودهٔ مداخله‌های برنامه‌ریزی شده با عنوان «جنگل مصنوعی تخت جمشید» راهنمای رنگ‌ها: بنفش: تختگاه و برزن جنوبی؛ آبی: خیابان ۴۸ متری؛ قرمز: میدان

راهنمای رنگ‌ها: بنفش: تختگاه و برزن جنوبی؛ آبی: خیابان ۴۸ متری؛ قرمز: میدان مقاله حاضر در پنج بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه حاضر، در بخش دوم مکاتبه‌های استاندار فارس با رئیس کارخانه قند مرودشت و رئیس انجمن آثار ملی مدنظر قرار می‌گیرد تا نحوه طرح و اجرای جنگل تبیین شود. بخش سوم به شیوه تأمین آب و نهال‌ها و بودجه لازم برای درخت‌کاری و آبیاری می‌پردازد. در بخش چهارم، سه دسته از مسائل حقوقی پیش‌روی برنامه‌ریزان و مجریان جنگل کاویده می‌شود: ادعای مالکیت زمین‌داران محلی بر زمین‌های جنگل؛ تمایل وزارت کشاورزی به مالکیت جنگل؛ زاغه‌های محلیان در محدوده در نظر گرفته شده برای جنگل. در بخش نتیجه، به برنامه‌ریزان و مجریان اصلی جنگل و نقش هریک از آن‌ها در شکل‌گیری آن فضا پرداخته خواهد شد.

## ۲. طرح و برنامه‌های استاندار فارس و مخالفت‌های انجمن میراث ملی

در سال ۱۳۳۸، سید مهدی پیراسته به استانداری فارس گماشته شد. از همان ابتدا به او اطلاع دادند که توقع شاه از فعالیت او در مقام استاندار فارس مشخصاً دو امر است: برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و ساخت دانشگاه پهلوی (پیراسته، مصاحبه، ۱۹۸۵). در آن سال هنوز جشن‌های ۲۵۰۰ ساله قرار بود جشنی نسبتاً ساده باشد و با مشارکت نهایتاً هزار نفر از ایرانیان و غیرایرانیان برگزار شود. بعدها بود که با افزایش درآمد نفت و ارتقای جایگاه و جاه‌طلبی‌های هژمونیک ایران، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله به یکی از مفصل‌ترین و مجلل‌ترین برنامه‌های چندملیتی قرن بیستم بدل شد (وحیدی راد، ۱۳۹۸). در هر صورت در پاسخ به دستور شاه، پیراسته جواب می‌دهد که «شیراز جای دو نفر هم



نیست. برای خود بنده که استاندار هستم حمام درستی ندارد [چه رسد به آنکه بخواهیم هزار نفر را میزبانی کنیم]». با آنکه در ابتدا به اعتراض پیراسته چندان اعتنایی نشد (پیراسته، مصاحبه، ۱۹۸۵)، ولی نهایتاً برنامه‌ریزان اصلی جشن به همان نتیجه پیراسته رسیدند و برگزاری جشن بیش از یک دهه عقب افتاد تا بالاخره امکانات شیراز به آن حدی برسد که بتواند پذیرای مهمانان شاه باشد.

پیراسته از اوایل ۱۳۳۸ تا اواخر ۱۳۳۹ استاندار فارس بود. او از همان ابتدا و در راستای آماده‌سازی شیراز برای برگزاری جشن‌های شاهنشاهی، توجهش را به مکان اصلی برگزاری جشن‌ها یعنی تخت جمشید معطوف کرد. نخستین موضوعی که نظر او را جلب کرد زاغه‌هایی بود که در نزدیکی تخت جمشید ساخته شده بودند و منظری ناخوشایند برای چنان محوطه‌ای با اهمیت جهانی ایجاد کرده بودند (پیراسته، مصاحبه، ۱۹۸۵). در پاسخ، پیراسته تصمیم می‌گیرد جنگلی در جنب صفت تخت جمشید ایجاد کند؛ جنگلی وسیع که هم جایگزین زاغه‌ها شود و هم محدوده تخت جمشید را سامانی بدهد. شاید تصمیم او متأثر از سیاست‌گذاری‌های عمومی دهه ۴۰ ایران باشد؛ ولی تا آنجاکه از اسناد تاریخی برمی‌آید، طرح و اجرای جنگل تا ماه‌ها بدون بودجه و مصوبه‌ای از سمت دولت و صرفاً با دستورهای مستقیم پیراسته پیش می‌رفته‌است. در ۴ مهرماه ۱۳۳۸ پیراسته نامه‌ای می‌نویسد که بر مبنای یافته‌های این پژوهش، قدیمی‌ترین سندی است که در آرشیو ملی ایران بر ساخت جنگل تخت جمشید دلالت می‌کند. در آن نامه پیراسته، استاندار فارس، از «مهندس [جمشید] کوششی، رئیس کارخانه قند مرودشت و ناحیه کرمان و فارس» تشکر می‌کند و از او می‌خواهد که نقشه ترسیمی «آقای مهندس رحمانی» را اجرا کند. در آن نامه به کوششی تضمین داده می‌شود که او در «امور تصرف زمین و ادعای اشخاص» مسئولیتی نخواهد داشت (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۷۱). در میان اشخاصی که نامشان در این سند است، کوششی و رحمانی را جز به سندها نمی‌شود شناخت؛ ولی از نامه چنین برمی‌آید که تا مهرماه ۱۳۳۸، پیراسته زمین لازم برای ساخت جنگل را در نظر گرفته بوده؛ نقشه آن را به واسطه مهندس رحمانی تهیه کرده بوده و اجرای طرح جنگل را نیز به رئیس کارخانه قند مرودشت سپرده بوده‌است.

کمتر از دو هفته بعد از نامه مزبور، در ۱۵ مهرماه ۱۳۳۸، ساعت ۵ بعد از ظهر، عملیات حفر اولین چاه آب جنگل تخت جمشید با حضور مسئولان استانی آغاز شد (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۹۹). تازه بعد از آن بود که پیراسته تلگرافی به «ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی» نوشت و آن‌ها را مطلع کرد. در تلگراف پیراسته تصریح شده‌است که: «از طرف دولت بودجه‌ای برای این کار تعیین نشده [است] و با وجوه جمع‌آوری شده و

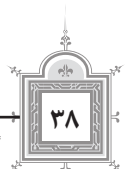


زمین‌های اهدایی از طرف مردم [کار] آغاز شده است» (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۹۹). تلگراف مختصر پیراسته حاکی از آن است که مذاکره‌هایی بین او و زمین‌داران اطراف تخت جمشید در جریان بوده است؛ البته نامی از زمین‌داران و اهداکنندگان برده نشده است. در هر صورت باتوجه به حساسیت تاریخی محوطه تخت جمشید، ساخت جنگلی مصنوعی در حریم درجه یک آن امری نامتعارف محسوب می‌شد و به تأیید نهادی نیاز داشت که در حفاظت آثار تاریخی تخصص داشته باشد. با آنکه عملیات حفر چاه، نقشه‌کشی، مذاکره با زمین‌داران، و امور اجرایی بدون کسب مجوزی از نهادهای تاریخی و حفاظتی آغاز شده بود، پیراسته در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۳۸ نامه‌ای به انجمن آثار ملی فرستاد و نظر باستان‌شناسان انجمن درباره درخت‌کاری در اراضی اطراف تخت جمشید را جویا شد. در پاسخ، سپهبد فرج‌الله آق‌اولی<sup>۱</sup>، رئیس هیئت‌مدیره انجمن آثار ملی، نامه‌ای فرستاد و نظر انجمن را اعلام کرد:

اقدام به درخت‌کاری در اراضی اطراف تخت جمشید به عقیده انجمن آثار ملی و عموم خبرگان حفظ آثار، به هیچ وجه صلاح نبوده و باعث نابود شدن آثار گران‌بهایی خواهد بود که تا حدود سه کیلومتر در پیرامون این محل باستانی در زیر خاک‌های پرازش آن سرزمین مدفون است؛ چنان‌که از چندین سال قبل مالکین آن ناحیه برای درخت‌کاری در پیرامون تخت اقداماتی کرده‌اند که از طرف اداره کل باستان‌شناسی طبق ماده ۶ قانون عتیقات در انجام آن جلوگیری به عمل آورده است؛ بنابراین در صورتی که به افتخار و به نام جشن دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی ایران در نظر است پارک‌هایی در آن محوطه احداث فرمایند، مقتضی به نظر می‌رسد عملیات درخت‌کاری در محلی از اراضی مرودشت دور از محوطه باستانی تخت جمشید صورت گیرد تا بدین وسیله هم نظر علاقه‌مندان به این موضوع تأمین گردد و هم اراضی تاریخی اطراف تخت جمشید به صورت فعلی باقی [بماند که] برای تحقیقات آینده باستان‌شناسان مورد استفاده خواهد بود (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۷۵).

نامه آق‌اولی خطاب به پیراسته نوشته شده است و شاید اگر رونوشتی از آن برای دربار ارسال می‌شد، جنگل تخت جمشید هرگز ساخته نمی‌شد. در این نامه صراحتاً با درخت‌کاری پیرامون تخت جمشید مخالفت شده و توصیه شده است که اگر برگزارکنندگان جشن‌های شاهنشاهی به درخت‌کاری مجبور هستند، جایی در دشت مرودشت و دور از تخت جمشید درخت بکارند. استفاده آق‌اولی از عبارت «تا حدود سه کیلومتری» آگاهانه به نظر می‌رسد؛ چون تل آجری تخت جمشید در سه کیلومتری صفت تخت جمشید قرار دارد؛ هرچند در آن زمان آثاری مثل «دروازه کوروش» که چه بسا یکی از دروازه‌های شهر «پارسه» بوده است، به طور کامل کاوش نشده بود. با وجود صراحت نظر انجمن آثار ملی، پیراسته فعالیت‌هایش را برای احداث جنگل تخت جمشید ادامه داد و به نظر

۱. سپهبد آق‌اولی از فرماندهان ارتش شاهنشاهی بود که از سال ۱۳۳۴ تا زمان درگذشتش رئیس انجمن آثار ملی بود. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به عاقلی، باقر. (۱۳۸۰). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. (ج ۱). تهران: گفتار.



می‌رسد در این مسیر تشویق‌های «مهندس رحمانی» - کسی که نقشه جنگل را ترسیم کرده بود - بی‌اثر نبوده‌است. بعد از نامه سپهبد آق‌قلی، مهندس رحمانی نامه‌ای به تاریخ قبل از ۴ دی ۱۳۳۸ برای «دوست محترم جناب آقای دکتر پیراسته» می‌نویسد. این نامه دست‌نوشته است و غیررسمی و بدون سربرگ نوشته شده‌است و از سر خوش اقبالی است که در آرشیوها محفوظ مانده‌است؛ زیرا وجه مهمی از روند ساخت جنگل را می‌نمایاند.

این‌طور که از مفاد نامه رحمانی برمی‌آید انجمن آثار ملی جلسه دیگری برگزار کرده و این بار «مهندس رحمانی» هم، احتمالاً به‌خواست پیراسته، در آن جلسه حاضر بوده‌است. در آن جلسه مقرر می‌شود که درباره ساخت جنگل بحث شود و سپس نتیجه را «به محضر ملوکانه ببرند». ظاهراً این قضیه رحمانی را نگران می‌کند؛ چون نامه‌ای از انجمن آثار ملی با امضای سپهبد سرشناس و کهنه‌کاری چون آق‌اولی به شخص شاه می‌توانسته‌است مسیر ساخت جنگل را مسدود کند؛ خصوصاً که نامه‌ای که انجمن برای پیراسته فرستاده بود صریح و قاطعانه بود و احتمال می‌رفت که همان صراحت و استدلال‌ها را در نامه به شاه نیز به‌کار گیرند؛ بنابراین وقتی رحمانی مطلع می‌شود که شاه به‌زودی برای بازدید از جزئیات عمرانی و طرح‌های آماده‌سازی شیراز و تخت جمشید برای جشن‌های شاهنشاهی عازم استان فارس خواهد شد، با عجله نامه‌ای برای پیراسته می‌نویسد و از او می‌خواهد که:

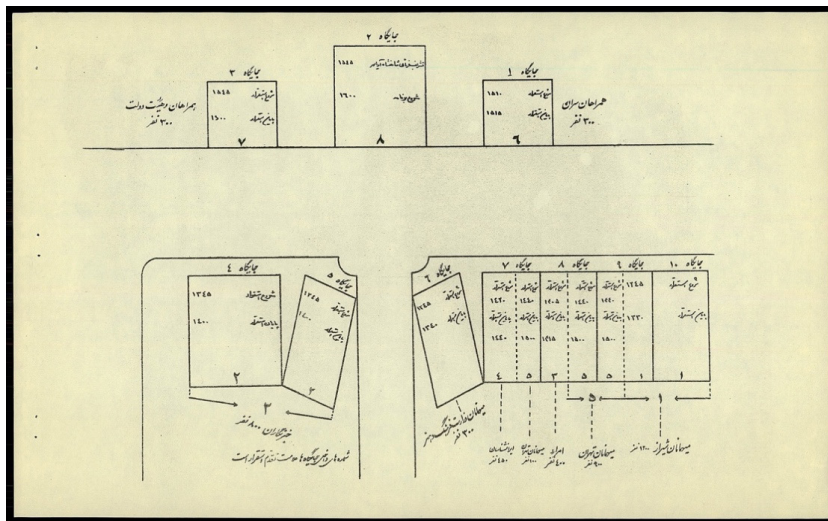
نقشه‌های رنگی را توسط گل‌نارخانم دهقان (؟) حضورتان فرستادم که در موقع تشریف‌فرمایی اعلی حضرت همایونی به تصویب ملوکانه برسانید؛ زیرا جناب آقای علا (؟) نقشه‌ها را به تصویب ملوکانه نرساندند و قرار بود در جلسه انجمن آثار ملی اول بحث کنند و سپس به محضر ملوکانه ببرند. امشب جلسه انجمن آثار ملی تشکیل بود و در اطراف موضوع بحث زیادی شد. عده زیادی با اجرای آن موافق بودند و عده‌ای که اصولاً منفی‌باف هستند با اجرای آن مخالفت کردند؛ ولی اصولاً با نقشه مخالفتی نداشتند و [صرفاً] معتقد بودند که باید بین پارک و تخت جمشید فاصله زیاد داشته باشد. این موضوع را هم در جلسه خود این‌جانب مورد بحث قرار دادم. وقتی عرض کردم که ساختمان‌های فعلی باید به کلی خراب شود، همه با این موضوع موافق بودند. آقای سمیعی نامی (؟) که گویا خود او با امضای وزیر فرهنگ نسخه نقشه را خواسته بودند در جلسه حضور داشت و اظهار می‌داشت در بعضی از قسمت‌ها باید به حفاری پردازند و ممکن است ایجاد پارک این کار را به تعویق بیندازد. علا (؟) معتقد بودند ایجاد پارک، با این منظور منافات ندارد. بنده در جواب آقای سمیعی (؟) در جلسه گفتم که شما در این همه مدت، از ساختمان چندین صد ساختمان ممانعت نکرده‌اید (؟)؛ مخصوصاً خود وزارت فرهنگ مشغول ساخت دبستانی در کنار جاده

۱. پیراسته نامه را در تاریخ ۴ دی‌ماه  
حاشیه‌نویسی کرده و نوشته‌است: «حسب  
امور اقدام شود».



بود که جناب استاندار دستور فرمودند که ساختمان را ادامه ندهند؛ در این صورت کاشتن درخت و چمن چه ضرری خواهد داشت؟! در هر صورت اینکه تعجیلاً این عریضه را به حضورتان می‌فرستم، برای این است که اگر صلاح دانستید در موقع تشریف‌فرمایی [شاه] نقشه را به حضور ملوکانه ارائه [کنید] و به‌تصویب ملوکانه برسانید؛ و الاً در غیر این صورت موفق نخواهید شد و مرتباً مخالفینی فراهم خواهند شد (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۸۳ تا ۳۵۰/۵۷۴۵/۸۷).

متن مشووش رحمانی در ادامه به ذکر جزئیاتی پراکنده از نقشه جنگل و نظر اعضای انجمن آثار ملی اشاره می‌کند؛ بعضی از این جزئیات هرگز اجرا نشده‌است و بعضی دیگر اینک نیز موجود هستند. طبق نقشه، قرار بوده‌است که میدانی مقابل تخت جمشید ساخته شود و «مجلسه اعلیٰ حضرت همایونی» در میان آن ساخته شود که انجمن با آن مخالفت می‌کند و تا سال ۱۳۵۰ که جشن‌های شاهنشاهی برگزار شد، خبری از این میدان نیست. در توصیف رحمانی از نقشه‌اش، خیابانی عریض و ۴۸ متری به موازات تخت جمشید پیش‌بینی شده بود. این خیابان به همان عرض و صورت ساخته شد و در سال ۱۳۵۰، برای «رژه تاریخ» به کار رفت. سران کشورهای جهان و شاه در ضلع شرقی آن، نزدیک‌تر به تخت جمشید، نشستند و روزنامه‌نگاران و تصویربرداران در ضلع غربی آن، و سربازان از وسط آن‌ها رژه رفتند (تصویرهای ۲ و ۳). نکته دیگری از نقشه که رحمانی تشریح می‌کند بلواری است که در وسط جنگل و پارک به میدان جلوی تخت جمشید منتهی می‌شود. این بلوار نیز ساخته شد و بعدها، وقتی شهر چادری ساخته شد، چادریهای کوچک اقامت سران را از چادر بزرگ پذیرایی جدا می‌کرد تا نهایتاً به جایگاه نشست و برخاست هلی‌کوپترها برسد.



## تصویر ۲

نقش محوری خیابان ۴۸ متری در برنامه‌ریزی جایگاه سران و ایران‌شناسان و خبرنگاران برای رژه تاریخ (۱۳۵۰) (ساکما، ۳۵۰/۳۳۳۷۸/۱۷).





### تصویر ۳

شهر چادری (دهکده سران) درمیان  
جنگل تخت جمشید (عکس از جک  
گاروفالو، آرشیو پاریس مچ، برگرفته  
از گتی)

1. Jack Garofalo, Paris Match  
Archive, Getty Images (<https://www.gettyimages.com.au/detail/news-photo/the-2500th-anniversary-of-the-persian-empire-pers%3%A9polis-news-photo/166480627>)

۲. دست خط رحمانی خوانا نیست و برای  
ارجاع به حسین علاء از عنوان‌های معمول  
وزیر دربار استفاده نکرده و در یک جا به  
«جناب آقای» بسنده کرده و در جای دیگر  
هیچ نیآورده است؛ ولی نزدیک‌ترین کسی که،  
هم به جشن‌های شاهنشاهی مرتبط بوده  
و هم می‌توانسته است به نزد شاه برود و  
تأییدهای ملوکانه را بگیرد همان حسین علاء  
می‌تواند باشد.

۳. بعدتر که شورای مرکزی جشن‌های  
شاهنشاهی تشکیل شد، جواد بوشهری و  
اسدالله علم و مهدی بوشهری ریاست آن را  
عهده‌دار شدند.

اگرچه نامه سه‌صفحه‌ای رحمانی با شرح نقشه به پایان می‌رسد، ولی یادداشت  
دست‌نوشته دیگری نیز در آرشیو ملی ایران موجود است که بر همان کاغذ و با همان  
دست‌خط و با امضای رحمانی است؛ ولی تاریخ و شماره صفحه ندارد. این برگ که با  
«عرض کردم» شروع می‌شود، بخشی از نامه دیگری بوده که اینک صرفاً صفحه آخر آن بر  
جای مانده است و ظاهراً هم‌زمان با نامه قبلی نوشته شده است. نامه رحمانی با این عبارت‌ها  
به پایان می‌رسد: «عرض کردم که این کار هم مثل سایر کارها وقتی شخصی خواست کار  
مفیدی انجام دهد اشخاصی مایل‌اند به اسم خود آن‌ها آن کار انجام شود و این عمل به نظر  
این جانب فقط چنین جنبه‌ای داشت. از این رو اگر صلاح می‌دانید، نقشه‌ها را در شیراز به  
تصویب ملوکانه برسانید و اجرای آن را همین طوری که شروع کرده‌اید ادامه بدهید؛ زیرا  
زمین‌های اطراف تخت جمشید در اختیار مردم است و اگر شما درخت‌کاری نکنید مردم  
ساختمان خواهند ساخت و ایراد اداره باستان‌شناسی بی‌مورد به نظر می‌رسد و جز حسادت  
چیز دیگری تشخیص ندادم؛ محض اطلاع عرض شد» (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۸۸).

این دو نامه آشکارا از تعارفات معمول نامه‌نگاری دوره پهلوی دوم عاری است و  
لحن و ادبیات آن نشان از رابطه‌ای صمیمی‌تر بین پیراسته و رحمانی دارد. شخصی که  
با عنوان «علاء» معرفی می‌شود احتمالاً حسین علاء است.<sup>۲</sup> در آن زمان حسین علاء از  
نخست‌وزیری انصراف داده بود و وزارت دربار را در اختیار داشت و هم‌چنین وقتی که  
شاه برگزاری جشن‌های شاهنشاهی را تأیید کرد، ریاست کمیته اجرایی آن را بر گرده علاء  
نهادند.<sup>۳</sup> متأسفانه اطلاع بیشتری از رحمانی نیست و امید است که بررسی بیشتر و دقیق‌تر



اسناد تاریخی رابطه این دو شخصیت مؤثر در شکل‌گیری جنگل تخت‌جمشید را روشن کند. در هر صورت به نظر می‌رسد پیراسته و رحمانی موفق شدند نقشه خود را عملی کنند و نقشه‌های رنگی را بدون تأیید و تصویب انجمن آثار ملی، به تصویب ملوکانه برسانند؛ زیرا یک ماه بعد، در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۳۸، کمیسیونی مرکب از مهندس علی حاکمی (رئیس موزه ایران باستان)<sup>۱</sup> و مهندس کوششی و گلشن ابراهیمی (رئیس اداره راه) و علی سامی (رئیس بنگاه علمی تخت‌جمشید) تشکیل شد و محل مناسب ایجاد جنگل و حفر چاه معین شد (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۱۹).

از چرایی مشارکت باستان‌شناسان نامداری همچون علی سامی و علی حاکمی بی‌اطلاعیم؛ شاید حاکمی و سامی هر دو می‌دانسته‌اند که متعاقب «تصویب ملوکانه» اعتراض‌هایشان اثری نخواهد گذاشت و در عوض، تصمیم گرفته‌اند که جایی را برای حفر چاه عمیق جدید پیشنهاد دهند که کم‌ترین آسیب را به تخت‌جمشید برساند. البته چنان‌که در ادامه آورده خواهد شد، مردم محلی بعدها از علی سامی به اتهام غصب زمین‌هایشان شکایت کرده‌اند که نشان می‌دهد شاید مداخله سامی در جنگل تخت‌جمشید بیش از این‌ها بوده‌است. از اسناد تاریخی این‌طور به نظر می‌آید که در این تاریخ (دی ۱۳۳۸) برای نخستین بار نظر متخصصان حوزه میراث فرهنگی را جویا شده باشند. شاید هم فشارهای انجمن آثار ملی باعث شده‌است که باستان‌شناسانی را به مشارکت بگیرند.

در تاریخ ۲ آبان ۱۳۴۰، کمیسیونی با هدف درخت‌کاری جنگل تخت‌جمشید و دو طرف جاده مرودشت-تخت‌جمشید با حضور رئیس کارخانه‌جات قند ناحیه فارس و کرمان، مشاور فنی کارخانه‌جات قند و رئیس کارخانه قند مرودشت، شهردار مرودشت، شخصی به نام «آقای علائی» و رئیس اداره کل کشاورزی استان فارس تشکیل شد. مطابق آن جلسه عامل و مأمور اجرای درخت‌کاری سرهنگ خلیل‌پاشا سلحشور-شهردار مرودشت-تعیین شد تا همه اقدامات را شخصاً انجام دهد و مهندس کوششی هم «از لحاظ سابقه‌ای که در امر درخت‌کاری آنجا داشته‌است»<sup>[۱]</sup> ناظر امور باشد (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۱۵). تا پایان سال ۱۳۴۰، بخش زیادی از درخت‌کاری‌های جنگل تخت‌جمشید به‌اتمام رسید. سلحشور در گزارشی اعلام کرد که از تخت‌جمشید به طرف مرودشت، به طول ۴ کیلومتر، ۱۲ هزار کاج دو و سه‌ساله کاشته شده و در پیچ مقابل تخت‌جمشید و مرودشت، در فاصله ۴ کیلومتری تخت‌جمشید، میدانی به شعاع ۱۵۰ متر احداث شده‌است. از این میدان تا مرودشت ۷ کیلومتر راه است و سرتاسر این مسیر را ۱۴ هزار سرو یک و دو ساله و ۱۸ هزار زبان‌گنجشک کاشته‌اند. از قرار معلوم این بخش از درخت‌کاری‌ها در ۱۵ بهمن ۱۳۴۰ به پایان رسید. هم‌چنین سلحشور می‌افزاید که ۲۵۰۰ سرو و کاج و زبان‌گنجشک نیز به

۱. علی حاکمی باستان‌شناسان بود و سال‌ها ریاست موزه ایران باستان را عهده‌دار بود.



جنگل تخت جمشید افزوده شده‌اند (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۶ تا ۳۵۰/۵۷۴۵/۹). در هر صورت از این زمان به بعد و با تأیید ملوکانه، اجرای طرح جنگل و درخت کاری‌ها با سرعت بیشتری پیش رفت و دیگر با خود ایده ایجاد جنگل مخالفتی نشد. حتی تغییر شغل پیراسته از استانداری فارس در اواخر سال ۱۳۳۹ هم خللی در پیشبرد جنگل ایجاد نکرد! شاید تنها تغییر مهم در دوره در زمان سلحشور (شهردار مرو دشت) این بود که مسئولیت اصلی اجرای جنگل از رئیس کارخانه قند مرو دشت به شهردار مرو دشت سپرده شد.

### ۳. تأمین آب، بودجه، و نهال

از جمله چالش‌هایی که پیش روی مجریان جنگل تخت جمشید قرار گرفت، نبود برنامه و بودجه‌ای مصوب برای حفظ و نگهداری و تأمین آب و نهال و آبیاری جنگل بود. اگرچه ایجاد چاهی نیمه عمیق از نخستین اقدامات صورت گرفته در محوطه جنگل بود، ولی کارگری نبود که نهال‌های کاشته شده را آبیاری کند و هم چنین با افزایش شمار نهال‌ها، آب چاه کفایت نمی‌کرد. در اولین روز شهریورماه ۱۳۳۹ مهندس کوششی نامه‌ای به پیراسته می‌نویسد. پیراسته در این زمان برای معالجه بیماری‌اش به تهران رفته بود. در آن نامه ایجاد جنگل مصنوعی اطراف تخت جمشید «اقدامی اساسی و باعث حفظ آبرو و شئون مملکتی به ویژه برای جشن دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی ایران» شمرده می‌شود که تا آن تاریخ با «جمع آوری و جوهی از اشخاص نیکوکار و درائر مساعی استاندار فارس» پیش رفته است؛ ولی «وجوه باقی مانده کفاف هزینه‌ها را تا پیش از یک ماه نمی‌دهد و تصور می‌رود ادامه این کار زحمات استاندار، و درخت‌ها و خزانه نهال‌های غرس شده را از بین ببرد» (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۶۱).

نهایتاً کوششی پیشنهاد می‌دهد که تا زمان تعیین بودجه‌ای معین برای جنگل تخت جمشید وزارت فرهنگ از محل اعتبار هزینه‌های باستان‌شناسی تخت جمشید سرمایه لازم را تأمین کند و مدعی می‌شود که در حال حاضر هزینه‌های لازم بیش از ماهی بیست هزار ریال نیست (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۶۱). در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۳۹، پیراسته به ناچار نامه‌ای به علی سامی - که در آن زمان رئیس اداره باستان‌شناسی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید بود - ارسال می‌کند و درخواست می‌کند که تا پیداشدن راه‌حلی دیگر، کارگران بنگاه علمی تخت جمشید درخت‌ها را آبیاری کنند (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۶۰). دو ماه بعد، در ۱۱ آبان ۱۳۳۹، پیراسته نامه دیگری به علی سامی می‌فرستد و این بار همان درخواست قبلی را دستور می‌دهد (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۶۶)؛ ولی نامه اخیر حاوی این نکته است که مقرر شده است: «از محل برگزاری جشن‌های شاهنشاهی ایران مبلغی

۱. پیراسته تا اواخر سال ۱۳۳۹ استاندار فارس بود و بعد از آن برای مدت کوتاهی به سمت استانداری خوزستان رسید؛ سپس، در دوره نخست‌وزیری علم، وزیر کشور شد و در سال ۱۳۴۳ سفیر ایران در عراق و در سال ۱۳۴۶ سفیر ایران در بلژیک شد.



جهت نگهداری و ادامهٔ درخت‌کاری تخت‌جمشید حواله گردد و امیدوار است که با وصول آن مبلغ وقفه‌ای را که در این کار روی داده [است] جبران نماید؛ بنابراین تا آبان ۱۳۳۹، بودجه‌ای برای جنگل تخت‌جمشید در نظر گرفته نشده بود. در پاسخ نیز سامی نامه‌ای به اداره کل باستان‌شناسی نوشت و اطلاع داد که مادامی که اعتباری از طرف کمیتهٔ جشن‌های شاهنشاهی ایران یا سازمان دیگری برای نگهداری درخت‌ها تأمین و حواله نشده باشد، کارگران فعلی بنگاه علمی، حفاظت و آبیاری آن را برعهده خواهند داشت؛ «چون درخت‌کاری نامبرده از منضمات و ملحقات تخت‌جمشید و برای حفظ منظرهٔ آنجا احداث گردیده است» (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۶۳).

بآنکه از آن تاریخ به بعد از محل اعتبارات جشن‌های شاهنشاهی بودجه‌هایی گاه‌وبی‌گاه و نامنظم به جنگل تخت‌جمشید تزریق می‌شد، به نظر نمی‌رسد که ردیف بودجه‌ای کافی و باثبات برای این کار در نظر گرفته بوده باشند. در نتیجه کوششی گاه‌وبی‌گاه نامه‌هایی برای پیراسته می‌فرستاد و بودجه‌ای برای پیشبرد کارها درخواست می‌کرد. برای نمونه در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۳۹، درخواست می‌کند که دویست هزار ریال برای احداث چند حلقه چاه قنات، خرید سوخت، و دستمزد کارگرانی که به «گوده‌زنی و نهرکشی و تسطیح زمین» مشغول هستند در نظر گرفته شود (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۴۶).

از دیگر راهکارهایی که برای تأمین مخارج جنگل به کار گرفته شد، اتکا به روش‌های سنتی تهیهٔ آب به قصد صرفه‌جویی بود. برای نمونه با آنکه در ابتدا قرار بود دو چاه عمیق در طول جادهٔ تخت‌جمشید-مرودشت حفر شود، در نهایت قناتی حفر شد و آب کافی را تأمین کرد. در توضیح این قنات، سلحشور در گزارشی به فولادوند -استاندار جدید فارس- می‌نویسد:

احتمالاً شصت متر پیش‌کار برای قنات کم‌آبی که موجود بوده کنده شده است و به شکل غیرعادی و غیرمنتظره بر مقدار آب اضافه شده است.

راه دیگر تأمین بودجهٔ امور جاری جنگل، اتکا به هدیه‌های مردم و نیکوکاران بود. مثلاً در نامه‌ای که تاریخ ۷ خرداد ۱۳۴۰ را دارد، مهندس کوششی از شخصی به نام «عبدالحسین استخری» قدردانی کرده است که «برای مرتبهٔ دوم» مبلغ ده هزار ریال به کارخانهٔ قند مرودشت هدیه کرده است تا صرف نگهداری و هزینه‌های مستمر تخت‌جمشید شود (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۳۶). در نتیجهٔ این تدبیرها، با آنکه در آغاز هزینهٔ درخت‌کاری و تهیهٔ آب جنگل متجاوز از چهار میلیون ریال پیش‌بینی می‌شد، ولی تا حدود نیمهٔ آبان ۱۳۴۰، صرفاً ۳۲۵ هزار ریال هزینه شده بود (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۶ تا ۳۵۰/۵۷۴۵/۹).

اتکا به کمک‌های مردم و مالکان و زارعان نیز در تأمین آب لازم برای آبیاری درخت‌ها مؤثر بود. با افزایش تعداد درخت‌ها و نیز خشک‌سالی‌ای که دشت مرودشت

۱. احتمالاً شصت متر پیش‌کار برای قنات کم‌آبی که موجود بوده کنده شده است و به شکل غیرعادی و غیرمنتظره بر مقدار آب اضافه شده است.



را در دهه ۴۰ متأثر کرد، گاهی خروجی چاه‌ها کفایت نمی‌کرد. مجریان جنگل به‌ناچار دست‌به‌دامان زارعان و مالکان محلی شدند؛ ولی چون جنگل تخت جمشید ردیف بودجه مصوب نداشت و سرمایه‌ای هم نداشت، آبی که از چاه‌ها و منابع مردم محلی به سمت جنگل جاری می‌شد هدیه آن‌ها بود. در بهمن ۱۳۴۰، شهردار مرودشت از استانداری فارس درخواست کرد که استانداری از دو تن از مالکان مرودشت کتبی تقدیر کند و توضیح می‌دهد که «قبل از آنکه موفق به تهیه آب کافی شویم، تعدادی درخت کاشته [بودیم]؛ ولی قادر به آب‌دادن نبودیم. آقای محمد ضرغامی از سهم آب ملکی خودش (عمروآباد) به شهرداری تحویل [داد] و ده شبانه‌روز توانستیم درخت‌ها را سیراب نماییم. هم‌چنین آقای اکرم کاوسی مالک کنار مرودشت هم هفت شبانه‌روز از سهم آب ملکی خودش [را] تحت اختیار شهرداری برای شرب درخت‌ها گذارده [است]» (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۶ تا ۳۵۰/۵۷۴۵/۹).

نهایتاً باید به چالش تأمین نهال‌های لازم برای کاشت در زمین‌های جنگل اشاره کرد که رفع آن -به دلیل محدودیت ماه‌های امکان غرس نهال در دشت مرودشت- حساسیتی دوچندان داشت. پیراسته در ابتدا سعی کرد این مشکل را با مشارکت مردمی حل کند. در نیمه بهمن ۱۳۳۸ پیراسته دستور داد خبری در جراید شیراز چاپ شود:

به طوری که خاطر اهالی محترم شیراز مستحضر است برای مزید شکوه و زیبایی آثار باستانی تخت جمشید در نظر است جنگل مصنوعی در پیرامون تخت جمشید احداث گردد و عده‌ای مردمان بافتوت و نیکوکار هم پیش قدم شده و جوهری اهدا نموده‌اند. اینک در این موقع که فصل درخت‌کاری شروع شده [است] از اهالی میهن‌پرست و علاقه‌مند شیراز انتظار دارد هر کس به قدر استطاعت و همت خود در این راه قدم مؤثری برداشته و با اهدای اشجاری از نوع سرو، کاج، چنار، یا افرا در ایجاد این جنگل کمک نماید. ضمناً خاطر نشان می‌نماید که کمیت اشجار اهدایی مورد نظر نبوده و آقایانی که مایل به کمک باشند می‌توانند به اداره کل کشاورزی استان فارس و بنادر و یا مستقیماً به اینجا مراجعه [نمایند] و با اهدای حتی یک درخت در این امر خیر شرکت نمایند (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۷۸).

هم مردم شیراز و هم مالکان و زارعان مرودشت درخت‌هایی به جنگل اهدا کردند، ولی شمارشان هرگز کافی نبود؛ بنابراین استانداری دست‌به‌دامان اداره جنگلبانی استان هفتم شد و مطابق نامه‌نگاری‌های بسیار اکثر درخت‌های لازم را از آنجا هدیه گرفت. در ۲۱ اسفندماه ۱۳۳۹، کوششی به پیراسته گزارش می‌دهد که تا آن تاریخ ۱۵۰۰ زبان‌گنجشک، ۵۸۸۰ کاج، و ۲۲۰ سرو از طرف اداره جنگلبانی برای غرس در جنگل تخت جمشید



تحويل گرفته شده است (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۳۹). هم‌چنین با کمک اداره جنگل‌بانی، مقرر شد که در کنار همه نهال‌هایی که سازمان جنگل‌بانی ایران (وزارت کشاورزی) به جنگل تخت‌جمشید اهدا می‌کند، «خزانة سرو و کاج» تخت‌جمشید نیز ایجاد و بهره‌برداری شود. روستائیان -کفیل اداره جنگل‌بانی استان هفتم- اطلاع داد که زمین موردنیاز برای ایجاد خزانة سرو و کاج را کارخانه قند مرودشت تدارک دیده و سازمان جنگل‌بانی نیز برنامه جامع و مفصلی تنظیم کرده است و برای اجرا به اداره جنگل‌بانی استان هفتم ارسال کرده است. پیش‌بینی روستائیان بر مبنای برنامه جامع این بوده است که «متجاوز از ۵۰۰ هزار اصله نهال سرو و کاج یک‌ساله و در همین حدود سر و کاج در خزانة احدثی سال جاری موجود خواهد بود» (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۳۷).

#### ۴. مالکیت و مسائل حقوقی

مالکیت جنگل تخت‌جمشید و زمین‌های آن از عمده‌ترین چالش‌های دوره تکوین جنگل بود. از یک سو خصیصه‌های متفاوت جنگل تخت‌جمشید، نظیر دست‌کاشت بودن و مناسبتی بودن و قرارگیری آن در حریم درجه یک تخت‌جمشید، مانع از آن می‌شد که مدیریت و مالکیت آن با سایر جنگل‌های ایران هم‌سان باشد و از سوی دیگر شورای جشن‌های شاهنشاهی یا مؤسسه تخت‌جمشید ظرفیت علمی و تجربی لازم برای مدیریت این جنگل را نداشتند؛ بنابراین حسن ارسنجانی، وزیر کشاورزی، از جواد بوشهری، نایب‌رئیس شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی، خواست که جنگل تخت‌جمشید را به مالکیت قطعی سازمان جنگل‌بانی درآورد. بوشهری در پاسخ، نامه‌ای به تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۴۰ می‌نویسد و می‌گوید که این اراضی «که در آنجا احدات جنگل گردیده به دولت و احیاناً متعلق به اشخاص است؛ [بنابراین] برای شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی ایران مقدور نیست که آنجا را به ملکیت قطعی سازمان جنگل‌بانی درآورد. مضافاً به اینکه این جنگل فقط به‌منظور زیبایی تخت‌جمشید به وجود آمده [است] و عوایدی هم ندارد که برای نگهداری آن مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است چاه‌های حفر شده و تلمبه‌هایی که ممکن است با جمع‌آوری اعانات محلی از طرف استنادار محترم فارس بر روی چاه‌ها نصب گردیده باشد به تصرف اداره کل جنگل‌بانی درآید تا بتواند آب مورد احتیاج را تأمین کند» (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۳۱).

اشاره بوشهری به تعلق زمین‌های جنگل تخت‌جمشید به اشخاص حقیقی مشکل حقوقی دیگری بود. گله‌گزاری‌ها و شکایت‌های شفاهی مردم باعث شد که وقتی فریدون توللی جای علی سامی را به‌عنوان رئیس اداره باستان‌شناسی فارس و بنگاه علمی تخت‌جمشید و پاسارگاد گرفت دستور داد که اولاً «تعیین شود آیا تمام جنگل احدات شده در محدوده



ثبتی آقای مزارعی [است] - که بعداً طی صورت مجلس مربوطه با امضای خودشان به تخت جمشید واگذار شده [است]؟<sup>۹</sup> - یا جنگل از محدوده واگذار شده به تخت جمشید هم خارج گشته و به ملک یا املاک شخصی دیگران کشیده شده [است]؟<sup>۹</sup> و ثانیاً «در صورتی که قسمتی از جنگل از حریم واگذار شده به تخت جمشید تجاوز کرده و به ملک غیر رفته است، معین فرمایید تقریباً به قدر چند هکتار آن در خارج از حریم واگذاری است؟ و آن مساحت از اراضی به کدام مالک یا مالکین (با ذکر نام آن‌ها) اتخاذ شده [تعلق داشته؟] تا عیناً به جنگلبانی استان هفتم گزارش شود» (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۲۰). تولی مدت کوتاهی آن سمت را در اختیار داشت و به نظر نمی‌رسد که در آن زمان کم مسئله مالکیت اراضی جنگل تخت جمشید را حل کرده باشد؛ زیرا در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۴۰، کرامت‌الله افسر - شخصی که بعد از سامی و تولی به ریاست بنگاه علمی تخت جمشید رسید - به اداره باستان‌شناسی فارس اطلاع می‌دهد که از طرف مالکان جلال‌آباد علیه علی سامی و مهندس کوششی به دادگاه شیراز اقامه دعوی تصرف عدوانی شده است (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۱۹).

شکایت رسمی و دادگاهی مردم محلی از مهندس کوششی قابل درک است؛ زیرا بعد از پیراسته، مهم‌ترین نقش در تکوین جنگل را کوششی ایفا کرد؛ ولی مشخص نیست که نقش و دخالت‌های علی سامی تا چه اندازه بوده است. با توجه به پیشه باستان‌شناسی سامی، امید می‌رود که پژوهش‌های آتی سهم او را مشخص کند. در هر صورت از متن همان نامه مهرماه ۱۳۳۸ - که پیراسته به کوششی تضمین می‌دهد که او (کوششی) در «امور تصرف زمین و ادعای اشخاص مسئولیتی» نخواهد داشت - مشخص می‌شود که مسئله تصرف زمین‌های لازم برای درخت‌کاری و مالکیت آن‌ها حساسیت‌هایی را برانگیخته بوده است؛ تا آنجا که آغاز درخت‌کاری مستلزم تعهد کتبی استاندار فارس مبنی بر فراغت مهندس کوششی از مسئولیت‌های حقوقی بوده است. احتمالاً با رفتن پیراسته از استانداری فارس، مشکلات تصرف زمین‌ها حل نشده باقی مانده بوده است و در غیاب او، مردم محلی به‌ناچار از کوششی و سامی شکایت کرده‌اند.

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، زدودن زاغه‌های اطراف تخت جمشید، از انگیزه‌های اصلی پیراسته در ایجاد جنگل بوده است. این خانه‌ها در هر صورت خراب می‌شدند؛ چون از منظره مناسب و دوام کافی برخوردار نبودند و حضورشان مطلوب هدف‌های جشن شاهنشاهی نبود.<sup>۱</sup> ولی زمان و مبلغ کمی که در اختیار مالکان آن‌ها قرار گرفت، موجب شد که در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۳۹ نامه‌ای به پیراسته استاندار فارس نوشتند و گفتند که «در نهایت علاقه‌ای که به منویات آن مقام محترم داریم در قسمت خانه‌های مسکونی خود استدعا داریم دستور فرمائید که در هر جا صلاح می‌دانند قطعه‌زمینی تحت اختیار ما بگذارند و

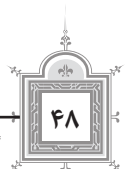
۱. بهبود منظر شهری شیراز و تهران از جمله اقداماتی بود که پیش‌تر رسیدن سران کشورهای جهان به‌انجام رسید. عمده این تغییرات حاشیه‌های خیابان‌ها و جاهایی را دربر می‌گرفت که در دیدرس سران و مهمانان جشن‌ها قرار داشتند.



بهای منزل‌هایمان را نیز بدهند تا شروع به ساختمان‌نمائی و خانه‌ها را تحویل دهیم؛ زیرا این خانه‌ها نتیجه دسترنج سی سال فعلگی و خاک‌خوردن در تخت‌جمشید است که با اجرت کم از روی علاقه زیاد کار کرده‌ایم و با التماس و التجای فروان و نامه‌های زیادی که به دولت نوشته‌ایم اجازه داده‌اند که در اراضی تخت‌جمشید خانه بسازیم و با هزاران زحمت و قرض و کارکردن خود و بچه‌هایمان چهاردیواری [هایی] سرهم کرده [ایم] که رفع احتیاج ما را از سرما و گرما و خانه‌های اجاره‌ای بنماید [که] اکنون در طرح عالی بر درخت‌کاری جلو تخت‌جمشید قرار گرفته [است]. استدعا داریم ترحم فرموده ترتیبی برای ساختمان‌خانه جهت ما بدهند تا در این سر‌سیاه زمستان آواره و بی‌خانمان نشویم» (ساکما، ۳۵۰/۵۷۴۵/۶۵).

از قرار معلوم نهایتاً پول کافی و زمین دیگری در اختیار این افراد قرار گرفته است. پیراسته در مصاحبه‌ای نحوه حل آن منازعه را شرح می‌دهد:

[وقتی] من استاندار فارس بودم دیدم که جلوی تخت‌جمشید شلوار آویزان کرده‌اند و زاغه ساخته‌اند و درهای حلبی گذاشته‌اند؛ درست [شبییه] زاغه‌های جنوب شهر تهران [و حتی] فوق‌العاده ابتدایی‌تر. من خیلی تعجب کردم. [با خودم گفتم] که یک عده می‌آیند [و این‌ها را] می‌بینند بعد می‌گویند این‌ها این‌جا چه حیواناتی هستند. فکر کردم که این زاغه‌ها را از بین ببریم، ولی پولی نداشتیم برای این کار. [بنابراین] به مالکینی که به کارخانه قند، چغندر می‌فروختند گفتم هر تتی ده‌شاهی به رضای خودشان بدهند و کمیسیون هم تشکیل دادیم؛ [و در نهایت] سی‌چهل هزار تومان پول برای این کار جمع شد. گفتیم کارشناس دادگستری برود و این‌ها را کارشناسی [و قیمت‌گذاری] کند. به مردم هم خبر ندادیم. کارشناس گفت «صنّار هم نمی‌ارزد. اصلاً این‌ها خانه نیست. این‌ها یک سوراخی کرده‌اند، یک ذره حلبی گذاشته‌اند رویش و رفته‌اند آن تو زندگی می‌کنند.» گفتم: «در هر صورت شما [مبلغی در نظر بگیرید] که برای من یک مجوزی باشد؛ آخر که نمی‌شود این زاغه‌های مردم را همین‌جوری خراب کنیم؛ بالاخره یک عده آن‌جا هستند و زندگی می‌کنند؛ باید یک چیزی به آن‌ها بدهیم.» [...] یادم نیست که دقیقاً چقدر قیمت گذاشتیم. رفتم آن‌جا مردم را جمع کردم گفتم: «[...] زمین این خانه‌ها] غصبی است. نمی‌شود این‌ها جلوی تخت‌جمشید بماند که هر کس از [مثلاً] مکزی یک می‌آید این‌جا، برود آن‌جا را ببیند و بعد بیاید شما را ببیند. باید امروز این‌جا خراب بشود. من زور دارم، تانک هم دارم، استاندار هم هستم، [می‌توانم بدهم] یک‌ساعته خرابش کنند؛ اما این کار را نمی‌کنم؛ می‌خواهم با رضایت خودتان باشد.» بعد صورت [قیمت‌گذاری خانه‌هایشان] را برایشان خواندم. اصلاً باور نمی‌کردند





کسی به این‌ها پول بدهد. همه‌شان خوشحال شدند. گفتم: «خب حالا پانصد تومان هم به کسی می‌دهم که خودش زودتر خانه‌اش را خراب کند». همه با صلوات و زنده‌باد شاه [رفتند و مشغول خراب کردن شدند]. ما هم فوری فرستادیم و نقشه‌ای برایش تهیه کردیم که بشود جنگلی مصنوعی؛ و نظر این بود که دریاچه‌ای هم آن‌جا درست کنیم که بعد رویش بروند قایق‌رانی بکنند. یک جای تفریحی باشد؛ ضمناً حریم تخت جمشید هم باشد (تاریخ شفاهی هاروارد، مصاحبه با سیدمهدی پیراسته، ۱۹۸۵).

خاطراتی که پیراسته نقل می‌کند به نفع خود او مخدوش است. از یک سو، همان‌طور که تشریح شد، نقشه و برنامه جنگل از مدت‌ها پیش از این ماجرا آماده شده بود؛ از سوی دیگر زاغه‌نشینان اطراف تخت جمشید به خوبی می‌دانستند که خانه‌هایشان در آستانه تخریب است که چنان‌نامه‌ای نوشتند. نکته درخور تأمل دیگر اشاره پیراسته به ایجاد دریاچه‌ای مصنوعی برای قایق‌رانی است. در اسناد برجای مانده نشانه‌ای نیست که چرا و چطور نظر پیراسته مبنی بر ایجاد دریاچه مصنوعی به‌انجام نرسیده است. شاید هم هیچ‌گاه قرار نبوده دریاچه‌ای ساخته شود و این بخش از خاطرات او نیز مخدوش است. در هر صورت در حدود نیمه اسفند ۱۳۳۹، ملکه الیزابت به ایران آمد و از جمله برنامه‌های سفر او، سفر به فارس بود. به نظر می‌رسد که در خلال بازدید ملکه از تخت جمشید، شاه نیز برای اولین بار از جنگل تخت جمشید بازدید کرد؛ جنگلی که ساخت آن از حدوداً یک‌ونیم سال قبل آغاز شده بود. شاه که از مشاهده پیشرفت و کیفیت جنگل خوش حال و شگفت‌زده شده بود، گفت: «عجب جای خوبی شده! اینجا ما [دولت] چقدر زمین داریم؟». ظاهراً شاه می‌خواست بگوید که جنگل را تا مرودشت ادامه بدهند؛ ولی پیراسته حرف شاه را قطع می‌کند و می‌گوید: «یقین دارم اعلی حضرت میل ندارند که ظلمی بشود. این‌جا شاید ده‌هزار نفر صغیر و کبیر از این کارنان می‌خورند. ما اصلاً نمی‌دانیم این زمین‌ها مال کی هست، این نقاط مال کی هست. این‌جا ۱۸ کیلومتر است و این دقیقاً حکم اعدام این عده است [...] البته کنار جوبش [جوبش] را تا مرودشت می‌شود درخت زد اما این‌که زمین‌ها را بگیریم جنگل کنیم [شدنی نیست]». شاه فوراً جواب می‌دهد: «بله، من که نمی‌گویم ظلم کنید؛ مطالعه کنید [ببینید می‌شود یا نمی‌شود]»<sup>۱</sup> (تاریخ شفاهی هاروارد، مصاحبه با پیراسته، ۱۹۸۵).

## ۵. نتیجه

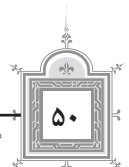
سیدمهدی پیراسته و جمشید کوششی مهم‌ترین و اثرگذارترین شخصیت‌هایی بودند که در پیدایش جنگل تخت جمشید نقش‌آفرینی کردند. اینکه چرا کوششی -رئیس کارخانه قند مرودشت- به چنان مسئولیتی در ایجاد جنگل تخت جمشید می‌رسد روشن نیست.

۱. در نهایت پیراسته گزارش می‌دهد که امتداد دادن جنگل از تخت جمشید تا مرودشت ممکن نیست و شاه نیز گزارش او را می‌پذیرد.



چنان‌که از اسناد برمی‌آید مهندس کوششی سابقه‌ای در درخت‌کاری و باغداری داشته‌است. افزون‌براین می‌توان گمان کرد که تکیه‌اش بر مسند ریاست یکی از مهم‌ترین کارخانه‌های دشت مرودشت موجب آشنایی‌اش با مالکان محلی بوده و این نفوذ در توسعه جنگل تخت‌جمشید کارآمد بوده‌است. از نسبت و نزدیکی قبلی کوششی و پیراسته نیز سندی در دست نیست؛ ولی بر مبنای مجموعه‌ای دیگری از اسناد کتاب‌خانه ملی، در ۹ اسفند ۱۳۴۰ سرهنگ سلحشور - که در این زمان به ریاست شورای جشن‌های شاهنشاهی مرودشت نیز رسیده بود - نامه‌ای به فولادوند - استاندار جدید فارس که جایگزین پیراسته شده بود - می‌نویسد و درخواست می‌کند که «آقای مهندس جمشید کوششی که اطلاعات کافی در مورد تهیه و آماده‌کردن تخت‌جمشید برای اجرای جشن‌ها دارند به منظور راهنمایی و هدایت و ارشاد و دستور به این شورا، به سمت نماینده در صورتی که [استاندار فارس] صلاح بدانند اعزام و معرفی» شود (ساکما، ۱/۸۶۷۲/۲۹۳/۹۸)؛ بنابراین نسبت کوششی با جشن‌های شاهنشاهی از آن پس پررنگ‌تر هم شد؛ هرچند سلحشور در جایی اشاره نمی‌کند که صلاحیت کوششی در «تهیه و آماده‌کردن تخت‌جمشید» چیست.

ولی مهدی پیراسته از سیاست‌مداران نامدار پهلوی دوم بوده‌است و عمده شهرت او به محبوبیت کم‌نظیرش نزد مردم فارس است. محبوبیت او نزد مردم نه فقط در تاریخ شفاهی و خاطرات مردم شیراز حضور دارد، بلکه به بعضی اسناد هم کشیده شده‌است. برای نمونه عبدالله قوامی از ملاکین و متنفذان فارس در نامه‌ای به اسدالله علم به سخنرانی حسن ارسنجانی (وزیر کشاورزی کابینه علم) - که گفته بود متعاقب اصلاحات ارضی سهم مالکان به ۲۵ تا ۳۰ هکتار تقلیل داده می‌شود - واکنش نشان می‌دهد که در آن به مهدی پیراسته هم اشاره‌ای شده‌است. قوامی، استاندار وقت فارس را عامل بخشی از بحران‌های فارس قلمداد می‌کند و می‌گوید استاندار جدید نه تنها توجه چندانی به حوزه مأموریتی‌اش ندارد، بلکه اقدامات مفید و قابل‌توجهی را هم که در زمان استاندار قبلی (پیراسته) انجام شده‌است پیگیری نمی‌کند (برزین و علی‌صوفی، ۱۳۹۵). در اسناد برجای‌مانده از سفارت سابق ایالات متحده در ایران که تحت‌عنوان «مجموعه اسناد لانه جاسوسی» (مالج) در شش جلد توسط موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی چاپ شده‌است، نام پیراسته چندباری به چشم می‌خورد. در شهریور ۵۷، سولیوان گزارشی به وزارت امور خارجه ایالات متحده می‌نویسد و درباره پیراسته می‌گوید که در منصب استاندار فارس و سپس خوزستان «به‌عنوان شخصی سنگین و رنگین و چهره‌ای مدیر و مدبر معروف شد» (مالج، ۱۳۶۹، ج ۳، ش ۱۸). در مهرماه نیز لامبراکیس تحلیلش را از شخصیت و سوابق پیراسته گزارش می‌دهد و می‌گوید که او «بله‌قربان‌گوی» شاه نیست؛



این موضوع با خاطراتی که پیراسته در خلال طرح تاریخ شفاهی هاروارد بیان کرده است مطابقت دارد. هرچند لامبراکیس می‌افزاید که: «بایگانی ما شواهدی از فساد در سنوات اول خدمتش را نشان می‌دهند» (مالج، ۱۳۶۹، ج ۳، ش ۲۲). در کنار این‌ها سند دیگری با طبقه‌بندی خیلی محرمانه از سفارت آمریکا موجود است که در آن پیراسته «فرصت‌طلبی پرزرق‌وبرق» معرفی شده است که شاید «عامل انگلیس باشد» و «با آنکه مدعی است که از دانشگاه تهران درجه دکتری حقوق گرفته است، ولی به احتمال قوی بیشتر از لیسانس حقوق ندارد» (مالج، ۱۳۶۹، ج ۳، ش ۴۶).

جنگل تخت جمشید یکی از طرح‌های پیراسته در راستای آماده‌سازی فارس برای جشن‌های شاهنشاهی بود. بازوی اجرایی و مستقر پیراسته در محل، مهندس جمشید کوششی - رئیس کارخانه قند مرودشت - بود. از آنجاکه بودجه یا مصوبه‌ای از جانب دولت برای توسعه چنین جنگلی در نظر گرفته نشده بود، دو سال ابتدایی توسعه جنگل با چالش‌های متعددی روبه‌رو شد. از جمله این چالش‌ها، اعتراض انجمن آثار ملی بود که ساخت جنگل را در تعارض با اصول مدیریت میراث فرهنگی می‌دید و استدلال می‌کرد که با ایجاد جنگل، امکان کاوش‌های باستان‌شناختی در بخش مهمی از محوطه تخت جمشید از میان خواهد رفت. پیراسته با توصیه مهندسی که نقشه جنگل را کشیده بود، نظر شاه را جلب کرد و با گرفتن تأیید ملوکانه، مخالفت‌های انجمن را بی‌ثمر کرد. در مسیر تکوین جنگل اختلاف‌نظری بین وزارت کشاورزی و شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی درباره مالکیت آن پیش آمد که دست‌آخر به نفع شورای مرکزی تمام شد. مسئله مالکیت به زمین‌داران اطراف و زاغه‌نشینان محوطه تخت جمشید نیز کشیده شد. بعضی زمین‌داران از جمشید کوششی و علی سامی به اتهام غصب زمینشان شکایت کردند؛ زاغه‌نشینان نیز آخرسر با دریافت وجهی، خانه خویش را تخریب و در جای دیگری بنا کردند. هم‌چنین تأمین آب و نهال، و حقوق نیروی لازم برای آبیاری و درخت‌کاری به نگرانی مهمی نزد مجریان جنگل بدل شد. نهایتاً با حفر تعدادی چاه و ده‌ها متر قنات، هدیه‌های مالکان و زارعان مرودشت، کمک‌های انجمن جنگلبانی استان هفتم، کمک‌های مؤسسه باستان‌شناسی تخت جمشید، و نیز کمک‌های خیران و بانیان محلی بخشی از این مشکلات حل شد تا آنکه اختصاص بودجه‌های دولتی، به این کار سرعت بخشید.

اگرچه این پژوهش وجهی مهم از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، یعنی آغاز برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها در مهم‌ترین مکان برگزاری جشن‌ها، تخت جمشید را از گذر بررسی سندهای تاریخی بررسی و تحلیل کرد، ولی نسبت این جنگل و درخت‌هایش با چادرهای شهر چادری و رخدادهای جشن‌های شاهنشاهی در سال ۵۰ پژوهش‌های بیشتری را



می‌طلبد. در سال ۱۳۵۰ که شهر چادری (دهکده سران) ساخته شد، بیش از ده سال از عمر درخت‌های کاشته‌شده در جنگل می‌گذشت. هیچ سندی در دست نیست که طرح شهر چادری را از همان دهه ۴۰ افکنده باشند. درعوض عمده پژوهش‌های درجه‌دوم و مصاحبه‌های بنیان جشن‌ها نشان می‌دهد که شهر چادری در سال ۱۳۵۰ طراحی و ساخته شده‌است. طراح و مجری چادرها شرکت سوئسی جنسن بوده‌است. باتوجه‌به پیشینه کهن‌تر جنگل و موقعیت چادرها، محتمل است که تعدادی از درخت‌ها را برای ایجاد چادرها قطع کرده باشند؛ هرچند که هیچ سندی دال بر چنین کنشی در دست نیست. تدقیق در نتیجه‌نهایی ترکیب چادرها با جنگل تخت‌جمشید (تصویرهای ۱ و ۳) فرضیه مزبور را پیش می‌نهد که شاید طرح کاملاً هندسی جنسن لاجرم به قطع کردن شماری از درخت‌ها انجامیده باشد. باری تا بررسی و انتشار سندها و پژوهش‌های بیشتر نمی‌توان به نتیجه‌ای قطعی رسید. موضوع درخور بررسی دیگر نحوه مدیریت حیات وحش محوطه جنگل است. از مصاحبه‌های عبدالرضا انصاری، از مدیران و برنامه‌ریزان اصلی شورای مرکزی، چنین برمی‌آید که صدها مار و عقرب و سایر خزندگان از محوطه جمع‌آوری شد تا فضا را برای پذیرایی از مهمانان جشن‌ها امن‌تر کند (Kadivar, 2009). اگرچه بنابه ادعای انصاری، گنجینه فراهم‌آمده برای امور پژوهشی استفاده شده‌است، ولی تا آنجاکه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد گزارشی از نتیجه چنان پژوهشی منتشر نشده‌است و ظن این می‌رود که آن خزندگان نیز معدوم شده باشند.

## منابع

### اسناد چاپ‌نشده

#### سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۹۸/۲۹۳/۸۶۷۲/۱;	۳۵۰/۵۷۴۵/۳۱;	۳۵۰/۵۷۴۵/۷۱;	۳۵۰/۵۷۴۵/۹۹
۲۹۳/۳۳۳۷۸/۱۷;	۳۵۰/۵۷۴۵/۳۶;	۳۵۰/۵۷۴۵/۷۵;	
۳۵۰/۵۷۴۵/۶;	۳۵۰/۵۷۴۵/۳۷;	۳۵۰/۵۷۴۵/۷۸;	
۳۵۰/۵۷۴۵/۷;	۳۵۰/۵۷۴۵/۳۹;	۳۵۰/۵۷۴۵/۸۳;	
۳۵۰/۵۷۴۵/۸;	۳۵۰/۵۷۴۵/۴۶;	۳۵۰/۵۷۴۵/۸۴;	
۳۵۰/۵۷۴۵/۹;	۳۵۰/۵۷۴۵/۶۰;	۳۵۰/۵۷۴۵/۸۵;	
۳۵۰/۵۷۴۵/۱۵;	۳۵۰/۵۷۴۵/۶۳;	۳۵۰/۵۷۴۵/۸۶;	
۳۵۰/۵۷۴۵/۱۹;	۳۵۰/۵۷۴۵/۶۵;	۳۵۰/۵۷۴۵/۸۷;	
۳۵۰/۵۷۴۵/۲۰;	۳۵۰/۵۷۴۵/۶۶;	۳۵۰/۵۷۴۵/۸۸;	



### اسناد چاپ شده

اسناد لائۀ جاسوسی آمریکا. (۱۳۶۹). (ج ۳). اسناد شماره ۱۸؛ ۲۲؛ ۴۶. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.  
مصاحبه ضیا صدیقی با سیدمهدی پیراسته. (۱۹۸۵). تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد. <<https://iranhistory.net/piraste>>

### کتاب

پورآرین، فؤاد؛ دل‌آشوب، هادی. (۱۳۹۱). بزم شاهانه: جشن‌های دوهزاروپانصدسالۀ شاهنشاهی (انگیزه‌ها و پیامدها). تهران: امیرکبیر.  
عاقلی، باقر. (۱۳۸۰). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. (ج ۱). تهران: گفتار.

### مقاله

برزین، سیدصاحب؛ علی‌صوفی، علی‌رضا. (۱۳۹۵). «واکاوی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در فارس». فصل‌نامه گنجینه اسناد، ۲۶(۱)، صص ۸۲-۱۰۳.  
وحیدی راد، میکائیل. (۱۳۹۸). «پیوستگی اقتصادی-سیاسی رویدادهای فرهنگی در عصر پهلوی دوم (جشن‌های ۲۵۰۰ ساله)». تاریخ اسلام و ایران، ۲۹(۴۳)، صص ۱۷۳-۱۹۷.

### مجله

فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد، ۶(۱۹)، ص ۲. (سال ۱۴۰۰).

### Latin resources

- Steele, Robert. (2021). *The Shah's Imperial Celebrations of 1971*. New York: Bloomsbury Publishing.
- Zonis, Marvin. (1991). *Majestic Failure: The Fall of the Shah*. Chicago: University of Chicago Press.
- Grigor, Talinn. (2005). "Preserving the Antique Modern: Persepolis '71". *Journal of Historic Preservation, History, Theory, and Criticism*, 2(1) (Summer 2005), pp 22-29.
- Kadivar, Cyrus. (2009). "2500 Years: The Persepolis Celebrations of 1971". *Parsi Khabar*. (Accessed in March 2022) <<https://parsikhabar.net/culture/2500-years-the-persepolis-celebrations-of-1971/1510/>>



## English translation of references

### Archival Document

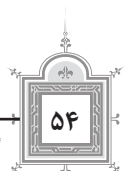
NLAI, 98/293/8672/1; NLAI, 293/33378/17; NLAI, 350/5745/6; NLAI, 350/5745/7;  
 NLAI, 350/5745/8; NLAI, 350/5745/9; NLAI, 350/5745/15; NLAI, 350/5745/19;  
 NLAI, 350/5745/20; NLAI, 350/5745/31; NLAI, 350/5745/36; NLAI, 350/5745/37;  
 NLAI, 350/5745/39; NLAI, 350/5745/46; NLAI, 350/5745/60; NLAI, 350/5745/61;  
 NLAI, 350/5745/63; NLAI, 350/5745/65; NLAI, 350/5745/66; NLAI, 350/5745/71;  
 NLAI, 350/5745/74; NLAI, 350/5745/75; NLAI, 350/5745/78; NLAI, 350/5745/83;  
 NLAI, 350/5745/84; NLAI, 350/5745/85; NLAI, 350/5745/86; NLAI, 350/5745/87;  
 NLAI, 350/5745/99.

### Printed documents

“*Asnād-e lāne-ye jāsusi-ye Āmrikā*” (Documents from the U.S. Espionage Den) (Vol. 3).  
 (1369/1990). documents no. 18, 22, 46. Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt va Pažuheš-  
 hā-ye Siyāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]  
 “Mosāhebe-ye Ziā Sedighi bā Seyyed Mehdi Pirāsteh” (Zia Sediqī’s interview with Seyed  
 Mehdi Piraste). (1985). Tārix-e Šafāhi-ye Irāniyān dar Dānešgāh-e Hārvārd (Iranian  
 Oral History Project at Harvard University). <https://iranhistory.net/piraste/>. [Persian]

### Books

Agheli, Bagher. (2001). *A Biography of Contemporary Iranian Political and Military Personalities*. Tehran: Goftar.  
 PourArian, Foad; & DelAshoub, Hadi. (1391/2013). “*Bazm-e šāhāneh: Jašn-hā-ye do hezār-o-pānsad sāle-ye Šāhanšāhi (Angize-hā va peyāmad-hā)*” (The Royal party: Incentives and outcomes of the 2500-year Imperial Celebrations). Tehran: AmirKabir. [Persian]  
 Steele, Robert. (2021). *The Shah’s Imperial Celebrations of 1971*. New York: Bloomsbury Publishing.  
 Zonis, Marvin. (1991). *Majestic Failure: The Fall of the Shah*. Chicago: University of Chicago Press.



### Articles

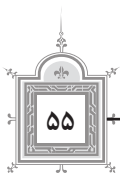
- Barzin, Seyyed Saheb; & Alisoufi, Alireza. (1395/2016). "Vākāvi-ye peyāmad-hā-ye siyāsi-ye eslāhāt-e arzi dar Fārs" (Political implications of the 1960 Iran land reform in the province of Fars). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnad*, 26(1), pp. 82-103. [Persian]
- Grigor, Talin. (2005). "Preserving the antique modern: Persepolis '71". *Journal of Historic Preservation, History, Theory, and Criticism*, 2(1) (Summer 2005), pp. 22-29.
- Vahidi Rad, Mikael. (1398/2019). "Peyvastegi-ye eqtesādi-siyāsi-ye ruydād-hā-ye farhangi dar 'asr-e Pahlavi-ye dovvom (Jašn-hā-ye 2500 sāleh)" (Economic-political cohesion of cultural events in the Second Pahlavi era (Case study of 2500-year celebration of Persian Empire)". *Tārix-e Eslām va Irān (History of Islam and Iran)*, 29(43), pp. 173-197. [Persian]

### Journals

- "Fasl-nāme-ye Xabari-ye Pāyghāh-e Mirās-e Jahāni-ye Taxt-e Jamšid va Pāsārgād" (Parsa and Passargadae World Heritage Sites Quarterly), 19(6), (1400/2021), p. 2. [Persian]

### Online sources

- Kadivar, Cyrus. (2009). "2500 Years: The Persepolis Celebrations of 1971". *Parsi Khabar*. (Accessed in March 2022) <<https://parsikhabar.net/culture/2500-years-the-persepolis-celebrations-of-1971/1510/>>.
- Jack Garofalo, Paris Match Archive, Getty Images <https://www.gettyimages.com.au/detail/news-photo/the-2500th-anniversary-of-the-persian-empire-pers%C3%A9polis-news-photo/166480627>.



# Rethinking the concepts of “Towachi” and “Jarchi (Town Crier)”

Yazdan Farrokhi<sup>1</sup>

## Abstract:

**Purpose:** The purpose of this research is to evaluate the viewpoint that considers the term "Towachi" as a common and influential position in the Timurid Military Organization and was replaced by another position called "Jarchi(town crier)" in the Safavid Empire. Towachi used to have duties such as organizing the army and monitoring its quantity and quality. Based on mentioned viewpoint, it can be inferred that the position of "Jarchi" used to have the same duties after the omission of "Towachi". However, this claim is very vague and controversial considering historical texts.

**Method and Research Design:** Historical texts were critically studied and analyzed in a descriptive and analytical way.

**Findings and Conclusion:** Findings show that apart from Jarchi's duty such as delivering message and orders, especially in the battle, there is no historical relationship between Jarchi and Towachi. Therefore, the mentioned claim about the exact concept of the two positions and their duties cannot be confirmed.

**Keywords:** Towachi, Jarchi(Town Crier), Military Organization, Chapar, Timurid Empire, The Safavid Empire.

**Citation:** Farrokhi, Y. (2023). Rethinking the link between “Towachi” and “Jarchi”. *Ganjine-ye Asnad*, 33(1), 56-76 | doi: 10.30484/ganj.2023.3050

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Associate Professor, Department of History, Payame Noor University, Tehran, I. R. Iran  
y\_farrokhi@pnu.ac.ir

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«129»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3050

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.1, Spring 2023 | pp: 56 - 76 (21) | Received: 18, Jun. 2022 | Accepted: 7, Oct. 2022

Historical research





# تأملی در پیوند منصب «تواچی» و «جارچی»

یزدان فرخی<sup>۱</sup>



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

## چکیده:

**هدف:** هدف این پژوهش ارزیابی دیدگاهی است که «تواچی» به عنوان یکی از مناصب متداول و صاحب نفوذ در تشکیلات نظامی تیموریان از دوره صفویه به منصب دیگری به نام «جارچی» تحول پیدا کرده است و از آنجاکه این مدعا مناقشه برانگیز است، پژوهش حاضر به بررسی مدعای مذکور و سنجش آن با منابع تاریخی می پردازد.

**روش/ رویکرد پژوهش:** پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و عمدتاً با رویکردی انتقادی به طرح دیدگاه پژوهشگران و بررسی دقیق متون می پردازد.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** دستاورد پژوهش حاضر نشان می دهد که به غیر از وظیفه‌ای که جارچی در زمینه رساندن پیام و فرمان‌های صادر شده - به‌ویژه در صحنه نبرد- انجام می داده است، میان این منصب با منصب تواچی مناسبتی تاریخی دیده نمی شود و نمی توان مدعای یاد شده درباره یکسانی معنای این دو منصب و وظایف آن‌ها را ثابت کرد.

**کلید واژه‌ها:** تواچی؛ جارچی؛ مناصب لشکری؛ چاپار؛ دوره تیموری؛ دوره صفوی؛ سنگلاخ.

**استناد:** فرخی، یزدان. (۱۴۰۲). تأملی در پیوند منصب «تواچی» و «جارچی». *گنجینه اسناد* ۳۳(۱).

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۰۵۰ | ۷۶-۵۶

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

y\_farrokhi@pnu.ac.ir



## گنجینه اسناد

۱۲۹

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳,۳۰۵۰

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۲ | صص: ۵۶ - ۷۶ (۲۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۵

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

اصطلاح «تواچی»<sup>۱</sup> واژه‌ای با ریشه مغولی است (Doerfer, 1963, p260). به تازگی نیز ادعا شده است که تواچیان گروهی در دربار مغولان بودند که به کار «استخدام لشکر و بازرسی و عرض لشکر و نظارت یاسا (مجازات اعدام و قتل)» می‌پرداختند (زائری و فاطمی، ۱۳۹۳، ص ۵۲). ولی کاربرد این واژه در دوره حکمرانی مغولان در ایران و دست‌کم تا پیش از روزگار برپایی حکومت تیموریان، در متون فارسی دیده نشده است.

بررسی متون فارسی دوره مغول از جمله جهانگشای جوینی (جوینی، ۱۳۸۵)، جامع‌التواریخ (همدانی، ۱۳۷۳)، تاریخ اولجایتو (فاشانی، ۱۳۸۴)، مجمع‌الأنساب (شبانکاره‌ای، ۱۳۷۶) و دست‌کم متون تاریخی تا هنگام تألیف دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب (نگارش نهایی به سال ۷۶۷ق) نشان می‌دهد که واژه تواچی در متون فارسی آن روزگار کاربردی نداشته است (نخجوانی، ۱۳۹۵). کتاب دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب نوشته محمدبن هندوشاه نخجوانی دیوان‌سالاری آگاه و خبره در عرصه‌های اداری و اواخر ایل خانی و روزگار شیخ‌اویس جلایری (حکمرانی ۷۵۷ تا ۷۷۷ق) است و به کار نرفتن واژه تواچی در مجموعه اصطلاحات و مناصب اداری و نظامی این کتاب و دیگر منابع فارسی آن دوره و پیش از آن، نشانه ابهام موضوع و مناقشه برانگیز بودن سرشت ادعای یادشده است (و نیز نک: شریک‌امین، ۱۳۵۷؛ موسوی، ۱۳۸۴، صص ۵۷-۹۰).

به هر روی واژه تواچی از روزگار تیموریان، در مجموعه واژگان تشکیلات حکومتی ایران نمودار شده است و دست‌کم تا روزگاری پس از روی کار آمدن حکومت صفوی نیز کاربرد داشته است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۹۴۶). زهربرن از پژوهش‌گران دوره صفوی، معتقد است که وظایف منصب تواچی در زمینه «گردآوری سپاه» پیش از نبرد، از حدود نیمه سده هفدهم میلادی / یازدهم قمری برعهده «محصلان» نهاده شده است (زهربرن، ۱۳۴۹، ص ۳۱، پانویس ۱۴۴) و پژوهش‌گر دیگری چنین عنوان کرده است که «تواچی» در حدود دهه ۱۶۴۰م/۱۰۵۰ق حذف شده<sup>۲</sup> و از آن پس نام خود را به «جارچی» داده است (فلور، ۱۳۹۷، ص ۴۴۱) و البته این دیدگاه به گونه ضمنی پذیرفته شده است (Melville, 2008, pp 580-581). روی هم رفته معنای سخن اخیر آن است که منصب «جارچی» همان وظایف منصب «تواچی» در دوره پیش از آن را داشته است؛ ولی چنان‌که نشان داده خواهد شد، این دیدگاه نیز پرسش برانگیز است.

در لغت‌نامه‌های معاصر از جمله دهخدا پذیرفته شده است که «تواچی» همان «جارچی» باشد (و آن عبارت از شخصی بود که از جانب پادشاهان و فرماندهان به ایصال احکام و رسانیدن فرامین مأمور شود) (دهخدا، ۱۳۷۵، ص ۷۰۸۳؛ ذیل واژه «تواچی»). سپس در

### 1. tovāči

۲. از این رو طبیعی است که در کتاب دیوانی تذکره الملوک (میرزا سمیع‌العلی، ۱۳۷۸) این اصطلاح به کار نرفته باشد.



فرهنگ سخن با تلفظی غیراصیل، تقریباً همان معنای پیشین دهخدا مطرح شده است؛ توچی: «مأمور دیوانی یا سپاهی که فرمان پادشاهان و حکام بزرگ را ابلاغ یا اجرا می‌کرد» (انوری، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۹۴۶؛ دولت‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸). این دیدگاه بدون ارزیابی، به بهره‌برداری مصححان متون شاخص دوره تیموری و پس از آن هم رسیده است و آن‌ها هم توچی را همان «جارچی» یا «مأمور بردن فرمان» معرفی کرده‌اند (برای نمونه: حاج‌سیدجوادی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۰، پانوش ۱؛ عشیق، ۱۳۸۲، ص ۵۱۰؛ میرمحمدصادق و نوایی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۳۵۹؛ نصیری، ۱۳۸۳، ص ۴۷۳).

باین‌همه چنان‌که روشن شده است، واژه «توچی»<sup>۱</sup> و «جارچی» ریشه‌ای مغولی دارند. توچی: «بازرس لشکر که باید تعداد، ماهیت و وضعیت لشکرهای تابع خان را نظارت می‌کرد و دستورهای خود را به آن‌ها می‌رساند» (Doerfer, 1963, p260) و جارچی: «منادی، فریادکننده فرمان فرمانروا» معنی شده است (Doerfer, 1963, p277). حال این ابهام در میان می‌آید که چگونه امکان دارد یکی از این دو واژه اداری مغولی مشخص که هر یک معنا و ریشه و ازگانی بسیار متفاوتی داشته‌اند، در همان زبان مشخص جایگزین دیگری شود؟! به عبارت دیگر چگونه دو واژه اداری مغولی می‌توانسته است به جای یکدیگر به کار رود؟! در پژوهش حاضر ضمن تردید درباره پیوند اخیر این دو منصب و ترتیب جایگزینی واژگان یادشده، این پرسش مطرح شده است که پیوند میان توچی و جارچی چه بوده است و چگونه پژوهش‌گران به چنین دیدگاهی رهنمون شده‌اند؟

در پاسخ به پرسش اخیر این فرضیه مطرح می‌شود که گویا معنای مطرح شده در برخی از فرهنگ لغات تاریخی متأخر درباره واژه‌های اخیر و نیز برداشت شتاب‌زده و نادرست پژوهش‌گران معاصر از متون تاریخی موجب شده است تا چنین پیوندی میان انتقال وظایف این دو منصب و دو واژه پذیرفته شود.

از میان آثاری که درباره واژه «توچی» و «جارچی» ابراز نظر کرده‌اند و پیش‌از این نیز به شماری از آن‌ها اشاره شد، پژوهشی در دست نیست که به ابهام و مشکل یادشده اختصاص یافته باشد؛ البته در مدخل «جارچی» در دانش‌نامه جهان اسلام، به ماهیت این مسئله اشاره شده و به صورت بسیار کوتاه به آن دیدگاه پرسش‌برانگیز اشاره شده است (معصومی، ۱۳۹۳).

به هر روی پژوهش و معناکاوای دقیقی از کارکردهای واژه «توچی» در دوره تیموریان را می‌توان در آثار فوربر منز مشاهده کرد. او به‌طور کلی وظیفه توچیان را بازرسی لشکریان تعریف می‌کند (Manz, 2007, p15) و نیز حدود گسترده‌ای از کارکردهای ایشان را دربرگیرنده سرپرستی و نظارت بر شمار و کمیت، و شرایط و تجهیزات نیروها می‌داند. ضمناً توچی استخدام نیروها برای لشکرکشی، انتقال فرمان‌ها به نیروهای نظامی و ایجاد

۱. پیتر جکسون معتقد است که «دوا» فرزند «بَراق» و خان اولوس چغتای (۶۸۱ تا ۷۰۶ق) صورت نوشتاری دیگری یعنی «تو» داشته است (Jackson, ۱۹۹۱, pp ۳۴۴-۳۴۶). باین‌حال به‌دقت روشن نیست که آیا این نام با منصب موردبحث این مقاله پیوندی داشته باشد یا نه؟



نظم میان ایشان را برعهده داشته‌است و گاهی این کارها را مستقیم و گاهی با واسطه انجام می‌داده‌است (Manz, 1989, p173). تواجی در نگاه‌داشتن شمار و کمیت لشکریان باید اطمینان پیدا می‌کرد که امرا و حاکمان الوس<sup>۱</sup> و ولایات نیروهای نظامی مقتضی را فراهم کرده باشند و آن‌ها را به‌شیوه مطلوبی تجهیز و آماده کرده باشند (Manz, 1989, p84). به‌طور کلی چنین برداشت می‌شود که تیمور در سازمان‌دهی لشکریان خود، این مرتبه را با اختیاراتی فراوان ایجاد کرد تا ضمن نظارت دقیق بر رؤسای قبایل - با هدف جلوگیری از قدرت‌گیری ایشان - بتواند نیروهای نظامی را سامان‌دهی کند.

## ۲. تواجی در متون تاریخی

چنین می‌نماید که وظایف این مقام پدیدار شده در روزگار تیمور، در دوره پیش از چیرگی مغولان در دست «عارض» و تشکیلات وابسته به آن مقام بوده‌است. فخر مبارک‌شاه در سرزمین هندوستان و در سده هفتم - که دیگر منصب عارض در سرزمین‌های شرق خلافت اسلامی رایج نبود - بخشی از وظایف عارض و دیوان عرض را در کتاب خود بر شمرده‌است. سامان‌دهی، نظارت و آماده‌سازی لشکریان برای پیکار، و تقسیم غنائم و مواردی مانند آن بخشی از وظایف این مقام بوده‌است. او بر این باور است که «عارض» پشتیبان و مادر و پدر لشکر باشد و قوت و اعتماد لشکر بر عارض باشد» (فخر مدبر (مبارک‌شاه)، ۱۳۴۶، ص ۲۷۷). هنگامی که مغولان بر سرزمین‌های اسلامی چیرگی یافتند، تشکیلات حکومتی این سرزمین‌ها را بر هم زدند و از آنجا که برجسته‌ترین ویژگی حکومت مغول، سرشت نظامی آن بود، بیشترین دگرگونی‌هایی که ایشان در تشکیلات اداری ایجاد کردند نیز در حوزه نظامی گری بود.

به‌هر روی، «دیوان عرض» پیشینه تاریخی بسیار کهنی داشت و به روزگار باستانی ایران بازمی‌گشت. این دیوان در حکومت‌های ایرانی سرب‌آورده در قلمرو خلافت عباسی و به‌ویژه از روزگار صفاریان نمود دوباره و پیوستگی پیدا کرده‌است (Bosworth, 1997, pp 265-266). چنین تصریح شده‌است که با برافتادن خوارزمشاهیان، تشکیلات دیوان عرض هم منسوخ شده‌است. جوینی از این رویداد با جزئیات سخن می‌گوید و حکایتی هم درباره ناکارآمدی و عیبناکی این تشکیلات به‌میان آورده‌است (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۲۲-۲۳).

به گزارش اخیر جوینی، اختیارات این منصب به امرای ده، صد، هزار، و تومان واگذار شده بود و گذشته‌از این، مغولان چند منصب ایجاد کردند که وظایف «صاحب دیوان عرض» یا «عارض» را انجام می‌دادند.<sup>۲</sup> از جمله این مناصب که در دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب بازتاب یافته‌است، منصب «بوکاولی»<sup>۳</sup> و «یساولی»<sup>۴</sup> لشکر است که بخشی از

۱. الوس: مخفف اولوس (olos): طایفه؛ قبیله؛ جماعت؛ ایل.

۲. به‌هر روی منصب عارض بازهم در روزگار غازان‌خان، در ضمن اصلاحاتی که رشیدالدین در روزگار ایشان برمی‌شمرد، به‌میان آمده‌است؛ ولی چنین می‌نماید که این پدیداری گذرا بوده‌است و کارکرد آن هیچ‌گاه پیشینه کهن مقام عارض را نمی‌نماید و به‌صورت محدود جایگاه مالی‌اداری آن را در پیوند با لشکر بازگو می‌کند (همدانی، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۱۴۸).

۳. منصبی که از جمله وظیفه تأمین تجهیزات و مایحتاج لشکریان و تقسیم غنائم را بر دوش داشته‌است.

۴. منصبی که از جمله وظیفه نظم و نسق و ترتیب قرارگرفتن لشکریان را در هنگام نبرد و دیگر گردهمایی‌هایی مانند قوریلنای بر دوش داشته‌است.



وظایف سامان‌دهی لشکر، نظارت بر ایشان و دیگر امور آمادگی نظامی را بر دوش داشتند (نخجوانی، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۵۱۷-۵۲۲)؛ ولی همان منبع، بدون اینکه از منصب مشخصی نامی به میان بیاورد، به وظیفه «جمع کردن امرای لشکر» اشاره کرده است (نخجوانی، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۵۱۴-۵۱۵) که شاید بخشی از همان کار «تواچی» در روزگار تیموری باشد؛ ولی روی هم رفته، چنان‌که پیشتر هم اشاره شد تا پیش از حکومت تیمور، تواچی اصطلاحی شناخته شده در متون فارسی محسوب نمی‌شود.

هنگامی که تیمور به قدرت رسید، میراث‌دار آشوب و درهم‌ریختگی اوضاع سیاسی اجتماعی پس از فروپاشی حکومت ایل‌خانان شده بود که از آن به دوره فترت و ملوک‌الطوایفی نیز یاد می‌شود و مهم‌ترین ویژگی آن نبود تمرکز سیاسی و سامان استوار امور حکمرانی بود (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰، صص ۵۵۲) و از این رو گمان می‌رود که تیمور ناچار بود نظمی دوباره ایجاد کند و در این میان، لازم بود تا نخست قدرت امرای نظامی بر جای مانده از حکومت مغول، زیر تسلط او درآید؛ بنابراین می‌توان گفت که در راستای ایجاد سامان نوینی که تیمور بر پا ساخت، منصب تواچی پدیدار شده است.

از سوی دیگر گمان می‌رود که کهن‌ترین متنی که به منصب تواچی اشاره کرده است، ظفرنامه شامی است که نویسنده آن در رکاب تیمور رهسپار بوده و از ساختار حکومتی او آگاهی فراوانی داشته است. او این کتاب را حدود سال ۸۰۴ تا ۸۰۶ قمری به دستور تیمور نگاشته است و در کتاب خود از دو تن از بزرگان نظامی بلندجایگاه در تشکیلات حکمرانی تیمور به نام «علی سلطان تواچی» (شامی، ۱۳۶۳، صص ۱۸۶ و ۱۹۷) و «محمد تواچی» یاد می‌کند (شامی، ۱۳۶۳، صص ۲۰۲ و ۲۰۵). دیگر اینکه حافظ ابرو (وفات ۸۳۴ق) درباره کسی از خاندانی مشهور و متنفذ و منسوب به جد پنجم تیمور به نام «امیر شیخ لقمان» سخن می‌گوید که در هنگام نگارش کتاب زبدة‌التواریخ (آغاز ۸۲۶ق تا ۸۳۰ق) و دوره حکمرانی شاهرخ منصب «امیرتومان و تواچی لشکر» را در دست داشته است (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۳۹-۴۰).

هم‌چنین سمرقندی چند دهه پس از آن درباره درگذشت همان «امیر شیخ لقمان برلاس» ذیل رویدادهای سال ۸۴۰ق از «دیوان تواچی» سخن به میان می‌آورد و عبارت سمرقندی آن است که «امیر شیخ لقمان برلاس که در دیوان تواچی امیرالأمرا بود و با حضرت خاقان سعیدشرف قربت و نسبت قرابت داشت...» (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۳، صص ۴۶۸). از این گزارش چند نکته برداشت می‌شود: نخست آن که تیمور ایجادکننده تشکیلاتی در حد اندازه یک دیوان بوده است. دیگر آن که شخصی را بر آن گماشته که لقب عالی مرتبه «امیرالأمرا» داشته است و سرانجام آن شخص از نظر وابستگی خاندانی به تیمور ممتاز



بوده‌است و گویا این منصب خطیر و حساس که باید در راستای سیاست نوین تیمور با هدف تسلط بر رؤسای قبایل جاه‌طلب کار می‌کرده، در دست اشخاص معتمد نهاده می‌شده‌است.

ظفرنامه اثر یزدی (نگارش نهایی ۸۳۱ق) وظیفه تواچی را به‌طور کلی «ضبط سپاه» و «احتیاط یورت» معرفی می‌کند (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۴۹) و در جای دیگر آن را «تالی منصب سلطنت» جای می‌دهد (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۰۷). این گستردگی حدود قدرت، اهمیت جایگاه و نفوذ تشکیلات دیوان زیردست تواچی را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

این جایگاه در روزگار آق‌قویونلو ادامه پیدا کرده و از متن رساله «عرض سپاه اوزون‌حسن» - که در صحرای بند امیر فارس در حضور خلیل میرزا فرزند اوزون‌حسن اجرا شده‌است و جلال‌الدین دوانی (متوفی ۹۰۸ق) آن را مشاهده و توصیف کرده‌است - برمی‌آید که «امیر اعظم امیر حسن بیگ تواچی» به فرمان اوزون‌حسن کار سرپرستی عرض لشکریان را برعهده داشته و در این زمینه بالاترین مقام بوده‌است. برپایه گزارش یادشده، وظیفه «تواچی گری» او، هم جنبه «دبیری» داشته‌است و هم وجه مربوط به «رسوم لشکرداری» را و از این رو او وظیفه داشته‌است تا بر هر دو جنبه، امارت و سرپرستی داشته باشد و نظم و ترتیبی به آن واقعه سیاسی، نظامی و اداری بدهد و هرکس را «علی حسب اختلاف مراتبهم» جای دهد (دوانی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲). تواچی در تشکیلات خود اطلاعات و مشخصات لشکریان را در بایگانی و سابقه‌ای ثبت می‌کرده‌است که از آن به «دفتر تواچی» یاد می‌شود (دوانی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵).

در فرمانی که به انشای خواندمیر و احتمالاً در حدود ۹۲۵ یا ۹۲۷ق نگاشته شده‌است، درباره جایگاه «امارت دیوان تواچی» همان شرح وظایف در پیوند با سپاه برشمرده شده‌است و به تعبیری «انجاح مُلتمَسات لشکریان» و رسیدگی به امور ایشان را در بالاترین مرتبه وظیفه او می‌داند. هم‌چنین درباره جایگاه و «شوکت» این مقام، از روش «سلاطین جهانگیر» در اعتلای این مقام، سخن گفته‌است و آن را «ثانی امر سلطنت» دانسته‌است (صفت گل، ۱۳۸۵، صص ۲۷۹-۲۸۱).

سرانجام در روزگار صفوی، در پی اصلاحات شاه‌عباس اول برای سامان‌دهی لشکریان و سازمان حکومت، این منصب و تشکیلات آن از میان رفت. در کتاب «القباب و مواجب دوره سلاطین صفویه» که یکی از متون شاخص دیوانی دوره صفوی است، این تحول به روشنی بیان شده‌است و در بخشی که «مناصب موقوف و متروک» به دست شاه‌عباس اول را نگاشته‌است، به منصب «تواچی باشی» اشاره کرده و وظیفه او را چنین توصیف کرده‌است: هنگامی که «سفر و یساقی<sup>۲</sup> روی می‌داد، به‌عهده او می‌شد که سپاه را اخبار

۱. این واژه در ادبیات منظوم فارسی روزگار تیموریان نیز راه خود را باز کرده و محمدبن حسام خوسفی (درگذشته به سال ۸۷۵ق) از اهالی خراسان در متن غزلی از این واژه با عنوان منصبی بلندپایه، در کنار پارغوجی - صاحب‌منصب پدیدآمده در دوره مغول - بهره برده‌است: «یرغوجیان چشم‌سیاهت به یک نظر/ ملک دل خراب به یرغو گرفته‌اند/ تواچیان ابروی شوخت هزار دل/ هر دم بدان کمانچه ابرو گرفته‌اند، (خوسفی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۹). مصحح در حاشیه متن به‌تبعیت از معنای لغت‌نامه‌های معاصر تواچی را «چارچی» معنی کرده‌است (خوسفی، ۱۳۶۶، ص ۶۸۱).

۲. یساقی: ظاهراً در اینجا فرمان آماده‌باش نظامی است که از سوی فرمانروا صادر می‌شده‌است.



نماید» و درزمینه تعیین مکان مجادله در روز نبرد، تعلیم و آموزش جنگ به سپاه، تعیین جای و مکان هریک از مجاهدین و غازیان در نبرد، ملاحظه نمودن مجاهدت و جان فشانی لشکریان در صحنه نبرد به منظور قدردانی و تعیین جایزه برای ایشان، نیز نقشی مؤثر داشت (نصیری، ۱۳۷۱، صص ۳۳-۳۴). نویسنده کتاب یادشده هم اشاره می کند که این منصب متروک، در روزگار پیشین «بسیار معتبر» بوده است.

حال این ابهام پیش می آید که چرا باوجود اینکه وظایف گوناگونی برای منصب و تشکیلات دیوان توچی برشمرده شده است، پژوهش گران گوناگون -چنان که اشاره شد- و نیز پیش از همه «جین دینای»<sup>۱</sup> و به پیروی از او «ولادیمیر مینورسکی» (Minorsky, 1939, p163, Footnote 2) بر معنای «جارچی» تأکید و پافشاری می کنند؟! و به تازگی -چنان که پیشتر هم اشاره شد- این دیدگاه پیش کشیده شده است که پس از متروک شدن منصب توچی وظایف آن در دست «جارچی» نهاده شده است!؟

### ۳. پیوند میان توچی و جارچی

آنچه درباره «جارچی» در متون تاریخی گزارش شده است، به پیام رسانی و بردن فرمان های صادره از فرمانروا محدود است و شاید کهن ترین کاربرد آن در متون فارسی در کتاب عالم آرای امینی (تألیف در حدود ۸۹۲ تا ۸۹۷ق) باشد که تنها یک بار و به معنای کسانی از آن یاد شده است که اعلام فرمان «جار» فرمانروا را برای گردهم آیی لشکریان برعهده داشتند (خنجی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۹؛ و نیز: معصومی، ۱۳۹۳).

تذکره الملوک جارچی را مقامی در حدّ و اندازه ای فرومرتبه توصیف می کند؛ به گونه ای که در بخشی از شرح وظایف «تفنگچی آقاسی»، «جارچی» را فرومرتبه تر از مقام های نظامی ای چون «مین باشی، یوزباشی» و زیردست «تفنگچی آقاسی» قرار می دهد (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص ۹). در خلاصه التواریخ قاضی قمی (متوفی ۱۰۱۵ق) وظیفه یافتن الاغ های گمشده لشکر بر دوش «جارچی» گزارش شده است (قاضی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۶) و روی هم رفته مرتبه او در حدّ و اندازه منصبی با عنوان «رابط» میان فرمانده و نیروهای زیردست توصیف شده است (مینورسکی، ۱۳۷۸، ص ۹۱) که برای نمونه طی عملیات جنگی فرمانها را بر لشکریان ابلاغ کند (فلور، ۱۳۹۷، ص ۴۴۱) و گویا «جارچیان توپخانه» نیز چنین فعالیت و وظایفی بر دوش داشته اند (میرزارفیعا، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱). دیگر متون اداری دوره صفوی نیز همین معنای یادشده را از جارچی به دست می دهند (نصیری، ۱۳۷۱، ص ۱۷).

بنابراین وجه اشتراک میان جارچی و توچی، در احضار و فراخواندن نیروهای نظامی و ابلاغ فرمانها بوده است؛ ولی به هرروی در تعریف و معناکاوای مفاهیم و واژگان، وجه

1. Jean Deny (12 July 1879-  
5 November 1963)



افتراق آن‌ها اهمیت بیشتری دارد. تواچی از روزگار تیموریان، منصبی بسیار بلندمرتبه داشته‌است و چنان‌که اشاره شد در حدّ و اندازه امیرتومان قرار داشته‌است؛ ولی جارچیان، زبردست مقام‌های دیگر دربار یا اردو قرار داشته‌اند. هم‌چنین جارچی پیش از میان رفتن «تواچی» از تشکیلات اداری، وجود داشته‌است و وظایف پیشین خود را ادامه می‌داده‌است و در متون دوره آق‌قویینلو و صفوی هم همان کارکردهای پیش از آن را داشته‌است. وظایف تواچی نظارت و بازرسی و سامان‌دهی لشکریان و شماری از وظایف عارض در روزگار پیش از مغول (چنان‌که پیش‌تر اشاره شد) بود و به‌سختی ساده وظایفی بسیار فراتر از جارچی داشت. ولی چگونه است که به‌دلیل وجود نوعی وجه همکاری میان ایشان، این‌همانی و یکسانی بین ایشان دیده شده‌است؟! و حتی ادعا شده که وظایف تواچی به‌دست جارچی داده شده‌است!

#### ۴. محتوای گزارش سنگلاخ

از آنجاکه پژوهش‌گران مدعی ارتباط بین تواچی و جارچی، به کتاب «سنگلاخ» نوشته میرزاهمدی‌خان استرآبادی استناد کرده‌اند، بنابراین ضروری می‌نماید که به آن پرداخته شود. میرزاهمدی‌خان استرآبادی (متوفی حدود ۱۱۸۰ق) هنگامی که این کتاب را می‌نوشته (حدود ۱۱۷۲ یا ۱۱۸۲ق)، بیش از یک سده و چند دهه از برچیده‌شدن واژه «تواچی» از متون فارسی و تشکیلات اداری می‌گذشته‌است و می‌توان گفت استرآبادی در این هنگام درباره‌ی واژه‌ای مطرود و متروک سخن می‌گفته‌است.

او در ذیل این واژه ضمن آنکه می‌گوید «تواچی: جارچی باشد»، می‌نویسد: «شخصی بود که از جانب پادشاه و فرماندهان به ایصال احکام و رسانیدن فرامین مأمور شود» (استرآبادی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۸۳۹؛ استرآبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹). او دو شاهد از روزگار تیموریان به‌میان می‌آورد که یکی مأمور گردآوردن لشکر و دیگری مأمور اجرای حکم کشتن سه تن از درباریان میران‌شاه فرزند تیمور در تبریز، به‌فرمان تیمور است (استرآبادی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۸۳۹).

حتی این شواهد که استرآبادی پیش آورده‌است نیز نشان می‌دهد که معنای تواچی فراتر از آن جارچی یا پیام‌رسان و منادی‌گر محدود و ساده‌است. آن مأموری که فرمان یافته بود تا در دربار فرزند تیمور در تبریز چند تن از درباریان او را اعدام کند باید اختیارات و نفوذ بسیار زیادی می‌داشت تا شأن و جایگاه دربار میران‌شاه را فرو نگاهد<sup>۱</sup> و این امر فراتر از خبررسانی ساده‌ای است که در معنای واژه جارچی نهفته‌است و یا از وظایف او قابل درک است.

۱. این استناد، از کتاب *مجالس‌النفائس* امیرعلی‌شیرنواپی آورده شده‌است و برای ترجمه فارسی کهن این متن نیز محتوا و اصطلاح «تواچی» نقل شده‌است (نواپی، ۱۳۳۳، صص ۱۲۳-۱۲۴).





روایت مشابه دیگری هم در این زمینه در اواخر دوره تیموری از عبدالواسع نظامی باخرزی (متوفی ۹۰۹ق) درباره روزگار عبدالرحمن جامی در دست است که همان مضمون پیشین را دارد و «تواچی» را مأمور مخصوصی از سوی حکمران تیموری معرفی می‌کند که وظیفه اجرای فرمان را برای اخراج چند صاحب‌منصب از قلمرو و از محدوده «ممالک محروسه» برعهده داشته‌است (نظامی باخرزی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۵). مصحح متن در معنا و توضیح «تواچی» آن را «گونه‌ای از شحنه، نوعی از داروغگان» دانسته‌است (نظامی باخرزی، ۱۳۷۱، ص ۳۷۶)؛ به‌هرروی این معنا هم محدود به خوانش متن مذکور است و پیش‌زمینه تاریخی و سرنوشت این واژه در اواخر دوره تیموری را در نظر نیاورده‌است. باین‌همه، روایت‌های یادشده، تواچی را تنها مأموری مخصوص برای اجرای احکام پراهمیت و خطیر (به‌ویژه تویخ و مجازات) معرفی می‌کند و وظایف لشکری و نظامی در آن دیده نمی‌شود؛ هم‌چنین نشانه‌ای از یکسانی و همانندی‌ای که استرآبادی بر آن تصریح کرده‌است نیز در آن دیده نمی‌شود و معلوم نیست چگونه استرآبادی از آن دو نمونه یادشده، میان دو منصب تواچی و چارچی یکسانی دیده‌است!<sup>۱</sup>

به‌هرروی این دیدگاه واژه‌شناختی استرآبادی درباره این واژه تاریخی متروک - که پژوهش‌گران معاصر و به‌ویژه فرهنگ‌نویسان فارسی معاصر بسیار به آن استناد کرده‌اند - به او محدود نیست و چنین می‌نماید که حتی پیش‌از آن نیز فرهنگ‌نویس دیگری، تداعی دیگری - به‌جز آنچه در دوره تیموری رواج داشته‌است - از کار «تواچی» در ذهن داشته‌است. نصیری که در حدود ۱۰۹۵ق و در اواخر دوره صفوی کتاب خود را نگاشته‌است، «تواچی» را ذیل واژه‌های ترکی گویش «رومی»، چنین تعریف می‌کند: «چاپار؛ و بعضی چاپاری را گویند که شتر دواند» (نصیری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲) و سپس «چاپار» را کسی تعریف می‌کند که «به ایلغار<sup>۲</sup> رود» (نصیری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰).

اگر پذیرفته شود که نصیری در این دو تعریف دقت کافی داشته‌است، برپایه آن تعریف، می‌توان گفت که تواچیان گروهی از لشکریان و جنگاورانی بودند که با حالت جنگی و نظامی به جایی هجوم می‌بردند. نصیری این اصطلاح را برای ترکی «رومی» (رایج در سرزمین عثمانی) مصطلح دانسته‌است و به‌هرروی نشان می‌دهد که اصطلاح «تواچی» در این فاصله کوتاه متروک شدنش در قلمرو صفوی، در میان گویشوران ترکی رومی، معنای آن‌قدر دگرگونی پیدا کرده‌است.

اگرچه این گزارش، بر پیچیدگی معناکاوی واژه تواچی در متون فارسی می‌افزاید، ولی در متون روزگار صفوی «چاپار» به معنای پیک، پیام‌رسان، مأمور ابلاغ فرمان و مراسلات نیز به‌کار رفته‌است (نصیری، ۱۳۷۳، صص ۱۱۵، ۱۲۸، ۲۱۴؛ عالم‌آرای شاه‌اسماعیل، ۱۳۸۴،

۱. هم‌چنین پژوهش‌هایی که به تازگی انجام شده‌اند نیز درباره چارچی اطلاعی به دست نمی‌دهند تا بتوان برپایه آن‌ها، این معنا و وظایف را تأیید کرد (نک. معصومی، ۱۳۹۳).  
۲. ایل‌غار: حمله و یورش.



ص ۶۱۵؛ حسینی خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲، ص ۵۷۷) و از این رو میان آن تعریفی که نصیری آورده با ماهیت کار «جارچی» که میرزامهدی‌خان استرآبادی گفته‌است، تفاوت زیادی در ماهیت موضوع اطلاع‌رسانی و پیام‌رسانی دیده نمی‌شود و در عین حال اشاره نصیری نکته‌ای افزوده‌است که می‌تواند درک او و حتی آنچه را پس از آن از سوی استرآبادی درباره واژه متروک «تواچی» وجود داشته‌است بیان کند. اشاره به چاباری که «شتر» خوانده می‌تواند این گمان را پیش آورد که شاید او واژه «تواچی» را به صورت «تواچی» خوانده‌است و با آن شخصی که در زبان ترکی «دَوَچِی» (شتربان) نامیده می‌شود، نسبتی دیده‌است.

اینکه واژه «دَوَچِی» به معنای شتربان با واژه «تواچی» چه نسبتی دارند و چه اندازه امکان دارد که در زبان ترکی «ت» آغاز این واژه به صورت «د» خوانده شود، موضوع پژوهش حاضر نیست؛<sup>۱</sup> ولی ناگفته پیداست که با گذشت زمانی پس از متروک شدن واژه «تواچی» در تشکیلات اداری و رخت‌بربستن آن از متون فارسی، معناکاوای درباره این واژه و وظایف آن نیز در میان لغت‌شناسان دوره متأخر دستخوش ابهام و اشکال شده‌است و آنچه در خاطرها مانده بوده‌است، نقش «تواچی» در گردآوردن لشکریان، و یا مأموری بلندپایه بوده‌است که به ابلاغ و اجرای حکم می‌کوشیده‌است و بی‌گمان تحقیق این لغویان یادشده، مبتنی بر خوانش متن روزگار تیموری و پس از آن نبوده‌است.

چنین می‌نماید که اظهار نظر لغویان مذکور همراه با ریشه‌شناسی این واژه مغولی نبوده‌است و برای نمونه به معنای نخستین شمارشگر یا حسابدار<sup>۲</sup> و یا آن معنایی که باتوجه به سرشت این واژه پس از آن پدیدار شده‌است، یعنی بازرس لشکر هم توجه نکرده‌اند و در نتیجه آنچه پیش آورده شده‌است، با معنای لغوی و تاریخی هم‌خوانی کاملی ندارد و قیاس ایشان گمراه‌کننده شده‌است.

افزون بر این در متون تاریخ‌نگاری دوره افشار به‌ویژه در «جهانگشای نادری» نوشته خود میرزامهدی‌خان استرآبادی نیز «جارچی» به همان معنای منادی‌گر و رساننده پیام به کار رفته‌است و در تشبیهی درباره جارچی از عبارت «جارچیانِ بلندآوازِ عرعر و صنوبر، توپوز و شش‌پر از بر خویس بر دوش گرفتند» استفاده شده‌است (استرآبادی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۱)؛ بنابراین با در نظر گرفتن اینکه استرآبادی معنای جارچی در روزگار خود را با دقت به کار برده‌است، می‌توان چنین استنباط کرد که دست‌کم استرآبادی درکی متفاوت از معنای واژه متروک «تواچی» و وظایف آن داشته‌است که با آنچه از روزگار تیمور تا شاه‌عباس اول متداول بوده‌است، تفاوت فراوانی دارد.<sup>۴</sup>

به‌سخنی دیگر، آنچه استرآبادی از واژه «تواچی» عرضه داشته، معنایی بوده‌است که در روزگار او برداشت می‌شده‌است و یا دست‌کم استرآبادی چنین برداشت کرده‌است و

۱. پیشتر درباره نام «دوا» و «توا» شاه‌زاده چنگیزی هم گفته شد که تبدیل حرف‌های «د» و «ت» پیش آمده‌است.  
 ۲. در میان پژوهش‌گران ایرانی، ذبیح‌الله صفا به این معنا توجه کرده و ضمن گزارش واژگانی که در اثر چیرگی ترکان در زبان فارسی نفوذ یافته‌اند، این واژه را «حسابدار» معنا کرده‌است (صفا، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۴۸).  
 ۳. توپوز: چماق؛ گرز.  
 ۴. نکته دیگری نیز که به احتمال در این استنباط از منصب تواچی در روزگار متأخر، تأثیرگذار بوده است، کاربرد واژه «جار» در هنگام اشاره به «تواچی» یا «تواچیان» است. برای نمونه در انشای خواننده‌میر همه صاحب‌منصبان لشکر و به‌طور کلی «لشکریان ممالک و ولایات» را موظف کرده‌است تا «به جار و بلجار او حاضر شوند» (صفت گل، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰) و شاید با از دست رفتن جایگاه و کارکرد تواچی، تنها، وظیفه مطلع کردن و فرمان گردآوردن لشکریان یا به اصطلاح «جار و بلجار» او در ذهنیت نویسندگان متأخر بر جای مانده بوده باشد.



از این رو، مشکل از آنجا آغاز می‌شود که پژوهش‌گران معاصر، در معناکاوای از واژه «توآچی» به سنگلاخ تکیه کرده‌اند. به‌سخنی دیگر معنای واژه‌ای متروک و کهنه، از متنی متأخر برگرفته شده و به آن استناد شده است.<sup>۱</sup>

از این رو یکی از سرچشمه‌های مهم این گفته پژوهش‌گران که «پس از ناپدید شدن توآچی در متون فارسی روزگار صفوی، بعداً بانام جارچی از آن یاد شده است»، مستند به سخن استرآبادی در کتاب سنگلاخ است و چنان‌که گفته شده است میان «توآچی» و «جارچی» این همانی و یکسانی مطلق در نظر گرفته است. البته در این میان گمان می‌رود که اشتراک و ظایف به‌ویژه در زمینه هماهنگی میان نیروهای جنگی، ارسال پیام‌ها و فرمان‌ها در صحنه پیکار و پدید آمدن منصب‌هایی مانند «جارچی توپخانه» هم زمینه را برای پذیرش آن تعریف مبهم و پرسش‌برانگیز برای کسی چون استرآبادی و حتی پژوهش‌گران معاصر فراهم کرده است.

## ۵. نتیجه

اصطلاح «توآچی» به منصبی اشاره دارد که تیمور در راستای ایجاد بنای تشکیلات حکومت خود و اصلاحات نظامی به کار گرفت و از آن‌پس در متون فارسی پدیدار شد. این منصب متنفذ در روزگار تیموری تا هنگام اصلاحات شاه‌عباس اول صفوی، وظایف مهمی در امر سامان‌دهی لشکر و نظارت و ارزیابی بر کمیت و کیفیت ایشان و تلاش برای افزایش توان جنگاوری ایشان پیش از نبرد، هنگام نبرد، و پس از نبرد برعهده داشت؛ ولی پس از شاه‌عباس اول این منصب متروک و حذف شد. از آنجا که ادعا شده است که از روزگار شاه‌عباس اول به بعد، منصب «توآچی» جایگاه خود را به «جارچی» داده و از آن روزگار «توآچی»، به نام «جارچی» خوانده شده است، بنابراین ضرورت داشت که میان این دو واژه که ریشه‌ای مغولی دارند، اشتراک و همانندی وجود داشته باشد و از همه مهم‌تر متون و اسناد تاریخی این موضوع را تأیید کنند.

ولی دستاورد پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میان این دو واژه از نظر ریشه‌وارژگانی و سرشت وظایف تاریخی، یکسانی و همانندی وجود ندارد. جارچی واژه و اصطلاحی نیست که پس از متروک شدن منصب توآچی از تشکیلات اداری و متون تاریخی، به جای آن پدیدار شده باشد و پیش از آن روزگار هم منصب «جارچی» وجود داشته است و کارکردهای پیشین خود را پس از متروک شدن توآچی در دوره شاه‌عباس اول، ادامه داده است و چنان‌که نشان داده شد، وظیفه‌ای تازه بر دوش آن مقام گذاشته نشده است و سرانجام در سنجش با توآچی، مرتبه‌ای دون‌مایه در تشکیلات دوره صفوی داشته است.

۱. استفاده از چنین شیوه‌ای برای پژوهش تاریخی پرسش‌برانگیز است و برای تعریف و معناکاوای از واژه‌های تاریخی در حوزه تشکیلات اداری و نظامی ضروری است که به متن اسناد تاریخی همان دوره مراجعه شود و برای تکمیل اطلاعات، با احتیاط لازم از متون متأخر استفاده شود.



می‌توان گفت تنها در زمینه مشترکی مانند اطلاع‌رسانی و رساندن فرمان‌ها و دستورها و شغل «رابط» میان فرمانده و لشکریان، «جارچی» به تشکیلات «تواچی» یاری می‌رسانده‌است و دیگر اینکه در برخی موارد «تواچی» وظیفه ابلاغ و اجرای فرمان‌های ویژه و مهم فرمانروای تیموری را بر دوش داشته‌است؛ وظیفه‌ای که به نظر می‌رسد بالاتر از شوکت و جایگاه جارچی بوده‌است.

ولی می‌توان گفت سرچشمه این‌همانی و یکسان‌پنداشتن «تواچی» با «جارچی»، تعریفی است که فرهنگ‌های لغت دوره متأخر و به‌ویژه «سنگلاخ» از واژه تواچی به دست داده‌اند. باین‌همه آنچه این تعاریف سست و ناستوار را ترویج کرده‌است، روش غیراصولی پژوهش‌گران تاریخ و مصححان متون در بهره‌برداری از متنی متأخر و نسنجیدن آن با متون و اسناد کهن و معتبر بوده‌است.

### منابع

- استرآبادی، میرزاهدی‌خان. (۱۳۷۷). *جهانگشای نادری*. (عبدالله انوار، مصحح). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- استرآبادی، میرزاهدی‌خان. (۱۳۸۴). *فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ از سده دوازدهم هجری*. (روشن خیابوی، کوشش گر). تهران: مرکز.
- استرآبادی، میرزاهدی‌خان. (۱۳۹۴). *فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ (در مشکلات لغات آثار ترکی امیرعلی شیرنویسی)*. (ج ۱). (حسین محمدزاده صدیق، مصحح). تبریز: اختر.
- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۰). *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه*. تهران: خیام.
- انوری، حسن. (۱۳۸۲). *فرهنگ بزرگ سخن*. (ج ۳). تهران: سخن.
- جوینی، عطاملک. (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای جوینی*. (محمد قزوینی، مصحح). تهران: میراث مکتوب.
- حاج سیدجوادی، سیدکمال. (۱۳۸۰). *حاشیه بر زبده‌التواریخ*. (ج ۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. (۱۳۸۰). *زبده‌التواریخ*. (ج ۱). (سیدکمال حاج سیدجوادی، مصحح). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی خاتون‌آبادی، سیدعبدالحسین. (۱۳۵۲). *وقایع السنین و الاعوام*. (محمدباقر بهبودی، مصحح). تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- خنجی، فضل‌الله بن روزبهان. (۱۳۸۲). *عالم‌آرای امینی*. (محمد اکبر عشیق، مصحح). تهران: میراث مکتوب.
- خوسفی، محمد بن حسام. (۱۳۶۶). *دیوان محمد بن حسام خوسفی*. (احمد احمدی بیرجندی و محمد تقی سالک، مصححان). مشهد: سازمان حج و اوقاف و امور خیریه.
- دولت‌آبادی، عزیز. (۱۳۸۶). *فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی*. تبریز: دانشگاه تبریز.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). *لغت‌نامه فارسی*. تهران: دانشگاه تهران.



- رهربرن، کلاوس میشل. (۱۳۴۹). *نظام ایالات در دوره صفویه*. (کیکاوس جهاننداری، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. (ج ۳). (عبدالحسین نوایی، مصحح). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- شامی، نظام‌الدین. (۱۳۶۳). *ظفرنامه: تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی*. (فلیکس تاور، مصحح؛ پناهی سمنا، کوشش گر). تهران: بامداد.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی. (۱۳۷۶). *مجمع‌الأنساب*. (میرهاشم محدث، مصحح). تهران: امیرکبیر.
- شریک‌امین، شمیمس. (۱۳۵۷). *فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول*. تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات در ایران*. (ج ۴). تهران: فردوس.
- صفت‌گل، منصور. (۱۳۸۵). *پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی فارسی ایران و ماوراءالنهر*. توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.
- عالم‌آرای شاه‌اسماعیل. (۱۳۸۴). (اصغر منتظر صاحب، مصحح). تهران: علمی-فرهنگی.
- عشقی، محمداکبر. (۱۳۸۲). *حاشیه بر کتاب تاریخ عالم‌آرای امینی*. تهران: میراث مکتوب.
- فخر مدبر (مبارک‌شاه)، محمدبن منصور. (۱۳۴۶). *آداب حرب و شجاعه*. (احمد سهیلی خوانساری، مصحح). تهران: اقبال.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۷). *دیوان سالاری عصر صفوی*. (حسن زندیه، مترجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قاشانی، ابوالقاسم عبدالله‌بن محمد. (۱۳۸۴). *تاریخ اولجایتو*. (مهین همبلی، مصحح). تهران: علمی-فرهنگی.
- قاضی قمی، احمدبن شرف‌الدین. (۱۳۸۳). *خلاصه‌التواریخ*. (ج ۱). (احسان اشراقی، مصحح). تهران: دانشگاه تهران.
- میرزافعی، محمدرفیع. (۱۳۸۵). *دستورالملوک*. (محمداسماعیل مارچینکوفسکی، مصحح؛ علی کردآبادی، مترجم). تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- میرزاسمیعا، محمدسمیع. (۱۳۷۸). *تذکره‌الملوک*. (محمد دبیرسیاقی، مصحح). تهران: امیرکبیر.
- میرمحمدصادق سعید؛ نوایی، عبدالحسین. (۱۳۸۷). *حاشیه بر ظفرنامه*. (ج ۲). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مینورسکی، ولادمیر. (۱۳۷۸). *سازمان اداری حکومت صفوی*. (مسعود رجب‌نیا، مترجم؛ محمد دبیرسیاقی، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.
- نججویانی، محمدبن هندوشاه. (۱۳۹۵). *دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب*. (ج ۲). (علی‌اکبر احمدی دارانی، مصحح). تهران: میراث مکتوب با همکاری دانشگاه اصفهان.
- نصیری، محمدابراهیم‌بن‌زین‌العابدین. (۱۳۷۳). *دستور شهریاران*. (محمدنادر نصیری‌مقدم، کوشش گر). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

- نصیری، محمدرضا. (۱۳۸۳). *حاشیه بر فتوحات شاه‌ی*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نصیری، محمدرضا؛ نصیری، عبدالجمیل. (۱۳۹۲). *فرهنگ نصیری: ترکی جغتایی، رومی، قزلباشی، روسی و قلماقی به فارسی*. (حسن جوادی و ویلم فلور، مصححان). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نصیری، میرزاعلی نقی. (۱۳۷۱). *القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*. (یوسف رحیم‌لو، مصحح). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع. (۱۳۷۱). *مقامات جامی: گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان*. (نجیب مایل هروی، مصحح). تهران: نی.
- نوائی، امیرعلی شیر. (۱۳۲۳). *تذکره مجالس النفائس*. (علی اصغر حکمت، مصحح). تهران: بانک ملی ایران.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۷۳). *جامع‌التواریخ* (تاریخ مبارک غازانی). (ج ۲). (محمد روشن و مصطفی موسوی، مصححان). تهران: البرز.
- یزدی، شرف‌الدین. (۱۳۸۷). *ظفرنامه*. (ج ۱). (سیدسعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوائی، مصححان). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

## مقاله

- زائری، قاسم؛ فاطمی، شمسی. (۱۳۹۳). «مطالعه نقش جارچی و تحولات آن در نظام روابط اجتماعی ایران». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، سال ۲۴، دفتر سوم، پاییز، صص ۴۴-۶۱.
- دوانی، جلال‌الدین. (۱۳۸۰). «عرض سپاه اوزون‌حسن». چاپ‌شده در کتاب: *دفتر تاریخ: مجموعه اسناد و منابع تاریخی*. (جلد ۳). صص ۷۷-۱۳۳. (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: بنیاد موقوفات محمودافشار.
- معصومی، محسن. (۱۳۹۳). «جارچی». چاپ‌شده در: *دانش‌نامه جهان اسلام*. (ج ۹). نسخه برخط به نشانی: <https://rch.ac.ir/article/Details?id=10181>
- موسوی، مصطفی. (۱۳۸۴). «واژگان ترکی و مغولی تاریخ جهانگشای جوینی». فصل‌نامه *آینه میراث*، سال سوم، شماره پیاپی ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان، صص ۵۷-۹۰.

## Latin References

### Book

- Doerfer, Gerhard. (1963). *Türkische und Mongolische Element Im Neupersischen*. (Band I). Wiesbaden: Franz steiner Verlag.
- Manz, Beatrice Forbes. (1989). *The Rise and Rule of Tamerlane*. Cambridge: Cambridge University Press.



Manz, Beatrice Forbes. (2007). *Power, Politics and Religion in Timurid Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.

#### Article

Bosworth, C. E. (1997). "Isti' rād, 'Arz". In: *Encyclopaedia of Islam*. pp 265-269. Leiden: Brill.

Jackson, Peter. (1991). "CHAGHATAYID DYNASTY". In: *Encyclopaedia Iranica*. Vol. V, Fasc. 4, pp 343-346. Also available on:

<https://www.iranicaonline.org/articles/chaghatayid-dynasty>

Melville, Charles. (2008). "JĀRČĪ". In: *Encyclopaedia Iranica*. Vol. XIV, Fasc. 6, pp 580-581. Also available on:

<https://www.iranicaonline.org/articles/jarci>

Minorsky, Vladimir. (1939). "A civil and military Review in Fars in 881/1476". *Bulletin of the school of oriental studies*, Vol. 10, No 1, pp 141-178.

#### English Translation of References

##### Books

"*Ālam-ārā-ye Šāh Esmāeel*" (Alamara-ye Shah Esa'il) (1384/2005). Edited by Asghar Montazer Saheb. Tehran: 'Elmi-Farhangi. [Persian]

Anvari, Hasan. (1382/2003). "*Farhang-e bozorg-e soxan*" (Sokhan comprehensive dictionary Persian to Persian) (vol. 3). Tehran: Soxan. [Persian]

Ashigh, Mohammad Akbar. (1382/2003). "*Hāšiyeh bar ketāb-e tārix-e 'Ālam-ārā-ye Amīni*" (Annotations on the History book of of Alam- Ara-ye Amīni). Tehran: Mirās-e Maktub. [Persian]

Astarabadi, Mirza Mahdi Khan. (1377/1998). "*Jahāngošā-ye Nāderi*" (Jahangusha-i Naderi). Edited by Abdollah Anvar. Tehran: Anjoman-e Āsār va Mafāxer-e Farhangi (Society for the National Heritage of Iran). [Persian]

Astarabadi, Mirza Mahdi Khan. (1384/2005). "*Farhang-e Torki be Fārsi-ye Sanglax az sade-ye davazdahom-e Hejri*" (Sanglax: Turkish - Persian dictionary from 12<sup>th</sup> century Hejri). Edited by Roshan Khiavi. Tehran: Markaz. [Persian]



- Astarabadi, Mirza Mahdi Khan. (1394/2015). "Farhang-e Torki be Fārsi-ye Sanglāx (dar moškelaṭ-e loqāt-e āsār-e Torki-ye Amiralīšir-e Navāyi)" (Sanglax: Turkish - Persian dictionary from 12th century Hejri) (vol. 1). Edited by Hossein Mohammadzadeh Sedigh. Tabriz: Axtar. [Persian]
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1375/1996). "*Loqat-nāme-ye Fārsi*" (Dehkhoda Dictionary). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān. [Persian]
- Doerfer, Gerhard. (1963). *Türkische und Mongolische Element Im Neupersischen*. (Band I). Wiesbaden: Franz steiner Verlag.
- Dolatabadi, Aziz. (1386/2007). "*Farhang-e vāže-hā-ye Torki va Moqoli dar motun-e Fārsi*" (Dictionary of Turkish and Mongolian words in Persian texts). Tabriz: Dānešgāh-e Tabriz (University of Tabriz). [Persian]
- Eghbal Ashtiani, Abbas. (1380/2001). "*Tārix-e Irān az āqāz tā enqerāz-e Qājāriyeh*" (History of Iran from the beginning to the extinction of the Qajar dynasty). Tehran: Xayyām. [Persian]
- Fakhr Modabber (Mobarakshah), Mohammad Ibn Mansour. (1346/1967). "*Ādāb-e harb va šojā'ah*" (The correct usages of war and bravery). Edited by Ahmad Soheili Khansari. Tehran: Eqbāl. [Persian]
- Floor, Willem. (1397/2018). "*Divān-sālāri-ye 'asr-e Safavi*" (Safavid government Institutions). Translated by Hassan Zandiyeh. Qom: Pažuhešgāh-e Hozeh va Dānešgāh. [Persian]
- Ghashani, Abolghasem Abdollah Ibn Mohammad. (1384/2005). "*Tārix-e Oljāytu*" (History of Oljaytu). Edited by Mahin Hambali. Tehran: 'Elmi – Farhangi. [Persian]
- Ghazi Ghomi, Ahmad Ibn Sharf Al-Din. (1383/2004). "*Xolāsa-tot-tavārix*" (Epitome of history) (vol. 1). Edited by Ehsan Eshraghi. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Hafez Abrou, Abdollah Ibn Lofollah. (1380/2001). "*Zobda-tot-tavārix*" (Zubdat al-Tawarikh) (vol. 1). Edited by Seyyed Kamal Haj Seyyed Javadi. Tehran: Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance). [Persian]
- Haj Seyyed Javadi, Seyyed Kamal. (1380/2001). "*Hāšiyeh bar zobda-tot-tavārix*" (On Zubdat-al-Tawarikh) (vol. 1). Tehran: Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance). [Persian]





- Hamedani, Rashid Al-Din Fazlollah. (1373/1994). "*Jāme'-ot-tavārix: Tārix-e mobārak-e Qāzāni*" (Compendium of chronicles). Edited by Mohammad Roshan & Mostafa Mousavi. Tehran: Alborz. [Persian]
- Hosseini Khatounabadi, Seyyed Abdolhossein. (1352/1973). "*Vaqāye'-os-senin val-a'vām*" (Chronicles of years and ages). Edited by Mohammad Bagher Behboudi. Tehran: Ketābforuši-ye Eslāmiyeh. [Persian]
- Joveini, Atamalek. (1385/2006). "*Tārix-e jahāngošā-ye Joveyni*" (Tarikh-i Jahangushay). Edited by Mohammad Ghazvini. Tehran: Mirās-e Maktub. [Persian]
- Khonji, Fazlollah Ibn Rouzbahan. (1382/2003). "*ālam-ārā-ye Amini*" (Alam aray-i amini: Exposition of sultans). Edited by Mohammad Akbar Ashigh. Tehran: Mirās-e Maktub. [Persian]
- Khousfi, Mohammad Ibn Hesam. (1366/1987). "*Divān-e Mohammad-ebn-e Hesām-e Xusfi*" (Diwan Muhammad bin Hessam Khusfi). Edited by Ahmad Ahmadi Birjandi & Mohammad Taghi Salek. Mašhad: Sāzmān-e Haj va Owqāf va Omur-e Xeyriyeh (Haj and Pilgrimage organization). [Persian]
- Manz, Beatrice Forbes. (1989). *The rise and rule of Tamerlane*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Manz, Beatrice Forbes. (2007). *Power, politics and religion in Timurid Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Minorskii, Vladimir. (1378/1999). "*Sāzmān-e edāri-ye hokumat-e Safavi*" (The administrative organization of the Safavid government). Translated by Masoud Rajabnia. Edited by Mohammad Dabir Siaghi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Mirmohammad Sadegh, Saeed; & Navayi, Abdolhossein. (1387/2008). "*Hāšiyeh bar Zafarnāmeḥ*" (Annotations on Zafarnama book) (vol. 2). Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Mirza Rafi'a, Mohammad Rafi'. (1385/2006). "*Dastur-ol-moluk*" (Dastur al-Muluk: Administrative organization of the Safavid government). Edited by Mohammad Esmaeel Marchinkovski. Translated by Ali Kordabadi. Tehran: Markaz-e Asnād va Tārix-e Diplomāsi (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs). [Persian]



- Mirza Samia'a, Mohammad Sami'. (1378/1999). *"Tazkerat-ol-moluk"* (Tazker al-Muluk: Administrative organization of the Safavid government). Edited by Mohammad Dabirsiaghi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Nakhjavani, Mohammad Ibn Hendou Shah. (1395/2016). *"Dastur ol-kāteb fi ta'yin el-marāteb"* (The writer's instructions to determine ranks) (vol. 2). Edited by Ali Akbar Ahmadi Darani. Tehran: Našr-e Mirās-e Maktub (The Written Heritage Research Centre) in partnership with Dānešgāh-e Esfahān (University of Esfahan). [Persian]
- Nasiri, Mohammad Ebrahim Ibn Zeyn Al-Abedin. (1373/1994). *"Dastur-e šahriyārān"* (The book of kings). Edited by Mohammad Nader Nasiri Moghaddam. Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmoud Afshar Yazdi's Endowments). [Persian]
- Nasiri, Mohammadreza. (1383/2004). *"Hāšiyeh bar Fotuhāt-e Šāhi"* (Annotations on the book 'The king's conquests'). Tehran: Anjoman-e Āsār va Mafāxer-e Farhangi (Society for the National Heritage of Iran). [Persian]
- Nasiri, Mohammadreza; & Nasiri Abd Al-Jamil. (1392/2013). *"Farhang-e Nasiri, Torki-ye Joqatāyi, Rumi, Qezelbāši, Rusi, va Qalmāqi be Fārsi"* (Farhang-e Nasiri: Dictionary of Chagatay, Rumi, Qizilbashi, Tatar & Kalmuk into Persian). Edited by Hassan Javadi & Willem Floor. Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Nasiri, Mirza Ali Naghi. (1371/1992). *"Alqāb va mavājeb-e dowre-ye salātin-e Safaviyeh"* (Titles and wages during the Safavid Sultans era). Edited by Yousef Rahimlou. Mašhad: Dānešgāh-e Ferdowsi (Ferdowsi University of Mashhad). [Persian]
- Navayi, Amiralishir. (1323/1944). *"Tazkere-ye Majāles-on-nafāes"* (Majales alnafaes). Edited by Ali Asghar Hekmat. Tehran: Bānk-e Melli-ye Irān (Bank Melli Iran). [Persian]
- Nezami Bakharzi. Abdolvase'. (1371/1992). *"Maqāmāt-e Jāmi: Guše-hā-yi az tārix-e farhangi va eġtemā'ee-ye Xorāsān dar 'asr-e Teymuriyān"* (Maqamate Jami). Edited by Najib Mayel Heravi. Tehran: Ney. [Persian]



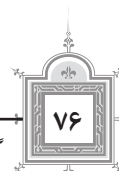
- Rohrborn, Klaus Michael. (1349/1970). *“Nezām-e eyālāt dar dowre-ye Safaviyeh”* (Provinzen und Zentralgewalt persiens im 16. und 17. Jahrhundert) [Provinces and central authority of Persia in the 16<sup>th</sup> and 17<sup>th</sup> centuries]. Translated by Keykavous Jahandari. Tehran: Bongāh-e Tarjomeh va Našr-e Ketāb. [Persian]
- Safa, Zabihullah. (1378/1999). *“Tārix-e adabiyāt dar Irān”* (The history of literature in Iran) (vol. 4). Tehran: Ferdows. [Persian]
- Samarghandi, Kamal Al-Din Abd Al-Razzagh. (1383/2004). *“Matla’-e sa’dayn va majma’-e bahrayn”* (The rising of the propitious twin stars and the amalgamation of the oceans) (vol. 3). Edited by Abdolhossein Navayi. Tehran: Pažuhešgāh-e ‘Olum-e Ensāni (Institute for Humanities and Cultural Studies) (IHCS). [Persian]
- Sefatgol, Mansour. (1385/2006). *“Pažuheši darbāre-ye maktubāt-e tārixi-ye Fārsi-ye Irān va Māvarā-‘on-nahr”* (A research on the historical Persian written documents and manuscripts of Iran and Mesopotamia). Tokio: Mo’assese-ye Motāle’āt-e Zabān-hā va Farhang-hā-ye Āsiyā va Āfriqā (Research institute for languages and cultures of Asia and Africa). [Persian]
- Shabankareei, Mohammad Ibn Ali. (1376/1997). *“Majma’-ol-ansāb”* (A geneology of the Prophet). Edited by Mirhashem Mohaddes. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Shami, Nezam Al-Din. (1363/1984). *“Zafarnāmeḥ: Tārix-e fotuhāt-e Amir Teymour Gurkāni”* (Zafarnama: Biography of Timur). Edited by Felix Tower, & Panahi Semnani. Tehran: Bāmdād. [Persian]
- Sharik Amin, Shamis. (1357/1978). *“Farhang-e eštelāhāt-e divāni-ye dowrān-e Moqol”* (A dictionary of Divani terms of the Mughal era). Tehran: Farhangestān-e Adab va Honar-e Irān. [Persian]
- Yazdi, Sharaf Al-Din. (1387/2008). *“Zafarnāmeḥ”* (Zafarnama) (vol. 1). Edited by Seyyed Saeed Mirmohammad Sadegh & Abdolhossein Navayi. Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]

#### Articles

- Bosworth, C. E. (1997). “Isti’rād, ‘Arz”. In: *Encyclopaedia of Islam*. Pp. 265-269. Leiden: Brill.



- Jackson, Peter. (1991). "CHAGHATAYID DYNASTY". In: *Encyclopaedia Iranica*. Vol. V, Fasc. 4, pp. 343-346. Also available on: <https://www.iranicaonline.org/articles/chaghatayid-dynasty>.
- Davani, Jalal Al-Din. (1380/2001). "Arz-e sepāh-e Uzun Hasan" (The width of Ozon Hasan's army). In *"Daftar-e tārix: Majmu'e asnād va manābe'-e tārixī"* (History Book: Collection of historical documents and sources.) (vol. 3) (pp. 77 -133). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmoud Afshar Yazdi's Endowments). [Persian]
- Masoumi, Mohsen. (1393/2014). "Jārčī" (Jarchi). In *"Dānešnāme-ye jahān-e eslām"* (Encyclopedia of the world of Islam) (vol. 9). Retrieved from <https://rch.ac.ir/article/Details?id=10181>. [Persian]
- Melville, Charles. (2008). "JĀRČĪ". In: *Encyclopaedia Iranica*. Vol. XIV, Fasc. 6, pp. 580-581. Also available on: <https://www.iranicaonline.org/articles/jarci>.
- Minorsky, Vladimir. (1939). "A civil and military review in Fars in 881/1476". *Bulletin of the school of oriental studies*, Vol. 10, No 1, pp. 141-178.
- Mousavi, Mostafa. (1384/2005). "Vāžegān-e Torki va Moqoli-ye tārix-e Jahāngošā-ye Joveyni" (Turkish and Mongolian vocabulary in Jahangasha Joveyni's History). *Fasl-nāme-ye Āyene-ye Mirās* (Mirror of Heritage), 3<sup>rd</sup> year, series no. 30 & 31, Fall & Winter, pp. 57 – 90. [Persian]
- Zaeri, Ghasem; & Fatemi, Shamsi. (1393/2014). "Motālēe-ye naqš-e jārčī va tahavvolāt-e ān dar nezām-e ravābet-e ejtemāee-ye Irān" (Study of Jarchi's role and its evolution in Iran's social relations system). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 24(3), Fall, pp. 44 – 61. [Persian]





# The Role of Britain in Zil-al-Sultan's Political Fate after his departure from Iran, Based on the Archival Records of Foreign, Commonwealth and Development Affairs of the United Kingdom (1908-1916)

SeyyedMasoud Seyyedbonakdar<sup>1</sup> | Masomeh Pazhoeshniya<sup>2</sup>

## Abstract:

**Purpose:** This study aims to investigate and explain the policies adopted by Britain towards Zil-al-Sultan «after» he was forced to leave the country, based on the Archival Records of Foreign, Commonwealth and Development Affairs of the United Kingdom.

**Method and Research Design:** Archival records were studied and analyzed in a descriptive and analytical way.

**Findings and conclusions:** There are diverse factors that Britain intended to support returning of Zil-al-Sultan to Iran while he was living in Europe. Among which are Britain's hope for enjoying the benefits of Zil-al-Sultan's government as a powerful governor in Fars or Isfahan, preventing the ever-increasing influence of Germany in southern parts of Iran during the World War I, and confronting the Russia's domineering behaviors in these areas. Furthermore, the opposition of Bakhtiari Khans to Zil-al-Sultan's presence in Isfahan was the main reason that Britain prevented his return.

**Keywords:** Zil-al-Sultan, Constitutional Revolution, Archival Records, Britain.

**Citation:** SeyyedBonakdar, S., & Pajhooheshnia, M. (2023). Investigation and Explanation of the Role of Britain in Zil-al-Sultan's Political Destiny after his departure from Iran, Based on the Archival Documents of Britain Foreign Office (1906-1918). *Ganjine-ye Asnad*, 33(1), 78-115. doi: 10.30484/ganj.2023.3051

1. Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran, (corresponding author) sm.sbonakdar@lrc.ui.ac.ir  
2. MA in History of the Islamic Period, University of Isfahan, Isfahan, Iran m.pajhooheshnia@yahoo.com  
Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

# نقش بریتانیا در سرنوشت سیاسی ظل السلطان پس از خروجش از ایران (۱۳۲۶-۱۳۳۴ ق) براساس اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا

سید مسعود سیدبنکدار<sup>۱</sup> | معصومه پژوهش‌نیا<sup>۲</sup>

## چکیده:

**هدف:** این پژوهش در نظر دارد با تکیه بر اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا، سیاست‌های اتخاذ شده از سوی این دولت در قبال ظل السلطان، «پس از» خروج اجباری او از کشور را بررسی و تبیین کند. **روش/رویکرد پژوهش:** این پژوهش رویکردی توصیفی-تحلیلی دارد و بر مبنای اسناد آرشیوی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه گیری:** حمایت کردن و حمایت نکردن بریتانیا از بازگشت ظل السلطان به ایران طی دوران اقامتش در اروپا، به عوامل متعددی وابسته بوده است. امید بریتانیا به برخوردارشدن از حمایت ظل السلطان از منافع این دولت در مقام فرمانداری مقتدر در فارس یا اصفهان، جلوگیری از نفوذ روزافزون آلمان در جنوب ایران در خلال جنگ جهانی اول، و نیز مقابله با اقدامات سلطه‌جویانه روسیه در این مناطق، از جمله مهم‌ترین عوامل حمایت بریتانیا از حضور مجدد ظل السلطان در ایران بوده‌اند. عمده‌ترین دلیل حمایت نکردن بریتانیا از بازگشت ظل السلطان را نیز می‌توان مخالفت خان‌های بختیاری با حضور ظل السلطان در اصفهان و تهدید شدن بریتانیا از سوی این خان‌ها دانست.

**کلیدواژه‌ها:** ظل السلطان؛ انقلاب مشروطه؛ اسناد آرشیوی؛ بریتانیا.

**استناد:** سیدبنکدار، سید مسعود و پژوهش‌نیا، معصومه. (۱۴۰۲). نقش بریتانیا در سرنوشت سیاسی ظل السلطان پس از خروجش از ایران (۱۳۲۶-۱۳۳۴ ق) براساس اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا. گنجینه

اسناد، ۳۳ (۱)، ۷۸-۱۱۵ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۵۱

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)  
sm.sbonakdar@ltru.ac.ir  
۲. کارشناسی ارشد تاریخ دوره اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
m.pajhoeshnia@yahoo.com



## گنجینه اسناد

۱۲۹

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳.۳۰۵۱

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۲ | صص: ۷۸ - ۱۱۵ (۳۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

مسعود میرزا (۱۲۶۶-۱۳۳۶ق/۱۸۵۰-۱۹۱۸م) پسر ارشد ناصرالدین شاه (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۹)، از مادری غیرقاجاری زاده شد؛ از این رو حق ولایتعهدی از او سلب شد (سعادت نوری، ۱۳۴۷، ص ۱۲). قلمرو حکومتی ظل‌السلطان در غرب و جنوب ایران، و جزو مناطق تحت نفوذ بریتانیا بود (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۴، ص ۷۸-۸۵)؛ همین موضوع موجب نزدیکی ظل‌السلطان به بریتانیا شد (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۴۶). توسعه مداوم قلمرو ظل‌السلطان، سبب توجه بریتانیا به او شد؛ چراکه اضافه شدن هر ایالت به این قلمرو، به معنای اضافه شدن ثروت و قدرتی بیشتر برای این شاهزاده بود. از نظر بریتانیا، ظل‌السلطان کمتر از شاه نبود (Walcher, 2008, p61).

ظل‌السلطان در دوران مشروطه، در جبهه مشروطه خواهان قرار گرفت و به حمایت از آن‌ها برخاست. این اقدامات، به همراه چشم‌داشتی که از دیرباز به تاج و تخت داشت موجب شد تا محمدعلی شاه بنای دشمنی را با او بگذارد (کسروی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۶۵۷). سرانجام کار به آنجا رسید که ظل‌السلطان ناگزیر شد کشور را ترک کند و در اروپا اقامت کند. این پژوهش به دنبال آن است تا با مطالعه اسناد وزارت خارجه بریتانیا، سیاست‌های این دولت در قبال ظل‌السلطان در «پس‌از» خروج او از کشور را بررسی و تبیین کند. هدف از این پژوهش یافتن پاسخی مستند برای این پرسش است که سیاست‌های بریتانیا در قبال مسائل داخلی ایران، چگونه بر سرنوشت سیاسی ظل‌السلطان در دوران تبعید او نقش داشته‌است؟ رسیدن به این پاسخ، مبین این امر خواهد بود که این دولت چگونه از مهره‌ای کنار گذاشته شده در ایران، در جهت منافع خود بهره‌برداری کرده‌است؟ پژوهش‌های موجود، ظل‌السلطان را تنها در زمان حضورش در ایران رصد کرده‌اند. اهمیت پژوهش حاضر آنجا نمایان‌تر می‌شود که به سرنوشت سیاسی ظل‌السلطان در دوران اقامتش در اروپا می‌پردازد.

## ۲. پیشینه تحقیق

دهقان نیری (۱۳۸۰) روزنامه «انجمن مقدس ملی اصفهان» را بررسی کرده‌است و بر مبنای آن برخی از حوادث اصفهان در دوره حکومت ظل‌السلطان را شرح داده‌است. رجایی (۱۳۸۴) اقدامات ظل‌السلطان در بعد از مشروطه تا زمان خروجش از کشور را بررسی کرده‌است. کاردان (۱۳۸۴) به توصیف عملکرد سیاسی ظل‌السلطان تا زمان مهاجرتش به اروپا پرداخته‌است. جلالی (۱۳۸۵) اقدامات سیاسی ظل‌السلطان برای دستیابی به تخت سلطنت تا زمان مشروطه را بررسی کرده‌است. خدیری زاده (۱۳۸۷) پیامد سیاست بریتانیا بر انقلاب مشروطه بعد از قرارداد ۱۹۰۷ را مطالعه کرده‌است. پژوهش مذکور، رویکرد بریتانیا

۱. به نقل از اسناد وزارت خارجه بریتانیا،  
آرشیو دفتر هندوستان:

No.32, 25FEB1882, IOL/P&S/32  
No.128, 28JUNE1881, IOL/  
P&S/9/184





در قبال مشروطه خواهان را به صورت کلان بررسی می کند و به روابط این دولت با شخص ظل السلطان نمی پردازد. فولادی (۱۳۹۳) به بررسی نقش دولت های روسیه و بریتانیا در دو جنبش تنباکو و مشروطه پرداخته است. این پژوهش نیز نقش روسیه و بریتانیا در دو جنبش مذکور را به صورت کلی بررسی می کند و به شخص ظل السلطان در این دوره اشاره ای ندارد. ابطحی، جعفری، و نورائی (۱۳۹۶) مداخلات بریتانیا، روسیه و آلمان در اصفهان طی جنگ جهانی اول را بررسی کرده اند؛ ولی به صورت مشخص به تأثیر این دخالت ها در سرنوشت ظل السلطان نپرداخته اند.

### ۳. اسناد مورد استفاده

اسناد مورد استفاده در این پژوهش، اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه بریتانیا هستند که در آرشیو دفتر امور هندوستان نگهداری می شوند و بخش زیادی از آن، امروزه از طریق سایت «کتابخانه ملی قطر»<sup>۱</sup>، در دسترس عموم قرار گرفته است. این اسناد چگونگی حیات سیاسی ظل السلطان را از زمان خروجش از ایران تا بازگشت مجددش به کشور طی هشت سال (۱۹۰۸-۱۹۱۶م/۱۳۲۶-۱۳۳۴ق)، بر ما روشن می سازند. این اسناد هم چنین روابط بین بریتانیا و ظل السلطان طی سال های تبعیدش را تبیین می کند و عوامل ممانعت بریتانیا از بازگشت ظل السلطان به ایران پیش از این زمان را آشکار می کند.

### ۴. ظل السلطان و ترک وطن

با امضای فرمان مشروطه، ظل السلطان به یکی از حامیان مشروطه خواهی و تشکیل انجمن ایالتی در اصفهان تبدیل شد. او به جلال الدوله، فرزند خود دستور داد تا انجمنی سری تشکیل دهد و در آن علیه شاه فعالیت کند (دانشور علوی، ۱۳۳۵، صص ۱-۲). همین اقدامات بود که باعث شد در ماجرای ترور محمدعلی شاه، ظل السلطان به عنوان یکی از مظنونان اصلی شناخته شود (No.107, 26MAR1908, IOR/L/PS/20/260, p152).<sup>۲</sup> سرانجام تیرگی روابط بین شاه و ظل السلطان تا آنجا پیش رفت که او ناگزیر کشور را ترک کرد. ظل السلطان در ۱۳ اوت ۱۹۰۸م/۱۵ رجب ۱۳۲۶ق از اصفهان به تهران رفت و بدون اقامت در تهران، کشور را به مقصد اروپا ترک کرد (کتاب نارنجی، ج ۱، ۱۳۶۷، ص ۲۷۷).<sup>۳</sup>

### ۵. سلطه بختیاری ها در اصفهان و پیامدهای آن برای ظل السلطان

فتح اصفهان به دست بختیاری ها (۱۹۰۹م/۱۳۲۶ق) به مسلط شدن خان های این طایفه بر اصفهان و شروع حکومت آن ها در این شهر منجر شد. بر اساس اسناد بررسی شده

۱. برای آگاهی از نحوه ارجاع به اسناد آرشیوی در این پژوهش، به پیوست ۲ مراجعه کنید.

۲. تلگراف هارتویگ به وزیر امور خارجه روسیه مورخ ۱۱ اوت ۱۹۰۸م/۲۳ رجب ۱۳۲۶ق.



در پژوهش حاضر، حکومت بختیاری‌ها در اصفهان، نقشی کلیدی در تعیین سرنوشت ظل‌السلطان طی سال‌های بعد از آن ایفا کرد؛ تا آنجا که می‌توان گفت یکی از دلایل عمده در به تأخیر افتادن بازگشت او به ایران محسوب می‌شد. براساس اسناد مورد مطالعه که در بخش‌های بعدی ارائه خواهند شد، عمده‌ترین دلیل مخالفت بریتانیا با بازگشت ظل‌السلطان طی سال‌های اقامتش در اروپا، مخالفت سران بختیاری با بازگشت او بود.

در این جا، دو پرسش اساسی مطرح می‌شود:

۱- چرا بختیاری‌ها با بازگشت ظل‌السلطان به ایران مخالف بودند؟

۲- چرا بریتانیا از تیره‌شدن روابطش با بختیاری‌ها نگران بود؟

از آنجا که این دو پرسش در موقعیت‌های مختلف در طی سال‌های زندگی ظل‌السلطان در تبعید، مطرح می‌شوند و به کرات سرنوشت او را رقم می‌زنند، لازم است همین جا به آن‌ها پرداخته شود و پاسخ آن‌ها را بیابیم.

با هدف تبیین پرسش اول، باید به خصوصتی دیرینه بین خان‌های بختیاری و ظل‌السلطان اشاره کرد که به دوران حکمرانی او در اصفهان برمی‌گشت. در سال ۱۲۹۹ ق/۱۸۸۲ م، حسین قلی‌خان -ایل خان بختیاری- در دربار ظل‌السلطان به قتل رسید و دو پسرش نیز به زندان افتادند (سردار اسعد و لسان‌السلطنه سپهر، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳). ظل‌السلطان طی سال‌های بعد، هرآنچه از دستش برمی‌آمد در جهت غارت اموال ایل خان مقتول و تحقیر فرزندان او انجام داد. او همواره تلاش داشت بین طایفه بختیاری نفاق و دودستگی ایجاد کند تا از قدرت آن‌ها بکاهد (سردار مریم، ۱۳۸۲، صص ۳۱-۳۲؛ ظل‌السلطان، ۱۳۳۸، ج ۲، صص ۶۵۷-۶۵۸؛ گارثویت، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷).

درباره پرسش دوم لازم است سوابق روابط بین بریتانیا و خان‌های بختیاری بررسی شود. براساس مطالعات انجام‌شده بختیاری‌ها در چهار محور کلیدی در جهت حفظ منافع بریتانیا در ایران نقشی بسیار مهم برعهده داشتند که عبارت‌اند از: رقابت بریتانیا با روسیه در مناطق جنوبی ایران؛ امتیاز کشتیرانی بریتانیا در رودخانه کارون؛ جاده کاروان‌رو بختیاری (لینچ)؛ استخراج نفت جنوب.

بریتانیا در این زمان سعی داشت تا از نفوذ روسیه در مناطق جنوبی ایران جلوگیری کند. در راستای این سیاست، این دولت بر آن شد تا با قبایل جنوبی ایران روابطی دوستانه برقرار کند و این قبایل را به عنوان سدی در مهار پیشروی روسیه به کار بگیرد. براین اساس، روابط خود را با خوانین بختیاری و با شیخ‌خزعل گسترش داد و آن‌ها را تحت حمایت خود درآورد. تسلط بر رود کارون نیز از دو نظر برای بریتانیا حائز اهمیت بود: از یک طرف به توسعه نفوذ سیاسی و نظارت بر نواحی جنوبی ایران کمک می‌کرد و از طرف دیگر،

۱. این رویداد در منابع زیر نیز ذکر شده‌است:

سردار مریم، ۱۳۸۲، ص ۳۱؛ سردار ظفر، ۱۳۴۲، ص ۱۹۶؛ عکاشه و ضمیمه‌الدوله، ۱۳۴۵، ص ۱۸۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، ص ۱۷۹؛ قووریه، ۱۳۲۶، ص ۳۷۵؛ سیاح، ۲۵۳۶، ص ۲۴۶؛ IOR/L/MIL/17/15/1, p110.

۲. به نقل از اسناد وزارت خارجه بریتانیا: Sir Frank Lascelles, July 1893, 315, No to Earl of Roseberry, Government of India, Foreign Department



منافع تجاری بریتانیا را ارتقا می‌داد (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۱۵۱). از آنجاکه کارون در قلمرو قشلاقی بختیاری قرار گرفته بود، بریتانیا ناگزیر بود برای اجرای این طرح، موافقت و رضایت خان‌های بختیاری را حاصل کند.

بریتانیا پس از بازشدن رودخانه کارون به روی کشتی‌های انگلیسی، ضرورت احداث جاده‌ای کاروان‌رو از اهواز تا اصفهان را بیش از پیش احساس کرد. اهمیت این جاده برای بریتانیا، در کوتاه‌تر بودن آن از جاده قبلی یعنی بوشهر-اصفهان بود (سایکس، ۱۳۳۶، ص ۲۸۴). این جاده نیز از قلمرو بختیاری عبور می‌کرد و بریتانیا را بیش از پیش به خان‌های بختیاری وابسته کرد؛ تاجایی که حتی در مواردی که بین خان‌ها و کمپانی لینچ اختلافی پیش می‌آمد، بریتانیا طرف خان‌ها را می‌گرفت (Garthwaite, 1972, p32).

منابع نفت جنوب ایران نیز عمدتاً در قلمرو ایل بختیاری قرار داشت. بریتانیا برای خرید زمین برای احداث تأسیسات نفتی، حفاظت از این تأسیسات و نیز تأمین امنیت پرسنل خود، به همکاری بختیاری‌ها نیاز داشت (اُوزن بختیاری، ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۱۷۵).

## ۶. نخستین رایزنی‌ها در زمینه بازگشت ظل‌السلطان به ایران

ظل‌السلطان پس از یکی دو ماه اقامت در فرانسه، طی تلگرافی خود و خانواده‌اش را در اختیار محمدعلی شاه قرار داد (کتاب نارنجی، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ۲) و بدین وسیله مراتب فرمان‌برداری‌اش را به شاه اعلام کرد. او همچنین در تلاش بود تا بریتانیا و روسیه را در زمینه وفاداری‌اش به شاه مطمئن سازد و ابراز تمایل کرد که برای زندگی آرام و بدون اهداف جاه‌طلبانه به ایران بازگردد (کتاب نارنجی، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ۲)؛ ولی دولتین با بازگشت ظل‌السلطان به ایران مخالف بودند و به او هشدار دادند که در صورت بازگشت، از حمایت آن‌ها محروم خواهد شد (کتاب نارنجی، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ۲). آن‌ها برای ظل‌السلطان استدلال می‌آوردند که بازگشت او به ایران تا قبل از آرام‌شدن اوضاع به صلاح نیست (JAN1909, IOR/R/15/5/9, p15).

بریتانیا و روسیه در این زمان هنوز بازگشت ظل‌السلطان به ایران را با منافع خود منافعی می‌دانستند و سعی می‌کردند تا با تهدید سلب حمایت از ظل‌السلطان، از ورود او به کشور جلوگیری کنند (No.656, 14DEC1908, IOR/L/PS/10/10, p1052). روسیه به‌وضوح طرفدار محمدعلی شاه و مخالف حامیان مشروطه بود و بریتانیا نیز بازگشت ظل‌السلطان در این زمان را به دلیل سابقه چشم‌داشت او به تخت سلطنت و به‌ویژه به دلیل حکومت بختیاری‌ها در اصفهان، عاملی در تشدید هرج‌ومرج‌های موجود می‌دانست؛ ولی ظل‌السلطان طی ملاقاتی که در ژوئن ۱۹۰۹ / جمادی‌الاول ۱۳۲۷ با کاردار بریتانیا در شهر محل اقامت

۱. تلگراف هارتویگ به وزیر امور خارجه روسیه مورخ ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ م / ۲۰ رمضان ۱۳۲۶ ق.
۲. تلگراف مستشار ارشد نیلیدوف سفیر روسیه در پاریس به وزیر امور خارجه روسیه مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۰۸ م / ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ ق.
۳. تلگراف وزیر امور خارجه روسیه به سفیر روسیه در پاریس مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۰۸ م / ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ ق.



خود، «نیس» در فرانسه داشت تعهد داد که قصد ندارد هیچ‌گونه منصب حکومتی را در ایران بپذیرد؛ بلکه تنها آرزوی او، داشتن زندگی آرام در املاکش در اطراف اصفهان است (1JUN1909, IOR/R/15/5/9, pp 95-96).

## ۷. تلاشی نافرجام در بازگشت به ایران

در ماه می ۱۹۰۹/ربیع‌الثانی ۱۳۲۷، شاه ابراز تمایل کرد که در صورت بازگشت ظل‌السلطان، او را به فرمانداری فارس منصوب می‌کند. ادوارد گری<sup>۱</sup>، وزیر امور خارجه بریتانیا، با این تصمیم موافقت کرد و روسیه نیز بی‌طرفی‌اش را ابراز کرد (1JUL1909, IOR/R/15/5/9, p122). این تصمیم شاه پیرو اصلاحاتی بود که او در این ماه به ناگزیر و تحت فشار دو وزیرمختار با آنها موافقت کرده بود. این اصلاحات، از سوی دولتین در جهت برون‌رفت از شرایط بحرانی کشور در پس از انحلال مجلس اول، به شاه دیکته شده بود (معاصر، ۱۳۵۳، ج ۲، صص ۱۱۷۸-۱۱۸۰)<sup>۲</sup>.

ظل‌السلطان در این میان، مشمول فرمان «عفو عمومی» شد و اجازه یافت به کشور مراجعت کند؛ ولی تنها دو ماه پس از عفو شاه، واقعه فتح تهران رخ داد و همه معادلات به هم خورد. در روز ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹م/۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق، نیروهای بختیاری به رهبری سردار اسعد وارد تهران شدند (سیاح، ۲۵۳۶، ص ۶۳۲؛ کرمانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۸۷؛ براون، ۱۳۲۹، ص ۳۲۹). با خلع محمدعلی شاه از سلطنت، شرایط بسیار شکننده شد و نیروهای قبیله‌ای کنترل اوضاع را به دست گرفتند. سر بارکلی<sup>۳</sup> وزیرمختار بریتانیا به همراه هم‌تای روسی خود با وزیر امور داخلی ایران ملاقات کرد تا درباره انتصاب ظل‌السلطان به فرمانداری فارس و نیز آرام کردن نیروهای قبیله‌ای با او مذاکره کنند؛ ولی وزیر اظهار داشت که دولت جدید تصمیم دارد فرماندار کنونی فارس را در مقام خود ابقا کند (1AUG1909, IOR/R/15/5/9, pp 145-146). با مخالفت دولت در انتصاب ظل‌السلطان، دو وزیرمختار به اتفاق نظر رسیدند که از بازگشت ظل‌السلطان جلوگیری کنند (کتاب آبی، ج ۳، ۱۳۶۲، ص ۶۲۹)<sup>۴</sup>.

ولی ظل‌السلطان خودسرانه رهسپار ایران شد. دولتین به نمایندگان خود در شهر «وین» دستور دادند تا او را از این امر منصرف کنند. به عقیده آنها، شرایط کنونی ایران برای حضور ظل‌السلطان مناسب نبود (1AUG1909, IOR/R/15/5/9, pp 149-150). نمایندگان دو دولت در «وین» با ظل‌السلطان ملاقات کردند و تلاش کردند تا از بازگشت او به ایران ممانعت کنند. ظل‌السلطان به آنها اطمینان داد که هدفش از بازگشت، دخالت در امور سیاسی نیست و تنها قصد دارد زندگی آرامی را در املاک خود سپری کند (کتاب آبی، ج ۳، ۱۳۶۳، ص ۶۳۳)<sup>۵</sup>.

Edward Grey .1

۲. تلگراف بارکلی به ادوارد گری مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۰۹م/۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق.

3. George Head Barclay

۴. تلگراف بارکلی به ادوارد گری مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹م/۲ رجب ۱۳۲۷ق.

۵. تلگراف کارترایت از وین به ادوارد گری

مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۹م/۵ رجب ۱۳۲۷ق.



سرانجام ظل‌السلطان در ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۹/۱۲ رجب ۱۳۲۷ «وین» را به مقصد ایران ترک کرد؛ ولی توسط دولت ایران در نزدیکی منجیل متوقف شد و به رشت فرستاده شد. پسران او دست‌به‌دامان وزیرمختار بریتانیا شدند. بارکلی ابتدا از مداخله سر باز زد (1SEP1909, IOR/R/15/5/9, p170)؛ ولی در پی اصرار اکبرمیرزا موافقت کرد تا در بازگرداندن ظل‌السلطان به اروپا به او کمک کند (1SEP1909, IOR/R/15/5/9, p171). ظل‌السلطان پس از اخراج از ایران، مجدداً در شهر «نیس» اقامت گزید (براون، ۱۳۲۹، ص ۳۴۶).

## ۸. کارشکنی خان‌های بختیاری در بازگشت ظل‌السلطان

در سال ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق، ناامنی در شهرها و جاده‌های ایران شدت گرفت. وزیرمختار بریتانیا در ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰م/۹ شوال ۱۳۲۸ق گزارش داد که وضعیت ناامنی در جاده‌های جنوب کشور از زمان حضور او در ایران هیچ‌گاه به این وخامت نبوده‌است (کتاب آبی، ج ۴، ۱۳۶۳، ص ۹۴۸).<sup>۲</sup> به‌دنبال این ناامنی‌ها، دولت ایران انتصاب فرمانداری قدرتمند در فارس را مدنظر قرار داد. اولین فرد پیشنهادی دولت برای این پست، ظل‌السلطان بود. براین‌اساس، در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۱۰م/۲۹ شوال ۱۳۲۸ق از طرف کابینه ایران تلگرافی برای ظل‌السلطان ارسال شد و این منصب به او پیشنهاد شد. ظل‌السلطان این پیشنهاد را پذیرفت؛ ولی زمانی که سردار اسعد بختیاری از این موضوع آگاه شد، واکنش نشان داد و با تندی با نخست‌وزیر صحبت کرد. نخست‌وزیر پس از این واکنش، جلال‌الدوله فرزند ظل‌السلطان را متقاعد کرد که به پدر خود تلگراف بزند و به او توصیه کند که از قبول این پیشنهاد سر باز زند (No.221, 30NOV1910, IOR/L/PS/10/163, p148).

در این زمان، به‌دنبال فتح تهران، سران بختیاری در تهران و دیگر ایالات به قدرت رسیده بودند. به‌عبارتی، علاوه‌بر سردار اسعد و صمصام‌السلطنه که در تهران به مناصب دولتی رسیده بودند، خان‌های متعدد دیگری نیز حکومت ولایات مختلف را برعهده گرفته بودند (عکاشه، ۱۳۶۵، ص ۶۰۱؛ ملک‌زاده، ۱۳۷۳، ج ۶، صص ۱۲۸۵ و ۱۳۱۳). این دوران را می‌توان دوره شکوه و اقتدار بختیاری‌ها محسوب کرد؛ به‌ویژه آنکه مستوفی‌الممالک نیز از آن‌ها حمایت می‌کرد (میرزائی دره‌شوری، ۱۳۷۳، ص ۲۹۴). این امر باعث شد تا بریتانیا بیش‌ازپیش از تصمیمات خان‌ها حمایت کند تا منافع این دولت در قلمرو بختیاری به‌مخاطره نیفتد. براساس قرارداد ۱۹۰۷، بخشی از قلمرو بختیاری تحت‌نفوذ روسیه قرار داشت و بریتانیا نگران آن بود که در صورت مایوس شدن خان‌های بختیاری از بریتانیا آن‌ها به‌سمت روسیه متمایل شوند (Garthwaite, 2009, p135).

۱. این سند در مرجع زیر وجود دارد:

1SEP1909, IOR/L/MIL/17/15/25, p8

۲. این سند در مرجع زیر وجود دارد:

1SEP1909, IOR/L/MIL/17/15/25, p9

۳. تلگراف سر بارکلی به ادوارد گری، مورخ

۱۱۵ اکتبر ۱۹۱۰م/۱۱ شوال ۱۳۲۸ق.



## ۹. بازگشت محمدعلی‌شاه و پیامد آن برای ظل‌السلطان

در سال ۱۹۱۱م/۱۳۲۹ق، خبر بازگشت محمدعلی‌شاه به ایران همچون صاعقه‌ای بر سر مشروطه‌خواهان فرود آمد. او در ۱۸ ژوئیه ۱۹۱۱م/۲۱ رجب ۱۳۲۹ق وارد «گمش‌تپه» شد (کتاب آبی، ج ۵، ۱۳۶۲، ص ۱۱۲۲)؛ ولی پس از جنگ‌های متعدد بین نیروهای مجاهدین و نیروهای مدافع شاه، ناچار شد فرار کند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۱۵). با این پیروزی، نفوذ بختیاری‌ها بیشتر از گذشته شد؛ تاجایی که به تعبیر دولت‌آبادی: «قوة دولت تقریباً منحصر بود به قوة بختیاری و رشته امور مملکت هم به دست آن‌ها بود» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۱۶).

با انتشار خبر بازگشت شاه، گری از وزیرمختار بریتانیا در سنت پترزبورگ خواست تا نظر وزیر امور خارجه روسیه را درباره بازگرداندن ظل‌السلطان جویا شود (No.562, 8JUL1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p314). گری در همان روز، به تاونلی<sup>۱</sup> وزیرمختار در تهران، اظهار داشت که تصمیم بریتانیا هم‌چنان بر کمک‌نکردن به ظل‌السلطان در بازگشت به ایران است و لازم است این تصمیم به اطلاع خود او نیز برسد (No.406, 8JUL1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p316).

ولی لرد کریو<sup>۲</sup> وزیر امور هندوستان، نظری غیرازین داشت. او تلگرافی به وزارت خارجه ارسال کرد و طی آن اظهار تأسف کرد که چرا گری بر انتصاب ظل‌السلطان به فرمانداری فارس پافشاری نمی‌ورزد. او استدلال می‌آورد که اگرچه ظل‌السلطان در ایران بدنام است، ولی باتوجه به وخیم‌ترشدن شرایط نامنی در جاده شیراز-بوشهر، در صورتی که بتواند امنیت را برقرار کند، می‌توان از او به‌نفع بریتانیا بهره برد (No.P2716, 22JUL1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p288). سابقه اقتدار ظل‌السلطان در برقراری امنیت در مناطق جنوبی ایران، برگ برنده‌ای برای او محسوب می‌شد؛ تاآنجا که توانست حمایت بریتانیا را برای انتصاب مجددش به سمت فرمانداری برایش به‌همراه داشته باشد.

تاونلی نیز با شرح شرایط نامنی در شیراز، خطاب به گری نوشت که از نظر او، تنها ظل‌السلطان است که می‌تواند به اوضاع کنونی این شهر سر و سامان دهد (No.157, 7AUG1912, IOR/L/PS/10/197, pp 168-169). پرسی کاکس<sup>۳</sup> نیز معتقد بود ظل‌السلطان می‌تواند گزینه خوبی برای بهبود شرایط موجود در فارس باشد؛ به شرط آنکه پول و نفرات کافی در اختیارش قرار داده شود (No.150, 10JUL1912, IOR/L/PS/10/197, p238). او عنوان داشت که اقتدار و ثروت ظل‌السلطان می‌تواند امنیت را در فارس برقرار کند. البته او ابراز نگرانی کرد که اگر حمایت بریتانیا از انتصاب ظل‌السلطان بر ملا شود، بریتانیا بخشی از نفوذ خود در میان قبایل بختیاری را از دست خواهد داد (No.1626, 28JUL1912, IOR/L/PS/10/197, p249). براین اساس، برای بریتانیا بسیار مهم بود که نقشش در حمایت از ظل‌السلطان را پشت پرده ایفا کند.

۱. تلگراف پارکلی به ادوارد گری مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۱۱م/۲۱ رجب ۱۳۲۹ق.
۲. Walter Townley
۳. Robert Crewe
۴. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد: No.P2716, 22JUL1912, IOR/L/PS/10/197, p232
۵. Percy Cox



کمتر از یک ماه بعد، اوضاع مجدداً خلاف میل ظل السلطان پیش رفت؛ چراکه بار دیگر شایعه بازگشت شاه سابق بر سر زبان‌ها افتاد. وزیرمختار بریتانیا معتقد بود بازگشت ظل السلطان به ایران و انتصابش به فرمانداری فارس یا اصفهان در شرایط موجود، به صلاح نیست؛ چراکه حضور او در جنوب، به‌عنوان وزنه‌ای بریتانیایی در مقابله با شاه در شمال محسوب می‌شود و این امر به زیان منافع بریتانیا خواهد بود (No.460, 17AUG1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p300).

وزیرمختار بریتانیا خبر داد که با وزیرمختار روسیه مشورت کرده‌است و هر دو بر سر این راه‌حل توافق دارند که فرماندار جدید اصفهان، باید فردی بی‌طرف و «غیربختیاری» باشد (No.459, 17AUG1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p302). دلیل اصرار سفارتین بر بختیاری نبودن فرماندار جدید اصفهان، خصومت‌های آشکار بختیاری‌ها با شاه سابق طی سال‌های گذشته بود. ماجراهایی چون فتح اصفهان، فتح تهران، عزل محمدعلی شاه، و لشکرکشی برای بیرون‌راندن او از کشور در ژوئیه/رجب سال گذشته، دیگر هیچ جای آشتی بین محمدعلی شاه و خان‌ها باقی نگذاشته بود. براین اساس، در زمانی که بازگشت شاه قطعی به نظر می‌رسید، بریتانیا حمایت آشکار از ظل السلطان و حتی بختیاری‌ها را مصلحت نمی‌دانست و با پیشنهاد تعیین فردی غیربختیاری برای حکومت اصفهان موافقت کرد.

در شرایط جدید، روسیه مخالفت خود را با بازگشت ظل السلطان اعلام کرد و تصمیم جدید بریتانیا در حمایت نکردن از ظل السلطان در این باره را تأیید کرد. این خبری بود که بوکانن<sup>۱</sup>، سفیر بریتانیا در روسیه، به اطلاع گری رساند (No.296, 21AUG1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p296). گری نیز به وزیرمختار اطلاع داد که اولویت آن‌ها، بازگرداندن شاه سابق است و بازگشت ظل السلطان در درجه دوم اهمیت قرار دارد (No.563, 2SEP1912, IOR/L/PS/10/197, p204).

تصمیم جدید روسیه و بریتانیا مبنی بر حمایت نکردن از بازگشت ظل السلطان، طی نامه‌ای از جانب وزارت خارجه بریتانیا به شاهزاده بهرام‌میرزا اطلاع داده شد (No.35407, 3SEP1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p292). باوجود آنکه محمدعلی شاه هرگز موفق نشد به تاج و تخت خود بازگردد، ولی شایعه بازگشت او کافی بود تا ظل السلطان را بار دیگر از دیدار وطن محروم سازد.

## ۱۰. تقابل بریتانیا و روسیه در اصفهان مقارن با آغاز جنگ جهانی اول

در اوت ۱۹۱۴/رمضان ۱۳۳۲، تاونلی هشداری از سوی خان‌های بختیاری دریافت کرد مبنی بر اینکه اگر در اصفهان فرمانداری روسوفیل منصوب شود که منافع بختیاری‌ها را

1. George Buchanan



به‌خطر اندازد، آن‌ها نیز از روسیه درخواست حمایت خواهند کرد و روابطی دوستانه با این دولت برقرار خواهند کرد (No.218, 1AUG1914, IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914-Pt 1, p40). وزیرمختار در تلگراف خود، به‌شدت از افزایش نفوذ روسیه در اصفهان ابراز نگرانی کرد و مجدداً تأکید کرد که تعدادی از خان‌های بختیاری به او هشدار داده‌اند که در صورت واگذاری اصفهان به روسیه، وفاداری‌شان به بریتانیا را کنار خواهند گذاشت (No.224, 3AUG1914, IOR/L/PS/10/451/1, File 1187/1914-Pt 2, pp 433-434).

## ۱۱. حمایت روسیه از بازگشت ظل‌السلطان

در فوریه ۱۹۱۵م/ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق، از سرکنسول بریتانیا در اصفهان تلگرافی به تاونلی رسید مبنی بر اینکه همایون‌میرزا طی ملاقاتی، از رویکرد بریتانیا درباره بازگشت ظل‌السلطان به ایران پرس‌وجو کرده و خواستار حمایت این دولت از پدر خود شده‌است. براساس مندرجات این سند، همایون‌میرزا مانع اصلی در بازگشت ظل‌السلطان را خان‌های بختیاری می‌دانسته‌است (No.11, 6FEB1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 282-286). تاونلی گزارش می‌دهد که اکبرمیرزا با مدیر بانک روسی در اصفهان توافقی کرده و به‌موجب آن، مسئولیت اداره اموال فراوان ظل‌السلطان برعهده این بانک قرار گرفته‌است. او هم‌چنین اظهار می‌دارد که اکبرمیرزا با همدستی روسیه سعی دارد بازگشت ظل‌السلطان به ایران را عملی سازد. به‌باور تاونلی، آن‌ها در خفا قصد دارند او را به سمت فرمانداری فارس منصوب کنند (No.31, 16FEB1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 274-276). وزیرمختار هم‌چنین اشاره می‌کند که خان‌های بختیاری طی یکی دو سال قبل، مخالفت خود را با بازگشت ظل‌السلطان ابراز داشته‌اند و در این زمینه دو شرط عنوان کرده‌اند: اول آنکه در تهران اقامت داشته باشد؛ و دوم آنکه تنها برای ملاقاتی کوتاه‌مدت به ایران بیاید (No.31, 16FEB1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 276-278). تاونلی پیشنهاد می‌دهد بریتانیا با تأمین منافع خان‌های بختیاری، از ایجاد حسادت بین آن‌ها ممانعت کند و هم‌چنین به همایون‌میرزا اطلاع داده شود که شرایط کنونی در اروپا به‌گونه‌ای نیست که سفر ظل‌السلطان به ایران مطلوب باشد (No.31, 16FEB1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 278-280). در شرایطی که بین روسیه و خانواده ظل‌السلطان روابطی مشکوک برقرار شده بود، بازگشت ظل‌السلطان به ایران نمی‌توانست به‌نفع بریتانیا باشد.

در این زمان، در میانه جنگ جهانی اول، گروهی از خان‌های جوان‌تر بختیاری، بیشتر به‌سمت آلمان‌ها گرایش یافته بودند و به‌اندازه نسل پیش‌از خود، درقبال بریتانیا

۱. فرزند ظل‌السلطان





وفادار نبودند (میرزائی دره‌شوری، ۱۳۷۳، ص ۳۱۶). از جمله افراد بانفوذ بختیاری که با آلمان‌ها همکاری می‌کردند، می‌توان به ضرغام السلطنه، سردار معظم، و سردار مریم اشاره کرد (سپهر، ۱۳۶۲، صص ۷۴-۷۵؛ گارثویت، ۱۳۷۳، ص ۲۲۸). حتی این احتمال می‌رفت که خان‌های مقیم تهران نیز با آلمان‌ها متحد شوند (گارثویت، ۱۳۷۳، ص ۲۳۸)؛ بنابراین موقعیت بریتانیا در قلمرو بختیاری در شرایطی شکننده قرار گرفته بود. تاونلی توصیه کرد که بریتانیا با بازگرداندن ظل السلطان - که از سوی روسیه پیگیری می‌شود - مخالفت کند؛ گری نیز این توصیه را پذیرفت (No.30092/15, 20MAR1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p272).

## ۱۲. مخالفت دفتر امور هندوستان با بازگشت ظل السلطان

در سپتامبر ۱۹۱۵/ذی‌قعدة ۱۳۳۳، گری دو نامه خطاب به وزیر مختارهای تهران و پتروگراد ارسال کرد. در نامه به تهران، به اطلاع مارلینگ<sup>۱</sup>، وزیر مختار جدید، رساند که بهرام‌میرزا به ملاقات او آمده‌است تا از بریتانیا برای پدر خود ضمانت امنیت درخواست کند. در این نامه، گری از مارلینگ پرسید که آیا از نظر او، ظل السلطان و فرزندانش برای سفارتین سودی خواهند داشت؟ (No.268, 11SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p246). در نامه دوم به پتروگراد، گری از بوکانن خواست تا دیدگاه وزیر خارجه روسیه را در این باره جویا شود (No.2102, 11SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p246). پاسخ بوکانن حاکی از آن بود که روسیه با حمایت از ظل السلطان مخالفتی ندارد؛ ولی معتقد است باید با او اتمام حجت شود که این حمایت، تنها تا جایی اعتبار دارد که روسیه امکان انجام آن را داشته باشد. درباره مفید بودن ظل السلطان نیز، روسیه هیچ سودی را از بازگشت او به ایران برای خود پیش‌بینی نمی‌کرد (No.1369, 18SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p242).

مارلینگ نیز در پاسخ بیان داشت که برای او بسیار سخت است تا درباره مفید بودن ظل السلطان برای بریتانیا نظر دهد (No.352, 20SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p236). گری بار دیگر از مارلینگ پرسید که آیا از نظر او بریتانیا می‌تواند به ظل السلطان برای بازگشت به ایران فرصتی بدهد؟ (No.285, 22SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p230). مارلینگ هم به فاصله یک روز پاسخ مثبت خود را ارسال کرد (No.360, 23SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p232).

پس از این مکاتبات، بریتانیا تصمیم گرفت با درخواست حمایت از سوی ظل السلطان موافقت کند. به دنبال این تصمیم، گری متن پیشنهادی خود را که باید به ظل السلطان

1. Charles Murray Marling



ارسال می‌شد، برای مطالعه بوکانن، به پتروگرااد ارسال کرد. او در این متن، خطاب به ظل‌السلطان نوشت که اگر جان او در معرض خطر قرار گیرد یا اقدامی علیه او رخ دهد، بریتانیا به‌همراه روسیه آماده هستند -تاجایی که برای آن‌ها مقدور باشد- از او و خانواده‌اش حمایت کنند؛ البته مشروط به اینکه او به شاه ایران وفادار بماند (No.2213, 25SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p234)؛ بنابراین وفاداری ظل‌السلطان به شاه، برای بریتانیا آن قدر اهمیت داشت که به‌عنوان شرط حمایت آن‌ها از او مطرح شد. در شرایطی که ایران در آن زمان داشت و با تسلط آلمان‌ها بر اوضاع، مقابله ظل‌السلطان با شاه، تنها به وخیم‌تر شدن اوضاع و بهره‌بردن آلمان از این آشفتگی‌ها می‌انجامید.

بوکانن در پاسخ اعلام کرد که دستورالعمل‌های لازم درباره حمایت از ظل‌السلطان به وزیرمختار روسیه ارسال شده‌است (No.1441, 1OCT1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p216). زمزمه بازگرداندن ظل‌السلطان و انتصاب او به سمت فرمانداری، به گوش رجال ایران نیز رسید (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۲۲۵). به‌دنبال توافق روسیه و بریتانیا در بازگرداندن ظل‌السلطان، گری سناریویی را مطرح کرد مبنی بر اینکه با ارسال ظل‌السلطان به بوشهر و سپس به شیراز و اصفهان، نفوذ آلمان در جنوب را خنثی کنند؛ ولی او لازم می‌دانست ابتدا از تحقق دو شرط کلیدی مطمئن شود: اول اینکه ایران با انتصاب ظل‌السلطان به فرمانداری فارس موافقت کند؛ و دوم اینکه بختیاری‌ها از اجرای این طرح جلوگیری نکنند. او مسئولیت تحقیق درباره این دو شرط را به مارلینگ سپرد (No.454, 17DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p198).

مارلینگ در پاسخ نوشت که انتصاب ظل‌السلطان به فرمانداری فارس، به شرایط در تهران بستگی دارد. درباره توافق با بختیاری‌ها نیز، او معتقد بود که حضور ظل‌السلطان در فارس مخالفت برخی از خان‌ها را به‌دنبال خواهد داشت. مارلینگ هم‌چنین اعزام قشونی از هندوستان را برای حمایت از ظل‌السلطان ضروری دانست. البته اضافه کرد که در صورت امتناع دفتر هندوستان از اعزام نیرو، لازم است ظل‌السلطان مبلغ قابل‌توجهی پول به‌همراه داشته باشد (No.546, 19DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p188). او هم‌چنین از توافقی بین خان‌های بختیاری و ژاندارمری خبر داد که براساس آن، بختیاری‌ها متعهد شده بودند تا در سیاست‌های ژاندارمری در اصفهان دخالت نکنند و در مقابل، درخواست توقیف املاک ظل‌السلطان را مطرح کرده بودند (No.493, IOR/L/PS/10/493, File 3516/1914-Pt 18, P192).

گری از بوکانن خواست تا نظر وزیر خارجه روسیه را نیز درباره سناریوی مطرح‌شده جویا شود (No.3014, 17DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p48).

۱. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.454, 17DEC1915, IOR/L/  
PS/10/491, File 3516/1914-Pt 16,  
p48.



p198). براساس نامه ارسالی شده از پتروگرا، روسیه با این سناریو موافقت کرد (No.1914, p186, 19DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1). گری درباره سناریوی مدنظر خود، با دفتر هندوستان نیز مشورت کرد و تعداد قشونی را که هندوستان قادر بود برای حمایت از ظل السلطان اعزام کند جویا شد. او خطاب به چمبرلین<sup>۱</sup>، وزیر امور هندوستان نوشت: بهترین و درحقیقت تنها راه مقابله با تهدید روزافزون آلمان در مناطق جنوبی ایران، اعزام فوری فرمانداری قدرتمند همچون ظل السلطان به فارس است تا نظم و امنیت را در این مناطق برقرار کند (No.192200/15, 18DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 190-194).

ولی پاسخ دفتر هندوستان به درخواست اعزام نیرو منفی بود. این پاسخ منفی، به یکباره معادلات بریتانیا را برهم زد. گری به مارلینگ اطلاع داد که به دلیل امتناع دفتر هندوستان از همکاری در این سناریو، باید از ایده ارسال ظل السلطان به ایران در شرایط کنونی صرف نظر کنند و آن را به زمانی که شرایط تهران مساعدتر شود موکول کنند (No.465, 23DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p196). براین اساس، در واپسین روزهای دسامبر ۱۹۱۵م/ صفر ۱۳۳۴ق، بازگشت ظل السلطان به ایران برای چندمین بار متفی شد.

### ۱۳. حضور روسیه در اصفهان: سدی جدید بر سر راه ظل السلطان

از دسامبر ۱۹۱۵/ صفر ۱۳۳۴ روسیه به قصد شکست دادن آلمان در ایالات مختلف ایران، پیشروی از قزوین به سمت جنوب را آغاز کرد (مابری، ۱۳۶۹، ص ۱۷۸). آلمان در واکنش، هیئتی جدید را برای تقویت نیروهای خود به ایران اعزام کرد؛ ولی این هیئت نتوانست کاری از پیش ببرد و آلمان‌ها ناچار شدند عقب‌نشینی کنند و اصفهان در مارس ۱۹۱۶/ جمادی الاول ۱۳۳۴ سقوط کرد (باست، ۱۳۶۷، صص ۵۴ و ۵۸).

باشکست آلمان‌ها، مجدداً موضوع بازگرداندن ظل السلطان مورد توجه بریتانیا قرار گرفت. مارلینگ خبر داد که دولت ایران با بازگشت ظل السلطان و انتصاب او در جنوب موافقت کرده است (No.9, 7JAN1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p182). ولی به باور مارلینگ، تازمانی که نیروهای روسی در اصفهان حضور داشتند، ارسال ظل السلطان به اصفهان برای بریتانیا بی‌فایده بود (No.64, 26JAN1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p166). گری در پاسخ نوشت که به ظل السلطان اطلاع خواهد داد که حضور او در ایران در شرایط موجود، مصلحت نیست (No.48, 28JAN1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p168). بریتانیا ترجیح می‌داد ظل السلطان در شرایطی وارد اصفهان شود که این ایالت، تحت نفوذ روسیه نباشد؛ چراکه بیم آن می‌رفت که او در اصفهان به سمت نیروی برتر تمایل یابد.

1. Austen Chamberlain

۲. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.18, 15/12/2000DEC1915, IOR/L/PS/491/10, File 16, 1914/3516Pt 1, p36.



با وجود منتفی شدن موقتی بازگشت ظل‌السلطان، بریتانیا هنوز به تلاش خود در تحقق این هدف ادامه می‌داد. براساس گزارش مارلینگ، او در تهران با خان‌های بختیاری مذاکره می‌کرد و سعی می‌کرد آن‌ها را برای پذیرش فرماندار جدید آماده سازد. او در این مذاکرات، تلویحاً بیان می‌کرد که بهتر است فردی خارج از طایفه بختیاری بر اصفهان حاکم شود. مارلینگ به گری توصیه کرد که در شرایط موجود بهتر است تا بازگشت ظل‌السلطان مدتی به تعویق افتد تا خان‌های بختیاری بلافاصله پس از سرخوردگی بابت ازدست‌دادن فرمانداری اصفهان، با چالش دیگری مواجه نشوند. در همین دوران بود که اکبر میرزا به سمت وزارت خارجه منصوب شد (No.133, 3MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p138). با حضور نیروهای روسیه در اصفهان و اکبر میرزا در مقام وزیر خارجه، پیشنهاد غیربختیاری بودن حاکم جدید اصفهان، چندان غیرمنطقی به نظر نمی‌رسید. گری پیشنهاد داد که با بختیاری‌ها پیمانی بسته شود مبنی بر اینکه در صورت حمایت آن‌ها از ظل‌السلطان در بیرون‌راندن آلمان‌ها از فارس، ظل‌السلطان تنها به حکومت شیراز منصوب می‌شود و حکومت اصفهان برای بختیاری‌ها باقی می‌ماند (No.117, 10MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p128). مارلینگ چندان با این پیشنهاد موافق نبود؛ چراکه معتقد بود اکبر میرزا و دوستان او نسبتاً قدرتمند شده‌اند و با انتصاب بختیاری‌ها در اصفهان مخالفت خواهند کرد. از طرف دیگر، روسیه مایل بود تا ظل‌السلطان در اصفهان حکومت کند؛ چراکه رفتن او به شیراز به معنای حکومت فردی بختیاری در اصفهان بود و روسیه با این قضیه کنار نمی‌آمد (No.156, 14MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p112).

گری تعلل در بازگرداندن ظل‌السلطان به ایران را بیش از این جایز نمی‌دانست و خطاب به بوکانن نوشت که با وزیر خارجه روسیه در این باره صحبت کند و نظر او را جویا شود (No.609, 17MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p114). روسیه با این پیشنهاد مخالفتی نداشت و با وعده حمایت از ظل‌السلطان موافقت کرد (No.391, 18MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p110). در مارس ۱۹۱۶/ جمادی‌الاول ۱۳۳۴، بهرام میرزا به لندن رفت و با گری ملاقات کرد. گری به مارلینگ اطلاع داد که بهرام میرزا در آن زمان در راه «نیس» است تا با پدر خود درباره بازگشت به ایران مذاکره کند (No.140, 24MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p106). چهار روز بعد، تلگرافی از سوی گری به دست مارلینگ رسید مبنی بر اینکه کشتی حامل بهرام میرزا غرق شده است<sup>۱</sup> (No.146, 28MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p98). این موضوع، بریتانیا را نگران کرد که به دلیل ضایعه پیش‌آمده،

۱. این کشتی در تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۱۶م/۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ق، توسط نیروهای آلمان در دریای مانس مورد اصابت اژدر قرار گرفت و غرق شد (سپهر، ۱۳۴۲، ص ۳۴۴). به نقل از ابلاغیه سفارت روسیه مورخ ۲۹ مارس ۱۹۱۶م/۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ق.



ظل السلطان آمادگی خود را برای سفر به ایران از دست بدهد؛ بنابراین به لرد برتی<sup>۱</sup>، سفیر بریتانیا در فرانسه، مأموریت داد تا درباره این امر پرس و جو کند (No.768, 31MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p96). برخلاف نگرانی بریتانیا، سوگ فرزند باعث نشده بود تا ظل السلطان برنامه بازگشتش را لغو کند و قصد داشت از مسیر اتریش به ایران بازگردد (No.205, 3APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p86).

ولی گری با مسیر اتریش موافق نبود و به مارلینگ پاسخ داد که به صلاح ظل السلطان نیست که از این مسیر سفر کند و باید از روسیه عبور کند (No.157, 4APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p88). باید در نظر داشت که در آن زمان، هنوز آتش جنگ شعله‌ور بود و این طبیعی بود که بریتانیا در زمینه عبور یکی از مهره‌های کلیدی‌اش از سرزمین دشمن نگران باشد. هم‌زمان، نامه لرد برتی نیز از فرانسه رسید که در آن، ظل السلطان را به شدت متأثر از مرگ فرزندش توصیف می‌کرد (No.395, 4APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p90). برای تقبل منصب فرمانداری اصفهان نیز آمادگی داشت (No.417, 9APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p60).

#### ۱۴. آخرین قول و قرارها برای بازگشت ظل السلطان

قبل از خروج ظل السلطان از فرانسه، مارلینگ گزارش داد که دوستان شاهزاده در ایران در تلاش هستند تا مقدمات انتصاب او به حکومت فارس و اصفهان، هر دو را فراهم کنند؛ ولی دو وزیر مختار معتقد بودند که یک نفر نمی‌تواند به‌طور هم‌زمان در دو منطقه تحت نفوذ دو دولت متفاوت حکمرانی کند؛ بنابراین مارلینگ پیشنهاد داد به ظل السلطان اطلاع داده شود که اهدافی که دوستان او در سر دارند امکان‌پذیر نخواهد بود (No.283, 29APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p24).

گری پیشنهاد داد تا در زمان ملاقات با ظل السلطان در لندن، به او گوشزد شود که فرمانداری هم‌زمان در اصفهان و فارس، از سوی بریتانیا پذیرفته نیست (No.W.81337/16, 2MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p20). بر اساس اسناد بررسی شده، ظل السلطان در تاریخ ۵ می ۱۹۱۶ ق/ ۲ رجب ۱۳۳۴ ق، در لندن با گری ملاقات می‌کند (No.W.86957/16, 6MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p582). او پس از این ملاقات، آماده می‌شود تا انگلستان را ترک کند. مقصد بعدی‌ای که بریتانیا برای او در نظر گرفته بود «نروژ» بود (No.1600, 8MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p590). وزیر خارجه نروژ پیشنهاد داد تا کشتی بزرگی را در نزدیکی یکی از جزایر مجاور

1. Francis Bertie



«بندر برگن» به استقبال ظل السلطان بفرستد (No.1615, 9MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p592).

ظل السلطان سرانجام در روز ۱۳ می ۱۹۱۶ ق / ۱۰ رجب ۱۳۳۴ ق سواحل بریتانیا را ترک کرد (No.91433, 13MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p544)؛ ولی قبل از عزیمت، تقاضای دریافت ده تا بیست هزار تومان پول نقد برای پرداخت به افرادش در اصفهان و هم‌چنین پانصد تا هزار نفر نیرو و مهمات را مطرح کرد (No.1008, 14MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, pp 564-566). دولت روسیه بلافاصله با درخواست ظل السلطان برای دریافت پول نقد و نیرو موافقت کرد (No.700, 14MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p568).

براساس اسناد موجود، در زمان حضور ظل السلطان در لندن، ضمانت‌نامه‌ای که بریتانیا و روسیه از جان، مال و آبروی او حمایت خواهند کرد، در اختیار او قرار گرفت. متن این ضمانت‌نامه بدین قرار بود: «اگر جان شما در معرض خطر باشد و یا اقدامی علیه آبروی شما صورت گیرد، دولت اعلیٰ حضرت آماده است تا با همکاری دولت روسیه - تا زمانی که شما به شاه ایران وفادار باشید و تاجایی که برای آن‌ها مقدور باشد - از جان، خانواده و اموال شما حمایت نماید» (No.971, 9MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p598).

هم‌چنین در لندن به ظل السلطان گوشزد شد که هدف اصلی از بازگرداندن او، تضمین برقراری نظم و قانون در مناطق جنوبی ایران است و هیچ اقدام انتقام‌جویانه‌ای از سوی او، به‌ویژه علیه بختیاری‌ها، از سوی دولتین پذیرفته نیست. ظل السلطان در پاسخ گفت که هیچ خصوصی با بختیاری‌ها ندارد؛ البته از بریتانیا می‌خواهد که به‌طور متقابل به خان‌های بختیاری نیز هشدار داده شود (No.W.91972/16, 15MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, pp 558-560). براین اساس، منافع بریتانیا در ایران، هم‌چنان به روابط دوستانه این دولت با بختیاری‌ها وابسته بود. درعین حال، مصلحت این دولت ایجاب می‌کرد که حاکمی قدرتمند و درعین حال وابسته به بریتانیا در اصفهان و یا فارس منصوب شود.

## ۱۵. روابط ظل السلطان و بریتانیا پس از بازگشت به ایران

هم‌زمان با سفر ظل السلطان به ایران، از تهران خبر رسید که احمدشاه از بازگشت ظل السلطان ناخشنود است و اگر سفارتین او را منصرف نکنند از بازگشتش به ایران ممانعت می‌کند. وزیرمختار روسیه ابراز نگرانی کرد که در صورت تشکیل ارتش مسلح توسط ظل السلطان، عصبانیت شاه افزایش خواهد یافت (No.776, 26MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p510-512).



مارلینگ در تبیین دلایل نارضایتی شاه از بازگشت ظل السلطان گزارش می‌دهد که مخالفان متفقین در دربار، و هم‌چنین رقیبان ظل السلطان از جمله کامران میرزا این‌طور به شاه تلقین کرده‌اند که دولتین در تلاش‌اند تا ظل السلطان را به سلطنت برسانند.<sup>۱</sup> این درحالی بود که پیش‌ازین، ظل السلطان به‌طور رسمی به‌عنوان فرماندار جدید اصفهان و جانشین سردار اشجع بختیاری معرفی شده بود (IOR/L/MIL/17/15/51, p271)؛ ولی به‌گزارش پرسی کاکس، خان‌های بختیاری از او خواسته بودند تا به وزیرمختار بریتانیا یادآوری کند که از نظر آن‌ها حکومت یکی از افراد خانواده ظل السلطان در اصفهان، پذیرفتنی نیست و او باید از نفوذ خود برای انتصاب فردی بی‌طرف در اصفهان استفاده کند (No.2476, 26MAY1916, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, p329).

به‌باور دیپلمات‌های بریتانیا، بختیاری‌ها تا زمانی به آن‌ها وفادار می‌ماندند که بدانند بریتانیا بین آن‌ها و روسیه یا دیگر دشمنان آن‌ها ایستاده است؛ بنابراین اگر آگاه می‌شدند که بریتانیا قصد دارد نیروهایی را به‌کمک روسیه بفرستد تا ظل السلطان را به منصب فرمانداری برسانند، به دشمنی با بریتانیا برمی‌خاستند. همین دلیل باعث شد تا بریتانیا در ارسال نیرو تردید داشته باشد (IOR/L/MIL/17/15/28, p235).

ظل السلطان در اواخر ماه می ۱۹۱۶م / رجب ۱۳۳۴ق به پتروگراد رسید (No.317, 9JUL1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p488)؛ ولی مذاکرات ظل السلطان در پتروگراد، گلیه مارلینگ را برانگیخت؛ چراکه او در لندن اظهار داشته بود که خصومت گذشته خود با بختیاری‌ها را فراموش کرده‌است و قصد دارد این بار رفتاری دوستانه با آن‌ها داشته باشد. درحالی‌که بوکانن از پتروگراد خبر داد که ظل السلطان طی مذاکرات خود در روسیه، اظهار کرده‌است که هم‌چنان احساسات ضدبختیاری خود را حفظ کرده‌است. مارلینگ در نامه خود به بوکانن، ابراز نگرانی کرد که شاید این تضاد در صحبت‌های ظل السلطان، از روابط صمیمانه‌تر او با روسیه نسبت به بریتانیا ناشی باشد (20JUN1916, IOR/L/PS/10/299, p554).

سرانجام پس از سال‌ها کشمکش و بلا تکلیفی، ظل السلطان از روسیه راهی ایران شد و روز ۹ ژوئیه ۱۹۱۶م / ۸ رمضان ۱۳۳۴ق وارد تهران شد (No.441, 11JUL1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p482).

در اواخر ماه ژوئیه ۱۹۱۶م / رمضان ۱۳۳۴ق، به حاکمان کاشان، محلات، اصفهان، یزد، گلپایگان، خوانسار و کمره ارسال کرد، حکومت ولایات مذکور به تصمیم شاه و تصویب هیئت دولت، به ظل السلطان واگذار شده بود (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۳۶۱).

طبق گزارش مارلینگ، روسیه قرار بود دو‌یست نیرو در اختیار ظل السلطان قرار دهد؛ دولت ایران نیز تعدادی مشابه تدارک ببیند و خود او هم می‌توانست حدوداً چهارصد نفر گرد

۱. در ادامه متن به نامه چارلز مارلینگ خطاب به ادوارد گری مورخ ۲۶ اوت مراجعه کنید.



خود جمع کند (No.453, 12JUL1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p478). ولی بریتانیا هم چنان نگران نارضایتی بختیاری‌ها و برهم خوردن روابط دوستانه آن‌ها با بریتانیا بود؛ چراکه به خوبی می‌دانست بختیاری‌ها تا زمانی با بریتانیا همکاری می‌کنند که مانع از تسلط روسیه یا دشمنانشان از جمله ظل‌السلطان بر آن‌ها شود (مابری، ۱۳۶۹، ص ۲۵۴).

در اوت ۱۹۱۶/ شوال ۱۳۳۴ نیروهای عثمانی مجدداً وارد خاک ایران شدند و بار دیگر متفقین را با شرایطی دشوار روبه‌رو ساختند (باست، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶)؛ اتباع متفقین نیز به ناچار اصفهان و تهران را ترک کردند (مابری، ۱۳۶۹، ص ۲۶۰). در این زمان، شرایط متفقین در ایران بسیار شکننده شد. از یک طرف، با شکست روسیه از عثمانی در کرمانشاه، نیروهای روس عقب‌نشینی کرده بودند و از طرف دیگر آلمان‌ها تبلیغات و نفوذ خود را در بین بختیاری‌ها در ابعاد گسترده‌ای از سر گرفته بودند. مارلینگ در این شرایط نگران این موضوع بود که ارسال نیروی پشتیبان به غرب ایران برای حمایت از روس‌ها در برابر عثمانی، این تصور را برای بختیاری‌ها به وجود آورد که بریتانیا این نیروها را برای کمک به روسیه در انتصاب ظل‌السلطان اعزام کرده است و این تصور، در روابط بریتانیا با بختیاری‌ها اختلال ایجاد کند (مابری، ۱۳۶۹، ص ۲۵۵).

به گزارش مارلینگ، دشمنان بریتانیا و روسیه در کابینه، حمایت دو دولت از ظل‌السلطان را دستاویز قرار داده بودند و شاه را مجاب کرده بودند که ظل‌السلطان با کمک سفارتین قصد دارد به ایران بیاید و تاج و تخت را از چنگ او برآید (No.105, 26AUG1916, IOR/L/). مارلینگ هم چنین بیان می‌دارد که تحریکات آلمان‌ها در میان بختیاری‌ها نیز به این موضوع دامن زده بود و باعث شده بود بریتانیا و روسیه مسبب اصلی حضور دوباره ظل‌السلطان در ایران شناخته شوند و خشم خان‌های بختیاری برانگیخته شود. در شرایط موجود بازگشت ظل‌السلطان به عنوان فرماندار اصفهان، از نظر خان‌های بختیاری تهدیدی محسوب می‌شد (No.105, 26AUG1916, IOR/L/PS/10/584, File 475/1916, p92). گویی بخت هنوز با ظل‌السلطان یار نبود و اکنون که تا چند قدمی فرمانداری اصفهان رسیده بود بار دیگر اوضاع دگرگون شد و او را از آرزویش دور کرد. سرانجام با وجود ناامنی‌ها و شورش‌ها در اصفهان، دولت ایران پیشنهاد داد تا ظل‌السلطان از منصب فرمانداری و حتی از عزیمت به اصفهان انصراف دهد. مارلینگ نیز با این پیشنهاد موافق بود و استدلال می‌آورد که در وضعیت موجود، ظل‌السلطان قادر نیست اقدامی در جهت منافع بریتانیا انجام دهد و بازگشت او به اصفهان، تنها روابط بریتانیا را با خان‌های بختیاری دچار مشکل خواهد کرد. روسیه با منتفی شدن عزیمت ظل‌السلطان به اصفهان موافق نبود؛ ولی در شرایط موجود معتقد بود که این





عزیمت می‌تواند برای مدتی به تعویق بیفتد (No.576, 2SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p438). گری نیز اعلام کرد که در صورت انصراف ظل‌السلطان از منصب فرمانداری اصفهان، بریتانیا اعتراضی نخواهد داشت (No.410, 3SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p440).

موضوع مخالفت بختیاری‌ها به مرور جدی‌تر شد. دولت ایران تصمیم گرفت موقتاً فرماندار دیگری را به جای ظل‌السلطان در اصفهان منصوب کند. البته روسیه با این تصمیم مخالفت می‌کرد؛ چراکه پس از شورش‌های اخیر در اصفهان، روسیه بختیاری‌ها را دشمن خود محسوب می‌کرد (No.606, 12SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, pp 432-434). سرانجام در جمادی‌الاول ۱۳۳۴/مارس ۱۹۱۶، نیروهای روسیه وارد اصفهان شدند و محمود میرزا، فرزند ظل‌السلطان، به حکومت اصفهان منصوب شد (Walcher, 2008, p357)؛ ولی فرمان‌های حکومتی از مقرر نظامی روسیه در باغ هشت‌بهشت صادر می‌شد (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۳۰۳).

با بحرانی‌تر شدن اوضاع، نگرانی‌های بریتانیا نیز افزایش یافت. به عقیده مارلینگ، با بروز دشمنی بین بختیاری‌ها و بریتانیا، راه برای دسیسه‌چینی‌های بی‌پایان روسیه در میان این قوم باز می‌شد (No.611, 15SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p424). به عقیده دیپلمات‌های دفتر هندوستان نیز بزرگ‌ترین تهدید برای بریتانیا در اصفهان، به نیروهای آلمان، بختیاری و ترک معطوف می‌شد و در صورت غلبه این نیروها بر بریتانیا، نه تنها وجهه این دولت در خاورمیانه خدشه‌دار می‌شد، بلکه امنیت میدان‌های نفتی در جنوب ایران نیز به مخاطره می‌افتاد (IOR/L/MIL/17/15/28, p245).

مارلینگ ابراز نگرانی کرد که کنسول روسیه و فرمانده قوای روس، تاحدزیادی طبق توصیه‌های فرماندار اصفهان عمل می‌کنند و به آتش دشمنی با بختیاری‌ها بیشتر دامن می‌زنند (No.625, 20SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p416). فرماندار اصفهان در این زمان، فرزند ظل‌السلطان بود که ظاهراً دست‌نشانده روسیه بود و در جهت منافع این دولت پیش می‌رفت (رجایی، ۱۳۸۵، ص ۹۸). براساس گزارش بوکانن، وزیر مختار روسیه معتقد بود که یافتن فردی مناسب برای فرمانداری اصفهان بسیار مشکل است و اعمال هرگونه تغییری در ترکیب قدرت در این شهر، اشتباهی بزرگ خواهد بود (No.1469, 20SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p418). به نظر می‌رسد فرماندار وقت اصفهان، مطابق میل روسیه عمل می‌کرده و این دولت به تعویض او در این زمان تمایلی نداشته است.

ولی نگرانی‌های بریتانیا بی‌دلیل نبود؛ چراکه در ماه سپتامبر ۱۹۱۶ م / ذی‌قعدة ۱۳۳۴ ق تعداد زیادی از بختیاری‌ها در اصفهان به حامیان آلمان پیوستند (مابرلی، ۱۳۶۹، ص ۲۶۴).

۱. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.576, 2SEP1916, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, p283.  
۲. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.606, 12SEP1916, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, p253.  
۳. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.611, 15SEP1916, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, p223.



بختیاری‌های مدافع آلمان، سرانجام در همین ماه با هدف حمله به اصفهان، به سمت این شهر حرکت کردند؛ ولی در حدفاصل نجف‌آباد و تیران، از نیروهای روسیه شکست خوردند و عده‌ای از آن‌ها کشته شدند و عده‌ای دیگر هم متواری شدند (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۳۹۸).

## ۱۶. حضور دوباره ظل‌السلطان در اصفهان

در ۱۲ اکتبر ۱۹۱۶م/ ۴ ذی‌حجه ۱۳۳۴ق، خبری غیرقابل انتظار از تهران به لندن رسید؛ مبنی بر اینکه ظل‌السلطان تهران را به مقصد اصفهان ترک کرده است (No.654, 2OCT1916, IOR/L/). در پی این اقدام، چند تن از خان‌های بختیاری به مارلینگ مراجعه کردند و نگرانی خود را از حضور ظل‌السلطان در اصفهان به او انتقال دادند. مارلینگ پس از این دیدار، در تلگراف خود به گری، پیش‌بینی کرد که در صورت وقوع درگیری در اصفهان، ظل‌السلطان از قوای روسیه کمک خواهد خواست. او برای پیشگیری از این واقعه، به صمصام‌السلطنه هشدار داد که ظل‌السلطان و اطرافیانش نباید تهران را برخلاف موافقت بریتانیا ترک کنند (No.668, 10OCT1916, IOR/L/PS/10/293). تلگراف کاپتان نوئل نیز حاکی از این بود که در صورت حضور ظل‌السلطان در اصفهان، کشمکش این دولت با روسیه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (No.5297, 16OCT1916, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, p622).

برخلاف مخالفت‌های بریتانیا، ظل‌السلطان در ۱۸ اکتبر ۱۹۱۶م/ ۲۰ ذی‌حجه ۱۳۳۴ق با همراهی یک گروهان قزاق وارد اصفهان شد (IOR/L/PS/10/827, File 2297/1919, p318). همراهی گروهان قزاق با ظل‌السلطان نشان داد که حرکت او به سمت اصفهان، با پشتیبانی روسیه انجام شده است. تمرّد ظل‌السلطان از خواست بختیاری‌ها و حضور او در اصفهان، از سوی خان‌های این طایفه بدون پاسخ نمی‌ماند. آن‌ها در اولین اقدام، به تعدادی از روستاهای تحت تملک ظل‌السلطان یورش بردند و آن‌ها را غارت کردند (5APR1917, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, p241).

در میان مکاتبات انجام‌شده بین تهران و لندن، به ناگاه تلگرافی حامل خبری تکان‌دهنده از تهران مخابره شد. در این تلگراف به تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۱۸م/ ۲۴ رمضان ۱۳۳۶ق، مارلینگ خبر درگذشت ظل‌السلطان در اوایل صبح همان روز را به اطلاع گری رساند (No.598, 3JUL1918, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p346).

بریتانیا تا این زمان تلاش داشت از مهره‌ای که از سیاست داخلی ایران کنار گذاشته شده بود، در جهت حفاظت از منافع خود بیشترین بهره‌برداری را بکند. این دولت به امید بازگرداندن این مهره به موقعیت پیشین خود به عنوان حاکمی مقتدر و وفادار در مناطق

۱. محتوای این سند، خطاب به دفتر امور هندوستان نیز ارسال شده است که در مرجع زیر قابل مطالعه است:  
No.5222, 11OCT1916, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, p600.



جنوبی ایران، هرآنچه از دستش برمی‌آمد انجام داد. بریتانیا در پس این اقدامات، تنها یک هدف را دنبال می‌کرد: صیانت از منافع تجاری و سیاسی‌اش در ایران. با فوت ظل‌السلطان اما، همه آن برنامه‌ها و نقشه‌ها بی‌اثر شده بود؛ بدون آنکه بریتانیا بتواند از سال‌ها تلاش و برنامه‌ریزی خود در این زمینه کمترین بهره‌ای ببرد.

بنابراین، حضور مجدد ظل‌السلطان در اصفهان، نه تنها منصب فرمانداری را برای او به‌ارمغان نیاورد، بلکه باعث شد بار دیگر شاهد غارت اموال خود باشد و ضرر و زیان مالی متحمل شود. بنابراین براساس اسناد بررسی‌شده در مقاله حاضر، ظل‌السلطان هرگز موفق نشد بعد از ورود به ایران بر مسند حکومت اصفهان بنشیند. هایدی والش نیز در فهرستی که براساس اسناد وزارت خارجه بریتانیا از فرمانداران اصفهان ارائه می‌دهد، نامی از ظل‌السلطان در این دوره به‌میان نمی‌آورد (Walcher, 2008, pp 356-357).

## ۱۷. نتیجه

در این پژوهش و بر مبنای اسناد وزارت خارجه بریتانیا نقش این دولت در حیات سیاسی ظل‌السلطان طی سال‌های اقامت او در اروپا بررسی و تبیین شد. مطالعات انجام‌شده، از موافقت‌ها و مخالفت‌های پی‌درپی بریتانیا با بازگشت ظل‌السلطان به ایران حاکی بود. از جمله دلایل موافقت بریتانیا با این امر، امید این دولت به حمایت ظل‌السلطان از منافع بریتانیا در مقام فرمانداری مقتدر در فارس یا اصفهان، جلوگیری از نفوذ روزافزون آلمان در جنوب ایران، و نیز مقابله با اقدامات سلطه‌جویانه روسیه در این مناطق بود. ولی دلایل مخالفت بریتانیا، به‌شدت به تحولات سیاسی در ایران وابسته بود. در این میان، مخالفت شدید خان‌های بختیاری با بازگشت ظل‌السلطان را می‌توان عمده‌ترین دلیل حمایت‌نکردن بریتانیا از حمایت آن‌ها از منافع این دولت، برای سیاست‌مداران انگلیسی با ارزش‌تر از آن بود که به هر قیمتی آن را به‌مخاطره اندازند. بر این اساس، بریتانیا به‌همراه روسیه، در راستای صیانت از منافع سیاسی و تجاری‌اش در ایران، سرنوشت ظل‌السلطان را در سال‌های تبعید او رقم زد و بازگشتش را به ایران تا سال ۱۹۱۸م/۱۳۳۶ق به‌تعویق انداخت.



منبع

۱. اسناد

۱.۱. اسناد منتشر نشده (مجلدات حاوی اسناد):

*Conventions and Correspondence Regarding Russia and Persia*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/20/260, in QDL.

*Foreign Dept Memoranda of Information: Affairs in Persia and Arabian Shore of the Persian Gulf*. BL: IOR&PP, IOR/R/15/5/9, File No.II/12, in QDL.

Gazetteer of Persia, Part III, Including *Fārs, Lūristān, Arabistān, Khūzistān, Yazd, Karmānshāh, Ardalān, Kurdistan*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/1, in QDL.

*German War: Persia; General Situation - 1916*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/493, File 3516/1914-Pt 18, in QDL.

*German War: Persia; General; Question of Alliance*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/491, File 3516/1914-Pt 16, in QDL.

*History of the Great War based on Official Documents: Operations in Persia 1914-1919*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/28, in QDL.

*Memorandum of Information Received During the Month of August 1909, Relating to Affairs in Persia, and on the Arabian Shore of the Persian Gulf*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/25, in QDL.

*Persia*. BL: India Office Records and Private Papers, IOR/L/PS/10/197, File 6/1912 Parts 1-2, in QDL.

*Persia: Bakhtiari Affairs*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, in QDL.

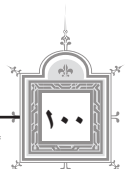
*Persia: Financial Situation, Loans*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/10, P.3.2410/1903, in QDL.

*Persia: Policy- 1916: The Proposed Treaty of Alliance*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/584, File 475/1916, in QDL.

*Persia: Policy Anglo-Russian Relations*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914-Pt 1, in QDL.

*Persia: Situation in the South; Condition of the Roads. Attack on Mr Bill. Road Guard Scheme*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/163, File 948/1909, in QDL.

*Persia: Travel in South; Conditions on the Bushire-Shiraz Road; Russian Commercial Competition in South Persia*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/299, File 352/1912, in QDL.



- Persia: Zil-es-Sultan and his Son, Akbar Mirza. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, in QDL.
- Persia: Zil-es-Sultan.** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, in QDL.
- Persia; Military Operations 1916; Sir P. Sykes' Mission.** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/579/2, File 160/1916-Pt 2, in QDL.
- Persian Correspondence (1916-17).** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, in QDL.
- Persian Gulf Residency Monthly Reports. 1912-20.** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/827, File 2297/1919, in QDL.
- Persia-Policy: British Interests in the South. Russian Policy.** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/451/1, File 1187/1914-Pt 2, in QDL.
- Who's Who in Mesopotamia, General Staff, India.** BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/51, in QDL.

## ۲.۱. اسناد منتشر شده

- کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران. (جلدهای ۳، ۵). (۱۳۶۲). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نو.
- کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران. (جلدهای ۳، ۴). (ج ۲). (۱۳۶۳). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نو.
- کتاب نارنجی: گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران. (ج ۲). (۱۳۶۶). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نور.
- کتاب نارنجی: گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران. (ج ۱). (ج ۲). (۱۳۶۷). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نور.
- معاصر، حسن. (۱۳۵۳). تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان. (ج ۲). تهران: ابن سینا.

## ۲- کتاب

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن صنیع الدوله. (۱۳۵۰). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. (ج ۲). (ایچ افشار، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.
- اُوزُن بختیاری، ابوالفتح. (۱۳۴۶). تاریخ بختیاری. (ج ۲). تهران: بهار.



- باست، الیور. (۱۳۷۷). *آلمانی‌ها در ایران: نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول براساس منابع دیپلماتیک فرانسه*. (سیدحسین بنی‌احمد، مترجم). تهران: شیرازه.
- بامداد، مهدی. (۱۳۴۷). *شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. (ج ۴). تهران: زوار.
- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۲۹). *انقلاب ایران*. (احمد پژوه، مترجم و حاشیه‌نویس). تهران: کانون معرفت.
- تیموری، ابراهیم. (۱۳۳۲). *عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*. تهران: اقبال و شرکا.
- دانشور علوی (مجاهدالسلطان)، نورالله. (۱۳۳۵). *تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری*. (حسین سعادت نوری، حاشیه‌نویس). تهران: آژان.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۶۲). *حیات یحیی*. (ج ۳). (ج ۴). تهران: عطار.
- رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۸۵). *تاریخ مشروطیت اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- سایکس، پرسی. (۱۳۳۶). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس، یا، ده هزار میل در ایران*. (ج ۲). (حسین سعادت نوری، مترجم). تهران: ابن سینا.
- سپهر، مورخ الدوله. (۱۳۳۲). *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*. (ج ۲). تهران: ادیب.
- سرداراسعد، علی قلی خان؛ لسان‌السلطنه سپهر، عبدالحسین. (۱۳۷۶). *تاریخ بختیاری: خلاصه الاعصار فی تاریخ البختیار* (جمشید کیان‌فر، کوشش‌گر). تهران: اساطیر.
- سردارظفر. (۱۳۶۲). *یادداشت‌ها و خاطرات سردارظفر بختیاری*. تهران: یساولی (فرهنگ‌سرا).
- سردارمریم. (۱۳۸۲). *خاطرات سردارمریم بختیاری (از کودکی تا آغاز انقلاب مشروطه)*. (غلام‌عباس نوروزی بختیاری، ویراستار). تهران: آژان.
- سعادت نوری، حسین. (۱۳۴۷). *ظل السلطان*. تهران: وحید.
- سیاح، حمید. (۲۵۳۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. (ج ۲). (سیف‌الله گلکان، مصحح). تهران: امیرکبیر.
- ظل السلطان، مسعودمیرزا. (۱۳۳۸). *خاطرات ظل السلطان*. (ج ۱ و ج ۲). (حسین خدیوچم، کوشش‌گر). تهران: اساطیر.
- عکاشه، اسکندرخان؛ ضیغم‌الدوله بختیاری. (۱۳۳۵). *تاریخ ایل بختیاری*. تهران: فرهنگ‌سرا.
- فووریه، ژوانس. (۱۳۳۶). *سه سال در دربار ایران: از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ قمری*. (عباس اقبال آشتیانی، مترجم؛ همایون شهیدی، کوشش‌گر). تهران: دنیای کتاب.
- کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱). (ج ۴). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام. (۱۳۷۷). *تاریخ بیلاری ایرانیان*. (ج ۲). (ج ۵). تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد. (۱۳۵۳). *تاریخ مشروطه ایران*. (ج ۱). (ج ۶). تهران: امیرکبیر.
- گارتویت، جن راف. (۱۳۷۳). *تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری (با استفاده از اسناد منتشرنشده وزارت خارجه انگلیس)*. (مهراب امیری، مترجم و حاشیه‌نویس). تهران: سهند.

مابریلی، جیمز فردریک. (۱۳۶۹). *عملیات در ایران: جنگ جهانی اول ۱۹۱۹-۱۹۱۴*. (کاوه بیات، مترجم). تهران: خدمات فرهنگی رسا.

ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۷۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. (ج ۶). تهران: سخن.

میرزائی دره‌شوری، غلام‌رضا. (۱۳۷۳). *بختیاری‌ها و قاجاریه*. شهرکرد: ایل.

### ۳- مقاله

ابطحی، سیدرسول؛ جعفری علی‌اکبر؛ نورائی، مرتضی. (۱۳۹۶). «مداخلات خارجی در اصفهان و پیامدهای اجتماعی آن در جنگ جهانی اول». *تاریخ ایران*، دوره ۱۰، ش ۳، صص ۱۰۳-۱۲۸.

جلالی، نادر. (۱۳۸۵). «سلطان بی تاج و تخت و انقلاب مشروطه». *نامه انجمن*، ش ۲۲، صص ۶۹-۹۲.

خدیری‌زاده، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). «پیامد سیاست انگلستان بر انقلاب مشروطه ایران پس از قرارداد ۱۹۰۷». *پژوهش‌نامه تاریخ*، ش ۱۳، صص ۳۱-۴۶.

دهقان نیری، لقمان. (۱۳۸۰). «انجمن مقدس ملی اصفهان» و حکومت ظل‌السلطان در مشروطه اول.

فصل‌نامه *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره ۳۶ و ۲۷، صص ۳۹-۵۴.

رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۸۴). «سرگذشت ظل‌السلطان پس از مشروطیت». *مطالعات تاریخی*، ش ۱۰، صص ۶۸-۹۱.

فولادی، داراب. (۱۳۹۳). «بررسی مقایسه‌ای نقش روسیه و انگلستان در دو جنبش اجتماعی معاصر ایران: جنبش تنباکو و جنبش مشروطیت». *علوم سیاسی*، ش ۳۰، صص ۳۵-۵۱.

کاردان، مهدی. (۱۳۸۴). «ظل‌السلطان و انقلاب مشروطیت». *حافظ*، ش ۱۷، صص ۲۵-۲۸.

### ۴- منابع لاتین

Garthwaite, Gene R. (1972). "The Bakhtiari Khans, the Government of Iran, and the British, 1846-1915". *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 3, No.1, pp 24-44.

Garthwaite, Gene R. (2009). *Khans and Shahs: A History of the Bakhtiari Tribe in Iran*. Cambridge: Cambridge University Press, Third Ed

Walcher, Heidi A. (2008). *In the shadow of the king: Zill al-Sultan and Isfahan under the Qajars*. London & New York: I.B. Tauris in association with the Iran Heritage Foundation.



## English Translation of References

### Unpublished documents (volumes containing documents)

*Conventions and Correspondence Regarding Russia and Persia*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/20/260, in QDL.

*Foreign Dept Memoranda of Information: Affairs in Persia and Arabian Shore of the Persian Gulf*. BL: IOR&PP, IOR/R/15/5/9, File No.II/12, in QDL.

*Gazetteer of Persia, Part III, Including Fārs, Lūristān, Arabištān, Khūzistān, Yazd, Karmānshāh, Ardalān, Kurdistān*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/1, in QDL.

*German War: Persia; General Situation - 1916*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/493, File 3516/1914-Pt 18, in QDL.

*German War: Persia; General; Question of Alliance*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/491, File 3516/1914-Pt 16, in QDL.

*History of the Great War based on Official Documents: Operations in Persia 1914-1919*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/28, in QDL.

*Memorandum of Information Received During the Month of August 1909, Relating to Affairs in Persia, and on the Arabian Shore of the Persian Gulf*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/25, in QDL.

*Persia*. BL: India Office Records and Private Papers, IOR/L/PS/10/197, File 6/1912 Parts 1-2, in QDL.

*Persia: Bakhtiari Affairs*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, in QDL.

*Persia: Financial Situation, Loans*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/10, P.3.2410/1903, in QDL.

*Persia: Policy- 1916: The Proposed Treaty of Alliance*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/584, File 475/1916, in QDL.

*Persia: Policy Anglo-Russian Relations*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914-Pt 1, in QDL.

*Persia: Situation in the South; Condition of the Roads. Attack on Mr Bill Road Guard Scheme*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/163, File 948/1909, in QDL.

*Persia: Travel in South; Conditions on the Bushire-Shiraz Road; Russian Commercial Competition in South Persia*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/299, File 352/1912, in QDL.

*Persia: Zil-es-Sultan and his Son, Akbar Mirza*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, in QDL.





- Persia: Zil-es-Sultan*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, in QDL.
- Persia; Military Operations 1916; Sir P. Sykes' Mission*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/579/2, File 160/1916-Pt 2, in QDL.
- Persian Correspondence (1916-17)*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, in QDL.
- Persian Gulf Residency Monthly Reports. 1912-20*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/827, File 2297/1919, in QDL.
- Persia-Policy: British Interests in the South. Russian Policy*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/451/1, File 1187/1914-Pt 2, in QDL.
- Who's Who in Mesopotamia, General Staff, India*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/51, in QDL.

#### Published documents

- "Ketāb-e ābi: Gozāreš-hā-ye mahramāne-ye Vezārat-e Xāreje-ye Engelis darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān"* (The blue book: Secret reports of the British Foreign Ministry on the Iranian Constitutional Revolution) (vols. 3 & 5). (1362/1983). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: No. [Persian]
- "Ketāb-e ābi: Gozāreš-hā-ye mahramāne-ye Vezārat-e Xāreje-ye Engelis darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān"* (The blue book: Secret reports of the British Foreign Ministry on the Iranian Constitutional Revolution) (vols. 3 & 4) (2<sup>nd</sup> ed.). (1363/1984). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: No. [Persian]
- "Ketāb-e nārenji: Gozāreš-hā-ye siāsi-ye Vezārat-e Xāreje-ye Rusiye-ye Tezāri darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān"* (The orange book: Political reports of the Ministry of Foreign Affairs of Tsarist Russia about the Iranian Constitutional Revolution) (vol. 2). (1366/1987). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: Nur. [Persian]
- "Ketāb-e nārenji: Gozāreš-hā-ye siāsi-ye Vezārat-e Xāreje-ye Rusiye-ye Tezāri darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān"* (The orange book: Political reports of the Ministry of Foreign Affairs of Tsarist Russia about the Iranian Constitutional Revolution) (vol. 1) (2<sup>nd</sup> ed.). (1367/1988). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: Nur. [Persian]



Moaser, Hasan. (1353/1974). *“Tārix-e esteqrār-e mašrutīyat dar Irān, mostaxrejah az ruye asnād-e mahramāne-ye Vezārat-e Xāreje-ye Engeleštān”* (The history of the establishment of constitutionalism in Iran, extracted from the confidential documents of the British Foreign Ministry) (vol. 2). Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]

#### Books

- Akasheh, Eskandar Khan; & Zeygham Al-Dowleh Bakhtiari. (1365/1986). *“Tārix-e il-e Baxtiyāri”* (History of Bakhtiari tribe). Tehran: Farhangsarā. [Persian]
- Bamdad, Mehdi. (1347/1968). *“Šarh-e hāl-e rejāl-e Irān dar qorun-e 12, 13 va 14 Hejri”* (Dictionary of national biography of Iran) (vols. 1, 2, & 4). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Browne, Edward Granville. (1329/1950). *“Enqelāb-e Irān”* (The Persian revolution of 1905-1909). Translated & annotated by Ahmad Pajouh. Tehran: Kānun-e Maʿrefat. [Persian]
- Bust, Olliver. (1377/1998). *“Ālmāni-hā dar Irān: Negāhi be tahavvolāt-e Irān dar jang-e jahāni-ye avval bar asās-e manāneʾ-e diplomātik-e Farānseh”* (Germans in Iran: A look at the development in Iran during the First World War with reference to French diplomatic sources). Translated by Seyyed Hossein Bani Ahmad. Tehran: Širā.zeh. [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1373/1994). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 1) (4<sup>th</sup> ed.). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ʿElmi Farhangi. [Persian]
- Daneshvar Alavi (Mojahed Al-Soltan), Nurollah. (1335/1956). *“Tārix-e mašrute-ye Irān va jonbeš-e vatanparastān-e Esfahān va Baxtiyāri”* (Iran’s constitutional history and Isfahan and Bakhtiari patriot movement). Annotated by Hossein Saadat Nouri. Tehran: Ānzān. [Persian]
- Dolatabadi, Yahya. (1362/1983). *“Hayāt-e Yahyā”* (Yahya’s life) (vol. 3) (4<sup>th</sup> ed.). Tehran: ʿAttār. [Persian]
- Eʿtemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan Sani’ Al-Dowleh. (1350/1971). *“Ruznāme-ye xāterāt-e Eʿtemād-os-Saltaneh”* (Journal of memories of Eʿtemad Al-Saltaneh) (2<sup>nd</sup> ed.). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]



- Feuvrier, Joannes. (1385/2006). "*Se sāl dar darbār-e Irān*" (Trois ana ala cour perse) [Three years at the Persian court]. Translated by Abbas Eghbal Ashtiani. Edited by Homayoun Shahidi. Tehran: Donyā-ye Ketāb. [Persian]
- Garthwaite, Gene Ralph. (1373/1994). "*Tārix-e siyāsi ejtemā'ee-ye Baxtiyāri (bā estefādeh az asnād-e montašer-našode-ye Vezārat-e Xāreje-ye Engelis)*" (The Bakhtiari Khans: Tribal disunity in Iran, 1880 - 1915). Translated & annotated by Mehrab Amiri. Tehran: Sahand. [Persian]
- Garthwaite, Gene R. (2009). *Khans and Shahs: A History of the Bakhtiary Tribe in Iran* (3<sup>rd</sup> ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Kasravi, Ahmad. (1353/1974). "*Tārix-e mašrute-ye Irān*" (History of the Iranian constitutional revolution) (vol. 1) (6<sup>th</sup> ed.). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Kermani, Nazem Al-Eslam. (1377/1998). "*Tārix-e bidāri-ye Irāniyān*" (The history of the awakening of Iranians) (vol. 2) (5<sup>th</sup> ed.). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Malekzadeh, Mahdi. (1373/1994). "*Tārix-e enqelāb-e mašrutiyat-e Irān*" (The history of the constitutional revolution of Iran) (vol. 6). Tehran: Soxan. [Persian]
- Mirzayi Dareshouri, Gholamreza. (1373/1994). "*Baxtiyāri-hā va Qājāriyeh*" (Bakhtiari and Qajar). Šahr-e Kord: Il. [Persian]
- Moberly, Frederick James. (1369/1990). "*Amaliāt dar Irān*" (Operations in Persia, 1914-1919). Translated by Kaveh Bayat. Tehran: Xadamāt-e Farhangi-ye Rasā. [Persian]
- Owjan Bakhtiari, Abolfath. (1346/1967). "*Tārix-e Baxtiyāri*" (History of Bakhtiari) (vol. 2). Tehran: Bahār. [Persian]
- Rajaei, Abdolmahdi. (1385/2006). "*Tārix-e mašrutiyat-e Esfahān*" (Isfahan constitutional history). Esfahān: Sāzmān-e Farhangi Tafrihi-ye Šahrdāri-ye Esfahān (Cultural Recreational Organization of Isfahan Municipality). [Persian]
- Saadat Nouri, Hossein. (1347/1968). "*Zell os-Soltān*" (Zell Al-Sultan). Tehran: Vahid. [Persian]
- Sardar As'ad, Ali Gholi Khan; & Lesan Al-Saltaneh Sepehr, Abd Al-Hossein. (1376/1997). "*Tārix-e Baxtiyāri: Xolāsat-ol-a'sār fi tārix-el-Baxtiyār*" (History of Bakhtiari: Summary of the ages in the history of Bakhtiari). Edited by Jamshid Kianfar. Tehran: Asātir. [Persian]



- Sardar Maryam. (1382/2003). "*Xāterāt-e Sardār Maryam-e Baxtiyāri (Az kudaki tā āqāz-e enqelāb-e mašruteh)*" (Memories of Sardar Maryam Bakhtiari (from childhood to the beginning of the constitutional revolution)). Edited by Gholam Abbas Nowrouzi Bakhtiari. Tehran: Ānzān. [Persian]
- Sardar Zafar. (1362/1983). "*Yāddāšt-hā va xāterāt-e Sardār Zafar-e Baxtiyāri*" (Notes and memories of Sardar Zafar Bakhtiari). Tehran: Yasāvoli (Farhangsarā). [Persian]
- Sayyah, Hamid. (2536/1957). "*Xāterāt-e Hāj Sayyāh yā dowre-ye xowf o vahšāt*" (The travel diaries of haj sayyah 1859-1877). Edited by Seifollah Golkar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): 295/7225; 295/7294; 295/7436; 295/7482; 295/7984; 295/7985; 295/8016; 295/8041; 295/8076; 296/21686; 296/21725; 997/315. [Persian]
- Sepehr, Movarrekh Al-Dowleh. (1362/1983). "*Irān dar jang-e bozorg 1914 – 1918*" (Iran in the Great War of 1914-1918) (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Adib. [Persian]
- Sykes, Percy. (1336/1957). "*Safarnāme-ye Ženerāl Ser Persi Sāyks, yā, dah hezār mil dar Irān*" (Ten thousand miles in Persia) (2<sup>nd</sup> ed.). Translated by Hossein Saadat Nouri. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Teymouri, Ebrahim. (1332/1953). "*Asr-e bi xabari yā tārix-e emtiyāzāt dar Irān*" (The age of ignorance). Tehran: Eqbāl va Šorakā. [Persian]
- Walcher, Heidi A. (2008). In the shadow of the king: Zill al-Sultan and Isfahan under the Qajars. London & New York: I.B. Tauris in association with the Iran Heritage Foundation.
- Zell Al-Sultan, Mas'oud Mirza. (1368/1989). "*Xāterāt-e Zell os-Soltān*" (The memoirs of Zell Al-Sultan). Tehran: Asātir. [Persian]

## Articles

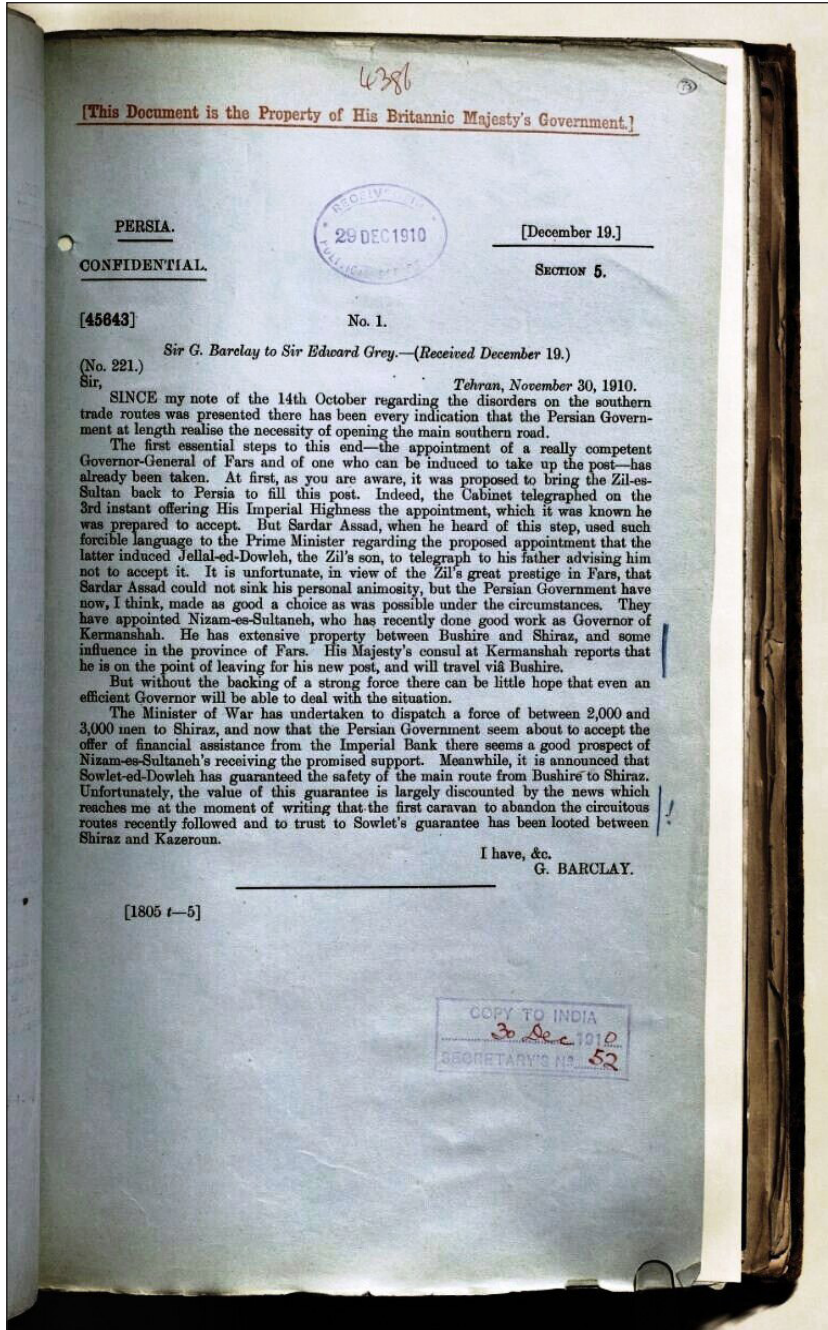
- Abtahi, Seyyed Rasoul; Jafari, Ali Akbar; & Nouraei, Morteza. (1396/2017). "Modāxelāt-e xāreji dar Esfahān va peyāmad-hā-ye ejtemāee-ye ān dar jang-e jahāni-ye avval" (Foreign interventions in Isfahan and its social consequences during World War I (1914 – 1918)). *Tārix-e Irān* (Journal of History of Iran), 10(3), pp. 103 – 128. [Persian]



- Dehghan Nayyeri, Loghman. (1380/2001). “‘Anjoman-e Moqaddas-e Melli-ye Esfahān” va hokumat-e Zell-os-Soltān dar mašrute-ye avval” (Anjoman-e Moqaddas-e Melli Isfahan and the governorship of Zell-o-Soltan during the first session of Mashrootiyat). *Fasl-nāme-ye Dāneškade-ye Adabiyāt va ‘Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Esfahān* (Journal of the Faculty of Letters and Humanities University of Isfahan), 2(26 & 27), pp. 39 – 54. [Persian]
- Fouladi, Darab. (1393/2014). “Barresi-ye moqāyese-ee-ye naqš-e Rusiyeh va Engelestān dar do jonbeš-e eĵtemā’ee-ye mo’āser-e Irān: Jonbeš-e tanbāku va jonbeš-e mašrutiyat” (A comparative study of the role of Russia and England in two contemporary Iranian social movements: The tobacco movement and the constitutionalism movement). *‘Olum-e Siyāsi* (Political Science), 30, 35 – 51. [Persian]
- Garthwaite, Gene R. (1972). “The Bakhtiari Khans, the government of Iran, and the British, 1846-1915”. *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 3, No.1, pp 24-44.
- Jalali, Nadereh. (1385/2006). “Soltān-e bi-tāj-o-taxt va enqelāb-e mašruteh” (Uncrowned Sultan and the Constitutional Revolution). *Name-ye Anjoman*, 22, pp. 69 – 92. [Persian]
- Kardan, Mehdi. (1384/2005). “Zell-os-Soltān va enqelāb-e mašrutiyat” (Zel al-Sultan and the constitutional revolution). *Hāfez*, 17, pp. 25 – 28. [Persian]
- Khedrizadeh, Ali Akbar. (1387/2008). “Peyāmad-e siyāsāt-e Engelestān bar enqelāb-e mašrut-ye Irān pas az qarārdād-e 1907” (The consequences of Eland policy at Constitutional Revolution of Iran after treaty 1907). *Pažuheš-nāme-ye Tārix* (History Research), 13, pp. 31 – 46. [Persian]
- Rajaei, Abdolmahdi. (1384/2006). “Sargozašt-e Zell-os-Soltān pas az mašrutiyat” (The story of Zel al-Sultan after constitutionalism). *Motāle’āt-e Tārixī*, 10, pp. 68 – 91. [Persian]



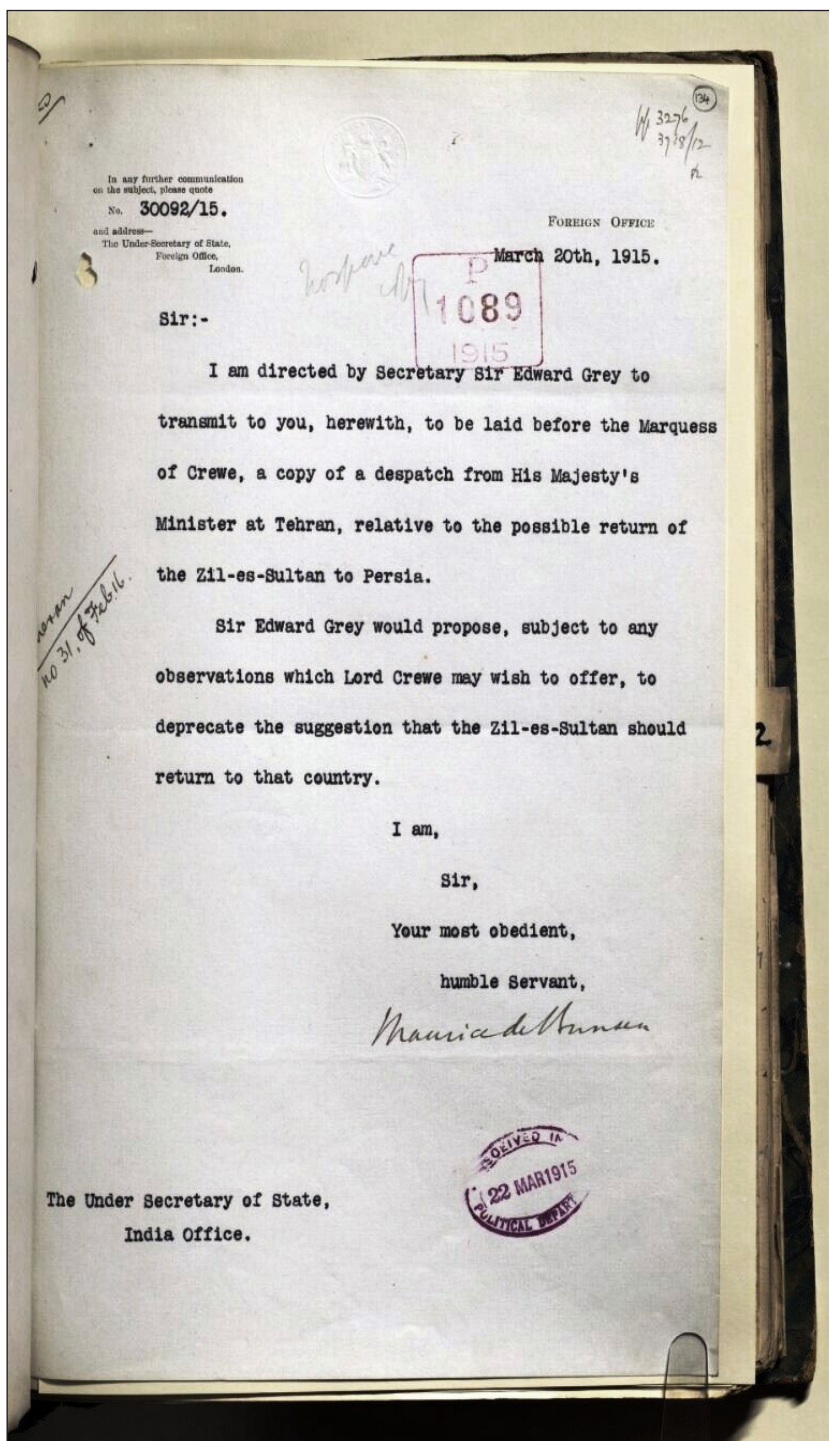
پیوست ۱: چند نمونه از اسناد مورد بررسی



سند ۱

(No.221, 30NOV1910, IOR/L/  
PS/10/163, p148)

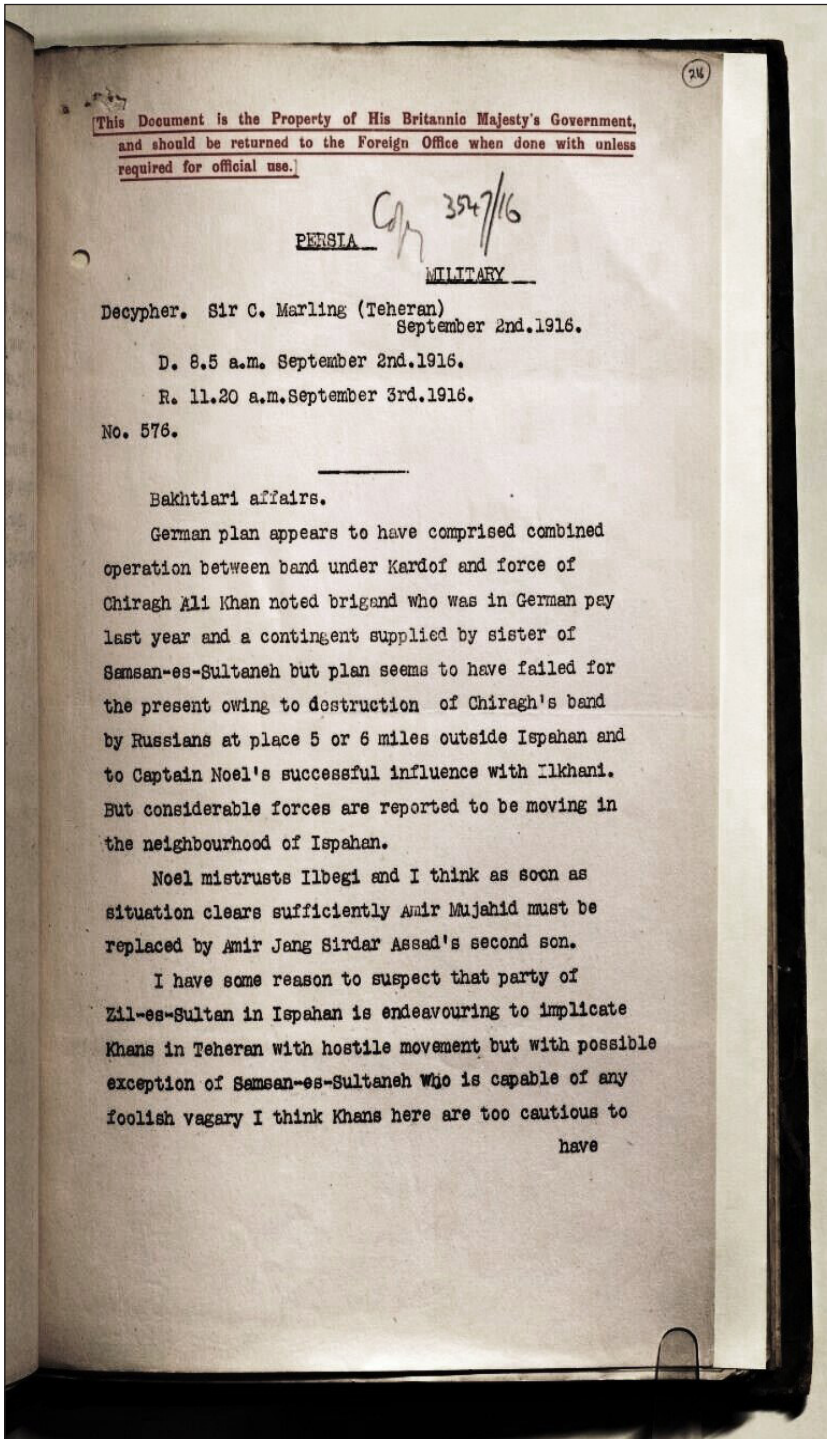




سند ۲

(No.30092/15, 20MAR1915,  
IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-  
Pt 1, p272)



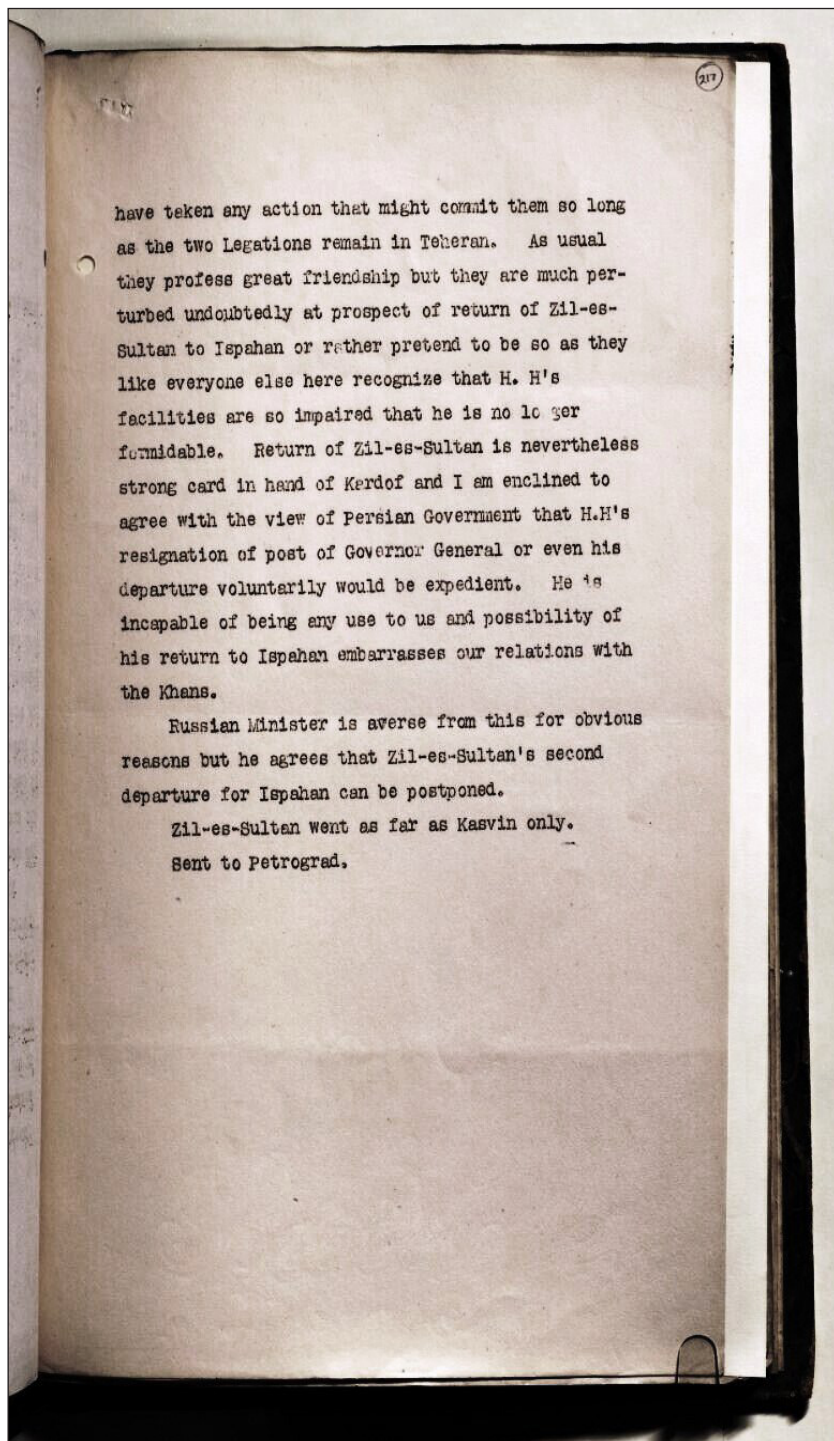


سند ۳

(No.576, 2SEP1916, IOR/L/  
PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2,  
p436)



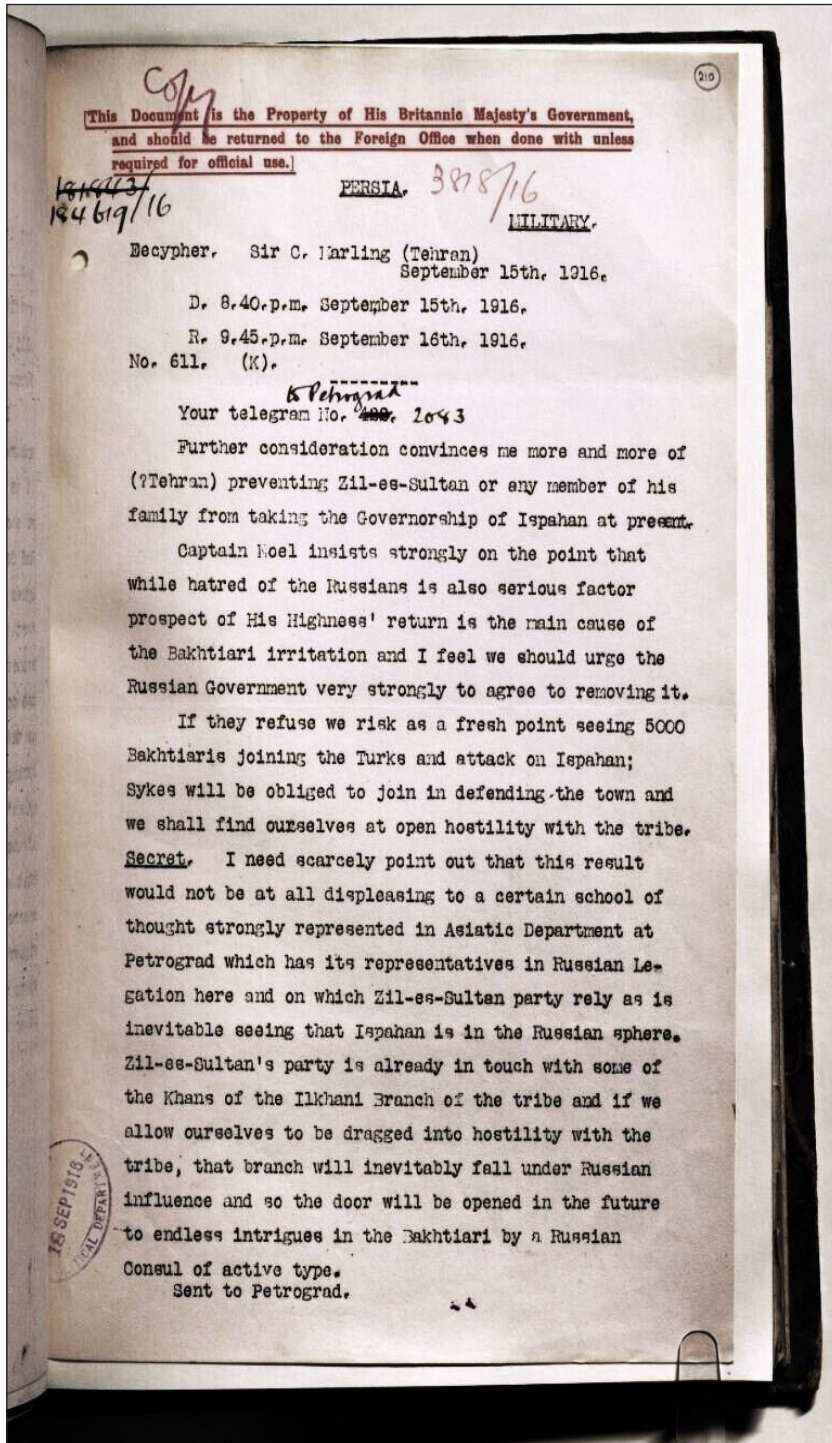




### ادامه سند ۳

(No.576, 2SEP1916, IOR/L/  
PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2,  
p438)





سند ۴

(No.611, 15SEP1916, IOR/L/  
PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2,  
p424)



## پیوست ۲: نحوه ارجاع درون‌متنی به اسناد آرشیوی در این پژوهش

۱) در صورتی که نامه رسمی و همراه با شماره و تاریخ باشد:

(No. 233, 17 AUG, 1914; IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914 Pt 1, p 96)



۲) در صورتی که نامه غیر رسمی و فاقد شماره و تاریخ باشد:

(IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914 Pt 1, p 96)



### پیوست ۲

نحوه ارجاع درون‌متنی به اسناد آرشیوی  
در این پژوهش



# Current Archival Arrangement, Description, and Services in the National Archives of Iran: An Analytical Survey

Reza ShahrabiFarahani<sup>1</sup> | Fahimeh Babalhavaeji<sup>2</sup> | Nadjla Hariri<sup>3</sup>  
Fatemeh Nooshinfard<sup>4</sup>

## Abstract:

**Purpose:** The purpose is to clarify the current status of archival records arrangement and description process and archival services in the National Archives of Iran, and identify the challenges of the sections.

**Method and Research Design:** Both qualitative and analytical survey were used as the research method. The research was accomplished in two stages. In the first stage, five expert archivists of the National Archives of Iran were interviewed and in the second stage, 21 employees of the National Archives of Iran filled out a questionnaire.

**Finding and conclusion:** Based on the respondents' viewpoints, the designed optimal processes in both arrangement and description section and archival services section covered all current processes and no significant differences were found.

**Keywords:** Records Arrangement and Description, Archival Services, Records Digitization, Organization Process, Records Management System.

**Citation:** ShahrabiFarahani, R., Babalhavaeji, F., Hariri, N., & Nooshinfard, F. (2023). A Survey of the current status of Archival Arrangement and Description and archival services in the National Archives of Iran. *Ganjine-ye Asnad*, 33(1), 116-132 | doi: 10.30484/ganj.2023.3052

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student of Information Science and Knowledge, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, I.R. Iran  
Shahrabi@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Information Science and Knowledge, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, I.R. Iran, (Corresponding Author)  
f.babalhavaeji@gmail.com

3. Professor, Department of Knowledge and Information Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
nadjlahariri@gmail.com

4. Associate Professor, Department of Information Science and Knowledge, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, I.R. Iran  
f.nooshinfard@gmail.com

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«129»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3052

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.1, Spring 2023 | pp: 116 - 132 (17) | Received: 8, Dec. 2021 | Accepted: 9, Feb. 2022

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

# بررسی وضعیت فعلی تنظیم و توصیف اسناد و عرضه خدمات آرشیوی در آرشیو ملی ایران

رضا شهرابی فراهانی<sup>۱</sup> | فهیمه باب‌الحوائجی<sup>۲</sup> | نجلا حریری | فاطمه نوشین فرد<sup>۳</sup>

## چکیده:

**هدف:** تبیین وضعیت فعلی گردش کار در بخش تنظیم و توصیف اسناد و عرضه خدمات آرشیوی به مراجعان در معاونت آرشیو ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و بررسی چالش‌های موجود در این حوزه‌ها.

**روش/ رویکرد پژوهش:** روش پژوهش به صورت ترکیبی شامل روش کیفی و پیمایش تحلیلی است. پرسش از متخصصان آرشیو ملی برای آگاهی از شرایط فعلی و مدل‌سازی از گردش کار مطلوب و تهیه پرسش‌نامه و پرسش از آرشیویست‌ها با هدف بررسی میزان انطباق فرایندهای تدوین‌شده با شرایط فعلی در حوزه‌های کاری مدنظر در آرشیو ملی ایران انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** براساس پاسخ‌های دریافت‌شده، به دلیل شرایط مطلوب طراحی‌شده در بخش‌های تنظیم و توصیف اسناد، و رقمی‌سازی و عرضه خدمات آرشیوی اسناد، راه‌اندازی زیرساخت نرم‌افزاری جامع مدیریت اسناد که براساس فرایندهای مطلوب عملیاتی بشود، به‌طورکامل وضعیت موجود را پوشش خواهد داد.

**کلیدواژه‌ها:** تنظیم و توصیف اسناد؛ خدمات آرشیوی؛ دیجیتال‌سازی اسناد؛ فرایندهای سازمانی؛ سیستم مدیریت اسناد.

**استناد:** شهرابی، رضا، باب‌الحوائجی، فهیمه، حریری، نجلا و نوشین فرد، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی وضعیت فعلی تنظیم و توصیف اسناد و عرضه خدمات آرشیوی در آرشیو ملی ایران. *گنجینه اسناد*، ۱۳۳(۱)، ۱۱۶-۱۳۲ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۰۵۲

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
Shahrabi@gmail.com
۲. دانشیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران،  
(نویسنده‌مسئول)  
f.babalhavaeji@gmail.com
۳. استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
nadjlahariri@gmail.com
۴. دانشیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
f.nooshinfard@gmail.com



## گنجینه اسناد

۱۲۹

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا(الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳,۳۰۵۲

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۲ | صص: ۱۱۶ - ۱۳۲ (۱۷)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تحقیقات آرشیوی

## ۱. موضوع پژوهش

آرشیوها، کتابخانه‌ها و موزه‌ها سه نهاد مهم میراث فرهنگی هر کشور محسوب می‌شوند. نقش چنین مؤسساتی شناسایی، گردآوری، حفاظت، توصیف و در دسترس قرار دادن تولیدات فکری و هنری دوران گذشته و حال، برای بهره‌مندی نسل‌های کنونی و آتی است (عادلی اسفنجانی، ۱۳۸۹). فلسفه وجودی آرشیوها، کتابخانه‌ها و موزه‌ها گردآوری، نگهداری و تفسیر اسناد مرتبط با افکار، گفتار و فعالیت‌های بشری است. هریک از این مؤسسات مجموعه‌هایی با اشکال گوناگون دارند که با اصول مدیریتی متفاوت اداره می‌شود. از آنجاکه آرشیویست‌ها، کتابداران و موزه‌داران فعالیت‌های بیانگر مسئولیت مشترکشان در زمینه‌های اجتماعی، مدیریتی، امانتی و حقوقی را به اشتراک می‌گذارند، مستندسازی منشأ، و تفسیر و توصیف ویژگی‌های منابع گردآوری شده ضرورت دارد (عادلی و امیرخانی، ۱۳۸۷).

در کشور ایران، وظیفه گردآوری و نگهداری اسناد دولتی برعهده آرشیو ملی ایران است. اهم وظایف آرشیو ملی ایران - که ذیل معاونت اسناد ملی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی انجام می‌شود - عبارت‌اند از:

شناسایی و گردآوری اسناد با ارزش دولتی و انتقال آن‌ها به آرشیو ملی ایران؛  
تنظیم، توصیف و سازمان‌دهی اسناد گردآوری شده در آرشیو ملی؛  
فراهم کردن دسترسی مناسب به اسناد موجود در مخازن آرشیو ملی برای عموم جامعه؛

تدوین مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی در زمینه شناسایی، ارزش‌یابی، راکدسازی، تنظیم و پردازش، حفظ و نگهداری و اطلاع‌رسانی برای اسناد نوشتاری و غیرنوشتاری؛

خرید اسناد نوشتاری و غیرنوشتاری غیردولتی با ارزش؛  
دریافت اسناد اهدایی با ارزش از اشخاص حقیقی.

در حال حاضر در آرشیو ملی ایران سیستم نرم‌افزاری جامع و یکپارچه‌ای برای مدیریت گردش سند در بخش‌های مختلف این آرشیو وجود ندارد و در برخی از بخش‌های آرشیو ملی، برای سامان‌دهی برخی از امور از سیستم نرم‌افزار کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. برای مدیریت جامع اسناد لازم است تا سامانه‌ای یکپارچه طراحی شود تا تمامی فرایندهای کاری آرشیو ملی را پوشش دهد. به همین منظور لازم است تا فرایند بخش‌های مختلف آرشیو ملی بررسی شود و وضعیت موجود آن‌ها شناسایی شود، چالش‌های آن‌ها تعیین شود و در ادامه فرایندهای ایده‌آل لازم برای پیاده‌سازی در داخل سیستم مدیریت جامع



اسناد، طراحی شود. آرشیو ملی ایران در راستای انجام وظایف سازمانی خود ۲ بخش مهم به نام «تنظیم و توصیف اسناد» و «عرضه خدمات آرشیوی به کاربران» دارد که وظایف این ۲ بخش هرکدام ذیل مدیریت‌های مجزا انجام می‌شوند.

موضوع این پژوهش بررسی وضعیت فعلی فرایندهای تنظیم و توصیف اسناد و عرضه خدمات آرشیوی به کاربران، شناسایی چالش‌های آن و طراحی فرایندهای مطلوبی است که باید در داخل سیستم مدیریت اسناد در آرشیو ملی پیاده‌سازی شوند. از آنجاکه سامانه جامعی برای مدیریت اسناد در آرشیو ملی وجود ندارد و از طرفی در طراحی سیستم مدیریت اسناد، طراحی فرایندهای سازمانی و به‌روزر کردن آن‌ها از مقدمات ضروری این موضوع است، بنابراین اهمیت موضوع پژوهش حاضر - که در واقع یکی از پیش‌نیازهای راه‌اندازی سیستم جامع مدیریت اسناد است - مشخص می‌شود.

## ۲. روش پژوهش

این پژوهش با روش ترکیبی (ترکیب روش کیفی و پیمایش تحلیلی) انجام شده است. جامعه پژوهش در بخش نخست شامل ۵ نفر از خبرگان و متخصصان حاضر در آرشیو ملی بودند که به صورت هدفمند و با معیارهای مشخص انتخاب شدند و در بخش بعدی شامل ۲۱ نفر از شاغلان حوزه آرشیو ملی بودند که به صورت سرشمار انتخاب شدند. در فاز اول پژوهش با ۵ نفر از نخبگان آرشیو ملی مصاحبه شد. این نخبگان همگی از مدیران فعلی یا قدیم آرشیو ملی در بخش‌های مختلف آن هستند که دارای سابقه کار بیشتر از ۲۰ سال در آرشیو ملی هستند و به روند کار در آرشیو ملی کاملاً مسلط هستند. اطلاعات لازم در زمینه فرایندهای جاری آرشیو ملی از ایشان کسب شد و وضعیت فعلی فرایندهای سازمانی آرشیو ملی در بخش تنظیم و توصیف اسناد و بخش عرضه خدمات آرشیوی بررسی شد. در حین مصاحبه علاوه بر شناسایی وضع موجود، چالش‌های وضع فعلی نیز مشخص شد.

در ادامه، فرایندهای وضعیت ایدئال براساس متدولوژی‌های تحلیل و طراحی فرایند مدیریت سازمانی، آماده شدند. این فرایندها با رویکرد پیاده‌سازی سامانه جامعی مدیریت اسناد و دیدگاه سیستم‌محور به فعالیت‌های آرشیو ملی طراحی شدند.

داده‌های مورد استفاده برای طراحی این فرایندها، اطلاعات کسب شده در مصاحبه با نخبگان آرشیو ملی و نیز مستند RFP<sup>۱</sup> نرم‌افزار جامع آرشیو ملی است که آن را کارشناسان و متخصصان حوزه فناوری اطلاعات در سازمان اسناد و کتابخانه ملی نوشته‌اند.

در مرحله بعد، این فرایندها در قالب پرسش‌نامه، از ۲۱ نفر از کارشناسان و متخصصان

آرشیو ملی، نظرخواهی شدند و از آنان پرسش شد که این فرایندهای وضعیت ایدئال (مربوط به فرایندهای سازمانی که با کمک سامانه مدیریت اسناد پیاده سازی می شوند) تا چه میزان با شرایط فعلی گردش کار در بخش شناسایی و ارزش یابی اسناد در آرشیو ملی مطابقت دارد.

### ۳. پیشینه پژوهش

باتوجه به بررسی های انجام شده مشخص شد که پژوهش هایی در زمینه بررسی فعالیت های آرشیو ملی ایران انجام شده است؛ ولی هیچ کدام از این پژوهش ها در قالب نگاهی جامع و کلان و از دید مدیریت فرایندهای سازمانی محقق نشده اند.

باغستانی در پژوهشی در سال ۱۳۸۹، به بررسی وضعیت تنظیم و توصیف اسناد در آرشیو ملی ایران و میزان کارایی آن در بازیابی اطلاعات پرداخته است. در این پژوهش که به صورت ترکیبی مصاحبه و طراحی سیاهه و ارسی انجام شده است، به شیوه های رایج برای تنظیم و توصیف اسناد اشاره شده است. البته در این پژوهش به نحوه سازمان دهی اسناد بیشتر پرداخته شده است و به فرایندهای جاری در بخش های مربوطه و نیز طراحی سیستم برای این موضوع اشاره نشده است.

در پژوهش دیگری مهدی نسب در سال ۱۳۹۲ به بررسی وضعیت فرایند ارزش یابی اسناد آموزشی منتقل شده به آرشیو ملی ایران پرداخته است. در این پژوهش ابتدا نحوه بررسی اسناد آموزشی وزارت علوم که به آرشیو ملی منتقل شده اند و میزان مؤثر بودن و مفید بودن آنها طبق معیارهای شاخص آموزشی طراحی شده با همکاری آرشیو ملی و مدیریت های زیرمجموعه وزارت علوم مشخص شده است و سپس فرایند مذکور که از بایگانی های وزارت علوم آغاز می شود و به مخازن آرشیو ملی منتهی می شود به طور کامل ذکر شده است.

صمیعی در پژوهشی در سال ۱۳۹۰ وضعیت موجود در فرایند حفاظت رقمی در آرشیو ملی کشورها را از طریق شناسایی راهبردها و شیوه های نگهداری منابع رقمی، استانداردهای مورد نیاز آن و فرمت های قابل قبول برای حفاظت منابع رقمی بررسی کرده است. در این پژوهش مشخص شد که «رسانه های مغناطیسی برخط»<sup>۱</sup> و «تیپ لایبراری ها»<sup>۲</sup>، به دلیل کیفیت و ساختار سخت افزاری از بهترین ابزارهای نگهداری و حفاظت از داده های رقمی در آرشیو ملی هستند. همچنین «استاندارد متس»<sup>۳</sup> و «الگوی مرجع باز ا.ی. آی. اس»<sup>۴</sup> مناسب ترین استانداردها برای سازمان دهی و نگهداری داده های رقمی در آرشیو ملی هستند. به همین دلیل راهبرد تهیه نسخه پشتیبان با هدف مدیریت

1. On-line
2. Tape Library
3. Mets
4. OAIS Reference Model





داده‌های رقمی آرشیو ملی و استفاده از استانداردهای مذکور، امنیت نگهداری و حفاظت از اطلاعات رقمی شده در آرشیو ملی را تأمین می‌کند.

در سال ۱۳۹۳، حسن‌پور و شاه‌بهرامی در پژوهشی با هدف مدیریت بهتر منابع آرشیوی، به راه‌اندازی آرشیو ابری با کمک ابزارهای نوین، فناوری‌های روز و زیرساخت‌های سخت‌افزاری جدید اشاره کرده‌اند. به دلیل حجم زیاد اطلاعات تولیدشده در آرشیوها و هزینه‌های زیاد توسعه و نگهداری تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای مدیریت اسناد در آرشیوها و حفاظت منابع، رویکردهای اشتراکی همانند زیرساخت‌های ابری برای مدیریت حجم زیادی از محتواهای موجود در آرشیوها جوابگو است و نداشتن زیرساخت‌های سخت‌افزاری اختصاصی، به مدیریت آرشیو در این مراکز لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

#### ۴. تنظیم و توصیف اسناد

میلر در کتاب «تنظیم و توصیف اسناد آرشیوی و نسخ خطی»<sup>۱</sup>، تنظیم اسناد را این‌گونه تعریف می‌کند: تنظیم آرشیوی فرایند سازمان‌دهی و مدیریت اسناد تاریخی است که اولاً به شناسایی و جمع‌آوری اسناد ایجادشده با منشأ مشترک و دارای ویژگی‌ها و ساختار مشترک می‌پردازد و ثانیاً به شناسایی روابط بین این اسناد و منشأ آن‌ها می‌پردازد (میلر، ۱۹۹۰).

درواقع در تنظیم اسناد ۲ موضوع مهم حاصل می‌شود: ۱- دسته‌های اسناد در قالب مجموعه‌سند، نظم درونی معناداری پیدا می‌کنند. ۲- این مجموعه‌ها با نظم و ترتیب خاصی در مخزن قرار می‌گیرند (باغستانی، ۱۳۸۹). هدف اصلی تنظیم اسناد، کاهش بی‌نظمی و ایجاد نظم در حجم انبوهی از اسناد مجموعه اسناد آرشیو است.

به‌طور معمول برای سازمان‌دهی مجموعه‌های آرشیوی، ۵ سطح تنظیم با رویکرد سلسله‌مراتبی از کل به جزء تعریف می‌شود: سطح مخزن؛ سطح مجموعه (Fond)؛ سطح ردیف (Series)؛ سطح پرونده (File)؛ سطح برگ (Item).

بعد از تنظیم اسناد، فرایند بعدی، توصیف اسناد است. این فرایند شامل ثبت استاندارد اطلاعات سطح تنظیم، و محتوا و شکل اسناد است؛ به طوری که افراد پژوهش‌گر بتوانند درباره ارتباط اسناد به موضوع تحقیق خود تصمیم‌گیری کنند. بدون توصیف مناسب و دقیق، مجموعه‌های منظم اسناد هم قابل استفاده نخواهند بود (باغستانی، ۱۳۸۹).

توصیف اسناد آرشیوی مشتمل بر دو بخش توصیفی و تحلیلی است. قسمت توصیفی، ثبت اطلاعات عناصری نظیر منشأ سند، تاریخ و دوره سند، سطح توصیف، حجم و تعداد صفحات، زبان و خط سند است و می‌تواند براساس استانداردهای بین‌المللی توصیف

1. "Arranging and describing archives and Manuscripts"

2. Miller



آرشیوی (ISAD) انجام شود. قسمت تحلیلی نیز مطالعه، تحلیل و انتخاب توصیفگرهای اسامی، موضوعات و مکان‌های جغرافیایی است که به پژوهشگر در بازیابی موضوع سند کمک می‌کند (باغستانی و خسروی، ۱۳۹۵).

## ۵. عرضه خدمات آرشیوی

اصولاً تمامی فرایندهای موجود در آرشیو ملی از زمان گردآوری و ارزش‌یابی اسناد تا زمان فهرست‌نویسی و سازمان‌دهی و انتقال به مخازن آرشیوی با هدف فراهم کردن دسترسی محققان و پژوهشگران به اسناد انجام می‌شود.

عرضه هرگونه خدمت به کاربران و مراجعان آرشیو ملی با کمک اسناد آرشیوی، خدمات آرشیوی نامیده می‌شود. نمونه‌هایی از عرضه خدمات آرشیوی در آرشیو ملی عبارت‌اند از: تحویل اصل سند به مراجعه‌کنندگان برای مطالعه در تالارهای آرشیو ملی؛ تهیه نسخه دیجیتال از اصل سند و دادن آن به کاربران؛ عرضه خدمات «از آرشیویست بپرسید» برای یافتن اسناد موردنیاز پژوهشگران در میان بانک اطلاعاتی اسناد؛ گفت‌وگوهای آنلاین و عرضه خدمات مرجع مجازی از طریق وب به پرسشگران حوزه اسناد؛ برگزاری نمایشگاه‌های حضوری و مجازی با هدف معرفی اسناد موجود در آرشیو ملی مرتبط با مناسبت‌های تاریخی.

## ۶. مدیریت فرایندهای سازمانی

فرایند سازمانی عبارت است از مجموعه‌فعالیت‌های مرتبط یا تأثیرگذاری که ورودی بخشی از سازمان را به خروجی آن بخش مرتبط می‌کند (رضایی و دیگران، ۱۳۸۸).

مدیریت فرایندهای سازمانی با هدف بهینه‌کردن فرایندهای سازمانی انجام می‌شود. مدیریت فرایند سازمانی (Business Process Management = BPM)، شامل متدها، تکنیک‌ها و ابزارهایی است که برای پشتیبانی از طراحی، اجرا، مدیریت و تحلیل فرایندهای کاری سازمان به کار می‌روند. می‌توان گفت که مدیریت فرایند، مجموعه‌ای است از رویکردهای مدیریتی و فناوری مدرن که به‌نحوی ساختاریافته، منسجم و هماهنگ برای درک و مستندسازی، مدل‌سازی، تحلیل و بهبود مستمر فرایندهای سازمانی استفاده می‌شود (رمضانی و رهبری، ۱۳۹۷).

مدیریت فرایند ادغامی از دانش و تحقیق در همگرایی و اتصال بین مدیریت و فناوری اطلاعات است و شامل ابزارها و تکنیک‌هایی است که با کمک نیروی انسانی و منابع سازمانی برای کنترل و طراحی بهینه فرایندهای سازمانی به کار می‌رود.



## ۷. سیستم‌های مدیریت اطلاعات

صباغی نژاد و حیدری (۱۳۹۴) در مقاله خود و در یکی از تعاریف مدیریت اطلاعات بیان کرده‌اند که مدیریت اطلاعات فرایندی است که کسب اطمینان از شناسایی و دریافت ارزش اطلاعات را دربر می‌گیرد و بیانگر ابزارهایی است که به وسیله آن، سازمان به صورت کارآمد، اطلاعات خود را برنامه‌ریزی، گردآوری، سازمان‌دهی، و استفاده می‌کند و اشاعه می‌دهد. در این تعریف ارزشمند بودن اطلاعات مهم است و در واقع به این نکته اشاره شده است که باید با فیلتر کردن اطلاعات، اطلاعات بی‌ارزش از اطلاعات ارزشمند پالایش شوند.

برای پیاده‌سازی فرایند کامل مدیریت اطلاعات در سازمان، طراحی سیستم جامع مدیریت اطلاعات الزامی است تا تمامی فرایندهای مذکور را از نقاط ورودی تا انتهای پوشش دهد. توسعه سیستم‌های مدیریت اطلاعات - به عنوان ضرورت عصر اطلاعات - چالش‌های فراوانی را پیش‌روی سازمان‌ها قرار داده است. اصولاً هدف از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی افزایش کارایی در رسیدن به اهداف کسب و کار است.

## ۸. سامانه مدیریت اسناد

مدیریت اسناد در واقع تمام فعالیت‌های کنترل روش‌مند از زمان تولید اسناد، بهره‌برداری، نگهداری، راکدسازی و امحاء یا انتقال آن‌ها به آرشیو ملی، و فهرست و توصیف اسناد و عرضه آن‌ها به مخاطبان و محققان را شامل می‌شود.

سیستم‌های مدیریت اسناد با هدف پشتیبانی از تمام فرایندهای گردش سند طراحی می‌شوند. در واقع این سیستم‌ها تمام فرایندهای مدیریت اسناد مذکور را به صورت سیستمی و در قالب سامانه‌ای جامع و یکپارچه پیاده‌سازی می‌کنند. این سامانه‌ها در جهت مدیریت بهتر اسناد، بهینه کردن بودجه، امنیت بیشتر، بازدهی بیشتر و یکپارچگی فعالیت‌ها عمل می‌کنند (محمود و اوکوموس، ۲۰۱۷).

همان‌طور که در بخش سیستم‌های مدیریت اطلاعات ذکر شد، برای طراحی و پیاده‌سازی سامانه‌های مدیریت اسناد در سازمان، بازنگری در فرایندهای آن مجموعه لازم است. بر همین اساس پیاده‌سازی سامانه جامع مدیریت اسناد در آرشیو ملی نیز نیازمند بررسی فرایندهای موجود و بازنگری و طراحی فرایندهای جدید است.

## ۹. یافته‌های پژوهش

طبق مصاحبه انجام شده با نخبگان آرشیو ملی، فرایندهای تنظیم و توصیف اسناد و عرضه خدمات آرشیوی به صورت زیر است. لازم به ذکر است که ابتدا وضعیت موجود این



فرایندها در آرشیو ملی بررسی شد؛ چالش‌های آن‌ها شناسایی شد و طبق نظرات این کارشناسان فرایندهای جدید طراحی شد و مورد ارزیابی کارشناسان آرشیو ملی قرار گرفت.

## ۹.۱. فرایند تنظیم و توصیف اسناد

### ۹.۱.۱. وضعیت موجود

هر سند موجود در آرشیو ملی به فهرست‌نویسی و توصیف نیاز دارد تا امکان بازیابی اطلاعات آن برای کاربران وجود داشته باشد. هرچقدر میزان توصیف دقیق‌تر و عمیق‌تر باشد، بازیابی اطلاعات سند راحت‌تر خواهد بود.

بر اساس استانداردهای موجود در آرشیو ملی، اسناد در سطوح مختلفی توصیف می‌شوند. در سیستم سنتی برای توصیف هر سند، کاربرد گاه‌ای وجود دارد که اطلاعات توصیفی سند مانند عنوان سند، منشأ سند، موضوعات تخصیص داده شده به سند، تعداد برگ هر سند، تاریخ سند و سایر اطلاعات دیگر در آن وارد می‌شود. در حال حاضر در بخش تنظیم و توصیف اسناد در آرشیو ملی، از سامانه رسا برای سازمان‌دهی اسناد و ورود اطلاعات کاربرگه اسناد استفاده می‌شود. کارشناسان این بخش با مطالعه اسناد، آن‌ها را در این سامانه توصیف می‌کنند. تخصیص کلیدواژه به اسناد و استفاده از اصطلاح‌نامه‌های موضوعی در این سامانه از اقدامات در حال انجام است.

اسناد وارده شده به بخش تنظیم و توصیف اسناد در آرشیو ملی، از مخازن آرشیوی، اسناد خریداری شده و اسناد اهدایی است. در واقع با توجه به حجم زیاد اسناد وارد شده، این اسناد پس از دریافت از سازمان‌های دولتی و گذراندن دوره مربوطه در بایگانی راکد و سپس انتقال به مخازن آرشیوی و توصیف در سطح Series، برای تنظیم و توصیف دقیق‌تر، به تدریج و بر اساس اولویت به واحد تنظیم و توصیف اسناد منتقل می‌شوند.

لازم به ذکر است که در حال حاضر فرایند کاری واحد تنظیم و توصیف اسناد در آرشیو ملی ایران، به‌طور کامل در سامانه رسا انجام می‌شود و همه فرایندهای کاری لازم در جهت فهرست اسناد در این نرم‌افزار وجود دارد و اطلاعات تمام اسناد آرشیوی در این سامانه قابل بازیابی است.

### ۹.۱.۲. چالش‌های وضع موجود

در حال حاضر اطلاعات ورودی و خروجی اسناد از مخازن آرشیوی به واحد تنظیم و توصیف شامل مبدأ و مقصد، زمان ارسال و دریافت، مشخصات تحویل‌گیرنده و تحویل‌دهنده و اسناد منتقل شده به دلیل تعریف نشدن work-flow مربوط در سامانه رسا، در



سیستم ثبت نمی‌شود و امکان پیگیری و کنترل الکترونیکی بر روی چرخه گردش اسناد وجود ندارد؛ بنابراین احتمال از بین رفتن یا مفقود شدن اسناد در فرایند انتقال بین مخازن و واحد تنظیم و توصیف وجود دارد.

## ۹.۲. فرایند عرضه خدمات آرشیوی به کاربران

### ۹.۲.۱. وضعیت موجود

واحد خدمات آرشیوی مسئولیت اصلی نگهداری از تمام اسناد خارج شده از واحد شناسایی و فراهم‌آوری اسناد و وارد شده به مخازن اصلی آرشیو ملی را برعهده دارد. مدیریت مخازن اصلی آرشیو ملی و نگهداری از اسناد این مخازن برعهده این بخش است. در صورتی که مدیریت آرشیو ملی برای دسترسی به سند مجوز صادر کرده باشد یا اینکه سند برای دسترسی هیچ‌گونه محدودیتی نداشته باشد، اسناد موجود در مخازن اصلی آرشیو برای مراجعان قابل‌بازبایی و قابل مشاهده هستند.

در حال حاضر فرایند ارسال اسناد به مخازن آرشیو ملی در سامانه رسا انجام می‌شود. اطلاعات مربوط به محل نگهداری اسناد در مخازن آرشیوی، در این سامانه ثبت (جای‌نما) می‌شود و سوابق ورود اسناد به مخازن و خروج اسناد از مخازن در این سامانه نگهداری می‌شود. در واحد خدمات آرشیوی هم‌چنین سرویس‌دهی به مراجعان آرشیو ملی برای مشاهده اسناد و یا عرضه نسخه دیجیتال اسناد به ایشان و اطلاع‌رسانی‌های لازم در زمینه اسناد موجود در آرشیو ملی انجام می‌شود. مراجعان با کمک برنامه رسا و جست‌وجو در اسناد، درخواست‌های خود را به صورت سیستمی به کارشناسان واحد خدمات آرشیو ارسال می‌کنند و پس از آن اسناد مدنظر ایشان برای مطالعه در داخل تالار مراجعان آرشیو ملی به ایشان امانت داده می‌شود. اگر مراجعان به نسخه رقمی اسناد نیاز داشته باشند، درخواست رقمی‌سازی سند را به کارشناس داخل تالار مطالعه می‌دهند و بعد از مدتی برای دریافت فایل به آرشیو ملی مراجعه می‌کنند.

تمام واحدهای دیگر آرشیو ملی هم در صورت نیاز به اسناد آرشیو شده در مخازن، تقاضای دریافت اصل اسناد یا اسکن آن‌ها را به واحد خدمات آرشیوی اعلام می‌کنند. البته برای این فرایند سامانه‌ای وجود ندارد و درخواست‌های بین‌بخشی تحویل گرفتن سند از این واحد در سامانه‌ای ثبت نمی‌شود.

تمام فرایندهای کاری واحد خدمات آرشیوی در زمینه ثبت اطلاعات محل نگهداری اسناد در مخازن آرشیوی و نیز دسترسی‌پذیر کردن آن‌ها برای مراجعان از طریق سامانه رسا انجام می‌شود؛ ولی برای ارسال سند به بخش‌های مختلف آرشیو ملی در هنگام ضرورت،



فرایندی در این سامانه تعریف نشده است و این موارد به صورت دستی ثبت و ضبط می شوند. هم چنین در زمینه کاربرانی که از طریق وب و یا به صورت حضوری درخواست نسخه دیجیتال سند را دارند، نبود فرایندی مکانیزه از زمان درخواست دیجیتال سازی سند تا پرداخت هزینه های لازم و ارسال فایل رقمی سند برای ایشان، کاملاً مشهود است.

### ۹.۲.۲. چالش های وضع موجود

در زمینه اسنادی که نسخه دیجیتال آن ها وجود ندارد، امکان ارسال درخواست از طرف کاربران برای دیجیتال سازی آن ها در داخل سیستم و تحویل الکترونیکی نسخه رقمی منبع به ایشان وجود ندارد (البته برای اسنادی که سطح دسترسی آن ها مشکلی ندارد). ورود و خروج اسناد از مخازن آرشیوی به واحدهایی همانند رقمی سازی یا مرمت و ضد عفونی در سیستمی یکپارچه ثبت نمی شود و امکان مفقود شدن اسناد وجود دارد. در حال حاضر به افراد متقاضی رقمی سازی اطلاع رسانی نمی شود و فرد متقاضی باید تلفنی یا حضوری درخواست خود را پیگیری کند؛ هم چنین در برخی مواقع ممکن است فرایند رقمی سازی و تحویل آن به فرد متقاضی بسیار طولانی شود.

### ۹.۳. یافته های بخش کمی پژوهش

بر اساس شناخت وضعیت موجود و شناسایی چالش های آن، فرایندهای مطلوب در ۲ بخش «تنظیم و توصیف اسناد» و «عرضه خدمات آرشیوی به کاربران» طراحی شدند. سپس از کارشناسان و متخصصان آرشیو ملی در زمینه «میزان انطباق فرایندهای طراحی شده با وضعیت موجود» سؤال شد. جدول شماره ۱ پاسخ کارشناسان آرشیو ملی به سؤال مذکور است.



میلیگین وزنی پاسخها	وزن پاسخها					نوع فرایند و دیاگرام مربوطه
	بسیار کم (۱)	کم (۲)	متوسط (۳)	زیاد (۴)	بسیار زیاد (۵)	
	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	
۳,۶۶	۰	۱	۸	۹	۳	فرایند تنظیم و توصیف اسناد در آرشیو ملی
۳,۷۶	۰	۰	۷	۱۲	۲	فرایند انتقال اسناد به مخازن در آرشیو ملی
۳,۷۱	۰	۰	۸	۱۱	۲	فرایند جست و جو، امانت و درخواست رقمی سازی اسناد از طرف کاربران آرشیو ملی
۴,۱۴	۰	۰	۵	۸	۸	فرایند رقمی سازی اسناد در آرشیو ملی

### جدول ۱

میزان انطباق فرایندهای طراحی شده، با  
وضعیت موجود

به پاسخهای با میزان انطباق بسیار زیاد، وزن ۵؛ به پاسخهای با میزان انطباق زیاد، وزن ۴؛ به پاسخهای با میزان انطباق متوسط، وزن ۳؛ به پاسخهای با میزان انطباق کم، وزن ۲؛ و به پاسخهای با میزان انطباق بسیار کم وزن ۱ داده شد. با چنین وزندهی، میانگین وزنی پاسخها با توجه به فراوانی آنها محاسبه شد که در ستون مربوطه در همان جدول ۱ آمده است.

هم چنین میانگین وزنی مورد انتظار از این فرایندها حد وسط بین میزان انطباق بسیار زیاد (۵) و میزان انطباق متوسط (۳)، یعنی میزان انطباق زیاد (۴) در نظر گرفته می شود. همان طور که مشاهده می شود از ۴ فرایند طراحی شده، میانگین وزنی یک فرایند بالاتر از حد مورد انتظار (۴) است؛ به همین جهت برای این فرایند به آزمون نیازی نبود و نتایج حاصل شده قابل قبول بود؛ ولی برای ۳ فرایندی که میانگین وزنی مشاهده شده آنها از میانگین مورد انتظار کمتر بود (فرایندهای شماره ۱ و ۲ و ۳) باید تست می شد که آیا فاصله معناداری از میانگین مورد انتظار دارند یا خیر که با توجه به آزمون T انجام شده، نتایج زیر حاصل شد.



نوع فرایند	تعداد	میلگین	انحراف استاندارد	مقدار t	میلگین مقایسه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری
فرایند تنظیم و توصیف اسناد در آرشیو ملی	۲۱	۳,۶۷	۰,۱۷۴	۱,۹۱۹	۴	۲۰	۰,۰۶۹
فرایند انتقال اسناد به مخازن در آرشیو ملی	۲۱	۳,۷۶	۰,۱۳۶	۱,۷۴۶	۴	۲۰	۰,۰۹۶
فرایند جست و جو، امانت و درخواست رقیمی سازی اسناد از طرف کاربران آرشیو ملی	۲۱	۳,۷۱	۰,۱۴۰	۲,۰۲۴	۴	۲۰	۰,۰۵۵

## جدول ۲

نتایج آزمون T مربوط به فرایندهای زیر میانگین وزنی

باتوجه به فاصله اطمینان قابل قبول 95% در آزمون T، در واقع سطح معنی داری اگر از ۰,۰۵ کمتر باشد اختلاف معنی داری وجود دارد که باتوجه به ستون سطح معنی داری در جدول شماره ۲، مشخص می شود که هیچ کدام از فرایندها و دیاگرام های طراحی شده با سطح قابل قبول و مورد انتظار، اختلاف معنی داری ندارند و به عبارتی این فرایندهای طراحی شده در صورت راه اندازی سامانه مدیریت سیستم اسناد در آرشیو ملی به طور کامل فرایندهای جاری را پوشش می دهند و مورد تأیید هستند.

درواقع باتوجه به پاسخ متخصصان آرشیو مشخص شد وضعیت مطلوب طراحی شده که در RFP نرم افزار جامع اسناد و مصاحبه متخصصان آرشیو ملی آماده شده است، در صورت راه اندازی سیستم مدیریت اسناد - که براساس همین فرایندها اجرایی می شود - پوشش دهنده وضعیت موجود است و تفاوت معناداری ندارد؛ بنابراین ضمن تأیید فرایندهای مطلوب طراحی شده، پیاده سازی سامانه یکپارچه مدیریت اسناد در این سازمان ضرورت بسیار زیادی دارد.

## ۱۰. نتیجه

برای سازمان دهی، مدیریت و بهبود مستمر فرایندهای هر سازمان، باید مدیریت فرایندها در آن سازمان پیاده سازی شود. در آرشیو ملی ایران، داده و اطلاعات عنصر اصلی کسب و کار سازمان است؛ بنابراین به کارگیری اصول مدیریتی و ابزارهای مناسب در فرایندهای مربوط به چرخه گردش اطلاعات با هدف دسترس پذیر کردن اطلاعات، و مدیریت اطلاعات در این سازمان ضروری است.





به همین دلیل راه اندازی سامانه جامع مدیریت اسناد که با بازنگری در چرخه فرایندهای سازمانی آرشیو ملی، تلاش دارد تا اطلاعات و اسناد وارد شده به این سازمان را مدیریت کند، یکی از اقدامات مهم و اساسی در این مرکز است.

در راستای پیاده سازی سامانه مدیریت اسناد در آرشیو ملی و با توجه به اهمیت واحدهای «تنظیم و توصیف اسناد» و «عرضه خدمات آرشیوی به کاربران» این ۲ بخش مهم آرشیو ملی بررسی شدند. در این پژوهش وضعیت فعلی فرایندهای توصیف اسناد و فرایندهای واحد عرضه خدمات آرشیوی بررسی شد و نیز فرایندهای وضعیت مطلوب آنها با کمک نخبگان آرشیویست تعیین شد و مشخص شد که این فرایندهای مطلوب می توانند در سامانه جامع مدیریت اسناد آرشیو ملی استفاده شوند.

البته موضوع این پژوهش در زمینه فرایندهای تنظیم و توصیف و عرضه خدمات آرشیوی، مربوط به اسناد کاغذی است؛ ولی با توجه به رشد و گسترش مکاتبات الکترونیکی در سازمان های دولتی، لازم است تا در آینده پژوهش های دیگری هم در زمینه بررسی نحوه مدیریت این دسته از اسناد انجام شود.

## منابع فارسی

### کتاب

رضیانی، محمد؛ رهبری، نرگس. (۱۳۹۷). *اصول و مبانی مدیریت فرایند کسب و کار*. تهران: راز نهان.

### مقاله

باغستانی، ساناز؛ خسروی، فریبرز. (۱۳۹۵). «شیوه توصیف اسناد آرشیوی در آرشیو ملی ایران در دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۰». فصل نامه گنجینه اسناد، ۲۶(۲)، شماره ۱۰۲.

حسن پور، مهدی؛ شاه بهرامی، اسدالله. (۱۳۹۳). «آرشیو ابری، خدمتی نو در مدیریت اسناد رقمی». فصل نامه گنجینه اسناد، ۲۴(۳)، شماره ۹۵.

رضایی، کامران؛ تدین، سحر؛ اقدسی، محمد؛ استادی، بختیار. (۱۳۸۸). «عوامل کلیدی موفقیت در پیاده سازی مدیریت فرایند و ارائه چارچوبی برای ارزیابی آمادگی سازمان». نشریه مدیریت صنعتی، دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.

صباغی نژاد، زیور؛ حیدری، غلامرضا. (۱۳۹۴). «پانزده تعریف از مدیریت اطلاعات». مجله مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۷(۲)، شماره ۱۶.

صمیعی، میترا. (۱۳۹۰). «مدیریت حفاظت رقمی در آرشیوهای ملی: راهبردها و استانداردها». فصل نامه گنجینه اسناد، ۲۱(۲)، شماره ۸۲.



عادلی، معصومه؛ امیرخانی، غلامرضا. (۱۳۸۷). «تنظیم و توصیف منابع آرشیوی (با تأکید بر فهرست‌های راهنما)». فصل‌نامه گنجینه اسناد، شماره ۷۲.

### پایان‌نامه

باغستانی، ساناز. (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت تنظیم و توصیف اسناد در گنجینه اسناد ملی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی.

عادلی اسفنجانی، معصومه. (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت تنظیم و توصیف اسناد آرشیوی در معاونت سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (آرشیو ملی ایران) از آغاز تاکنون و ارائه راهکارهایی در جهت بهبود آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

مهدی‌نسب، محمدحسین. (۱۳۹۲). «فرایند ارزش‌یابی اسناد آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی در گنجینه اسناد ملی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی.

### منابع لاتین

Mahmood, Arkan; Okumus, Ibrahim Taner. (2017). "Design and Implementation of an Electronic Document Management System". *MAKÜ-Uyg Bil Derg*, 1(1), pp 9-17.

Miller, Fredric. (1990). *Arranging and describing archives and Manuscripts (Archival Fundamentals Series)*. Chicago: The society of American archivists.

### English Translation of References

#### Books

Miller, Fredric. (1990). *Arranging and describing archives and manuscripts (Archival Fundamentals Series)*. Chicago: The society of American archivists.

Ramezani, Mohammad; & Rahbari, Narges. (1397/2018). "*Osul va mabāni-ye modiri-yat-e farāyand-e Kasb-o-kār*" (Principles and basics of business process management). Tehran: Rāz-e Nahān. [Persian]

#### Articles

Adeli, Masoumeh; & Amirkhani, Gholamreza. (1387/2008). "Tanzim va towsif-e manābe'-e ārshivi (Bā ta'kid bar fehrest-hā-ye rāhnamā)" (Organization and description of archival resources (with emphasis on indexes)). *Fasl-nāme-ye Gan-jine-ye Asnād, no. 72*. [Persian]



- Baghestani Sanaz; & Khosravi, Fariborz. (1395/2016). "Šive-ye towsif-e asnād-e āršivi dar Āršiv-e Melli-ye Irān dar dowre-ye zamāni-ye 1350 tā 1390" (The method of describing archival documents in the National Archives of Iran in the period 1350 to 1390 SH / 1971- 2011). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 26(2), no. 102. [Persian]
- Hasanpour, Mehdi; & Shahbahrani, Asadollah. (1393/2014). "Āršiv-e abri, xedmati no dar modiriyat-e asnād-e raqami" (Cloud archive, a new service in digital document management). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 24(3), no. 95. [Persian]
- Mahmood, Arkan; & Okumus, Ibrahim Taner. (2017). "Design and implementation of an electronic document management system". *MAKŪ-Uyg Bil Derg*, 1(1), pp. 9-17.
- Rezaee, Kamran; Tadayyon, Sahar; Aghdasi, Mohammad; & Ostadi, Bakhtiar. (1388/2009). "Avāmel-e kelidi-ye movaffaqiyat dar piyāde-sāzi-ye modiriyat-e farāyand va erāe-ye ĆārĆubi barāye arzyābi-ye āmādegi-ye sāzmān" (Critical success factors in implementation of process management and a framework for assessment of organization readiness). *Našriye-ye Modiriyat-e San'ati* (Industrial Management Journal) (IMJ), 1(3), Fall 1388/2009. [Persian]
- Sabaghinejad, Zivar; & Heydari, Gholamreza. (1394/2015). "Pānzdah ta'rif az modiriyat-e ettelā'āt" (15 definitions of Information Management (IM)). *Majalle-ye Motāle'āt-e Ketābdāri va 'Elm-e Ettelā'āt* (Journal of Studies in Library and Information Science), 7(2), no. 16. [Persian]
- Samiei, Mitra. (1390/2011). "Modiriyat-e hefāzat-e raqami dar āršiv-hā-ye melli: Rāhbord-hā va estāndārd-hā" (Digital preservation management in National Archives: Strategies and standards). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 21(2), no. 82. [Persian]

#### Dissertations

- Adeli Esfanjani, Masoumeh. (1389/2010). "*Barresi-ye vaz'eyat-e tanzim va towsif-e asnād-e āršivi dar mo'āvenat-e Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Āršiv-e Melli-ye Irān) az āqāz tākonun va erā'e-ye rāhkār-hā-yi dar jahat-e behbud-e ān*" (Investigation of the status of organization and description of archival documents in the Vice-Chancellor of National Library and Archives Organization the Islamic Republic of Iran (National Archives of Iran) from the



beginning until now and providing solutions to improve it). [Master's thesis].  
[Persian]

Baghestani. (1389/2010). "*Barresi-ye vaz'eeyat-e tanzim va towsif-e asnād dar Ganjine-ye Melli-ye Irān*" (Investigation of the status of arrangement and description of documents in Iran's National Document Archives). [Master's thesis in Ketābdāri va Ettlā'-resāni (Library and Information Science)]. [Persian]

Mehdinasab, Mohammad Hossein. (1392/2013). "*Farāyand-e arzešyābi-ye asnād-e āmuzeši-ye dānešgāh-hā-ye 'olum-e pezeški dar Ganjine-ye Asnād-e Melli-ye Irān*" (Evaluation process of educational documents of universities of medical sciences in the treasury of national documents of Iran). [Master's thesis in Ketābdāri va Ettlā'-resāni (Library and Information Science)]. [Persian]





# Conformity Assessment of the Archival Records Description Elements in the Archives of Iran

Reza Farasati<sup>1</sup> | Mohammad Khandan<sup>2</sup> | Mohammadreza Vasfi<sup>3</sup>

## Abstract:

**Purpose:** This study intended to verify the conformity of the archival records description elements with the National Archival Description Standard.

**Method and Research Design:** Library research and descriptive survey were used to analyze and compare records descriptive elements in the following archives of Iran: Contemporary History Research Institute; The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan Quds Razavi; Manuscripts Section of the Central Library and Documentation Center of the University of Tehran; Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly; Department of Documents and Diplomacy History of the Ministry of Foreign Affairs; National Archives of Iran; and Malek National Library and Museum Institute.

**Findings and Conclusions:** Amongst the twenty-six elements of the National Archival Description Standard, “conditions governing reproduction” and “publication note” were not used in any of the archives. “Level of description”, “archival history”, “appraisal, destruction and scheduling information”, “system of arrangement”, “accruals”, “finding aids”, “related units of description”, “rules or conventions” were only used in the National Archives of Iran, whereas “reference code(s)”, “title”, “date(s)”, “language/scripts of material”, and “archivist’ note and date(s) of description”, were used in all the archives. The rest of the elements were used in some archives. The findings specified thirty-one elements that were amongst description elements of the records according to the archives need and not considered in the National Archival Description Standard. Due to the lack of archival experts in most archives, the standard was not implemented properly and records descriptions were inconsistent.

**Keywords:** Descriptive Standard, Archival Description, Standard no. 22754 of Institute of Standards and Industrial Research of Iran (National Archival Description Standard), International Standard Archival Description (ISAD).

**Citation:** Farasati, R., Khandan, M., & Vasfi, M. (2023). The level of conformity of the description elements of the documents in the written archives of Iran with the national standard of description. *Ganjine-ye Asnad*, 33(1), 134-174 | doi: 10.30484/ganj.2023.3053

1. PhD Student of Information Science and Knowledge, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, I.R. Iran  
r.farasati94@gmail.com

2. Assistant Professor of Information Science and Knowledge, Faculty of Public Administration and Organizational Sciences, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, I.R. Iran  
khandan@ut.ac.ir

3. Assistant Professor of Information Science and Knowledge, Faculty of Public Administration and Organizational Sciences, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, I.R. Iran  
mvasfi@ut.ac.ir

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



# میزان مطابقت عناصر توصیف اسناد در آرشیوهای اسناد تاریخی ایران با استاندارد ملی توصیف آرشیوی

رضا فراستی<sup>۱</sup> | محمد خندان<sup>۲</sup> | محمدرضا وصفی<sup>۳</sup>



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

چکیده:

هدف: بررسی عناصر توصیف اسناد در هفت آرشیو اسناد تاریخی ایران و تطابق آن‌ها با استاندارد ملی توصیف آرشیوی.

روش/ رویکرد پژوهش: روش این تحقیق مطالعه کتابخانه‌ای و پیمایش توصیفی با کار میدانی است. جامعه مورد مطالعه پژوهش‌کده تاریخ معاصر؛ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی؛ بخش خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی؛ مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک بوده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: از بیست و شش عنصر توصیف اسناد در استاندارد ملی توصیف آرشیوی دو عنصر «شرایط حاکم بر بازتولید» و «یادداشت انتشارات» در هیچ‌یک از آرشیوها استفاده نشده است. از بیست و چهار عنصر دیگر استاندارد ملی به صورت مستقیم، یا درج در یادداشت یا در فرم‌های جداگانه بهره‌برداری شده است که عبارت‌اند از: از هشت عنصر «سطح توصیف»؛ «سابقه آرشیوی»؛ «ارزش‌یابی، امحاء و جدول زمان‌بندی»؛ «نظام تنظیم»؛ «گسترش‌های آتی»؛ «بازيابگرها»؛ «واحدهای مرتبط با توصیف»؛ «قواعد یا قراردادهای فقط در معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی استفاده شده است. همه آرشیوها از شش عنصر «کد(های) ارجاع»؛ «عنوان»؛ «تاریخ(ها)»؛ «زبان/خط»؛ «یادداشت آرشیودار»؛ و «تاریخ(های) توصیف‌ها» بهره‌برده‌اند. از ده عنصر باقیمانده، در برخی از آرشیوها استفاده شده است. تعداد سی و یک عنصر خارج از استاندارد ملی و براساس نیازهای سازمانی تعریف شده‌اند. به علت نبود نیروی متخصص آرشیو در اغلب آرشیوهای مورد مطالعه، استاندارد اجرا نشده است و نایکدستی در توصیف اسناد دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: استاندارد توصیف؛ توصیف آرشیوی؛ استاندارد شماره ۲۲۷۵۴ سازمان اسناد ملی ایران؛ استاندارد ایسناد.

استناد: فراستی، رضا، خندان، محمد، وصفی، محمدرضا. (۱۴۰۲). میزان مطابقت عناصر توصیف اسناد در آرشیوهای اسناد تاریخی ایران با استاندارد ملی توصیف آرشیوی. گنجینه اسناد (۱)، ۱۳۴-۱۷۴

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۰۵۳

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی پردیس گیش دانشگاه تهران، تهران، ایران  
f.farasati94@gmail.com
۲. استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدهگان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)  
khandan@ut.ac.ir
۳. استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدهگان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران  
mvasfi@ut.ac.ir



## گنجینه اسناد

۱۲۹

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳,۳۰۵۳

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۲ | صص: ۱۳۴ - ۱۷۴ (۴۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۰

تحقیقات آرشیوی

## ۱. مقدمه و بیان موضوع

در ۱۹۸۷ آرشیوهای کانادا با انتشار فراخوانی، خواستار تدوین استانداردهای توصیفی شدند (بون، ۲۰۱۳، ص ۱).<sup>۱</sup> با همکاری تعدادی از کشورها، (استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی (عمومی) (ایساد (جی))<sup>۲</sup> زیر نظر شورای جهانی آرشیو (ایکا)<sup>۳</sup> در ۱۹۹۴ منتشر شد. سپس در ۱۹۹۹ ویرایش دوم آن انتشار یافت (ایکا، ۲۰۰۰، ص ۵). از آن به بعد از استاندارد مذکور در بسیاری از آرشیوهای جهان بهره‌برداری شد. در راستای استانداردسازی توصیف آرشیوی می‌توان به استانداردهای دیگری هم اشاره کرد: «توصیف آرشیو: استانداردی محتوایی (داکس)»<sup>۴</sup>؛ «دست‌نامه قواعد توصیف آرشیوی (مد)»<sup>۵</sup> «قواعد توصیف آرشیوی (رد)»<sup>۶</sup> (نظری، ۱۳۹۸، ص ۱۷۰).

معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در راستای استفاده از استاندارد ایساد و برای ایجاد یکدستی در توصیف آرشیوی تلاش‌هایی کرده‌است؛ از جمله: چاپ کتاب دو جلدی «مجموعه قوانین و مقررات و شیوه‌نامه‌های آرشیوی» (عزیزی، ۱۳۹۱) و به دنبال آن ترجمه و بومی‌سازی استاندارد ایساد که در ۹۸/۱۱/۱ با عنوان «استاندارد ملی توصیف آرشیو - کلیات» و با شماره ۲۲۷۵۴ به تصویب سازمان ملی استاندارد ایران (سازمان ملی استاندارد ایران، ۱۳۹۸) رسید.

آرشیوهای اسناد تاریخی کشور در آغاز فعالیت خود - چه در قبل از انقلاب و چه در پس از پیروزی انقلاب اسلامی - به استانداردسازی‌های توصیفی توجهی نداشته‌اند و بنابه نیاز خود به طور مستقل یا با استفاده از تجربه سازمان‌های دیگر، کاربرگ‌های توصیف اسناد را با عناوین مختلف طراحی کرده‌اند و هر کدام تعدادی عنصر را با اسامی گوناگون برای توصیف برگزیده‌اند و تاکنون تغییراتی (کاهش یا افزایشی) در عناصر کاربرگ‌های خود داده‌اند؛ از جمله معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۰ یازده کاربرگ برای توصیف اسناد تدوین کرده‌است (باغستانی و خسروی، ۱۳۹۵).

با دانستن وضعیت جاری آرشیوها که در هر کدام دانش‌ها و توانایی‌هایی ویژه وجود دارد، می‌توان راهبردی را در سطح کلان (مدیریت آرشیو کشور) تعیین کرد و برای استانداردسازی و برنامه‌ریزی اقدام کرد. تحقق این امر موجب موارد زیر می‌شود: یکدستی در اطلاعات آرشیوها؛ امکان تبادل اطلاعات بین آرشیوهای داخل و خارج از کشور؛ دسترسی سریع‌تر محققان به اطلاعات مدنظرشان؛ و گسترش و رونق پژوهش‌های متکی به اسناد.

هنگام جمع‌آوری اطلاعات میدانی برای پژوهش حاضر، آرشیوداران به اتفاق از انجام این پژوهش خرسند بودند و در گفت‌وگوها، بارقه‌های همکاری برای استانداردسازی، بین آن‌ها نمایان بود.

1. Bunn (2013)
2. ISAD(G): General International Standard Archival Description
3. International Council on Archives (ICA)
4. DACS: Describing Archives: a content Standard
5. MAD: Manual of Archival Description
6. RAD: Rules for Archival Description





تحقیق حاضر به دنبال بررسی وضعیت جاری توصیف آرشیوی در هفت آرشیو اسناد تاریخی کشور در مقایسه با استاندارد ملی توصیف آرشیوی است و پرسش‌های آن عبارت‌اند از:

۱. عناصر توصیف در هفت آرشیو مدنظر کدام‌اند؟
۲. تطابق عناصر توصیف در آرشیوهای مدنظر در مقایسه با استاندارد ملی توصیف آرشیوی چگونه است؟
۳. آیا نام و کاربرد عناصر توصیف در آرشیوهای مدنظر با استاندارد ملی توصیف آرشیوی یکی است؟
۴. عناصر مورد نیاز توصیف در آرشیوهای مدنظر به‌غیر از استاندارد ملی کدام‌اند؟

## ۲. پیشینه تحقیق

باتوجه به اینکه استاندارد ملی توصیف آرشیوی همان ترجمه ایسادیست، در این بخش به پیشینه ایسادیست پرداخته می‌شود.

### ۲.۱. پیشینه ایسادیست در ایران

۱. باغستانی و خسروی (۱۳۹۵) در پژوهشی با روش پیمایش توصیفی، شیوه توصیف آرشیوی در آرشیو ملی ایران را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی است که در آرشیو ملی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۰ یازده کاربرگه توصیف تدوین شده‌است و عناصر با گذشت زمان استاندارد شده‌اند. سطح توصیف هم عموماً پرونده و فقره است؛ بنابراین ضروری است تا توصیف در این سازمان در سطح مجموعه و ردیف انجام شود.

۲. اسفندیاری و دیگران (۱۳۹۰) در تحقیقی با روش پیمایش تحلیلی به توصیف در آرشیو ملی ایران براساس استاندارد ایسادیست پرداخته‌اند. جامعه پژوهش مذکور، پژوهش‌گران و محققان تنظیم و پردازش اسناد، و دفاتر راهنما و کاربرگه‌های توصیف بوده‌است. یافته‌های پژوهش آن است که عناصر توصیفی در کاربرگه‌ها با استاندارد ایسادیست مطابقت دارد. در تحقیق مذکور پیشنهاد شده‌است که به عناصر سندی نظیر قطع، وابستگی اقلیمی، دوره تاریخی، تحدیدیه، مهر، طغرا، تحشیه و سجالات، آرایه‌های هنری (مانند ترصیع، تشعیر، تذهیب، اسلیمی، بوته‌جقه (بُته‌جقه)، جدول‌کشی، ترلینگ و...)، سجج‌یابی و بازخوانی مهرها و نشان‌ها و مانند آن، و اصالت سند توجه شود و نیز کاربرگه‌ای برای آن پیشنهاد شده‌است. نتیجه آنکه استاندارد بودن شیوه توصیف به‌بازایی بیشتر اسناد مرتبط منجر شده‌است.



۳. عادل‌لی و دیگران (۱۳۸۹) با روش پیمایش توصیفی و با ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته به دیدگاه هفت نفر از صاحب نظران حوزه تنظیم و توصیف آرشیو در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، پرداخته‌اند. یافته پژوهش مذکور حاکی است که از دید صاحب نظران، در توصیف آرشیوی، شش عنصر از ایساد در تبادلات بین المللی ضروری است: «شماره بازیابی»، «عنوان»، «تولیدکننده»، «تاریخ (ها)»، «گستره و رسانه واحد توصیف»، «سطح توصیف». در ضمن چهل نشانگر بااهمیت را در جدولی درج کرده‌اند که فقط خیلی کلی به دو تایی آن‌ها (زبان/خط) که مدنظر تحقیق حاضر است اشاره دارند و نتیجه آنکه بهره‌گیری از استانداردها و تجارب بین المللی در کنار اقتضانات بومی، لازم به نظر می‌رسد.

## ۲.۲. پیشینه ایساد در خارج از ایران

۱. جنیفر بون (۲۰۱۳) در مقاله خود با روش مطالعه کتابخانه‌ای به تاریخچه توسعه استانداردهای آرشیوی پرداخته است. یافته‌های این تحقیق حاکی است که هنوز هیچ استاندارد برای توسعه وجود ندارد. نتیجه آنکه برای تبادل اطلاعات بین آرشیوها مشکلاتی وجود دارد؛ از این رو توسعه امری ضروری است.

۲. یون (۲۰۱۱)<sup>۱</sup> در تحقیق خود با روش پیمایشی و قوم‌نگاری به سه نکته اشاره دارد: تحلیلی از روش حکومت در کره جنوبی و چگونگی برخورد حکام با آرشیو و اطلاعاتی راجع به آرشیوها؛ مقایسه عناصر ایساد با عناصر اطلاعاتی آرشیوهای کره؛ روش قوم‌نگاری با هدف پذیرش ایساد توسط نیروهای اجتماعی و فرهنگی. یافته‌های این پژوهش حاکی است که بیشتر عناصر اطلاعاتی آرشیو کره جنوبی با ایساد هم‌خوانی دارد. از سایر عناصر می‌توان پس از مذاکره با آرشیوداران به عنوان الگوی بومی استفاده کرد. یون ضمن بررسی ظرفیت‌ها و توانایی‌های دو مؤسسه منتخب، استاندارد ایساد را در آن‌ها اجرا می‌کند و مشکلات را در آخر بیان می‌کند. در بخشی از این تحقیق، نویسنده به مباحثی راجع به مصاحبه‌های انجام شده و کدگذاری آن‌ها می‌پردازد. از جمله یافته‌های این تحقیق، نقش ویژه تکنولوژی در اعمال تغییرات و پذیرش استانداردها توسط جوامع است. در مجموع، پیشینه‌ها به توسعه توصیف با بهره‌گیری از استاندارد و توجه به اقتضانات بومی تأکید دارند.

روش: روش مطالعه حاضر کتابخانه‌ای و پیمایش توصیفی با کار میدانی است. مطالعه کتابخانه‌ای برای بررسی استاندارد و به دست آوردن سیاهه و ارسی است. پیمایش توصیفی برای مطالعه تطبیقی و مقایسه جامعه مدنظر با استاندارد ملی توصیف آرشیوی، در حالت طبیعی و جاری آن است.

1. Youn (2011)



ابزار تحقیق سیاهه و ارسی است. برای به دست آوردن این ابزار ابتدا بر پایه مقالات (باغستانی و خسروی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳؛ اصنافی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰) جدولی تهیه شد و بر اساس استاندارد ملی آخرین تغییرات در عنوان عناصر داده شد.

جامعه مورد مطالعه عبارت اند از:

۱. پژوهش کده تاریخ معاصر (مؤسسه سابق مطالعات تاریخ معاصر ایران)؛
۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی؛
۳. بخش خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران؛
۴. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛
۵. اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه؛
۶. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
۷. مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

ملاک انتخاب جامعه مورد مطالعه، انجام توصیف آرشیوی و دارا بودن اسناد دوره قاجاریه بوده است.

شایان ذکر است که کاخ موزه گلستان هم ابتدا جزء جامعه مدنظر بود، ولی طبق تماس‌های مکرر با متصدیان، اعلام شد که این مرکز امور مربوط به خود را در چارچوب سیاست‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی انجام می‌دهد؛ از این رو در زمینه توصیف اسناد و ایجاد بانک اطلاعاتی هنوز اقدامی نکرده است، ولی اطلاعات آرشیو خود را در نرم‌افزار جام (مربوط به امور امین‌اموالی خاص وزارت مذکور) وارد کرده است.

### ۳. چگونگی عملیات میدانی و جمع‌آوری اطلاعات

به صورت تلفنی با مسئولان مربوطه هماهنگی شد.

کاربرگه‌های دستی و ماشینی به صورت حضوری یا از طریق واتس‌آپ دریافت و با یکدیگر مقایسه شدند.

به صورت حضوری فیلدهای نرم‌افزار ازبابت وجود اطلاعات بررسی شدند.

هریک از کاربرگه‌ها با جدول سیاهه و ارسی مطابقت شدند.

در حین بررسی، درباره کاربرگه‌ها و نیز چگونگی عملکرد آرشیوها در زمینه عناصر استاندارد، پرسش‌هایی برای نگارنده ایجاد شد.

در جلسات متعدد حضوری و تلفنی سؤال‌های مربوطه پرسش شدند.

درباره برخی از عناصر که در کاربرگه‌ها وجود نداشت پرسش شد و پاسخ داده شد.

مطالب گفته شده ضبط یا یادداشت شدند.



برای هریک از آرشیوها جدولی طراحی شد و اطلاعات به دست آمده در آن جدول وارد شد و در زیر آن جدول توضیحاتی داده شد.

شایان ذکر است که در جدول‌های شماره یک تا نه برای جلوگیری از افزایش اطلاعات، علامت منفی (-) از فیلدهای بدون اطلاعات حذف شد و فیلد مربوطه خالی گذاشته شد.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

الف. در پاسخ به سؤال‌های اول و دوم تحقیق:

۱. عناصر توصیف در آرشیوهای داخل کشور کدام‌اند؟
۲. تطابق عناصر توصیف در آرشیوهای داخل کشور در مقایسه با استاندارد ملی توصیف آرشیوی چگونه است؟

**بخش الف:** شامل هفت جدول زیر است:

۱. پژوهش کده تاریخ معاصر (مؤسسه قبلی مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما))

متما		استاندارد ملی			
کاربرگه ماشینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
+	<sup>۱</sup> +	شماره راهنما	کدهای (ارجاع)	۱	۱. شرح شناسه
+	+	عنوان	عنوان	۲	
+	+	تاریخ سند	تاریخ (ها)	۳	
-	-	<sup>۲</sup>	سطح توصیف	۴	
+	+	صفحه	گستره و رسانه واحد توصیف	۵	
-	-		نام ایجادکننده	۶	۲. زمینه
-	-		تاریخچه اداری / شرح حال	۷	
-	-		سابقه آرشیوی	۸	
-	-		منبع مستقیم فراهم‌آوری یا انتقال	۹	

۱. علامت + یا - به این معناست که کاربرگه دستی یا ماشینی، عنصر مذکور در ستون را دارد (+) یا ندارد (-).  
۲. ستون‌های خالی به معنای آن است که آرشیو مدنظر فاقد عنصر مذکور است.

#### جدول ۱

مقایسه عناصر توصیف متما با استاندارد ملی توصیف آرشیوی



متما		استاندارد ملی			
کاربرگه مثنینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
-	-		دامنه و محتوا	۱۰	۳. محتوا و ساختار
-	-		اطلاعات مربوط به ارزش یابی، امحاء و جدول زمان بندی	۱۱	
-	-		گسترش	۱۲	
-	-		نظام تنظیم	۱۳	
+	+	نوع دسترسی	شرایط حاکم بر دسترسی	۱۴	۴. شرایط دسترسی و استفاده
-	-		شرایط حاکم بر بازتولید	۱۵	
+	+	زبان	زبان/خط	۱۶	
-	-		مشخصه های فیزیکی و الزامات فنی	۱۷	
-	-		بازیاگرها	۱۸	۵. منابع مرتبط
-	-		وجود و محل نگهداری اصل سوابق	۱۹	
-	-		وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق	۲۰	
-	-		واحدهای توصیف مرتبط	۲۱	
-	-		یادداشت انتشارات	۲۲	۶. یادداشت ها
+	+	توضیحات	یادداشت	۲۳	
+	+	نمایه ساز و ویرایشگر	یادداشت آرشیودار	۲۴	۷. کنترل توصیف
-	-		قواعد یا قراردادهای	۲۵	
+	+	تاریخ نمایه سازی و ویرایش	تاریخ (های) توصیف (ها)	۲۶	

### ادامه جدول ۱

مقایسه عناصر توصیف متما با استاندارد ملی توصیف آرشیوی



- توضیح جدول شماره یک (شرایط توصیف اسناد در مرکز متما):
۱. کاربردگه دستی و ماشینی متما همانندند و نام هر دو کاربردگه «کاربرگه نمایه سازی اسناد» است.
  ۲. عنصر «کدهای ارجاع»، «شماره راهنما» نام دارد و شامل کد منشأ، شماره پوشه و شماره صفحه از ... تا ... است.
  ۳. عنصر «عنوان» به صورت محتوانما<sup>۱</sup> (نظری، ۱۳۹۸، ص ۱۷۳) نوشته می شود. از این رو عنصر دامنه و محتوا حذف شده و عنوان در بردارنده اطلاعات هر دو عنصر مذکور است؛<sup>۲</sup> هر چند که در گذشته از عنصر چکیده استفاده می شده است.
  ۴. تاریخ سند شامل نوع، روز و سال به عدد، و ماه به حرف است. نرم افزار در مرتب کردن تاریخ، عددی عمل می کند.
  ۵. اسناد در سطح فقره توصیف می شوند؛ از این رو سطح در کاربردگه های دستی و ماشینی تعریف نشده است.
  ۶. اگرچه عنصر «گستره و رسانه واحد توصیف» وجود ندارد، ولی تعداد صفحه نوشته می شود. قبلاً اندازه سند در کاربردگه دستی وجود داشت که برای اسنادی خاص مثل فرمانها، رقمها، نکاحنامهها نوشته می شد. هم اکنون آن اطلاعات در کاربردگه نیست و در دفتری ثبت است.
  ۷. عنصر «شرایط حاکم بر دسترسی»، «نوع دسترسی» نام دارد و آن شامل عمومی و غیر عمومی است. مراجعان، به اسناد عمومی دسترسی دارند و به صورت محدود به آنها خدمات داده می شود.
  ۸. در عنصر «زبان»، فقط زبانهای غیر فارسی درج می شود و زبان فارسی نوشته نمی شود.
  ۹. اطلاعات کاربردگه دستی پس از ویرایش مسئول واحد، توسط توصیف کننده (نمایه ساز) وارد رایانه می شود.
  ۱۰. شش عنصر «نام ایجاد کننده»، «تاریخچه اداری/شرح حال»، «منبع مستقیم فراهم آوری یا انتقال»، «مشخصه های فیزیکی و الزامات فنی»، «وجود و محل نگهداری اصل سوابق»، «وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق (محل نگهداری نسخه های رقمی)»، در دفاتر یا فرمهای جداگانه ثبت می شوند.
- متما هم اکنون از هجده عنصر به صورت مستقیم و غیر مستقیم استفاده می کند. شانزده عنصر از این ۱۸ عنصر با تفاوت هایی در نام، با استاندارد ملی توصیف آرشیوی هم خوانی دارند و متما بر اساس نیاز سازمانی از دو عنصر خارج از استاندارد ملی هم (عنصر شکل شامل اصل و کپی؛ و عنصر کلیدواژه های مقید و پیشنهادی) بهره می برد.
- سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)

۱. محتوا: اصطلاحی است در چکیده نویسی  
۲. برای بیش از صدویست هزار رکورد بدین طریق و بر اساس فرمولهایی عنوان ساخته شده است.



ساکماق		استاندارد ملی			
کاربرگه ماشینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
شماره سند	شماره اموالی		کد(های) ارجاع	۱	۱. شرح شناسه
عنوان	موضوع سند		عنوان	۲	
+	+	تاریخ سند	تاریخ(ها)	۳	
-	-		سطح توصیف	۴	
+	+	صفحه، اندازه و ضمیمه	گستره و رسانه واحد توصیف	۵	
+	+	منشأ سند	نام ایجادکننده	۶	۲. زمینه
-	-		تاریخچه اداری/شرح حال	۷	
-	-		سابقه آرشیوی	۸	
+	+	نحوه تهیه	منع مستقیم فراهم آوری یا انتقال	۹	
-	-		دامنه و محتوا	۱۰	۳. محتوا و ساختار
-	-		اطلاعات مربوط به ارزش یابی، امحاء و جدول زمان بندی	۱۱	
-	-		گسترش	۱۲	
-	-		نظام تنظیم	۱۳	
+	+	مجوز دستیابی	شرایط حاکم بر دسترسی	۱۴	۴. شرایط دسترسی و استفاده
-	-		شرایط حاکم بر بازتولید	۱۵	
+	+	زبان/خط	زبان/خط	۱۶	
-	نیاز به مرمت		مشخصه های فیزیکی و الزامات فنی	۱۷	
-	-		بازنگرها	۱۸	
+	+	محل نگهداری	وجود و محل نگهداری اصل سوابق	۱۹	۵. منابع مرتبط
-	-		وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق	۲۰	
-	-		واحدهای توصیف مرتبط	۲۱	
-	-		یادداشت انتشارات	۲۲	

## جدول ۲

مقایسه عناصر توصیف ساکماق با  
استاندارد ملی توصیف آرشیوی



ساکماقی			استاندارد ملی		
کاربرگه ماشینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
-	+	ملاحظات و نظریه کارشناسی	یادداشت	۲۳	۶. یادداشت‌ها
+	+	ارزش یاب، نمایه ساز، بازین	یادداشت آرشیودار	۲۴	۷. کنترل توصیف
-	-		قواعد یا قراردادها	۲۵	
+	+	تاریخ ارزش یابی، بازینی	تاریخ (های) توصیف (ها)	۲۶	

## ادامه جدول ۲

مقایسه عناصر توصیف ساکماقی با  
استاندارد ملی توصیف آرشیوی

توضیح جدول شماره دو (شرایط توصیف اسناد در مرکز ساکماقی):

۱. عناصر توصیف، با بررسی کاربرگه‌های چند مرکز آرشیوی و نیازهای مرکز اسناد استان قدس طراحی شده است و نام آن «کاربرگه مشخصات اسناد مکتوب» است. از این کاربرگه دستی در سطح فقره و پوشه استفاده می‌شود. نام کاربرگه ماشینی «فرم مخصوص استفاده‌کننده» است. براساس جدول فوق بین کاربرگه‌های دستی و ماشینی تفاوت‌هایی وجود دارد.

۲. عنصر «کد ارجاع» در کاربرگه دستی، «شماره اموالی» و در کاربرگه ماشینی «شماره سند» است و آن مرکب از یک کد و شماره صفحه از چپ به راست است: مثل ۵۲۷۰۵/۱۵ که عدد ۱۵ بیانگر صفحه آغاز سند است.

۳. عنصر «عنوان» در کاربرگه دستی، «موضوع سند» و در کاربرگه ماشینی «عنوان» نام دارد که به صورت محتوانما نوشته می‌شود؛ از این رو عنصر دامنه و محتوا حذف شده است. ۴. تاریخ سند فقط به سال و نوع درج می‌شود. دوره تاریخی سند فاقد تاریخ براساس حدس و گمان و فقط در کاربرگه ماشینی نوشته می‌شود.

۵. عنصر «گستره و رسانه واحد توصیف»، شامل سه قسمت تعداد صفحه؛ اندازه به سانتی متر برای اسناد خیلی بزرگ یا خیلی کوچک؛ و ضمام شامل عکس، نقشه، فیلم و نوار، نشریه، دفاتر، متفرقه است. پاکت جزء صفحات سند نوشته می‌شود؛ حتی اگر اطلاعات آن تکراری باشد.

۶. عنصر «نام ایجادکننده»، «منشأ سند» نام دارد و مقصود آن است که اسناد از کجا آمده است یا چه کسی آن‌ها را به مرکز داده است. در صورت تفاوت در نام ایجادکننده یا واگذارکننده، اولویت با درج نام واگذارکننده است.





۷. عنصر «منبع مستقیم فراهم‌آوری یا انتقال»، «نحوه تهیه» نام دارد و شامل اهدائی، خریداری، تولیدی، وقفی، انتقالی، مبادله، و سایر موارد است.
۸. اطلاعات مربوط به «ارزش یابی، امحاء و جدول زمان‌بندی»، در صورت جلسه نوشته می‌شود.
۹. عنصر «شرایط حاکم بر دسترسی»، «مجوز دستیابی» نام دارد و شامل «دارد» و «ندارد» است. تصویر سند دارای مجوز دستیابی، به متقاضی داده می‌شود.
۱۰. عنصر «زبان» در کاربرد شامل فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی، آلمانی، اسپانیایی و سایر موارد است.
۱۱. عنصر «مشخصه‌های فیزیکی و الزامات فنی» در کاربرد دستی شامل «نیاز به مرمت دارد» و «نیاز به مرمت ندارد» است.
۱۲. محل نگهداری اصل و کپی اسناد موجود، در «ملاحظات و نظریه کارشناسی» ذکر می‌شود.
- ساکماتق در توصیف اسناد از بیست‌ودو عنصر به صورت مستقیم و غیرمستقیم استفاده می‌کند که سیزده عنصر آن با تفاوت‌هایی در نام، با استاندارد ملی توصیف آرشیوی هم‌خوانی دارند. ساکماتق براساس نیاز سازمانی از نه عنصر خارج از استاندارد نیز به شرح زیر بهره می‌برد:
- ۱۳/۱. شماره بایگانی راكد برای پاسخگویی به واحد مبدأ طراحی شده‌است.
- ۱۳/۲ و ۱۳/۳. عنصر نوع سند و نوع کاغذ در نظر گرفته شده‌است.
- ۱۳/۴. درجه اهمیت در کاربرد ماشینی، طبقه‌بندی سند شامل «خیلی مهم» و «مهم» نام دارد که براساس نظر کارشناس نوشته می‌شود.
- ۱۳/۵. عنصر شکل شامل اصل، اسکن، کپی (زیراکس)، رونوشت (سواد)، پیش‌نویس و سایر موارد است.
- ۱۳/۶. عنصر «آرایش هنری» شامل «دارد» و «ندارد» در نظر گرفته شده‌است.
- ۱۳/۷. عنصر «شناسایی سند» شامل «کامل» و «ناقص» است.
- ۱۳/۸. کاربرد نمایه‌سازی از کاربرد مشخصات اسناد مکتوب جداست و عنصر کلیدواژه در آن و نیز در کاربرد ماشینی وجود دارد. توصیفگر با ذکر صفحه سند درج می‌شود. در توصیفگر این موارد دیده شد: سال سند؛ نام افراد و نقش یا عناوین آنها به صورت جداگانه مثلاً نام کاتب به صورت غیرمقلوب و عنوان «کاتب»؛ سجع مهر با توضیح گر مهر.
- ۱۳/۹. در کاربرد ماشینی، عناصر ورود اطلاعات شامل واردکننده اطلاعات، تاریخ ورود اطلاعات، کنترل‌کننده اطلاعات، تاریخ کنترل اطلاعات وجود دارد.



## ۵. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، بخش خطی

بخش خطی		استاندارد ملی			
کاربرگه مشتبانی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
+	+	شماره بازیابی	کد(های) ارجاع	۱	۱. شرح شناسه
+	+	عنوان	عنوان	۲	
+	+	تاریخ	تاریخ(ها)	۳	
-	-		سطح توصیف	۴	
+	+	برگ(صفحه)/اندازه	گستره و رسانه واحد توصیف	۵	
-	-		نام ایجادکننده	۶	۲. زمینه
-	-		تاریخچه اداری/ شرح حال	۷	
-	-		سابقه آرشیوی	۸	
+	+	نام ارائه کننده	منبع مستقیم فراهم آوری یا انتقال	۹	۳. محتوا و ساختار
+	+	محتوا	دامنه و محتوا	۱۰	
-	-		اطلاعات مربوط به ارزش یابی، امحاء و جدول زمان بندی	۱۱	
-	-		گسترش	۱۲	
-	-		نظام تنظیم	۱۳	
+	+	سطح دسترسی	شرایط حاکم بر دسترسی	۱۴	۴. شرایط دسترسی و استفاده
-	-		شرایط حاکم بر بازتولید	۱۵	
+	+	زبان/خط	زبان/خط	۱۶	
-	-		مشخصه های فیزیکی و الزامات فنی	۱۷	
-	-		بازیابگرها	۱۸	

### جدول ۳

مقایسه عناصر توصیف بخش خطی  
دانشگاه تهران با استاندارد ملی توصیف  
آرشیوی



بخش خطی		استاندارد ملی			
کاربرگه مشینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
-	-		وجود و محل نگهداری اصل سوابق	۱۹	۵. منابع مرتبط
-	-		وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق	۲۰	
-	-		واحد‌های توصیف مرتبط	۲۱	
-	-		یادداشت‌انتشارات	۲۲	
+	+	یادداشت‌ها	یادداشت	۲۳	۶. یادداشت‌ها
+	+	فهرست‌نویس، بازبین	یادداشت آرشیودار	۲۴	۷. کنترل توصیف
-	-		قواعد یا قراردادهای	۲۵	
+	+	تاریخ‌فهرست‌نویسی	تاریخ(های) توصیف(ها)	۲۶	

### ادامه جدول ۳

مقایسه عناصر توصیف بخش خطی  
دانشگاه تهران با استاندارد ملی  
توصیف آرشیوی

- توضیح جدول شماره سه (شرایط توصیف اسناد در بخش خطی دانشگاه تهران):
۱. نام کاربرگه دستی، «کاربرگه فهرست‌نویسی اسناد» است و کاربرگه ماشینی نام ندارد.
  ۲. از آنجا که اسناد در سطح سند توصیف می‌شوند، سطح سند در کاربرگه و نرم‌افزار تعریف نشده است.
  ۳. عنصر «گستره و رسانه واحد توصیف»، در دو قسمت برگ (صفحه) و اندازه به‌سانتی‌متر (برای اسنادی خاص) نوشته می‌شود.
  ۳. به عنصر «نام ایجادکننده یا منشأ» در عنوان اشاره می‌شود.
  ۴. اطلاعات عنصر «مشخصه‌های فیزیکی و الزامات فنی» در فرم‌های جداگانه و برای امور حفاظتی و مرمتی نوشته می‌شود.
  ۵. عنصر «شرایط حاکم بر دسترسی»، سطح دسترسی نام دارد و شامل (عمومی، خاص، خیلی خاص، و ویژه) است. مراجعان به این آرشیو، به بانک اطلاعاتی متادیتا و تصاویر اسناد دسترسی دارند؛ ولی تصاویر اسناد در شرایطی خاص به مراجعان داده می‌شود.



بخش خطی کتابخانه دانشگاه تهران از نوزده عنصر در توصیف اسناد در سطح فقره استفاده می‌کند که یازده عنصر آن با تفاوت‌هایی در نام، با استاندارد ملی توصیف آرشیوی هم‌خوانی دارد. این مرکز براساس نیاز سازمانی خود از هفت عنصر خارج از استاندارد هم به شرح زیر بهره می‌برد:

۶۱. مقصود از «مشخصات ظاهری»، تزیینات و آرایه‌هاست.

۶۲. نمایه، شامل موضوع، نام شخص، تنالگان، نام خاندان و نام جغرافیایی است.

۶۳. نوع سند براساس تقسیم‌بندی‌ای است که خودشان انجام داده‌اند؛ مثل نامه، تلگراف، فرمان، عقدنامه و...

۶۴. منظور از «یادداشت تملک»، بیان مهر و امضای سند است.

۶۵. شکل شامل طوماری و دفترچه‌ای است.

۶۶. یادداشت‌های مربوط به صحافی، برای اسناد دارای جلد است که نوع جلد و رنگ آن نوشته می‌شود.

۶۷. ورود اطلاعات را اپراتور انجام می‌دهد.

## ۶. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)

کمام			استاندارد ملی		
کاربرگه مشتینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
+	+	شماره‌بازیابی	کد(های)ارجاع	۱	۱. شرح شناسه
+	+	عنوان پوشه/ عنوان اصلی	عنوان	۲	
تاریخ سند	تاریخ اسناد		تاریخ(ها)	۳	
-	-		سطح توصیف	۴	
+	+	تعداد صفحات، پاکت، نامه، ضمائم و پیوست	گستره و رسانه واحد توصیف	۵	

### جدول ۴

مقایسه عناصر توصیف کمام با استاندارد ملی توصیف آرشیوی



کدام		استاندارد ملی			
کاربرگه ماشینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
+	+	یادداشت منشأ	نام ایجادکننده	۶	۲. زمینه
-	-		تاریخچه اداری / شرح حال	۷	
-	-		سابقه آرشیوی	۸	
-	-		منبع مستقیم فراهم آوری یا انتقال	۹	
چکیده	شرح محتوا		دامنه و محتوا	۱۰	۳. محتوا و ساختار
-	-		اطلاعات مربوط به ارزش یابی، امحاء و جدول زمان بندی	۱۱	
-	-		گسترش	۱۲	
-	-		نظام تنظیم	۱۳	
+	+	سطح دسترسی	شرایط حاکم بر دسترسی	۱۴	۴. شرایط دسترسی و استفاده
-	-		شرایط حاکم بر بازتولید	۱۵	
+	+	زبان / خط	زبان / خط	۱۶	
-	-		مشخصه های فیزیکی و الزامات فنی	۱۷	
-	-		بازیلگرها	۱۸	۵. منابع مرتبط
-	-		وجود و محل نگهداری اصل سوابق	۱۹	
-	-		وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق	۲۰	
-	-		واحدهای توصیف مرتبط	۲۱	
-	-		یادداشت انتشارات	۲۲	۶. یادداشت ها
+	+	یادداشت کلی	یادداشت	۲۳	
+	+	فهرست نویس	یادداشت آرشیودار	۲۴	۷. کنترل توصیف
-	-		قواعد یا قراردادهای	۲۵	
+	+	تاریخ	تاریخ (های) توصیف (ها)	۲۶	

#### ادامه جدول ۴

مقایسه عناصر توصیف کدام با استاندارد ملی توصیف آرشیوی



توضیح جدول شماره چهار (شرایط توصیف اسناد در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی):

۱. نام کاربرگه دستی، «کاربرگه فهرست‌نویسی اسناد پارلمان» است. کاربرگه ماشینی نام ندارد. براساس جدول شماره چهار، بین کاربرگه‌های دستی و ماشینی این آرشیو و استاندارد ملی هفت تفاوت وجود دارد.

۲. عنصر «کد(های) ارجاع»، شماره‌بازایی نام دارد. اسناد به گروه‌های مختلف از جمله عرایض، کمیسیون‌ها، کارپردازی، لوایح چاپی طبقه‌بندی شده‌اند. به هر طبقه کد اختصاصی [گروه سند] چهاررقمی مثل کمیسیون‌ها (۱۰۱۱) داده شده است. شماره بازایی از چپ به راست شامل کد اختصاصی [گروه سند]، دوره مجلس، کارتن، جزوه‌دان، و شماره پوشه است. مثل ۱۶۷۹۳/۱۷/۱-۱۰۱۱ که چنین خوانده می‌شود: اسناد کمیسیون‌ها ۱۰۱۱، دوره ۱۶ مجلس شورای ملی، کارتن ۹۳، جزوه‌دان ۱۷، پوشه شماره یک.

در کاربرگه ماشینی، هرکدام از عناوین طبقه‌بندی مذکور، در فیلد نام عام مواد وارد می‌شود.

۳. تاریخ اسناد به صورت از ... تا ... و براساس سال، ماه و روز به عدد درج می‌شود.

۴. در حال حاضر توصیف اسناد به صورت پوشه‌ای است؛ از این رو سطح در توصیف نوشته نمی‌شود.

۵. گستره رسانه واحد توصیف در سه قسمت شامل تعداد صفحات، پاکت و نامه؛ ضمائم، مثل جدول و نقشه؛ و پیوست (منابع الصاقی مانند نشریه و کارت پستال) است و به شرح زیر نوشته می‌شود:

۵/۱. اسناد صفحه‌شماری می‌شوند.

۵/۲. اگر پشت و روی پاکت ضمیمه اسناد، اطلاعات داشته باشد، آن‌ها نیز صفحه‌شماری می‌شود. به پاکت فاقد اطلاعات و به عبارتی سفید هم، یک شماره صفحه اختصاص داده می‌شود و جزء صفحات شمارش می‌شود.

۵/۳. در گذشته بایگان، مشخصات نامه‌ها را از جمله عنوان و تاریخ آن‌ها را به ترتیب ورود، بر روی پوشه‌های بایگانی می‌نوشت. برای پوشه‌های منظم - که اسنادی که روی پوشه نوشته شده باشد به ترتیب وجود داشته باشد - تعداد ردیف نامه‌ها در قسمت نامه درج می‌شود.



۶. برای اسناد اهدایی به جای عنصر نام ایجادکننده، «یادداشت منشأ» می آید که نام اهداکننده و ایجادکننده در آن درج می شود.
۷. برای عنصر «اطلاعات مربوط به ارزش یابی، امحاء و جدول زمان بندی»، آئین نامه ای در حال تصویب است.
۸. عنصر «شرایط حاکم بر دسترسی»، سطح دسترسی نام دارد. طبق تعریف، اسناد به پنج سطح (۱، ۲، ۳، ۴، ۵) تعریف شده اند. سطح یک عمومی است و برای مراجعان قابل مشاهده است. سطح های دیگر با نظر سلسله مراتب به صورت محدود قابل رؤیت اند. به مراجعان به سطح یک تا سقف معین شده تصویر سند داده می شود و در سطح های دیگر با نظر سلسله مراتب، تصویر داده می شود.
۹. به جای عنصر مشخصه های فیزیکی و الزامات فنی، در جدول excel «نیاز به مرمت» نوشته می شود.
۱۰. عنصر «وجود و نگهداری اصل سوابق»: برای اسنادی که به صورت کپی یا رونوشت هستند، دو کلمه مذکور (کپی یا رونوشت) در عنوان نوشته می شود؛ ولی پیگیری برای محل وجود اصل سوابق در دستور کار نیست.
۱۱. به جای «یادداشت آرشیودار»، فهرست نویس آمده است. نام کنترل کننده وجود ندارد؛ زیرا اعتقاد بر آن است که افراد خبره کار توصیف را انجام می دهند.
- کدام هم اکنون در سطح پوشه به توصیف اسناد می پردازد و از چهارده عنصر بهره می برد که یازده عنصر آن با تفاوت هایی در نام، با استاندارد ملی توصیف آرشیوی هم خوانی دارند. متما از سه عنصر خارج از استاندارد ملی توصیف نیز استفاده می کند.
- ۱۲/۱. از قبل بر روی کارتن اسناد، موضوع مشترک پوشه های داخل آن نوشته شده است؛ چنانچه نوشته نشده باشد، آرشیودار آن را می سازد و روی کارتن در قلاب می نویسد. موضوع کارتن عنصری است که در توصیف درج می شود.
- ۱۲/۲. عنصر ارجاعات بیانگر یادداشت هایی در پوشه، حاکی از ادغام پرونده در پوشه ای دیگر است؛ مثلاً محتویات این پرونده در پوشه X بایگانی شده است.
- ۱۲/۳. کاربرگه ها را اپراتور وارد رایانه می کند.
- شایان ذکر است که بنابه گفته مسئول مربوطه، عناصر توصیفگرهای موضوع، اشخاص و تالگان در کاربرگه دستی طراحی شده اند و چون در حال حاضر اسناد نمایه سازی نمی شوند، این عناصر فاقد اطلاعات هستند؛ حتی ممکن است در آینده تغییراتی هم در فرم ایجاد شود.

## ۷. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

استادوخ			استاندارد ملی		
کاربرگه مشتینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
+	+	شماره راهنمای سند/شماره سند	کد(های) ارجاع	۱	۱. شرح شناسه
+	+	موضوع سند؛ عنوان پرونده	عنوان	۲	
+	+	تاریخ سند	تاریخ(ها)	۳	
-	-		سطح توصیف	۴	
-	-	صفحه، پیوست	گستره و رسانه واحد توصیف	۵	
-	-		نام ایجادکننده	۶	۲. زمینه
-	-		تاریخچه اداری/شرح حال	۷	
-	-		سابقه آرشیوی	۸	
-	-		منبع مستقیم فراهم آوری یا انتقال	۹	
+	+	چکیده	دامنه و محتوا	۱۰	۳. محتوا و ساختار
-	-		اطلاعات مربوط به ارزش یابی، امحاء و جدول زمان بندی	۱۱	
-	-		گسترش	۱۲	
-	-		نظام تنظیم	۱۳	
-	-		شرایط حاکم بر دسترسی	۱۴	۴. شرایط دسترسی و استفاده
-	-		شرایط حاکم بر بازتولید	۱۵	
+	+	زبان	زبان/خط	۱۶	
-	به مرمت نیاز دارد		مشخصه های فیزیکی و الزامات فنی	۱۷	
-	-		بازیاگیریها	۱۸	

### جدول ۵

مقایسه عناصر توصیف استادوخ با  
استاندارد ملی توصیف آرشیوی





استادوخ			استاندارد ملی		
کاربرگه مشمینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
-	-		وجود و محل نگهداری اصل سوابق	۱۹	۵. منابع مرتبط
-	-		وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق	۲۰	
-	-		واحدهای توصیف مرتبط	۲۱	
-	-		یادداشت‌انتشارات	۲۲	
توضیحات	یادداشت‌ها		یادداشت	۲۳	۶. یادداشت‌ها
-	فهرست‌نویس، نماینه‌نویس، ویرایشگر، کنترل‌کننده		یادداشت آرشیودار	۲۴	۷. کنترل توصیف
-	-		قواعد یا قراردادهای	۲۵	
-	تاریخ		تاریخ(های)توصیف(ها)	۲۶	

### ادامه جدول ۵

مقایسه عناصر توصیف استادوخ با  
استاندارد ملی توصیف آرشیوی

توضیح جدول شماره پنج (شرایط توصیف اسناد در مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه):

۱. استادوخ تاکنون از دو کاربرگه دستی یکی در سطح فقره با تغییرات متعدد و دیگری برای سطح پرونده بهره برده است. برای هر پوشه کاربرگه‌ای تهیه می‌شود؛ از این رو سطح پرونده در آرشیو مذکور معنا ندارد. در سطح فقره نام کاربرگه «فیش برگ پروژه فهرست نویسی اسناد آرشیو» و نام کاربرگه پوشه‌ها «کاربرگه نمایه‌سازی اسناد» است. در بالای کاربرگه ماشینی نوشته شده است: «نرم‌افزار سفیر». براساس جدول شماره پنج، بین کاربرگه‌های دستی و ماشینی چهار تفاوت وجود دارد.

۲. نام عنصر «کد ارجاع»، شماره راهنمای سند است که از چپ به راست شامل سال، کارتن، پوشه و سریال است که در ستون‌های مربوطه نوشته می‌شود. منظور از سریال تعداد صفحه هر پوشه است که از ... تا ... نوشته می‌شود. از ... تا ... از آن جهت است که گاهی یک عنوان پرونده بیش از یک پوشه دارد؛ بنابراین پوشه‌ها پشت سرهم صفحه‌شماری می‌شوند.



۳. عنصر عنوان در سطح فقره، «موضوع سند» و در پوشه، «عنوان پرونده» نام دارد.
۴. عنصر تاریخ، تاریخ سند نام دارد که روز و ماه و سال به عدد و در صورت لزوم از ... تا ... نوشته می‌شود؛ نوع تاریخ نیز درج می‌شود.
۵. عنصر «گستره و رسانه واحد توصیف» وجود ندارد؛ ولی چون اسناد صفحه‌شماری می‌شوند و در سریال نوشته می‌شوند، می‌توان تعداد صفحه را با توجه به توضیح بند ۲ فوق به دست آورد. مقصود از سریال، در سطح فقره شماره سند است که به ترتیب ورود اسناد نوشته می‌شود. چنانچه پاکت ضمیمه اسناد باشد، شماره صفحات اسناد، بدون شمارش پاکت، روی آن نوشته می‌شود. پیوست‌ها شامل عکس، نقشه، کارت، روزنامه و ... است.
۶. در کاربرگ‌های دستی و نیز ماشینی عنصر شرایط حاکم بر دسترسی وجود ندارد؛ ولی در عمل، مراجعان به اطلاعات موجود در نرم‌افزار دسترسی دارند. به مراجعان تا سقف معین شده، کپی تصاویر اسناد بدون طبقه‌بندی اداری (محرمانه، خیلی محرمانه، سری و به کلی سری)، روی لوح فشرده داده می‌شود.
۷. عنصر خط وجود ندارد؛ ولی زبان آمده است.
۸. به جای عنصر مشخصه‌های فیزیکی و الزامات فنی، در کاربرگ دستی در سطح فقره، عبارت‌های «به مرمت نیاز دارد» و «عفونت/آلودگی مشهود» آمده است که جلوی هریک علامت زده می‌شود. در کاربرگ دستی پوشه در عنصر یادداشت، پارگی سند نوشته می‌شود.
۹. در کاربرگ دستی، در عنصر یادداشت نوشته شده است: «یادداشت‌ها (شامل نواقص)». در این عنصر، مفقودی، کسری و پارگی سند یا هر اطلاعی که در جایی دیگر جایگاه نداشته باشد، نوشته می‌شود. نام عنصر یادداشت در کاربرگ ماشینی، توضیحات است.
۱۰. در عنصر «یادداشت آرشیودار»، در کاربرگ دستی نام فهرست‌نویس/نمایه‌نویس و ویرایشگر/کنترل‌کننده می‌آید. در این قسمت ورود اطلاعات را اپراتور انجام می‌دهد.
۱۱. در کاربرگ دستی، عنصر تاریخ به معنای تاریخ توصیف آمده است.
- استادوخ از سیزده عنصر در توصیف استفاده کرده است که نه عنصر آن با تفاوت‌هایی در نام، با استاندارد ملی توصیف آرشیوی هم‌خوانی دارد. استادوخ براساس نیاز سازمانی از چهار عنصر خارج از استاندارد ملی توصیف شامل کلیدواژه، سجع مهر، فرستنده، و گیرنده هم بهره می‌برد.

## ۸. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

ساکما			استاندارد ملی		
کاربرگه مشینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
+	+	شناسه سند	کد(های) ارجاع	۱	۱. شرح شناسه
+	+	عنوان	عنوان	۲	
+	+	تاریخ	تاریخ(ها)	۳	
+	+	سطح توصیف	سطح توصیف	۴	
+	+	مشخصه‌های فیزیکی	گستره و رسانه واحد توصیف	۵	
+	+	منشأ	نام ایجادکننده	۶	۲. زمینه
+	+	تاریخچه اداری/ شرح حال	تاریخچه اداری/شرح حال	۷	
+	+	تاریخچه آرشیوی	سابقه آرشیوی	۸	
+	+	سابقه انتقال	منع مستقیم فراهم آوری یا انتقال	۹	
+	+	محتوا	دامنه و محتوا	۱۰	۳. محتوا و ساختار
+	+	یادداشت	اطلاعات مربوط به ارزش یابی، امحاء و جدول زمان بندی	۱۱	
+	+	پیوست‌های بعدی	گسترش	۱۲	
+	+	شیوه تنظیم	نظام تنظیم	۱۳	
+	+	اطلاعات دسترسی	شرایط حاکم بر دسترسی	۱۴	۴. شرایط دسترس و استفاده
-	-		شرایط حاکم بر بازتولید	۱۵	
+	+	زبان/خط	زبان/خط	۱۶	
+	+	ویژگی‌های ظاهری و نیازهای فنی	مشخصه‌های فیزیکی و الزامات فنی	۱۷	
+	+	یادداشت	بازرابط‌ها	۱۸	

### جدول ۶

مقایسه عناصر توصیف ساکما با استاندارد  
ملی توصیف آرشیوی



ساکما		استاندارد ملی			
کاربرگه مشینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
+	+	محل نگهداری	وجود و محل نگهداری اصل سوابق	۱۹	۵. منابع مرتبط
-	-		وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق	۲۰	
+	+	اسناد وابسته	واحد های توصیف مرتبط	۲۱	
-	-		یادداشت انتشارات	۲۲	
+	+	یادداشت	یادداشت	۲۳	۶. یادداشت ها
+	+	نام کارشناس و مسئول	یادداشت آرشیودار	۲۴	۷. کنترل توصیف
+	-	قواعد یا قراردادهای	قواعد یا قراردادهای	۲۵	
تاریخ فهرست نویسی	تاریخ توصیف		تاریخ (های) توصیف (ها)	۲۶	

## ادامه جدول ۶

مقایسه عناصر توصیف ساکما با استاندارد ملی توصیف آرشیوی

توضیح جدول شماره شش (شرایط توصیف اسناد در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران):

۱. نام کاربرگه دستی، «کاربرگه توصیف اسناد (متنی-کاغذی)» است. کاربرگه ماشینی بدون نام است. در نام گذاری عنصر «تاریخ (های) توصیف (ها)»، بین کاربرگه های دستی و ماشینی تفاوت وجود دارد.

۲. ویژگی سواد، رونوشت، کپی و ... در اسناد غیراصل، در عنوان سند نوشته می شود.

۳. چنانچه سند دارای تاریخ باشد، در عنصر تاریخ نوشته می شود. در غیر این صورت بنابه نظر کارشناس حدود تاریخ، دوره حکومتی یا دوره تاریخی درج می شود.

۴. اطلاعات «گستره و رسانه واحد توصیف» در عنصر «مشخصه های فیزیکی» نوشته می شود.

۵. عنصر «شرایط حاکم بر دسترسی»، اطلاعات دسترسی نام دارد. سطح دسترسی به اسناد براساس آئین نامه، (آزاد، دارای محدودیت، ممنوع) تعریف شده است. اسناد ممنوع در سیستم قابل رؤیت نیستند. تاکنون برای کاربرهای ویژه به صورت دستی و بنابه نظر سلسله مراتب، خدمات داده می شده است و در نظر است در آینده به صورت سیستمی این روش اجرا شود. در سطح دسترسی آزاد، تصویر سند به مراجعان داده می شود.



۶. از دو عنصر «شرایط حاکم بر بازتولید» و «وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق» استفاده نمی‌شود.
۷. عنصر مشخصه‌های فیزیکی و الزامات فنی دو قسمت است. در بخش اول ویژگی ظاهری اسناد شامل تعداد، حجم، ابعاد و ضمائم اسناد نوشته می‌شود و در بخش دوم نیازهای فنی نوشته می‌شود؛ بدین نحو که کارشناس مرمت توصیه می‌کند که سند به مرمت، ضد عفونی و... نیاز دارد.
۸. در عنصر یادداشت انتشارات، تاکنون اطلاعاتی وارد نشده است.
۹. اطلاعات مربوط به عنصر «ارزش‌یابی، امحاء و جدول زمان‌بندی» در عنصر «یادداشت» نوشته می‌شود. به علت محدودیت در نرم‌افزار، اطلاعات عنصر «بازیبگرها» در یادداشت آورده می‌شود.
۱۰. عنصر «یادداشت آرشیودار» شامل نام کارشناس امر توصیف و ورود اطلاعات، و نیز نام کارشناس مسئول بازبینی است.
۱۱. عنصر قواعد یا قراردادها به صورت پیش فرض<sup>۱</sup> در کاربرگه ماشینی با همین نام می‌آید. ساکما برای توصیف اسناد از ۲۳ عنصر استاندارد ملی به صورت مستقیم یا در عنصر یادداشت استفاده می‌کند. ساکما از یک عنصر خارج از استاندارد ملی توصیف هم به نام «توصیفگر و توصیفگر پیشنهادی» شامل تنالگان، نام شخص، نام جغرافیا، موضوع و نام خاندان استفاده می‌کند.

1. Default

## ۹. مؤسسه کتاب‌خانه و موزه ملی ملک

مؤسسه ملک			استاندارد ملی		
کاربرگه ماشینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	ناحیه توصیف
+	+	شماره اموالی	کد(های) ارجاع	۱	۱. شرح شنسه
نام اثر	عنوان سند		عنوان	۲	
تاریخ خلق اثر	تاریخ خلق سند		تاریخ(ها)	۳	
-	-		سطح توصیف	۴	
+	+	برگ(صفحه) // ابعاد/الحاقات و ضمائم	گستره و رسانه واحد توصیف	۵	

### جدول ۷

مقایسه عناصر توصیف مؤسسه ملک با استاندارد ملی توصیف آرشیوی



مؤسسه ملک			استاندارد ملی		ناحیه توصیف
کاربرگه ماشینی	کاربرگه دستی	عناصر توصیف	عناصر توصیف	ردیف	
-	-		نام ایجادکننده	۶	۲. زمینه
-	-		تاریخچه اداری/شرح حال	۷	
-	-	-	سابقه آرشیوی	۸	
+	+	نحوه دستیابی	منبع مستقیم فراهم آوری یا انتقال	۹	
شرح مختصر	چکیده		دامنه و محتوا	۱۰	۲. محتوا و ساختار
-	-		اطلاعات مربوط به ارزش یابی، امحاء و جدول زمان بندی	۱۱	
-	-		گسترش	۱۲	
-	-		نظام تنظیم	۱۳	
+	+	مجوز دسترسی عمومی	شرایط حاکم بر دسترسی	۱۴	۴. شرایط دسترسی و استفاده
-	-		شرایط حاکم بر بازتولید	۱۵	
+	+	زبان/خط	زبان/خط	۱۶	
+	+	شرایط حفاظتی و موتی	مشخصه های فیزیکی و الزامات فنی	۱۷	
-	-		بازلیکرها	۱۸	۵. منابع مرتبط
+	+	محل نگهداری	وجود و محل نگهداری اصل سوابق	۱۹	
-	-		وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق	۲۰	
-	-		واحدهای توصیف مرتبط	۲۱	
سابقه پژوهش	-		یادداشت انتشارات	۲۲	۶. یادداشت ها
-	-		یادداشت	۲۳	
+	+	تأیید اطلاعات	یادداشت آرشیودار	۲۴	
-	-		قواعد یا قراردادها	۲۵	
+	+	تاریخ	تاریخ(های) توصیف(ها)	۲۶	۷. کنترل توصیف

### ادامه جدول ۷

مقایسه عناصر توصیف مؤسسه ملک با استاندارد ملی توصیف آرشیوی

توضیح جدول شماره هفت (شرایط توصیف اسناد در کتابخانه و موزه ملی ملک):  
 ۱. نام کاربرگه دستی، «شناسنامه تخصصی اسناد» و نام کاربرگه ماشینی، «شناسنامه تخصصی» است. عناصر توصیف، با بررسی کاربرگه های چند مرکز آرشیوی و نیازهای مؤسسه ملک طراحی شده است.



۲. کاربرگه ماشینی براساس استانداردهای موزه‌ای طراحی شده‌است و شامل اطلاعات اسناد و اشیاء است. بین نام عناصر کاربرگه دستی با کاربرگه ماشینی چهار تفاوت وجود دارد.

۳. به جای کد ارجاع از شماره اموالی استفاده شده‌است که از چپ به راست شامل سال ثبت، کد مجموعه و سریال سند است. مثل ۱۳۹۶، ۳۱، ۵۰۲۹.

۳/۱. سال ثبت به صورت عدد چهاررقمی نوشته می‌شود.

۳/۲. کد مجموعه: برای هر نوع اثری مثل نقاشی، نگارگری، خوش‌نویسی، سند و ... متفاوت است. این کد از شماره ۱ به ترتیب به بالا داده شده است؛ مثلاً کد اسناد عدد ۳۱ است.

۳/۳. سریال سند: شماره سریال اسناد خریداری، اهدایی، وقفی، انتقالی و ... به صورت درهم‌کرد از عدد یک آغاز می‌شود و ادامه دارد. به عبارتی همه اسناد به ترتیب ورود، شماره سریالی ترتیبی (پشت سرهم) می‌گیرند. در نرم‌افزار از طریق عنصر نوع دستیابی می‌توان به روش تهیه مثل خریداری، اهدایی و ... پی‌برد.

۴. تاریخ سند برای سال شمسی روز و ماه و سال با عدد است و برای سال قمری نام ماه به حروف درج می‌شود. دوره تاریخی سند بدون تاریخ براساس حدس و گمان نوشته می‌شود.

۴. اسناد در سطح فقره توصیف می‌شوند؛ از این رو این عنصر در کاربرگه‌های دستی و ماشینی تعریف نشده‌است.

۵. در عنصر «گستره و رسانه واحد توصیف»، در سه قسمت تعداد برگ (صفحه)، ابعاد (cm)، و الحاقات و ضمائم شامل: پاکت، تمبر، عکس، نقشه، قاب، پاسپار تو<sup>۱</sup>، و سایر نوشته می‌شود.

۶. عنصر نام ایجادکننده، تحت عنوان «مجموعه‌های راه‌یافته» در فرم‌های جداگانه ثبت می‌شود.

۷. عنصر «منبع مستقیم فراهم‌آوری یا انتقال سند»، «نحوه دستیابی» نام دارد و شامل پارامترهای اهدایی، اهداکننده، وقفی، واقف؛ خریداری/قیمت، فروشنده؛ انتقالی، منتقل شده از؛ سایر، توضیح؛ تاریخ ورود اثر به مؤسسه؛ تاریخ تأیید نهایی و تملک توسط مؤسسه؛ شماره صورت‌جلسه مالکیت و توضیحات است. جلوی اولین مورد هر پارامتر علامت زده می‌شود و برای دومین مورد، توضیح مربوطه مثل نام اهداکننده، واقف و غیره نوشته می‌شود.

۸. عنصر «شرایط حاکم بر دسترسی»، «مجوز دسترسی عمومی» نام دارد و شامل پارامترهای آزاد، محدود، ممنوع، و توضیح است که کارشناس، هریک از موارد را علامت‌گذاری می‌کند یا توضیحی می‌نویسد؛ مثلاً دسترسی با نظر مدیر. احتمال دارد که

۱. پاسپارتو: اصطلاحی فرانسوی است. مقوایی است که بین تصویر یا اثر هنری و شیشه قاب قرار می‌گیرد و برای تأکید بیشتر بر اصل کار، جلوه بیشتر و هم‌چنین محافظت اثر در برابر رطوبت، خم‌شدگی و سایر عوامل به‌کار می‌رود.



- دسترسی‌ها تغییر یابند یا همیشگی باشند؛ برای تغییرات قاعده خاصی وجود ندارد.
۹. برای عناصر زبان و خط، (زبان/زبان‌ها)؛ (نوع خط برای متن اصلی)؛ سایر گونه‌های خط (برای طغرا، مهر و سایر موارد)؛ (رنگ/رنگ‌های مرکب) در نظر گرفته شده است.
۱۰. عنصر مشخصه‌های فیزیکی و الزامات فنی، شرایط حفاظتی و مرمتی نام دارد. این عنصر شامل وضعیت کلی اثر: کامل، ناقص (توضیح)؛ وضعیت آسیب‌دیدگی: سالم، آسیب‌دیده (توضیح)؛ نوع آسیب: فعال، غیرفعال و مستعد فعالیت، کاملاً فعال (توضیح)؛ مرمت پیشین: ندارد، دارد (توضیح)؛ (به مرمت نیاز ندارد، در نوبت مرمت قرار گیرد، به صورت اضطراری مرمت شود و توضیحات) است. کارشناسان قسمت حفاظت بر روی هزینه نگهداری سند نظر می‌دهند؛ چه بسا به دلیل هزینه هنگفت احیا یا مخاطره‌آمیز بودن سند برای سایر اسناد، از دریافت سند اهدایی و غیره خودداری شود.
۱۱. عنصر وجود و محل نگهداری اصل سوابق، «محل نگهداری» نام دارد و آن شامل مخزن، عنوان / شماره مخزن، شماره قفسه / ریل، شماره کشو / جعبه / آلبوم است.
۱۲. عنصر «یادداشت انتشارات»، در کاربرگه ماشینی، «سابقه پژوهش» نام دارد؛ ولی فاقد اطلاعات است.
۱۳. عنصر «یادداشت آرشیودار»، «تأیید اطلاعات» نام دارد و شامل نام تنظیم‌کننده، نام و سمت تأییدکننده، امضای امین اموال است. ورود اطلاعات این قسمت را کارشناس توصیف انجام می‌دهد.
- مؤسسه ملک برای توصیف اسناد از سی و چهار عنصر استفاده می‌کند که سیزده عنصر آن با تفاوت‌هایی در نام، با استاندارد ملی توصیف آرشیوی هم‌خوانی دارند. این مؤسسه از بیست و یک عنصر بیرون از استاندارد ملی آرشیو هم بهره می‌برد:
- ۱۴/۱. «نوع سند»، در کاربرگه دستی با همین نام و در کاربرگه ماشینی با عنوان نوع اثر آمده است. اسناد براساس نظر کارشناس در تقسیم‌بندی‌ای کلی قرار می‌گیرند؛ مثلاً سند شرعی.
- ۱۴/۲. «موضوع» در کاربرگه دستی با همین نام و در کاربرگه ماشینی با عنوان موضوع اثر آمده است؛ مثلاً مبایعه‌نامه.
- ۱۴/۳. «شماره ثبت پیشین»، مربوط به آثار قبلی است که شماره ورودی ندارند.
- ۱۴/۴. «شماره ورودی»، شماره موقت و منحصری است که به ترتیب به همه آثار ورودی - حتی آثار پیشنهاد شده برای خرید هم - داده می‌شود. ممکن است سندی برای خریداری به مجموعه وارد شود، ولی توافق خرید حاصل نشود؛ آنگاه سند به صاحبش برگردانده می‌شود و دیگر از آن شماره استفاده نمی‌شود.



- ۱۴/۵. «تکنیک‌های خلق اثر» شامل دست‌نویس، چاپ، کپی، طلااندازی و سایر است.
- ۱۴/۶. «پدیده‌آوران» با ذکر نقش شامل نام اشخاصی است که در خلق سند نقش داشته‌اند؛ مثلاً عبدالمجید، درویش، خطاط.
- ۱۴/۷. «گستره جغرافیایی مرتبط»: برای جلوگیری از تشابه در نام مکان، اطلاعات کلی منطقه جغرافیایی نوشته می‌شود. مثلاً شمال غرب ایران.
- ۱۴/۸. «حاکم / حاکم محلی»: نام شاه و حاکم محل عیناً نوشته می‌شود. مثلاً ناصرالدین‌شاه/محمدتقی میرزا رکن‌الدوله.
- ۱۴/۹. «اصالت سند» براساس نظر کارشناس درج می‌شود؛ مانند اصل، کپی/زیراکس، بدل (جعل)، رونوشت، سایر موارد، توضیحات.
- ۱۴/۱۰. «میزان اهمیت» بنابه نظر کارشناس نوشته می‌شود؛ شامل: منحصر به فرد، خیلی مهم، مهم، معمولی، توضیحات.
- ۱۴/۱۱. «علت اهمیت» با نظر کارشناس نوشته می‌شود؛ شامل: ارزش هنری، ارزش تاریخی، ارزش اجتماعی، ارزش مردم‌شناسی، ارزش تکنیکی و فن‌شناسی، وابستگی به مشاهیر، ارزش جنس سند، سایر.
- ۱۴/۱۲. «مشخصات ظاهری» شامل: شکل سند (طوماری، عمودی، مستقیم)، جلد/پوشش، جنس سند/نوع کاغذ، رنگ سند/کاغذ، سایر جنس‌ها، سایر توضیحات.
- ۱۴/۱۳. «تزیینات» شامل: ندارد، دارد، تذهیب، نگارگری، تصویرسازی، جدول‌بندی، تشعیر، سرلوح، کتیبه عنوان، تزیین بین سطرها، طلااندازی، سایر، سبک/مکتب، شرح کیفی و کمی تزیینات.
- ۱۴/۱۴. «سجلات» شامل: ندارد، دارد، تعداد سجلات، محل سجلات، صادرکننده سجل اصلی (یکی از تأییدکننده‌های اصلی).
- ۱۴/۱۵. «مهر» شامل: ندارد، دارد، تعداد مهرها، مهر اصلی شامل: محل، نوع، شکل، رنگ جوهر، مالک و متن است.
- ۱۴/۱۶. «توشیح» به معنای حاشیه است شامل: ندارد، دارد، محل توشیح، توشیح‌کننده.
- ۱۴/۱۷. «طغری» شامل: ندارد، دارد، متن طغری.
- ۱۴/۱۸. «امضا» شامل: ندارد، دارد، محل امضا، امضاکننده.
- بخش توضیحات که مربوط به بندهای ۱۴/۱۴ تا ۱۴/۱۸ است.
- ۱۴/۱۹. «ظهر سند»، منظور کل اطلاعات ظهر است.
- ۱۴/۲۰. در «واژگان کلیدی»، توصیف‌گرهای مقید و پیشنهادی نوشته می‌شوند.
- ۱۴/۲۱. «اطلاعات کارشناسی» شامل: کارشناس/قیمت‌گذار اولیه، تاریخ کارشناسی، شماره نامه کارشناسی.



ب. در پاسخ به سؤال سوم تحقیق: آیا نام و کاربرد عناصر توصیف در آرشیوهای داخلی با استاندارد ملی توصیف آرشیوی یکی است؟

ردیف	استاندارد ملی	متنا	ساکهاقی	بخش خطی دانشگاه تهران	کدام	استادوخ	ساکها	مؤسسه ملک
۱	کد(های) ارجاع	شماره راهنما	شماره اموالی/ شماره سند	شماره بازایی	شماره بازایی	شماره راهنمای سند/شماره سند	شناسه سند	شماره اموالی
۲	عنوان	عنوان	موضوع سند/عنوان	عنوان	عنوان پوشه/عنوان اصلی	موضوع سند؛ عنوان پرونده	عنوان	عنوان سند/ نام اثر
۳	تاریخ(ها)	تاریخ سند	تاریخ سند	تاریخ	تاریخ اسناد/تاریخ سند	تاریخ سند	تاریخ	تاریخ خلق سند/اثر
۴	سطح توصیف						سطح توصیف	
۵	گستره و رسانه واحد توصیف	صفحه	صفحه اندازه و ضخایم	برگ (صفحه)	تعداد صفحات، پاکت، نامه، ضمایم و پیوست	صفحه، پیوست		برگ (صفحه)
۶	نام ایجادکننده		منشأ سند		یادداشت منشأ		منشأ	
۷	تاریخچه اداری/ شرح حال	درج در فرم					تاریخچه اداری/شرح حال	

### جدول ۸

عناوین عناصر توصیف آرشیوهای داخلی در مقایسه با استاندارد ملی توصیف آرشیوی



ردیف	استاندارد ملی	متن	سازگاری	بخش خطی دانشگاه تهران	کدام	استادوخ	سازگاری	مؤسسه ملک
۸	سابقاً آرشیوی						تاریخچه آرشیوی	
۹	منبع مستقیم فراهم آوری یا انتقال	درج در دفتر	نحوه تهیه	نام ارائه کننده	شرح محتوا/چکیده	چکیده	منبع مستقیم فراهم آوری یا انتقال	نحوه دسترسی
۱۰	دامنه و محتوا			محتوا			محتوا	چکیده/شرح مختصر
۱۱	اطلاعات مربوط به ارزشیابی، امضاء و جدول زمان بندی						اطلاعات مربوط به ارزشیابی، امضاء و جدول زمان بندی	
۱۲	گسترش						گسترش	
۱۳	نظام تنظیم						نظام تنظیم	
۱۴	شرایط حاکم بر دسترسی	نوع دسترسی	مجوز دستیابی	سطح دستیابی	سطح دسترسی		اطلاعات دسترسی	مجوز دسترسی عمومی
۱۵	شرایط حاکم بر بازتولید							
۱۶	زبان/خط	زبان	زبان/خط	زبان/خط	زبان/خط	زبان	زبان/خط	زبان/خط

### ادامه جدول ۸

عناوین عناصر توصیف آرشیوهای داخلی  
در مقایسه با استاندارد ملی توصیف  
آرشیوی



ردیف	استاندارد ملی	متن	سابق	بخش خطی دانشگاه تهران	کلام	استادوخ	ساکها	مؤسسه ملک
۱۷	مشخصه‌های فیزیکی و الزامات فنی		نیاز به مرمت			به مرمت نیاز دارد	تعداد، حجم، ضلعه، ویژگی‌های ظاهری و نیازهای فنی	شرایط حفاظتی و موتی
۱۸	بازبینی‌ها						پداداشت	
۱۹	وجود و محل نگهداری اصل سوابق		محل نگهداری				محل نگهداری	محل نگهداری
۲۰	وجود و محل نگهداری روزنوشت سوابق	درج در دفتر						
۲۱	واحدهای توصیف وابسته						واحدهای توصیف وابسته	

### ادامه جدول ۸

عناوین عناصر توصیف آرشیوهای داخلی در مقایسه با استاندارد ملی توصیف آرشیوی



ردیف	استاندارد ملی	متمم	سازگاری	بخش خطی دانشگاه تهران	کدام	استادوخ	ساکما	مؤسسه‌ملک
۱۲	یادداشت انتشارات						یادداشت انتشارات (فاقد اطلاعات)	سابقه پژوهش (فاقد اطلاعات)
۱۳	یادداشت	توضیحات	ملاحظات و نظریه کارشناسی	یادداشت‌ها	یادداشت کلی	یادداشت‌ها/توضیحات	یادداشت	یادداشت برای هر عنصر
۱۴	یادداشت آرشیووار	غایب‌ساز/ ویرایشگر	ارژندیاب/ بازرین/ غایب‌ساز	فهرست‌نویس بازرین	فهرست‌نویس	فهرست‌نویس	نام کارشناس و مسئول	تأیید اطلاعات
۱۵	قواعد یا قراردادها						قواعد یا قراردادها	
۱۶	تاریخ‌های (توصیف‌ها)	تاریخ غمایه‌سازی و ویرایش	تاریخ ارژندیابی/ بازرینی	تاریخ فهرست‌نویسی	تاریخ	تاریخ	تاریخ فهرست‌نویسی/تاریخ توصیف	تاریخ

### ادامه جدول ۸

عناوین عناصر توصیف آرشیوهای داخلی در مقایسه با استاندارد ملی توصیف آرشیوی



- براساس عناصر استاندارد ملی و باتوجه به جدول شماره هشت:
۱. «کد(های) ارجاع»، با نام‌های شماره راهنما، شماره راهنمای سند، شماره سند، شماره اموالی، شماره‌بازایی و شناسه سند در همه آرشیوها آمده است.
  ۲. «عنوان»، با نام‌های عنوان/پوشه/اصلی/پرونده/سند، موضوع سند، و نام اثر در همه آرشیوها درج شده است.
  ۳. «تاریخ(ها)»، به صورت تاریخ، تاریخ سند/اسناد، تاریخ خلق سند/اثر در همه آرشیوها نوشته شده است.
  ۴. «سطح توصیف» فقط در ساکما ذکر شده است.
  ۵. «گستره و رسانه واحد توصیف»، با نام‌های صفحه، برگ (صفحه)، تعداد صفحات، پاکت، نامه، ضمیمه و پیوست در شش آرشیو آمده است.
  ۶. «نام ایجادکننده» در سه آرشیو با نام‌های منشأ/یادداشت سند، و منشأ آمده است.
  - ۷ و ۸. عناصر «تاریخچه اداری/شرح حال» و «تاریخچه آرشیوی» فقط در ساکما ذکر شده‌اند.
  ۹. «منبع مستقیم فراهم‌آوری یا انتقال»، در ساکما با همین نام و در سه آرشیو دیگر با نام‌های «نحوه تهیه»، «نام ارائه‌کننده» و «نحوه دستیابی» آمده است.
  ۱۰. «دامنه و محتوا» در پنج آرشیو با نام‌های محتوا، چکیده، شرح محتوا/چکیده و چکیده/شرح مختصر آمده است و در دو آرشیو دیگر با بهره‌برداری از عنوان محتوا، عنصر مذکور حذف شده است.
  - ۱۱ و ۱۲ و ۱۳. عناصر اطلاعات مربوط به «ارزش‌یابی، امحاء و جدول زمان‌بندی»؛ «گسترش»؛ و «نظام تنظیم» فقط در ساکما استفاده شده‌اند.
  ۱۴. «شرایط حاکم بر دسترسی» در شش آرشیو با نام‌های «نوع دسترسی»، «مجوز دستیابی»، «سطح دسترسی»، «اطلاعات دسترسی» و «مجوز دسترسی عمومی» آمده است.
  ۱۵. «شرایط حاکم بر بازتولید» در هیچ‌یک از آرشیوها نیامده است.
  ۱۶. «زبان/خط» با نام‌های زبان و زبان/خط در همه آرشیوها آمده است.
  ۱۷. «مشخصه‌های فیزیکی و الزامات فنی» در چهار آرشیو با نام‌های «نیاز به مرمت»، «به مرمت نیاز دارد»، «ویژگی‌های ظاهری و نیازهای فنی» و «شرایط حفاظتی و مرمتی» آمده است.
  ۱۸. «بازیابگر» فقط در ساکما در عنصر یادداشت نوشته شده است.
  ۱۹. «وجود و محل نگهداری اصل سوابق» در سه آرشیو با نام «محل نگهداری» درج می‌شود.

۲۰. عنصر «وجود و محل نگهداری رونوشت سوابق» در هیچ یک از آرشیوها به کار نرفته است.
۲۱. «واحد‌های توصیف وابسته» فقط در ساکما استفاده شده است.
۲۲. «یادداشت انتشارات» فقط در دو آرشیو با نام‌های «سابقه انتشار» و «سابقه پژوهش» طراحی شده است، ولی فاقد اطلاعات است.
۲۳. «یادداشت» که بیشترین کاربرد را دارد، در شش آرشیو با نام‌های «توضیحات»، «ملاحظات و نظریه کارشناسی»، «یادداشت‌ها»، «یادداشت کلی»، «یادداشت‌ها/توضیحات»، و «یادداشت» وجود دارد. در یک آرشیو برای هر عنصر یادداشت تعریف شده است.
۲۴. «یادداشت آرشیودار»، در همه آرشیوها با نام‌های «نمایه‌ساز/ویرایشگر»، «ارزش‌یاب/بازبین/نمایه‌ساز»، «فهرست‌نویس/بازبین»، «نام کارشناس و مسئول»، و «تأیید اطلاعات» آمده است.
۲۵. «قواعد یا قراردادها» فقط در کاربرگه ماشینی ساکما به صورت پیش فرض تعریف شده است.
۲۶. «تاریخ(های) توصیف‌ها» در همه آرشیوها با نام‌های «تاریخ نمایه‌سازی و ویرایش»، «تاریخ ارزش‌یابی/بازبینی»، «تاریخ فهرست‌نویسی»، «تاریخ» و «تاریخ توصیف» درج شده است.

### ج. در پاسخ به سؤال چهارم تحقیق: عناصر موردنیاز توصیف در آرشیوهای داخلی به‌غیراز استاندارد ملی کدام‌اند؟

در جدول شماره نه عناصر موردنیاز آرشیوها به‌غیراز عناصر استاندارد ملی آرشیو آمده است:

جدول براساس تشابه ردیف‌ها تنظیم شد. مشخصات ظاهری در مؤسسه ملک به دلیل تشابه اجزاء با سایر مراکز شامل شکل سند، ابعاد، جلد، نوع کاغذ، رنگ کاغذ، به صورت جزء تقسیم شد.



ردیف	متما	ساکماق	بخش خطی دانشگاه تهران	کهام	استادوخ	ساکما	مؤسسه ملک
۱	کلیدواژه	کلیدواژه	نماینه	توصیفگر (فاقد اطلاعات)	کلیدواژه	توصیفگها	واژگان کلیدی
۲	ورود اطلاعات توسط توصیف کننده	ورود اطلاعات توسط اپراتور	ورود اطلاعات توسط اپراتور	ورود اطلاعات توسط اپراتور	ورود اطلاعات توسط اپراتور	ورود اطلاعات توسط توصیف کننده	ورود اطلاعات توسط توصیف کننده
۳	شکل	شکل	شکل				اصالت سند
۴		نوع سند	نوع سند				نوع سند
۵		آرایش هنری	مشخصت ظاهری				تزینت
۶		درجه اهمیت					میزان اهمیت
۷					سجج مهر		مهر
۸		نوع کاغذ					نوع کاغذ
۹							رنگ کاغذ
۱۰			یادداشت تملک				
۱۱		شناسایی سند					
۱۲				موضوع کارتن			
۱۳				ارجاعات			

### جدول ۹

عناصر مورد نیاز آرشیوها به غیر از عناصر  
استاندارد ملی





ردیف	متما	ساکماقی	بخش خطی دانشگاه تهران	کمام	استادوخ	ساکما	مؤسسه ملک
۱۴				نام عام مواد			
۱۵					فرستنده		
۱۶					گیرنده		
۱۷						تکنیک‌های خلق اثر	
۱۸						پدیدآوران	
۱۹						محل خلق اثر	
۲۰						گستره جغرافیایی مرتبط	
۲۱						حاکم/حاکمان محلی	
۲۲						علت اهمیت	
۲۳						موضوع	
۲۴						ورودی	
۲۵						سجلات	
۲۶						حاشیه	
۲۷						امضاء	
۲۸						ظاهر سند	
۲۹						شماره ثبت پیشین	

۱. در ابتدا به هریک از مدارک ورودی  
شماره ثبت مسلسل داده می‌شود.

### ادامه جدول ۹

عناصر مورد نیاز آرشیوها به غیر از عناصر  
استاندارد ملی



ردیف	متما	ساکماق	بخش خطی دانشگاه تهران	کمام	استادوخ	ساکما	مؤسسه ملک
۳۰							اطلاعات کارشناسی
۳۱			یادداشت‌های مربوط به صحافی				

### ادامه جدول ۹

عناصر موردنیاز آرشیوها به‌غیراز عناصر  
استانداردملی

- براساس ردیف‌های جدول شماره نه، صرف‌نظر از تعریف واقعی عنصر:
۱. «توصیف‌گرهای مقید و پیشنهادی»، موردنیاز همه آرشیوهاست که با نام‌های کلیدواژه، نمایه، توصیف‌گر(ها) و واژگان کلیدی آمده‌است.
  ۲. در آرشیوها، «ورود اطلاعات» را توصیف‌کننده یا اپراتور انجام می‌دهد.
  ۳. «اصالت» که بانام شکل نیز آمده‌است موردنیاز چهار آرشیو است.
  ۴. «نوع سند» موردنیاز سه آرشیو است.
  ۵. «آرایه‌ها» در سه آرشیو موردنیاز است و با نام‌های «آرایش هنری»، «مشخصات ظاهری» و «تزئینات» آمده‌است.
  ۶. در دو آرشیو «درجه اهمیت» یا «میزان اهمیت» مدنظر است.
  ۷. «سجع مهر» یا «مهر» در دو آرشیو موردنیاز است؛ اگرچه با ردیف ده -یادداشت تملک (مهر و امضا) -ازبابت مهر و نیز ردیف بیست‌وپنج -سجلات- اشتراکاتی دارند.
  - ۸ و ۹. «نوع کاغذ» در دو آرشیو و رنگ آن در یک آرشیو مدنظر است.
  ۱۰. ردیف‌های ده و بیست‌وهفت ازبابت امضا با یکدیگر شبیه‌اند؛ اگرچه با ردیف بیست‌وپنج -سجلات- اشتراکاتی دارند.
  ۱۳. ردیف‌های نه تا سی‌ویک، فقط در یکی از آرشیوها کاربرد دارند.

### ۱۰. نتیجه

از ۲۶ عنصر استاندارد ملی دو عنصر «شرایط حاکم بر بازتولید» و «یادداشت انتشارات» در هیچ‌یک از آرشیوها استفاده نشده‌است. بدین ترتیب در آرشیوها از بیست‌وچهار



عنصر استاندارد ملی به صورت مستقیم - البته با نام‌های مختلف - یا درج در عنصر یادداشت یا فرم‌های جداگانه استفاده شده است؛ بدیهی است عناصر فاقد اطلاعات جزء این آمار نیستند.

هشت عنصر «سطح توصیف»؛ «سابقه آرشیوی»؛ «ارزش یابی، امحاء و جدول زمان بندی»؛ «شیوه تنظیم»؛ «گسترش های آتی»؛ «بازیاگرها»؛ «واحدهای مرتبط با توصیف»؛ «قواعد و قراردادهای فقط در ساکما طراحی و استفاده شده است.

همه آرشیوها البته با نام‌های مختلف از شش عنصر «کد(های) ارجاع»؛ «عنوان»؛ «تاریخ(ها)»؛ «زبان/خط»؛ «یادداشت آرشیودار» و «تاریخ(های) توصیف(ها)» بهره برده اند. ده عنصر «نام ایجادکننده»؛ «تاریخچه اداری/شرح حال»؛ «گستره و رسانه واحد توصیف»؛ «منبع مستقیم فراهم آوری یا انتقال»؛ «دامنه و محتوا»؛ «شرایط حاکم بر دسترسی»؛ «مشخصه های فیزیکی و الزامات فنی»؛ «وجود و محل نگهداری اصل سوابق»؛ «وجود و نگهداری رونوشت سوابق» و «یادداشت» در برخی از آرشیوها استفاده شده است.

تعداد سی و یک عنصر خارج از استاندارد ملی براساس نیازهای سازمانی تعریف شده اند که هشت عنصر در دو تا هفت آرشیو نیاز است و مابقی تنها در یکی از آرشیوها نیاز است. در این زمینه باتوجه به پیشینه پژوهش، ضروری بودن امر توسعه توصیف باتوجه به اقتضانات بومی مورد تأکید است.

قبلاً رشته مطالعات آرشیوی در کشور وجود نداشت. متخصصان علم اطلاعات و دانش شناسی، تاریخ و رشته های دیگر در اغلب آرشیوهای مورد مطالعه تصدی داشتند و دارند و یا سیاست گذاری کرده اند؛ از این رو نام کاربرگه به جز در ساکما در بقیه آرشیوها با ادبیات آرشیو مطابق نیست و با عناوین مختلف: «کاربرگه نمایه سازی اسناد»، «کاربرگه مشخصات اسناد مکتوب»، «کاربرگه فهرست نویسی اسناد»، «کاربرگه فهرست نویسی اسناد پارلمان»، «فیش برگ پروژه فهرست نویسی اسناد آرشیو»، «شناسنامه تخصصی اسناد» و «شناسنامه تخصصی» آمده است.

## ۱۱. پیشنهادها

۱. مدیریت آرشیو کشور در ساکما فعال شود و بر روند فراهم آوری، تنظیم و توصیف، ارائه خدمات، حفاظت و نگهداری در آرشیوها نظارت داشته باشد.
۲. جلسات آموزشی، توجیهی و کارشناسی تحت نظر مدیریت مذکور برگزار شود.
۳. آرشیوها ملزم شوند تا مقررات و شیوه نامه های آرشیوی به ویژه استاندارد ملی توصیف را رعایت کنند.



۴. عناصر مورد نیاز خارج از استاندارد ملی توصیف برای هریک از آرشیوها، در سازمان مدیریت آرشیو کشور و براساس پیشنهاد، بررسی و تصویب شود.
۵. در کشور نرم افزاری برای آرشیوهای مکتوب وجود ندارد؛ برای تعدادی از آرشیوها نرم افزار مستقل نوشته شده است و تعدادی دیگر از نرم افزارهای کتابداری استفاده می کنند؛ ولی عموماً آرشیوداران و مراجعان از آن‌ها رضایت ندارند؛ بنابراین بر تألیف نرم افزار خاص آرشیو تأکید می شود.
۶. درباره روش کدگذاری در سطح‌های مختلف توصیف و نیز هماهنگی در کدهای سازمانی تصمیم جدی گرفته شود.
۷. با هدف توسعه استاندارد توصیف، بر تحقیقات وسیع در حوزه سندشناسی به ویژه برای انواع اسناد تاریخی تأکید می شود.

## منابع فارسی

### کتاب

- سازمان ملی استاندارد ایران. (۱۳۹۸). *توصیف آرشیوی - کلیات: استاندارد ملی ایران شماره ۲۲۷۵۴*.
- عزیزی، غلامرضا و دیگران. (۱۳۹۱). *مجموعه قوانین و مقررات و شیوه نامه های آرشیوی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

### مقاله

- اسفندیاری، فاطمه؛ میرحسینی، زهره؛ بزرگی، اشرف السادات. (زمستان ۱۳۹۰). «فهرست نویسی اسناد آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران براساس استاندارد بین المللی تنظیم و توصیف آرشیوی (ایساد)». فصل نامه *گنجینه اسناد*، سال بیست و یکم، دفتر چهارم، صص ۱۱۴-۱۳۴.
- اصنافی، امیررضا؛ کوکبی، مرتضی؛ رضایی شریف آبادی، سعید. (زمستان ۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی عناصر ایساد با فیلدهای یونی مارک، مارک ایران و مارک ۲۱». فصل نامه *گنجینه اسناد*، سال بیست و پنجم، دفتر چهارم، صص ۱۱۲-۱۲۹.
- باغستانی ساناز؛ خسروی، فریبرز. (تابستان ۱۳۹۵). «شیوه توصیف اسناد آرشیوی در آرشیو ملی ایران در دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۹۰». فصل نامه *گنجینه اسناد*، سال بیست و ششم، دفتر دوم، صص ۱۱۴-۱۳۲.
- عادلی، معصومه؛ رضایی شریف آبادی، سعید؛ خسروی، فریبرز. (پاییز ۱۳۸۹). «مهم ترین عناصر توصیف آرشیوی از دید صاحب نظران حوزه آرشیو در ایران». فصل نامه *گنجینه اسناد*، سال بیستم، دفتر سوم، صص ۱۴۸-۱۶۵.
- نظری، آناهیتا. (۱۳۹۸). «توصیف عنوان منابع آرشیوی براساس استانداردهای بین المللی». فصل نامه *گنجینه اسناد*، ۲۹(۴)، صص ۱۶۸-۱۸۵.



## منابع غیرفارسی

- Bunn, Jeniffer. (2013). "Developing descriptive standards a renewed call to action. Archives and records". *The Journal of the archives and records association*, 34(2), pp 235-247. Doi: 10.1080/23257962.2013.830066.
- ICA. (2000). "ISAD(G): General International Standard Archival Description".
- Youn, Eunha (2011). "Standardization of Archival description in Korea: Examining the understanding, adoption, and Implementation of ISAD(G)". Published by proquest LLC 2012.

## English Translation of References

### Books

- Azizi, Gholamreza et al. (1391/2012). "*Majmu'eqavānin vamoqrrarāt va šive-nāme-hā-ye āršivi*" (Collection of archival rules, regulations and guidelines). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran).[Persian]
- ICA. (2000). "ISAD(G): General International Standard Archival Description". Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). (1398/2019). "*Towsif-e āršivi – Kolliyāt: Eštāndārd-e Melli-ye Irān šomāre-ye 22754*" (Archival description - General: National Standard of Iran No. 22754).[Persian]
- Youn, Eunha (2011). "Standardization of Archival description in Korea: Examining the understanding, adoption, and Implementation of ISAD(G)". Published by proquest LLC 2012.

### Articles

- Adeli, Masoumeh; Rezaee Sharifabadi, Saeed; & Khosravi, Fariborz. (Fall 1389/2010). "Mohemtarinan āsor-e towsif-e āršiviaz did-e sāheb-nazarān-e howze-ye āršivdar Irān" (The most important elements of archival description from the point of view of archival experts in Iran). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 20(3), pp. 148 – 165.[Persian]



- Asnafi, Amirreza; Kokabi, Morteza; RezaeeSharifabadi, Saeed. (Winter 1394/2015). "Barrsi-ye tatbiqi-ye anāsor-e Isādbāfild-hā-ye yuni-mārk, mārk-e Irānva mark-e 21" (Comparative study of ISAD elements with Unimark, Iran Mark and Mark 21 fields). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 25(4), pp. 112 – 129.[Persian]
- Baghestani, Sanaz; &Khosravi, Fariborz. (Summer 1395/2016). "Šive-ye towsif-e asnād-e āršividarāršiv-e melli-ye Irān dar dowre-ye zamāni-ye 1350 – 1390" (The method of describing archival documents in the National Archives of Iran in the period 1350 to 1390 SH / 1971- 2011). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 26(2), pp. 114 – 132.[Persian]
- Bunn, Jeniffer. (2013). "Developing descriptive standards a renewedcallto action. Archives and records". *The Journal of theArchives and Records Association*, 34(2), pp. 235-247. Doi: 10.1080/23257962.2013.830066.
- Esfandiari, Fatemeh; Mirhosseini, Zohreh; &Bozorgi Ashraf Al-Sadat. (Winter 1390/2012). "Fehrest-nevisi-ye asnād-e āršivi-ye Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān bar asās-e estāndārd-e bein-ol-melali-ye tanzimvatowsif-e āršivi (Isād)" (Catalog of archival documents of National Library and Archives Organization of Iran based on the international standard of archival arrangement and description (ISAD)). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 21(4), pp. 114 – 134.[Persian]
- Nazari, Anahita. (1398/2019). "Towsif-e 'onvān-e manābe'-e āršivi bar asās-e estāndārd-hā-ye bein-ol-melali" (Description of the title of archival resources based on international standards). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 29(4), pp. 168 – 185. [Persian]



# نمایه سال ۱۴۰۱ فصلنامه گنجینه اسناد

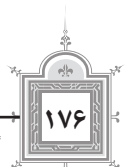
سید محمود سادات بیدگلی<sup>۱</sup>

## نمایه عنوان‌ها

- آموزش «انگلیسی برای اهداف ویژه»: گامی  
برای توانمندسازی آرشیوداران: بررسی  
تأثیر استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای بر  
مهارت خواندن، دانش واژگان، و رفتارهای  
خودتنظیمی آرشیوداران ایرانی ۱۲۵: ۱۴۴-  
۱۸۲
- ۱۲۲۲-۱۳۴۰/ق ۱۸۰۷-۱۹۲۲م) ۴۶: ۱۲۵-  
۶۹ برنامه هسته‌ای دولت پهلوی دوم و اهمیت  
آرشیوهای دیجیتال آنلاین در شناخت آن  
۱۲۶: ۳۸-۸۰
- پایش کمی و کیفی محیطی و بیولوژیک  
در مخازن و فضاهای کتابخانه‌ای در  
مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشگاه میراث  
فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران  
۱۲۶: ۱۵۰-۱۷۸
- پژوهش‌های مرتبط با هستی‌شناسی در  
حوزه موزه ۱۲۸: ۱۳۸-۱۶۸
- پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در  
همدان (۱۳۲۰-۱۳۲۵ش) ۱۲۷: ۶-۳۶
- تبلیغات در صنعت جهانگردی در دوره  
پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷) ۱۲۵: ۷۰-۱۱۱
- تحلیل عرایض انتخاباتی دوره بیست‌ویکم  
مجلس شورای ملی ۱۲۶: ۸۲-۱۲۱
- تحول ساختار نیروی انتظامی ایران در  
عصر قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ش) براساس  
اسناد تاریخی ۱۲۷: ۳۸-۶۵
- چرایی و چگونگی تجارت دریایی مردم  
بازنگری در تاریخ و زمان بندی حکومت  
فرترکه‌ها در پارس ۱۲۸: ۶-۴۵
- بازنمایی رتبه درباری رجال و  
صاحب‌منصبان در مکاتبات رجال درباری  
ایران و هند در دوره شاه سلیمان صفوی  
(۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) ۱۲۶: ۶-۳۷
- بررسی روند و رویکردهای برگزاری  
مراسم «هزاره فردوسی» ۱۳۱۳ش در جهان  
۱۲۸: ۴۶-۷۶
- بررسی نقش‌آفرینی جنبش دانش‌آموزی  
در عمومی‌سازی مبارزات انقلاب اسلامی:  
مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع متوسطه  
شهر اصفهان (۱۳۵۰-۱۳۵۷) ۱۲۵: ۶-۴۵
- بررسی و تحلیل روند تأسیس کارخانه‌های  
تولید اسلحه و فشنگ در دوره قاجار

۱. استادیار تاریخ پژوهشکده امام خمینی و  
انقلاب اسلامی

m.sadat@yahoo.com





بوشهر با هندوستان (۱۳۰۵ - ۱۳۵۰ ش) ۱۱۰-۷۸: ۱۲۸  
تجار ساری در دوره قاجار ۱۲۵: ۱۱۲-۱۴۳

### نمایه نویسندگان

- در راستای توصیف اسناد تاریخی: شناسایی و معرفی مهرهای صدراعظم‌های قاجار ۱۲۵: ۱۸۴-۲۲۵
- سندشناسی مکتوبات صدراعظم‌های قاجار (حکم، تعلیقه، نوشته) ۱۲۷: ۱۳۶-۱۶۵
- طراحی فرایند فراهم‌آوری اسناد در معاونت اسناد ملی ایران (آرشیو ملی ایران) با کمک سامانه جامع مدیریت اسناد ۱۲۵: ۲۴۵-۲۲۶
- فراز و فرود تعیین مسیر راه‌آهن سراسری ایران ۱۲۶: ۱۲۲-۱۴۹
- کاربردپذیری ابزارهای کمک جستجو در نرم‌افزار سازمان اسناد ملی ایران از دیدگاه کاربران ۱۲۸: ۱۷۰-۱۹۶
- مدیریت آرشیوهای دانشگاهی در دانشگاه‌های برتر جهان ۱۲۶: ۱۸۰-۲۱۲
- موزه سلسله پهلوی: نمایش ایدئولوژی دولت پهلوی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی ۱۲۸: ۱۱۲-۱۳۷
- نبرد در «دره شلیر» (عملیات والفجر ۴) ۱۲۷: ۶۶-۱۰۸
- نظام تیول‌داری در مازندران در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق) ۱۲۷: ۱۱۰-۱۳۵
- نقش سرمایه‌گذاری سازمان‌های آرشیوی در سرمایه اجتماعی، بر عملکرد آرشیویست‌ها ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹
- نوع و نحوه مصرف موقوفات روحانیون و
- آبام، زویا ۱۲۶: ۱۸۰-۲۱۲
- اله‌یاری، فریدون ۱۲۵: ۶-۴۵
- باب‌الحوائجی، فهیمه ۱۲۵: ۲۲۶-۲۴۵
- بابایی، کوثر ۱۲۶: ۱۸۰-۲۱۲
- بازیار، مرضیه ۱۲۸: ۱۱۲-۱۳۷
- بختیاری، سمیه: ۱۲۵: ۷۰-۱۱۱
- براقی، فضل‌الله ۱۲۸: ۶-۴۵
- برزین، سید صاحب ۱۲۸: ۶-۴۵
- بصیرت‌منش، حمید ۱۲۶: ۸۲-۱۲۱
- پورمحمدی املشی، نصرالله ۱۲۷: ۶۶-۱۰۸
- جان‌احمدی، فاطمه ۱۲۷: ۳۸-۶۵
- جعفری باقی‌آبادی، سمیه ۱۲۸: ۱۷۰-۱۹۶
- چمنکار، محمدجعفر ۱۲۶: ۳۸-۸۰
- حریری، نجلا ۱۲۵: ۲۲۶-۲۴۵
- خالدی، انور ۱۲۷: ۶-۳۶
- خندان، محمد ۱۲۵: ۱۸۴-۲۲۵
- خویی، رؤیا ۱۲۵: ۱۴۴-۱۸۲
- دهقان‌نژاد، مرتضی ۱۲۵: ۴۶-۶۹
- رشتچی، مژگان ۱۲۵: ۱۴۴-۱۸۲
- رشیدیان زرینی، علی ۱۲۷: ۳۸-۶۵
- رضایی شریف‌آبادی، سعید ۱۲۶: ۱۸۰-۲۱۲
- شافعی، کیوان ۱۲۷: ۶-۳۶
- شعبانی مقدم، عادل ۱۲۵: ۴۶-۶۹
- شهرابی فراهانی، رضا ۱۲۵: ۲۲۶-۲۴۵
- صراف‌زاده، مریم ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹
- ضرغامی، زهرا ۱۲۵: ۱۴۴-۱۸۲
- طرفداری، علی محمد ۱۲۸: ۴۶-۷۶



- یدالله پور عربی، معصومه ۱۲۷: ۱۱۰-۱۳۵
- یوسفی فر، شهرام ۱۲۷: ۱۱۰-۱۳۵
- نمایه موضوعی**
- آرشیو ملی ۱۲۵: ۲۲۶-۲۴۵
- آرشیو ملی ایران ۱۲۸: ۱۷۰-۱۹۶
- آرشیو ۱۲۶: ۱۸۰-۲۱۲؛ ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹
- آرشیوهای دانشگاهی ۱۲۶: ۱۸۰-۲۱۲
- آرشیویست ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹
- آموزش آرشیوداران ۱۲۵: ۱۴۴-۱۸۲
- ابزار کمک جستجوی آرشیوی ۱۲۸: ۱۷۰-۱۹۶
- اجاره زمین ۱۲۷: ۱۱۰-۱۳۵
- ارزش‌یابی اسناد ۱۲۵: ۲۲۶-۲۴۵
- اسناد آنلاین دیجیتال ۱۲۶: ۳۸-۸۰
- اسناد تاریخی ۱۲۵: ۱۸۴-۲۲۵
- اصلاحات نظامی ۱۲۵: ۶۹-۱۲۵
- انتخابات ۱۲۶: ۸۲-۱۲۱
- انقلاب اسلامی ۱۲۵: ۶-۴۵
- انگلستان ۱۲۶: ۱۲۲-۱۴۹
- انگلیسی با اهداف ویژه برای آرشیو ۱۲۵: ۱۴۴-۱۸۲
- ایدئولوژی ۱۲۸: ۱۱۲-۱۳۷
- ایران ۱۲۵: ۷۰-۱۱۱
- برنامه‌های چند رسانه‌ای ۱۲۵: ۱۴۴-۱۸۲
- بوشهر ۱۲۸: ۷۸-۱۱۰
- پارس ۱۲۸: ۶-۴۵
- پایش محیطی ۱۲۶: ۱۵۰-۱۷۸
- پهلوی دوم ۱۲۵: ۷۰-۱۱۱؛ ۱۲۶: ۳۸-۸۰
- پیامدهای اجتماعی ۱۲۷: ۶-۳۶
- عادل فر، باقر علی ۱۲۷: ۶۶-۱۰۸
- عرفان منش، پرستو ۱۲۶: ۱۵۰-۱۷۸
- عصاره، فریده ۱۲۸: ۱۳۸-۱۶۸
- فراستی، رضا ۱۲۵: ۱۸۴-۲۲۵
- فرج‌پهلوی، عبدالحسین ۱۲۸: ۱۳۸-۱۶۸
- فروتن، مجید ۱۲۷: ۶-۳۶
- فروغی ابری، اصغر ۱۲۵: ۴۶-۶۹
- فری زاده، زینب ۱۲۸: ۱۳۸-۱۶۸
- فهیمی فر، سپیده ۱۲۸: ۱۷۰-۱۹۶
- قانونی، مریم ۱۲۵: ۶-۴۵
- قصری، محمد ۱۲۷: ۳۸-۶۵
- کاظم بیگی، محمد علی ۱۲۷: ۱۱۰-۱۳۵
- کیومرث، فیضی ۱۲۷: ۶۶-۱۰۸
- کیانی، محمد قربان ۱۲۷: ۶-۳۶
- محمد مرادی، اصغر ۱۲۸: ۱۱۲-۱۳۷
- مشهدی رفیع، علی ۱۲۶: ۶-۳۷
- معماریان، غلامحسین ۱۲۸: ۱۱۲-۱۳۷
- موسوی، مونا السادات ۱۲۸: ۱۷۰-۱۹۶
- نصرالهی، زهرا ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹
- نظامی، غلامحسین ۱۲۸: ۷۸-۱۱۰
- نقشینه، نادر ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹
- نوحی باباجان، نسرين ۱۲۶: ۱۵۰-۱۷۸
- نورائی، مرتضی ۱۲۵: ۶-۴۵
- نوروزی، جمشید ۱۲۵: ۱۱۲-۱۴۳
- نوروزی، فرشید ۱۲۵: ۱۱۲-۱۴۳
- نوری، مصطفی ۱۲۶: ۱۲۲-۱۴۹
- نوشین فرد، فاطمه ۱۲۵: ۲۲۶-۲۴۵
- نیک‌نژاد، علیرضا ۱۲۷: ۱۳۶-۱۶۵
- هادیان دهکردی، منیژه ۱۲۶: ۱۵۰-۱۷۸
- وصفی، محمدرضا ۱۲۵: ۱۸۴-۲۲۵

- روحانیون ۱۲۵: ۱۱۲-۱۴۳  
روسیه ۱۲۶: ۱۲۲-۱۴۹  
ژاندارمری ۱۲۷: ۳۸-۶۵  
ساختار ۱۲۷: ۳۸-۶۵  
ساری ۱۲۵: ۱۱۲-۱۴۳  
سازمان ۱۲۷: ۳۸-۶۵  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ۱۲۸:  
۱۷۰-۱۹۶  
سازمان جلب سیاحان ۱۲۵: ۷۰-۱۱۱  
سامانه جامع مدیریت اسناد ۱۲۵: ۲۲۶-۲۴۵  
سرمایه اجتماعی ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹  
سکه‌های پارس ۱۲۸: ۶-۴۵  
سلوکیان ۱۲۸: ۶-۴۵  
شاه سلیمان صفوی ۱۲۶: ۶-۳۷  
شاهنامه پژوهی ۱۲۸: ۶۶-۷۶  
صدر اعظم‌ها ۱۲۵: ۱۸۴-۲۲۵  
صدر اعظم‌ها ۱۲۷: ۱۳۶-۱۶۵  
صنعت جهانگردی ۱۲۵: ۷۰-۱۱۱  
صنعت هسته‌ای ۱۲۶: ۳۸-۸۰  
عریض ۱۲۶: ۸۲-۱۲۱  
عملکرد شغلی ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹  
فراهم‌آوری اسناد ۱۲۵: ۲۲۶-۲۴۵  
فرایندهای سازمانی ۱۲۵: ۲۲۶-۲۴۵  
فرتکه ۱۲۸: ۶-۴۵  
فرسودگی زیستی ۱۲۶: ۱۵۰-۱۷۸  
قاجار ۱۲۵: ۱۱۲-۱۴۳؛ ۱۲۶: ۱۲۲-۱۴۹؛  
۱۲۷: ۱۱۰-۱۳۵؛ ۱۲۷: ۱۳۶-۱۶۵  
کاخ مرمر ۱۲۸: ۱۱۲-۱۳۷  
کاربر آرشیو ۱۲۸: ۱۷۰-۱۹۶  
کاربردپذیری ۱۲۸: ۱۷۰-۱۹۶  
کاربردهای هستی‌شناسی ۱۲۸: ۱۳۸-۱۶۸  
تبلیغات ۱۲۵: ۷۰-۱۱۱  
تجار ۱۲۵: ۱۱۲-۱۴۳  
تجارت دریایی ۱۲۸: ۷۸-۱۱۰  
تعلیقه ۱۲۷: ۱۳۶-۱۶۵  
تعهد به سازمان ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹  
تعهد به کیفیت خدمات ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹  
جنگ ایران و عراق ۱۲۷: ۶۶-۱۰۸  
جنگ جهانی دوم ۱۲۷: ۶-۳۶  
حفاظت پیشگیرانه ۱۲۶: ۱۵۰-۱۷۸  
حکم ۱۲۷: ۱۳۶-۱۶۵  
خالصه ۱۲۷: ۱۱۰-۱۳۵  
خلیج فارس ۱۲۸: ۷۸-۱۱۰  
دارالانشاء  
دانش واژگان ۱۲۵: ۱۴۴-۱۸۲  
دانش‌آموزان ۱۲۵: ۶-۴۵  
دانشگاه‌های برتر جهان ۱۲۶: ۱۸۰-۲۱۲  
درآمدهای ارضی ۱۲۷: ۱۱۰-۱۳۵  
درک مطلب ۱۲۵: ۱۴۴-۱۸۲  
دره شلیر ۱۲۷: ۶۶-۱۰۸  
دفاع مقدس ۱۲۷: ۶۶-۱۰۸  
دوره بیست و یکم ۱۲۶: ۸۲-۱۲۱  
دوره قاجار ۱۲۵: ۷۰-۱۱۱، ۱۸۴-۲۲۵: ۱۲۷:  
۳۸-۶۵  
دولت پهلوی ۱۲۸: ۱۱۲-۱۳۷  
دیوانیات ۱۲۶: ۶-۳۷  
راه‌آهن سراسری ۱۲۶: ۱۲۲-۱۴۹  
رتبه اجتماعی ۱۲۶: ۶-۳۷  
رضاشاه پهلوی ۱۲۶: ۱۲۲-۱۴۹  
رضاشاه ۱۲۸: ۶۶-۷۳  
رفتار شهروندی سازمانی ۱۲۷: ۱۶۶-۱۹۹  
رفتارهای خودتنظیمی ۱۲۵: ۱۴۴-۱۸۲



- کارخانهٔ اسلحه‌سازی ۱۲۵: ۶۹-۴۶
- کارخانهٔ توپ‌ریزی ۱۲۵: ۶۹-۴۶
- کارخانهٔ فشنگ‌سازی ۱۲۵: ۶۹-۴۶
- کتاب‌خانه ۱۲۶: ۱۷۸-۱۵۰
- مازندران ۱۲۷: ۱۳۵-۱۱۰
- متفقین ۱۲۷: ۳۶-۶
- مجلس شورای ملی ۱۲۶: ۱۲۱-۸۲
- محمدرضا شاه پهلوی ۱۲۸: ۱۳۷-۱۱۲
- مدیریت آرشیو ۱۲۶: ۲۱۲-۱۸۰
- مرکز اسناد ۱۲۶: ۱۷۸-۱۵۰
- مریوان ۱۲۷: ۱۰۸-۶۶
- مشارکت سیاسی ۱۲۵: ۴۵-۶
- مقطع متوسطه ۱۲۵: ۴۵-۶
- ملی‌گرایی ۱۲۸: ۷۶-۴۶
- مهرشناسی ۱۲۵: ۲۲۵-۱۸۴
- موزهٔ سلسلهٔ پهلوی ۱۲۸: ۱۳۷-۱۱۲
- موقوفات ۱۲۵: ۱۴۳-۱۱۲
- نامه‌نگاری ۱۲۶: ۳۷-۶
- نظام تیول‌داری ۱۲۷: ۱۳۵-۱۱۰
- نظمیه ۱۲۷: ۶۵-۳۸
- نوشته ۱۲۷: ۱۶۵-۱۳۶
- نیروهای انتظامی ۱۲۷: ۶۵-۳۸
- هخامنشیان ۱۲۸: ۴۵-۶
- هزارهٔ فردوسی ۱۲۸: ۷۶-۴۶
- هستی‌شناسی موزه ۱۲۸: ۱۶۸-۱۳۸
- هستی‌شناسی میراث فرهنگی ۱۲۸: ۱۶۸-۱۳۸
- همدان ۱۲۷: ۳۶-۶
- هندوستان ۱۲۸: ۱۱۰-۷۸
- والفجر ۱۲۷: ۱۰۸-۶۶







## Table of contents

*Ganjineh-Ye Asnad*

(Peer-reviewed Journal)

Vol.33, No.1, (Spring 2023)

Ser.No: 129

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

### Historical Research

---

- Ottoman Citizens of Mukri Province and the Conflict Between Shahbandar Khaneh (Consulate) and the Foreign Affairs Agency of Savojbolagh Mukri in the Qajar Period (from the Middle of the Thirteenth Century AH to the End of the Qajar period) \ **Hossein Rasoli, Kamran sanaei** 6-31(26)
- The History of Persepolis Man-made Jungle (1959-1961) \ **Mahdi Taheri** 32-55(26)
- Rethinking the concepts of “Towachi” and “Jarchi(Town Crier)” \ **Yazdan Farrokhi** 56-76(21)
- The Role of Britain in Zil-al-Sultan’s Political Fate after his departure from Iran, Based on the Archival Records of Foreign, Commonwealth and Development Affairs of the United Kingdom (1908-1916) \ **Seyyed Masoud Seyyed bonakdar, Masomeh Pazhoheshniya** 78-115(38)

### Archival Studies

---

- Current Archival Arrangement, Description, and Services in the National Archives of Iran: An Analytical Survey \ **Reza Shahrabi Farahani, Fahimeh Babalhavaeji, Nadjla Hariri, Fatemeh Nooshinfard** 116-132(17)
- Conformity Assessment of the Archival Records Description Elements in the Archives of Iran \ **Reza Farasati, Mohammad Khandan, Mohammadreza Vasfi** 134-174(41)
- The Index of Articles Published in Ganjine-ye Asnad(2022-2023) **Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli** 176-180(5)

English Abstracts \ **Sanaz Baghestani**

# Ganjine-ye Asnad

## Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.33, No1, (Spring 2023)  
(129)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the  
Islamic Republic of Iran

### Editor-in-Chief:

Saeid Rezaei Sharifabadi, PhD [srezaei@alzahra.ac.ir](mailto:srezaei@alzahra.ac.ir)

### Managing Editor:

Golamreza Azizi, PhD [greazizi@gmail.com](mailto:greazizi@gmail.com)

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD [m.sadat@yahoo.com](mailto:m.sadat@yahoo.com)

### Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University  
of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip  
Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor,  
University of Tehran, Iran.

A.Hosseini Farajpahlou, Professor,  
Shahid Chamran University, Iran.

Saeid Rezaei Sharifabadi, Professor,  
Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University  
of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of  
Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor,  
University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor,  
National library and Archives of Iran,  
Iran.

Narges Neshat, Professor,  
National library and Archives of Iran,  
Iran.

S. Amirmasoud Shahramnia, Associate  
Professor, University of Isfahan, Iran.

[ganjineh.nlai.ir](http://ganjineh.nlai.ir) | Email: [ganjinehasnad@gmail.com](mailto:ganjinehasnad@gmail.com) | Tel: 9821 81625554

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

